

اقلیمی جدید برای صلح

اقدام در برابر مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری

گزارشی مستقل به سفارش گروه هفت

اقلیمی جدید برای صلح

اقدام در برابر مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری



گزارشی مستقل به سفارش کشورهای عضو گروه هفت
ارائه شده تحت ریاست آلمان بر گروه هفت



سلب مسئولیت:

تحلیل، نتایج و توصیه‌ها از جانب مؤلفان است و بیانگر
موضع رسمی گروه هفت یا هیچ‌یک از کشورهای عضو آن نیست.

نویسندگان مسئول:

Lukas Rüttinger, Dan Smith, Gerald Stang, Dennis Tänzler, and Janani Vivekananda

نویسندگان همکار:

,Oli Brown, Alexander Carius, Geoff Dabelko, Roger-Mark De Souza, Shreya Mitra
Katharina Nett, Meaghan Parker, and Benjamin Pohl

ویراستار:

Meaghan Parker

مترجمان:

عطیه خطیپی، علی اکبر شمس

طراحی:

Lucid. Berlin

حروفچینی:

Rupert Hertling, Berlin

تصویر جلد:

NASA / Johnson Space Center

,adelphi, International Alert, Woodrow Wilson International Center for Scholars ©
European Union Institute for Security Studies, 2015



فهرست

iv	شکل ها، اخبار کوتاه و جداول	
vii	چکیده ی اجرایی	
1	مقدمه	1
1	پیشگامی گروه هفت در پرداختن به تغییر اقلیمی و آسی پذیری	1.1
2	ویژگی های منحصر به فرد گزارش	1.2
2	روش شناسی	1.3
3	ساختار گزارش	1.4
5	مخاطرات درآمیخت هی اقلیم-آسیب پذیری	2
5	تغییرات اقلیمی و آسیب پذیری	2.1
16	رقابت بر سر منابع محلی	2.2
26	نامنی معیشتی و مهاجرت	2.3
34	وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی	2.4
42	بی ثباتی در قیمت ها و تأمین مواد غذایی	2.5
51	مدیریت آبهای فرامری	2.6
58	بالا آمدن سطح آب دریا و تخریب سواحل	2.7
64	تأثیرات ناخواسته ی سیاستهای اقلیمی	2.8
72	نتایج	2.9
77	تحلیل سیاستی: دستور کار یکپارچه برای تابآوری	3
81	سازگاری با تغییر اقلیمی	3.1
89	توسعه و کمکهای بشردوستانه	3.2
99	ایجاد صلح	3.3
105	نتایج	3.4
109	توصیه ها یک تعهد جدید برای تابآوری	4
111	توصیه ی 1: تلفیق از خانه آغاز می شود	4.1
112	توصیه ی 2: گرد هم آمدن برای گفت و گوی جدید	4.2
113	توصیه ی 3: تعیین دستور کار تابآوری جهانی	4.3
115	توصیه ی 4: شریک تابآوری	4.4
	پنج حوزه ی اقدام: پیشرفت در پنج کار مهم برای ایجاد تابآوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب پذیری	4.5
117		
123	تعهد جدید: زیربنای آینده ای صلح آمیزتر و تابآورتر	4.6
124	List of Abbreviations	
126	Glossary	
129	Bibliography	

41.....	کنا: خشکسالیهای با شروع تدریجی و مسائل امنیتی	14	اخبار کوتاه
48.....	مصر: بحران سیاسی و شورشهای نان در سال 2011	15	اخبار کوتاه
49.....	اردن: کمبود غذا و آب، پناهندگان و درگیری	16	اخبار کوتاه
50.....	میانمار: نوسان قیمت برنج	17	اخبار کوتاه
56.....	حوضه رود نیل: تغییر اقلیمی، مصرف بی‌رویه، و توسعه‌ی بالادستی	18	اخبار کوتاه
57.....	حوضه رود سند و دسترسی به آب	19	اخبار کوتاه
61.....	بنگلادش: تخریب سواحل و مهاجرت	20	اخبار کوتاه
62.....	کیریباتی: کشوری در معرض تهدید	21	اخبار کوتاه
63.....	جزایر اسپرانتلی: قلمرو مورد مناقشه	22	اخبار کوتاه
68.....	رواندا: مدیریت خطر بلایا آسیب‌پذیری را افزایش میدهد	23	اخبار کوتاه
69.....	اتحاد جهانی: کشاورزی هوشمند به اقلیم و بخش خصوصی	24	اخبار کوتاه
70.....	تأثیرات جهانی ذوب شدن یخ‌های قطب شمال	25	اخبار کوتاه
79.....	توافقنامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر و گروه مثبت هفت	26	اخبار کوتاه
87.....	رویکردهای بخشی: امنیت غذایی	27	اخبار کوتاه
99.....	رویکردهای بخشی: آبهای فرامرزی	28	اخبار کوتاه
101.....	پنج هدف صلحساز و دولتسازی	29	اخبار کوتاه

جداول

16.....	رقابت بر سر منابع محلی	1	جداول
26.....	ناامنی معیشتی و مهاجرت	2	جداول
34.....	وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی	3	جداول
42.....	بی‌ثباتی در قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی	4	جداول
51.....	مدیریت آبهای فرامرزی	5	جداول
58.....	بالا آمدن سطح آب دریا و تخریب سواحل	6	جداول
64.....	تأثیرات ناخواسته‌ی سیاستهای اقلیمی	7	جداول
81.....	ادغام آسیب‌پذیری در سیاستهای سازگاری با تغییر اقلیمی	8	جداول
86.....	صندوقهای حامی سازگاری کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو	9	جداول
89.....	ادغام سازگاری اقلیمی و آسیب‌پذیری در سیاستهای توسعه و کمکهای بشردوستانه	10	جداول
95.....	تعهدات و مصوبات بانک‌های توسعه‌ی چندجانبه برای کشورهای آسیب‌پذیر در سال 2013	11	جداول
99.....	ادغام سازگاری اقلیمی در سیاستهای ایجاد صلح	12	جداول
111.....	تلفیق از خانه آغاز میشود	13	جداول
112.....	گرد هم آمدن برای گفت‌وگوی جدید	14	جداول
113.....	تعیین دستور کار جهانی	15	جداول
115.....	شریک تابآوری	16	جداول
117.....	پنج حوزه‌ی اقدام	17	جداول

شکل ها، اخبار کوتاه و جداول

شکل ها

8	انتظار می‌رود فشارها و صدمات در آینده افزایش یابد	شکل 1
11	عنوان: مرزهای سیاره‌ای	شکل 2
12	مخاطرات اقلیمی با هم تلاقی می‌کنند	شکل 3
13	از آسیب‌پذیری تا تابآوری	شکل 4
14	موقعیتهای آسیب‌پذیری	شکل 5
18	کشاورزی دیم و درگیریها	شکل 6
19	عوامل خطر برای منابع طبیعی	شکل 7
37	کانون‌های بحران آسیب‌پذیری	شکل 8
44	ابرچرخه‌ی کالا	شکل 9
46	بحران‌های جهانی غذایی	شکل 10
52	نقشه‌ی نقاط کانونی کدام مناطق بالاترین خطر درگیری بر سر آب را دارند؟	شکل 11
73	هفت مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری دولت‌ها و جوامع را تهدید میکند	شکل 12
75	نتایج نظرسنجی	شکل 13
78	دستور کار یکپارچه برای تابآوری	شکل 14
80	نتایج نظرسنجی	شکل 15
84	ایجاد تابآوری در اقلیم در حال تغییر	شکل 16
92	واکنش انسانی به بلایا: چگونگی پیروی از اصل ضرر	شکل 17
94	دریافت‌کنندگان کمک‌های رسمی توسعه‌ای در سال 2011	شکل 18
97	شناسایی مداخلات مؤثر	شکل 19
116	توصیه‌ها تعهد جدید نسبت به تاب‌آوری	شکل 20

iii

اخبار کوتاه

3	جلسات تبادل نظر منطق‌های	اخبار کوتاه 1
15	این مخاطرات را با بررسی موارد زیر انتخاب کردیم	اخبار کوتاه 2
22	دارفور: تغییر اقلیمی و درگیری‌های میان دامپروران	اخبار کوتاه 3
23	اتیوپی: زمین‌خواری و رقابت جهانی بر سر مزارع	اخبار کوتاه 4
24	هند: رودخانه‌ی کاوری: رقابت بر سر آب	اخبار کوتاه 5
25	موزامبیک: رقابت بر سر زمین	اخبار کوتاه 6
30	سوریه: خشکسالی، ناامنی معیشتی، مهاجرت و درگیری	اخبار کوتاه 7
31	مالی: خشکسالی و شورش قبیله‌ی طوارق	اخبار کوتاه 8
32	گوآتمالا: شیوع زنگ‌زدگی برگ قهوه	اخبار کوتاه 9
33	سیرالئون: تغییر اقلیمی، کاهش ماهیگیری، و معیشت‌های در معرض خطر	اخبار کوتاه 10
38	تایلند: واکنش ضعیف در برابر سیل، پیامدهای سیاسی شدیدی دارد	اخبار کوتاه 11
39	سونامی اقیانوس هند: مقایسه‌ی سریلانکا و آچه، اندونزی	اخبار کوتاه 12
40	پاکستان: سوء مدیریت سیل و آسیب‌پذیری	اخبار کوتاه 13

چکیده‌ی اجرایی

تغییر اقلیمی تهدیدی جهانی برای امنیت در قرن بیست و یکم است. ما باید برای محدود کردن مخاطرات آینده برای سیاره‌ای که همه در آن زندگی می‌کنیم و صلحی که به دنبالش هستیم به سرعت وارد عمل شویم.

دستیابی به توافق مستحکم برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اما شتاب بی‌امان تغییر به ما می‌گوید که با وجود کاهش انتشارها در آینده، آثار فیزیکی تغییرات اقلیمی با منشأ انسانی از هم‌اکنون قابل مشاهده است و در دهه‌های آتی استمرار خواهد داشت.

تغییرات اقلیمی بر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان فشار وارد خواهد آورد. هرچا که نهادها و دولت‌ها قادر به مدیریت فشار یا جذب شوک‌های ناشی از تغییرات اقلیمی نباشند، مخاطرات تهدیدکننده‌ی ثبات کشورها و جوامع افزایش خواهد یافت.

شدیدترین مخاطرات هنگامی بروز می‌کنند که فشار آثار تغییرات اقلیمی بر کشورهای ضعیف بسیار زیاد میشود. تغییر اقلیمی آخرین «افزاینده‌ی تهدید» است: بر وخامت موقعیت‌های از قبل آسیب‌پذیر خواهد افزود و ممکن است منجر به شورش اجتماعی و حتی درگیری خشونت‌آمیز شود.

هرچند که آثار تغییرات اقلیمی را همه احساس خواهند کرد، تهدید آن‌ها برای مردم فقیرترین کشورها – و آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در این کشورها – از همه بیشتر است. هرچا که آسیب‌پذیری و درگیری وجود داشته باشد، مردم با موانع بسیار چالش‌برانگیزی برای سازگاری موفقیت‌آمیز روبه‌رو می‌شوند. اگر آنان نتوانند با آثار تغییرات اقلیمی سازگار شوند، خطر بی‌ثباتی افزایش می‌یابد و آن‌ها را گرفتار یک چرخه‌ی معیوب می‌سازد.

اگر فشار آن‌قدر زیاد و شوک آن‌قدر بزرگ باشد که نظام‌ها از عهده‌ی مدیریت صلح‌آمیز آن برنمایند، کشورهای به ظاهر باثبات نیز به سمت آسیب‌پذیری رانده می‌شوند. صلح و امنیت برای همه‌ی ما اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. همه‌ی ما در معرض مخاطرات هستیم – و از همین رو مسئولیت مقابله با آن‌ها نیز بر دوش همه است.

«اقلیمی جدید برای صلح: اقدام در برابر مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری»، گزارشی مستقل به سفارش اعضای گروه هفت، هفت مخاطر درآمیخته‌ی اقلیمی – آسیب‌پذیری را شناسایی می‌کند که دربردارنده‌ی تهدیدهای جدی برای ثبات کشورها و جوامع در دهه‌های پیش رو است. براساس ارزیابی کامل سیاست‌های موجود در زمینه‌ی سازگاری با تغییرات اقلیمی، همکاری‌های توسعه‌ای و کمک‌های بشردوستانه، و ایجاد صلح، این گزارش توصیه می‌کند که اعضای گروه هفت باید، هم به عنوان اعضای مستقل و هم به طور مشترک، اقدامات محسوسی برای مقابله با مخاطرات اقلیمی – آسیب‌پذیری و افزایش تابآوری کشورها و جوامع در برابر آن‌ها انجام دهند.

خواهند کرد، درحالی که دیگران ممکن است مجبور شوند به منابع غیررسمی یا غیرقانونی درآمد روی آورند. تغییرات اقلیمی هم الگوهای موجود مهاجرت و هم شمار افرادی را که احتمال دارد نقل مکان کنند تغییر خواهد داد. در عین حال که مهاجرت می‌تواند روشی مؤثر برای مقابله با استرس اقلیمی باشد، در صورت مدیریت ضعیف مهاجرت و اسکان مجدد، افزایش جابه‌جایی ناشی از آثار تغییرات اقلیمی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی محلی و منطقه‌ای شود.

3. وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی

وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی چالش‌های آسیب‌پذیری را تشدید خواهد کرد و می‌تواند شکنندگی و نارضایتی‌های افراد را به ویژه در موقعیت‌های متأثر از درگیری افزایش دهد.



وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی زندگی، معیشت، دارایی، سلامت و جوامع مردم را به مخاطره می‌اندازد و از بین می‌برد. رابطه‌ی میان بلایای طبیعی و آسیب‌پذیری به گونه‌ای است که غالباً یکدیگر را تشدید می‌کنند: بلایا فشار بیشتری بر نظام‌های حکمرانی تحت فشار وارد می‌کنند، فرصت‌های اقتصادی و منابع را کاهش می‌دهند، و مردم را بی‌خانمان می‌کنند. فقدان شبکه‌های ایمنی، آمادگی، سازوکارهای بیمه‌ای، و سایر روش‌های مقابله با آثار بلایای طبیعی می‌تواند به نارضایتی‌ها دامن بزند، به ویژه اگر کمک‌های دولتی یا بین‌المللی ناکافی یا توزیع آن‌ها ناعادلانه باشد. مداخلات ضعیف بشردوستانه نیز می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و خطر درگیری را افزایش دهد. علاوه بر این، در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و تحت تأثیر درگیری، بلایای طبیعی تلاش‌ها برای تقویت تاب‌آوری را تضعیف می‌کند یا تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که منجر به افزایش شدت اثر بلایا می‌شود. در مقابل، کاهش خطر بلایا و تلاش‌های مؤثر در جهت مدیریت آن‌ها نیز می‌تواند فرصت‌هایی برای بهبود تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و ایجاد صلح فراهم کند.

4. بی‌ثباتی در قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی

بسیار احتمال می‌رود که تغییرات اقلیمی باعث اختلال در تولید مواد غذایی در بسیاری از مناطق، بالا رفتن قیمت‌ها و نوسانات بازار، و افزایش خطر اعتراضات، شورش‌ها و درگیری‌های داخلی شود.



تغییرات اقلیمی به احتمال زیاد باعث کاهش محصول و مختل شدن تولید مواد غذایی در بسیاری از مناطق می‌شود. همراه با افزایش فشارهای جهانی - شامل رشد جمعیت و تغییر نیازهای انرژی - احتمال می‌رود که ناامنی غذایی افزایش یابد و بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی بیشتر شود. همچنان که در شورش‌های غذایی سال‌های 9-2007 در بیش از ۴۰ کشور مشاهده شد، بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی و بالاتر رفتن قیمت‌ها می‌تواند خطر ناآرامی‌های عمومی، فروپاشی دموکراتیک، و درگیری‌های داخلی و محلی را افزایش دهد، به ویژه هنگامی که با فقر، حکمرانی ضعیف و قرارداد اجتماعی سست همراه باشد. کشورهای وابسته به واردات مواد غذایی و خانوارهایی که بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف غذا می‌کنند بسیار آسیب‌پذیر هستند. با وجود این، نقش احتمالی ناامنی غذایی در بی‌ثباتی نه تنها به عوامل محلی نظیر میزان شهرنشینی و دسترسی به بازار، بلکه به سیاست‌های ملی مانند یارانه‌های مصرف‌کننده و بازارهای صادراتی نیز بستگی دارد.

5. مدیریت آب‌های فرامرزی

آب‌های فرامرزی اغلب منبع تنش هستند؛ با رشد تقاضا و تأثیرات اقلیم بر دسترسی‌پذیری و کیفیت، رقابت بر سر مصرف آب احتمالاً فشار بر ساختارهای حکمرانی موجود را افزایش خواهد داد.



درحالی که مدیریت ذخایر آبی مشترک فرصت‌هایی برای همکاری ذی‌نفعان و دولت‌ها فراهم می‌کند، می‌تواند منبع تنش هم باشد. بسیاری از حوضه‌های رودهای فرامرزی در مناطقی با سابقه‌ی درگیری مسلحانه و تنش‌های قابل ملاحظه‌ی بین‌دولتی واقع شده‌اند. اگرچه درگیری مسلحانه بین دولت‌ها بر سر آب سابقه‌ی تاریخی ندارد، ممکن است وضعیت در آینده چنین نباشد. احتمال دارد رقابت بر سر مصرف آب با رشد تقاضا و تأثیرگذاری اقلیم بر دسترسی به منابع آبی افزایش یابد. مدیریت آثار تغییرات اقلیمی بر استفاده از منابع آبی به ویژه در حوضه‌های فرامرزی متأثر از شکنندگی یا درگیری، که مدیریت آب در آن‌ها غالباً تحت‌الشعاع ملاحظات سیاسی یا تحت تأثیر عدم تقارن قدرت قرار می‌گیرد، پیچیده خواهد بود.

هفت مخاطره درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری

منابع محدود این سیاره زیر فشار هستند. درحالی‌که بازار جهانی برای تعداد روزافزونی از مردم جریان ظاهراً پایان‌ناپذیری از کالاها را فراهم می‌کند، افراد زیادی در کشورهای در حال توسعه با دسترسی محدود به خدمات پایه و بازارهای عملیاتی برای تأمین نیازهای روزانه‌ی خود تلاش می‌کنند.

تقاضا برای غذا، آب و انرژی در حال افزایش است، به ویژه در جاهایی که جمعیت یا اقتصاد به سرعت در حال رشد است. بیکاری گسترده، شهرنشینی سریع، و تخریب محیط زیست تلاش‌ها را در جهت کاهش فقر و افزایش توسعه‌ی اقتصادی در بسیاری از کشورهای فقیر با چالش مواجه می‌کند. در مناطق آسیب‌پذیر، نابرابری پایدار، انزوای سیاسی، و دولت‌های غیرپاسخگو این فشارها را تشدید می‌کنند و احتمال بی‌ثباتی و درگیری را افزایش می‌دهند. افزوده شدن تأثیرات اقلیمی متغیر بر آب، غذا و زمین، این فشارها را چند برابر و توانایی کشورها را در تأمین نیازهای شهروندان خود تضعیف می‌کند.

ظرفیت دولت‌ها و جوامع برای مقابله با این چالش را می‌توان در طیفی از درجات آسیب‌پذیری، از آسیب‌پذیرترین تا تاب‌آورترین، ارزیابی کرد. دولت‌های تاب‌آور روابط سازنده‌ای با شهروندان خود برقرار می‌کنند، نهادهای کارآمد را حفظ می‌کنند، و خدمات پایه را ارائه می‌دهند. این دولت‌ها می‌توانند، ضمن حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از خشونت، شوک‌ها را جذب و فشارها را به صورت مسالمت‌آمیز مهار کنند.

از طرف دیگر، هرگاه دولت‌ها قادر به ارائه‌ی خدمات اولیه، حفاظت از شهروندان خود، یا برقراری روابط سازنده‌ی متقابل با جامعه نباشند، موقعیت‌های آسیب‌پذیر پدید می‌آید. حتی کشورهای باثبات هم ممکن است دوره‌های آسیب‌پذیری را از سر بگذرانند یا کانونهای آسیب‌پذیری را در خود جای دهند. اگر این دوره‌ها یا کانون‌ها به خوبی مدیریت نشوند، می‌توانند ماریج پایین‌رونده‌ای از آسیب‌پذیری و درگیری به وجود آورند و کشورها را در چرخه‌های خشونت مکرر، حکمرانی ضعیف و بی‌ثباتی گرفتار کنند.

مدیریت این چالش‌ها با درک روشن مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری ناشی از اثر متقابل تغییرات اقلیمی و سایر فشارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مانند شهرنشینی سریع، نابرابری، شوک‌های اقتصادی و تخریب محیط زیست آغاز می‌شود.

vii

1. رقابت بر سر منابع محلی

با افزایش فشار بر منابع طبیعی، در صورتی که اختلافات به طور مؤثر حل و فصل نشود، رقابت می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و حتی درگیری خشونت‌آمیز شود.



به دنبال تغییرات اقلیمی، دسترسی به منابع طبیعی، به ویژه آب و زمین قابل کشت، در برخی مناطق محدود خواهد شد. همزمان، تقاضا در مناطق با جمعیت رو به رشد و توسعه‌ی سریع اقتصادی در حال افزایش است. این روندها در کنار هم ممکن است با تحریک رقابت بر سر منابع، موجب افزایش تنش‌ها و برانگیخته شدن درگیری‌های محلی شود. احتمال دارد که رقابت بر سر منابع در مناطقی که به منابع محدود وابسته‌اند، سابقه‌ی درگیری دارند، یا مأمون گروه‌های حاشیه‌نشین هستند بسیار مخرب باشد. رقابت محلی همچنین می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی در سطوح ملی و بین‌المللی شود. با این حال، مدیریت عادلانه و مؤثر منابع طبیعی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری کمک کند و مانع از آن شود که پیامدهای تغییر اقلیمی، از جمله افزایش رقابت بر سر منابع محدود، به خشونت بینجامد.

2. ناامنی معیشتی و مهاجرت

تغییرات اقلیمی باعث افزایش ناامنی انسانی افرادی خواهد شد که برای تأمین معیشت خود به منابع طبیعی وابسته‌اند، و می‌تواند آنان را به سمت مهاجرت یا منابع درآمد غیرقانونی سوق دهد.



معیشت بسیاری از افرادی که مستقیماً به منابع طبیعی وابسته‌اند بر اثر تغییرات اقلیمی به خطر خواهد افتاد. این تغییرات در بعضی مناطق باعث کاهش چراگاه، خشک شدن منابع آب، و تهدید مشاغل مرتبط با بخش‌های اقتصادی حساس به اقلیم خواهد شد. این تغییرات زیست‌محیطی می‌تواند در ترکیب با مشکلات دیگر - از جمله توزیع نابرابر زمین، تصرف غیرقانونی زمین، بازارهای کم توسعه‌یافته، موانع تجاری، و زیرساخت‌های ناکافی - جمعیت‌ها را به جست‌وجوی معیشت‌های جایگزین وادارد. برخی به مناطق شهری که هم‌اکنون نیز با سطوح بالای بیکاری و شرایط نامناسب زندگی مواجه‌اند نقل مکان

تحلیل سیاستی: نیاز به دستور کار یکپارچه

بهترین روش کاستن از تهدیدات ناشی از مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری کاهش اثر تغییرات اقلیمی است. با این حال، این تغییرات هم‌اکنون در حال وقوع است، پس ما باید امروز گام‌هایی در جهت مدیریت و به حداقل رساندن این مخاطرات برداریم.

ما سه بخش سیاستی اصلی را شناسایی کردیم که به تقویت تاب‌آوری کشورها و جوامع در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری کمک می‌کند:

- **برنامه‌های سازگاری با تغییر اقلیمی** به کشورها کمک می‌کند تا آثار نامطلوب آن را پیش‌بینی و در جهت پیشگیری، به حداقل رساندن، و واکنش به تأثیرات بالقوه‌ی تغییر اقلیمی اقدام کنند.
- **برنامه‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه** به کشورها و جمعیت‌ها کمک می‌کند تا ظرفیت‌های اقتصادی، حکمرانی و اجتماعی خود را بسازند و تاب‌آوری خود را در برابر شوک‌ها بهبود بخشند.
- **برنامه‌های پی‌ریزی صلح و پیشگیری از درگیری**، با کاهش تنش‌ها و ایجاد بستری برای صلح پایدار، علل و آثار آسیب‌پذیری و درگیری را برطرف می‌کنند.

ماهیت ترکیبی مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری بدین معناست که مداخلات تک‌بخشی برای پیشگیری از تشدید آسیب‌پذیری بر اثر تأثیرات تغییر اقلیمی یا جلوگیری از تضعیف تاب‌آوری اقلیمی ناشی از آسیب‌پذیری کافی نیست. با یکپارچه ساختن تلاش‌ها در کل بخش‌های سازگاری با تغییر اقلیمی، توسعه و کمک‌های بشردوستانه، و ایجاد صلح، جامعه‌ی بین‌المللی می‌تواند ضمن درک مزایای قابل توجه آن، اثر مخاطرات به هم پیوسته را کاهش دهد.

یکپارچه‌سازی تلاش‌ها در طی مراحل اصلی سیاست‌گذاری - هشدار زودهنگام و ارزیابی، برنامه‌ریزی، تأمین مالی و اجرا - یک کار پیچیده، اما ضروری، خواهد بود. ما در برنامه‌های موجود خلأهایی یافتیم که فرصت‌هایی را برای تدوین یک دستور کار سیاستی منسجم‌تر برای مواجهه با مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری فراهم می‌کند.

x

سازگاری با تغییر اقلیم

در کشورهایی که شرایط آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند، ممکن است استراتژی‌های سازگاری اقلیمی نقاط ورود مهمی برای رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری باشند زیرا مسیرهایی را برای مواجهه با فشارها بر منابع طبیعی حیاتی ارائه می‌دهند. با این حال، این امر مستلزم آن است که استراتژی‌ها با تلاش‌های درازمدت برای ایجاد صلح مرتبط شوند.

کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی (UNFCCC) یک منبع مهم کمک به کشورها در تهیه‌ی ارزیابی‌های آسیب‌پذیری و برنامه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی و نیز تأمین بودجه برای اجرای این برنامه‌ها بوده است. با وجود این، مشارکت کامل در فعالیت‌های مرتبط با این کنوانسیون می‌تواند برای کشورهایی که شرایط آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند چالش‌برانگیز باشد. ارزیابی‌های آسیب‌پذیری اقلیمی نسبت به چند سال پیش بسیار پیشرفته‌تر است، اما همچنان فاقد شرح و بررسی قابل توجهی در خصوص تأثیرات سیاسی یا اجتماعی تغییر اقلیمی و اطلاعات مربوط به سابقه‌ی درگیری‌ها در هر کشور یا گروه‌های حاشیه‌ای آن است؛ به علاوه، غالباً به عوامل محرک آسیب‌پذیری یا مسائل دیگر فرامرزی نمی‌پردازد.

برنامه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی به طور فزاینده‌ای مفهوم جامع‌تری از تاب‌آوری را منعکس می‌کنند. هشت کشور عضو گروه مثبت هفت - یک انجمن داوطلبانه از کشورهای متأثر از درگیری که در حال انتقال به مراحل بعدی توسعه و بخشی از توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر هستند - مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را در برنامه‌های عمل ملی سازگاری خود تشخیص داده‌اند. متأسفانه، راهنمایی کمی در مورد چگونگی آماده‌سازی یک فرایند برنامه‌ریزی سازگاری در بسترهای آسیب‌پذیر یا نحوه‌ی پرداختن به ابعاد فرامرزی تأثیرات تغییر اقلیمی وجود دارد. علاوه بر این، به دلیل تمرکز دولت‌مدار کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، برنامه‌های سازگاری عموماً فاقد رویکرد منطقه‌ای هستند که می‌تواند راهی برای رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری فرامرزی باشد.

6. بالا آمدن سطح آب دریا و تخریب سواحل



بالا آمدن سطح آب دریا تهدیدی خواهد بود برای زیستپذیری مناطق کم‌ارتفاع حتی پیش از به زیر آب رفتن آن‌ها، که منجر به اختلال اجتماعی، آوارگی و مهاجرت می‌شود. در عین حال، ممکن است اختلاف نظرها درباره‌ی مرزهای دریایی و منابع اقیانوسی افزایش یابد.

بالا آمدن سطح آب دریا اکنون پایداری اقتصادی و فیزیکی مناطق کم‌ارتفاع را تهدید می‌کند. برآوردهای فعلی از افزایش سطح آب دریا حاکی از آن است که در قرن جاری هیچ کشوری به طور کامل زیر آب نخواهد رفت. با این حال، با از بین رفتن تدریجی منابع زمینی و ساحلی، پایداری اقتصادی بسیاری از مناطق ساحلی کاهش قابل توجهی خواهد یافت؛ خسارت‌تندبادها و امواج توفان شدیدتر خواهد شد؛ و خطر از دست رفتن زمین‌ها و منابع در آینده عاجل‌تر خواهد شد. این تغییرات ممکن است مردم را بی‌خانمان یا وادار به مهاجرت کند و خطر تنش و درگیری در مناطق پذیرنده را افزایش دهد. با افزایش سطح آب دریاها، تغییر خطوط ساحلی ممکن است نشانه‌گذاری‌های مرزی را هم تغییر دهد و باعث بروز اختلافاتی بر سر مرزهای دریایی، دریاها، سرزمینی، خطوط دریایی و منابع اقیانوسی شود.

7. تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی



از آنجا که سیاست‌های سازگاری و کاهش اثر اقلیمی به طور گسترده‌تری اجرا می‌شود، خطرات آثار منفی ناخواسته، به ویژه در بسترهای آسیب‌پذیر، نیز افزایش خواهد یافت.

برای کاهش آسیب‌پذیری و جلوگیری از درگیری، ما به سیاست‌های مؤثر کاهش اثر تغییر اقلیمی و سازگاری نیاز داریم. با این حال، اگر این سیاست‌های خیرخواهانه‌ی مرتبط با تغییر اقلیمی بدون در نظر گرفتن تأثیرات گسترده‌تر طراحی و اجرا شوند، می‌توانند باعث تضعیف توسعه‌ی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و تشدید ناامنی انسانی شوند. از آنجا که سیاست‌های سازگاری و کاهش اثر اقلیمی به طور گسترده‌تر در سراسر جهان اجرا می‌شود، خطرات آثار ناخواسته‌ی منفی - به ویژه در بسترهای آسیب‌پذیر - نیز افزایش خواهد یافت. در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، پیامدهای ناخواسته می‌تواند شامل افزایش ناامنی تصرف زمین، حاشیه‌نشینی گروه‌های اقلیت، افزایش تخریب محیط زیست و از بین رفتن تنوع زیستی، و تسریع تغییر اقلیمی باشد. این تأثیرات پیش‌بینی نشده اغلب از عدم هماهنگی بین‌بخشی و، در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و متأثر از درگیری، عدم اجرای حساس به درگیری سیاست‌ها و برنامه‌ها ناشی می‌شود.

ix

این هفت مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری از یکدیگر جدا نیستند. آن‌ها به روش‌های پیچیده‌ای بر هم اثر می‌گذارند و مانع از بسط پاسخ‌های مؤثر در همه‌ی سطوح می‌شوند. برای مثال، درگیری بر سر آبهای فرامرزی معیشت محلی و دسترسی به منابع طبیعی را مختل می‌کند، درحالی‌که بی‌ثباتی بازار و وقایع شدید آب و هوایی می‌تواند بر زنجیره‌های عرضه‌ی جهانی تأثیر منفی بگذارد و پیامدهای جدی محلی ایجاد کند. در عین حال، درگیری بر سر منابع طبیعی محلی و ناامنی معیشتی عمدتاً چالش‌های محلی هستند، اما می‌توانند آثار جانبی مهمی داشته باشند - مانند افزایش مهاجرت، اختلال اقتصادی یا تنش‌های اجتماعی - که بی‌ثباتی به دنبال دارند، هم در سطح محلی و هم در منطقه‌ی وسیع‌تر.

تغییرات اقلیمی پیچیدگی طیف وسیعی از چالش‌های جهانی از جمله آسیب‌پذیری را هم‌زمان افزایش می‌دهد. اگر استراتژی‌های مقابله با این چالش‌ها نتوانند ماهیت وابسته به هم و نظام‌مند این مخاطرات را در نظر بگیرند، محکوم به شکست خواهند بود یا، در بدترین حالت، مخاطراتی را که سعی دارند رفع کنند تشدید خواهند کرد. چالش‌های وابسته به هم نیازمند پاسخ‌های یکپارچه هستند.

پی‌ریزی صلح

می‌توان از درس‌های پروژه‌های محیط زیستی ایجاد صلح برای سامان بخشیدن به فعالیت‌های ایجاد صلح حساس به اقلیم بهره گرفت. مخاطرات زیست‌محیطی و اقلیمی هنوز به طور جامع در روش‌های ایجاد صلح ادغام نشده‌اند، و ظرفیت کشورهای که آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند برای تبدیل مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری به فرصت محدود است.

درحالی‌که فعالان پیشرو در ایجاد صلح و امنیت، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواستار درک بهتر روابط میان اقلیم و آسیب‌پذیری شده‌اند، تغییرات اقلیمی هنوز با صراحت کافی در ارزیابی‌های آسیب‌پذیری یا صلح و درگیری گنجانده نشده است. اگرچه تغییرات اقلیمی، منابع طبیعی یا درگیری نقطه‌ی کانونی توجه در بسیاری از ابزارهای مختلف ارزیابی است، در معدودی از آن‌ها سه بعد با هم ادغام شده‌اند.

ابتکارانی مانند توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر رویکردی با ذی‌نفعان چندگانه نسبت به ایجاد تاب‌آوری دارند و مجراهای مهمی برای مشارکت با کشورهای آسیب‌پذیر هستند که با بزرگ‌ترین مخاطرات ناشی از آسیب‌پذیری مواجه‌اند. با این حال، مخاطرات زیست‌محیطی و اقلیمی به طور مشخص در ارزیابی‌های آسیب‌پذیری و اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی کشورهای گروه مثبت هفت وارد نشده است.

برای جلوگیری از سرکوب ظرفیت جذب کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری، تعدادی سازوکار مشترک تأمین مالی - صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای - بودجه‌ی فعالیت‌های ایجاد صلح را تأمین می‌کنند. با این حال، مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری مشخص شده در این گزارش انعکاس نظام‌مندی در هیچ‌یک از صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای متمرکز بر پی‌ریزی صلح ندارد. برخی از آن‌ها ملاحظات تغییر اقلیمی را در الزامات خود برای تأمین بودجه‌ی بلایای طبیعی وارد می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر نقش منابع طبیعی را در موقعیت‌های پس از درگیری بررسی می‌کنند. معدودی از ابزارهای تأمین مالی ایجاد صلح و پیشگیری از درگیری بودجه‌ی خاص به برنامه‌های رفع مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری اختصاص می‌دهند. یک گزینه‌ی جایگزین می‌تواند این باشد که ابزارهای تأمین مالی در نظر گرفتن تأثیرات تغییرات اقلیمی را در همه‌ی پروژه‌ها الزامی کنند.

xii

شکاف‌های اصلی سیاستی کدام است؟

با توجه به تلاش‌های کنونی، برای تدوین یک دستور کار یکپارچه نیازی به دوباره‌کاری نیست. با این حال، برای از بین بردن موانع بخشی که مخل تلاش‌ها برای رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری هستند، برخی شکاف‌های اصلی سیاستی و نهادی باید برطرف شود.

هشدار زودهنگام و ارزیابی

در عین حال که همه چیز را در مورد مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری نمی‌دانیم، حجم اطلاعاتی که در حال حاضر در مورد ارتباط‌های میان تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری داریم قابل توجه است. با ادغام تلاش‌های کنونی می‌توانیم سیستم‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی‌ها را تقویت کنیم. این ارزیابی‌ها معمولاً ابعاد دیگر را نادیده می‌گیرند: ارزیابی‌های آسیب‌پذیری اقلیمی دربردارنده‌ی مسائل فرامرزی یا ملاحظات شکنندگی نیست؛ و ارزیابی‌های شکنندگی، صلح و درگیری به طور کلی آسیب‌پذیری ناشی از تغییر اقلیمی یا تحلیل‌های منافع مشترک سازگاری با تغییر اقلیمی را شامل نمی‌شود. معدودی از روش‌های ارزیابی هم بر اقلیم و هم بر شکنندگی متمرکز هستند. حتی وقتی چنین ارزیابی‌هایی به گونه‌ای انجام می‌شود که شامل توجه به هر دو موضوع باشد، اغلب از یافته‌های آن‌ها به طور مؤثر در برنامه‌ریزی یا اجرا استفاده نمی‌شود.

درحالی که انتظار می‌رود در سال‌های آینده تأمین مالی برای سازگاری اقلیمی به میزان قابل توجهی افزایش یابد، ممکن است کشورهای دچار وضعیت‌های آسیب‌پذیری، به دلیل محدودیت ظرفیت داخلی خود، از موقعیتی مشابه سایر کشورهای در حال توسعه برای دسترسی به این منابع برخوردار نباشند. با وجود آنکه مثال صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته نشان می‌دهد که کشورهای گروه مثبت هفت قادر به دستیابی به برخی منابع مالی اقلیمی هستند، دسترسی به سازوکارهای پیچیده‌تر تأمین مالی مانند صندوق سازگاری محدود شده است.

تلاش‌های اجرایی هم کاستی‌هایی دارند. از آنجا که تلاش‌های سازگاری بر زندگی مردم، معیشت، پایه‌ی دارایی، و مناسبات قدرت تأثیر خواهد گذاشت، اصل ضرر ایجاب می‌کند که در مداخلات سازگاری اقلیمی، منافع و منابع به روشی حساس به درگیری که تنش بین جوامع را تشدید نکند توزیع شود. با این حال، راهنمایی محدودی درباره‌ی چگونگی ارائه‌ی برنامه‌های سازگاری اقلیمی ضددرگیری وجود دارد.

توسعه و کمک‌های بشردوستانه

طیف گسترده‌ی فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه‌ی توسعه و کمک‌های بشردوستانه شامل فرایندهای بسیاری است که می‌تواند در جهت رفع بهتر مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری تنظیم شود. بنابراین، دولت‌های گروه هفت در فرایندهای توسعه‌ی خود به طور فزاینده‌ای بر رویکردهای کل‌نگر، یکپارچه و ناظر بر دولت منسجم تأکید دارند.

شماری از تلاش‌های فعلی در زمینه‌ی هشدار زودهنگام می‌تواند به ارزیابی یکپارچه‌ی مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری کمک کند. با این حال، به دلیل وجود موانع مالی و کمبود ظرفیت انسانی، اجرای این ابتکارات محدود شده است. به علاوه، بسیاری از سیستم‌های هشدار زودهنگام شامل مخاطرات اقلیمی یا زیست‌محیطی نمی‌شوند. با وجود اینکه به این چالش‌ها به طور جامع پرداخته نشده است، پیروی از چارچوب عمل هیوگو و چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایا که اخیراً تصویب شده است فرصت‌هایی را برای رفع این کاستی‌ها فراهم می‌آورد.

جامعه‌ی توسعه، با گنجاندن ملاحظات اقلیمی در برخی قسمت‌های برنامه‌ریزی دیگر خود برای توسعه‌ی بخشی، در پروژه‌های توسعه‌ی «مقاوم در برابر اقلیم» پیشرفت‌هایی داشته است. استفاده از «لنز اقلیمی» در برنامه‌ریزی و چارچوب‌های نظارتی می‌تواند به برنامه‌ریزان توسعه و کمک‌های بشردوستانه در شناسایی بخش‌ها و مناطق بسیار آسیب‌پذیر کمک کند. علاوه بر این، حمایت از فعالیت‌های یکپارچه به کشورها کمک می‌کند تا فرصت‌های همسوسازی برنامه‌های سازگاری اقلیمی و توسعه‌ی ملی یا بازیابی پس از درگیری را نادیده نگیرند. با این حال، این رویکرد هنوز استاندارد نیست. روند جاری اهداف توسعه‌ی پایدار می‌تواند یک نقطه‌ی اصلی ورود به این تلاش باشد.

کشورهایی که آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند غالباً فاقد ظرفیت جذب هستند که می‌تواند در نوسان سطح کمک‌های توسعه‌ای نقش داشته باشد. چنانچه این نوسان رفع نشود، تلاش‌ها برای تقویت تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و ظرفیت‌سازی را تضعیف می‌کند. یک ساختار کمکرسانی انعطاف‌پذیر، هماهنگ، یکپارچه و با چشم‌انداز بلندمدت می‌تواند به رفع این مشکل کمک کند.

این موضوع به طور گسترده پذیرفته شده است که مجریان باید جوامع محلی و نهادها و جامعه‌ی مدنی را درگیر ایجاد مالکیت محلی برای پروژه‌های توسعه کنند. آنان می‌توانند از طریق همکاری با مقامات محلی و رهبرانی که اعتماد هواداران خود را دارند، کارآمدی و پاسخگویی دولت‌ها را تقویت کنند. با این حال، مجریانی که در شرایط آسیب‌پذیر کار می‌کنند باید زمان بیشتری را برای مواجهه با مسائل امنیتی پیش‌بینی‌نشده، دولت‌های جدید، یا پاسخگویی کند آژانس‌های مجری در نظر بگیرند.

توصیه‌ها: تعهدی جدید برای تابآوری

چرخه‌ی معیوب تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری، که اثر متقابل آن‌ها بر یکدیگر به گونه‌ای است که توانایی بهبود نتایج را کاهش می‌دهد، با واکنش‌های مقطعی به بحران‌های مجزا شکسته نخواهد شد. در عوض، ما باید سیستم‌های یکپارچه و پاسخگو و تاب‌آور در برابر طیف وسیعی از شوک‌ها و استرس‌ها ایجاد کنیم. اکنون زمان یک رویکرد جدید و رهبری جدید از بالاترین سطح است. ما توصیه می‌کنیم که دولت‌های عضو گروه هفت به طراحی و اجرای واکنش‌های یکپارچه در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری متعهد شوند.

ما چهار توصیه شامل اهداف مشخص و نقاط ورود در سطوح مختلف شناسایی کردیم:

1. در درون دولت‌های عضو گروه هفت
 2. هماهنگی میان اعضای گروه هفت
 3. با اطلاع‌رسانی فرایندهای جهانی و چندجانبه
 4. کار مشارکتی با طیف وسیعی از بازیگران، از جمله در کشورهای متأثر از آسیب‌پذیری
- بر مبنای این چهار توصیه، ما پنج حوزه‌ی اقدام اولیه برای این رویکرد جدید مشارکتی پیشنهاد می‌دهیم.

توصیه‌ی 1

تلفیق از خانه آغاز می‌شود: قرار دادن مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری در شمار اولویت‌های اصلی سیاست خارجی

دولت‌های گروه هفت در موقعیت مناسبی برای پیشگامی در شناسایی، درک، پایش، و رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری توصیف‌شده در این گزارش قرار دارند. درحالی‌که هم‌اکنون حجم قابل توجهی از اطلاعات در مورد این مخاطرات وجود دارد، به چهار دلیل یک رویکرد یکپارچه به اجرا در نمی‌آید: این اطلاعات در اختیار افراد مناسب قرار نمی‌گیرد، یکپارچگی محور اصلی نیست، اقدامات هماهنگ نیستند، و جریان‌های تأمین مالی آن‌قدر انعطاف‌پذیر نیستند که مشوق نتایج بین‌بخشی باشند. چنانچه واکنش‌های یکپارچه در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری در فرایندها و شاخص‌های موجود برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی در سراسر ادارات دولتی تثبیت شود، تبدیل این اطلاعات به اقدام سیاسی سازنده بیشترین اثربخشی را خواهد داشت.

این تلاش مستلزم توسعه‌ی ظرفیت‌ها در ادارات دولتی و ایجاد گروه‌های کاری و فرایندهای سیاست‌گذاری بین‌بخشی و بین‌آژانسی است. برای مثال، واحدهای هماهنگی اختصاصی می‌توانند به طور یکپارچه به رفع این مخاطرات پیچیده‌ی به هم پیوسته کمک کنند. به ویژه تحلیل یکپارچه‌ی مخاطره در سطح جهانی، منطقه‌ای و کشوری می‌تواند واحدهای مختلف سیاستی را گرد هم آورد و سرآغاز بسط واکنش‌های یکپارچه باشد. تدوین و ایجاد راهنماهای اجرا، چک‌لیست‌ها و آموزش‌های مشترک نیز می‌تواند به شناخت گسترده‌ی مخاطرات کمک کند و موجد واکنش‌های یکپارچه باشد. در نهایت، آژانس‌های کمک دوجانبه (در صورت اقتضا) می‌توانند رویکردهای تلفیقی - مانند پروژه‌های سازگاری حساس به درگیری - را برای رفع مخاطرات درآمیخته آزمایش کنند.

توصیه‌ی 2

گرد هم آمدن برای گفت‌وگوی جدید: تقویت همکاری اعضای گروه هفت

اقدام هماهنگ بین‌دولتی بهترین راه رفع مسائلی است که مرزهای ملی را درمی‌نوردند. مقیاس و دامنه‌ی این مسائل تزریق انرژی جدید در کوتاه‌مدت را ایجاد می‌کند که در بلندمدت‌تر به تعهد پایدار تبدیل می‌شود. گروه هفت به دلیل موقعیت جهانی، ماهیت و گستردگی وظایف سیاست‌گذاری، و تعهد مشترک نسبت به این مسائل، از شرایط منحصر به فردی برای رهبری این اقدامات برخوردار است.

برنامه‌ریزی

استراتژی‌ها و برنامه‌های زیادی که برای پرداختن به تغییرات اقلیمی، توسعه، کمک‌های بشردوستانه و ایجاد صلح وجود دارد، چندان با هم یکپارچه نشده‌اند. فرایندهای برنامه‌ریزی جامع می‌تواند مانع موازی‌کاری شود، از ناسازگاری جلوگیری و توسعه‌ی پایدار را تقویت کند. برای مثال، استراتژی‌های ملی سازگاری اقلیمی و فرایندهای اجرایی چنانچه شفاف، فراگیر و عادلانه اجرا شوند می‌توانند درک مشروعیت سیاسی را تقویت کنند. علاوه بر این، چنین استراتژی‌هایی می‌توانند منافع مشترک سازگاری مؤثر اقلیمی، مانند صلح، سلامت و اشتغال را فعالانه شناسایی و ترویج کنند.

با این حال، تا امروز، حساسیت به درگیری و پیروی از اصل ضرر در معدودی از رویکردهای یکپارچه‌ی برنامه‌ریزی لحاظ شده است. در سطح منطقه‌ای، هیچ فرایند سیاسی به طور نظام‌مند از بسط رویکردهای تلفیقی نسبت به سازگاری، توسعه و چالش‌های ایجاد صلح پشتیبانی نمی‌کند.

در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، نهادهای اصلی باید تقویت شوند تا بتوانند منافع رقابتی را به طور سازنده و مسالمت‌آمیز مدیریت کنند. با این حال، کشورهایی که شرایط آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند اغلب فاقد ابزارهای شناسایی و ایجاد ظرفیت نهادی مورد نیاز خود هستند، شامل توانایی برنامه‌ریزی یکپارچه در سراسر ادارات دولتی مرتبط و در مشورت با ذی‌نفعان و جامعه‌ی مدنی. برای مثال، افزایش آگاهی از آسیب‌پذیری هر کشور در برابر تغییرات اقلیمی و مزایای سرمایه‌گذاری در سازگاری می‌تواند یک نقطه‌ی ورود برای ایجاد این ظرفیت باشد.

تأمین مالی

حمایت مالی - به ویژه تأمین مالی بلندمدت‌تر - برای کشورهایی که شرایط آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند چالش‌برانگیز است. اگرچه انتظار می‌رود بودجه‌ی جهانی اقلیمی به میزان قابل توجهی افزایش یابد، به دلیل ظرفیت‌های محدود این کشورها، هنوز مشخص نیست که تا چه اندازه می‌توانند از آن منتفع شوند. تأمین مالی - شامل سرمایه‌گذاری خصوصی، کمک‌های توسعه‌ای و صندوق‌های ایجاد صلح - نقش مهمی در ایجاد تاب‌آوری نهادی و تقویت صلح دارد. منابع مالی غیرقابل پیش‌بینی، عدم هماهنگی اهداکنندگان، ضعف نهادها، و دستور کارهای جزیره‌ای چالش‌های اساسی بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری است.

دستور کارهای جهانی در مورد اقلیم، توسعه‌ی پایدار، ایجاد صلح، و سایر موضوعات زیست‌محیطی عمدتاً از مجرای فرایندهای سیاستی جداگانه پیاده می‌شود که باعث گسترش مجامع مذاکره و جریان‌های مالی بخشی، هریک با روال‌های عملیاتی، استانداردهای امانتداری و الزامات گزارش‌دهی مخصوص خود، می‌شود. این گسترش برای کشورهای تحت فشار زیاد که ظرفیت نهادی ضعیفی دارند معضل ایجاد می‌کند. به علاوه، مدیریت سازوکارهای سنتی کمک‌رسانی برای کشورهای دارای نهادهای ضعیف هستند بسیار دشوار است.

اجرا

برنامه‌ی آزمایشی فراوان است، اما راهنمایی چندان براساس آموخته‌ها و بهترین روش‌ها برای تقویت طرح‌ریزی و اجرای برنامه وجود ندارد. برنامه‌های سازگاری، توسعه‌ای، بشردوستانه و ایجاد صلح باید براساس شناخت کامل مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری تدوین شوند، از جمله ادغام بین‌بخشی حساسیت به درگیری و ملاحظات تغییر اقلیم. در گام نخست، سیاست‌گذاران باید در اقدامات سازگاری با تغییرات اقلیمی، از یک رویکرد حساس به درگیری استفاده کنند و در طراحی استراتژی‌ها و پروژه‌های ایجاد صلح، ملاحظات مربوط به تغییر اقلیم را در نظر بگیرند. متأسفانه راهنمایی در مورد چگونگی رصد اعمال «حساسیت به درگیری» در سیاست‌ها یا پروژه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی محدود است. به همین ترتیب، راهنمایی عملی چندان در مورد ادغام ملاحظات تغییر اقلیمی در سیاست‌ها و برنامه‌های ایجاد صلح وجود ندارد. وجود اصول و بهترین شیوه‌ها در سطح سیاست ضرورت دارد، و راهنمایی میدانی به ویژه در سطح پروژه لازم است.

در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و پس از درگیری، شبکه‌های اجتماعی و روابط نهادی عموماً ضعیف یا کاملاً فروپاشیده هستند. نتایج معدودی برنامه‌ی یکپارچه‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری که به صورت آزمایشی در این موقعیت‌ها اجرا شده نشان می‌دهد که برای موفقیت و جلوگیری از ناسازگاری یا پیامدهای ناخواسته، درگیر کردن ذی‌نفعان در اجرا بسیار حائز اهمیت است.

توصیه‌ی 4

شریک تابآوری: مشارکت گسترده برای اطمینان از منتهی شدن اقدامات جهانی به نتایج محلی

گروه هفت همچنین می‌تواند با بهبود هماهنگی با کشورهای شریک، دولت‌های محلی و بازیگران غیردولتی، پیشگام باشد. ابتکارات جهانی غالباً با فرض کاهش اقدامات جهانی برای ایجاد نتایج محلی، پتانسیل خود را هدر داده است. تقویت پیوندهای بین شرکا و پیشگامان در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی به اطمینان از بهبود تاب‌آوری محلی در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری با ابتکارات جهانی کمک می‌کند.

هدایت این کار می‌تواند بر عهده‌ی کارگروهی باشد که گروه هفت تشکیل می‌دهد و در مجامع جهانی مانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ مجمع جهانی اقتصاد؛ جلسات کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی؛ اجلاس بانک جهانی در موضوع آسیب‌پذیری، درگیری و خشونت؛ برنامه‌ی اسکان بشر ملل متحد (هویتات 3)؛ و سازمان‌های منطقه‌ای پیگیری شود. همه‌ی این مجامع در یک بحث بین‌المللی جدید درباره‌ی تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری و در ایجاد یک جامعه‌ی جدید اقدام در مورد مخاطرات و واکنش‌های اقلیمی - آسیب‌پذیری جای دارند.

گروه هفت به ویژه باید با دولت‌های ملی، مدیران محلی، و سازمان‌های غیردولتی در کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیر ارتباط برقرار کند و با کشورهای تأییدکننده‌ی اصول توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر همیاری داشته باشد. این همکاری‌ها می‌تواند شامل پشتیبانی مالی و آموزش فنی در موضوعاتی مانند پرداختن به مخاطرات اقلیمی در ارزیابی‌های آسیب‌پذیری، استفاده از ارزیابی‌های آسیب‌پذیری در شکل دادن به برنامه‌ی ملی سازگاری در پاسخ به شاخص‌ها و هشدارهای زیست‌محیطی، و بهبود فرایندهای ارزیابی مخاطره باشد.

پنج حوزه‌ی اقدام: پیشرفت در پنج کار مهم برای ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

حوزه‌ی اقدام 1

ارزیابی جهانی مخاطره

دولت‌ها ارزیابی‌های مختلف و متعددی از مخاطرات انجام می‌دهند که اغلب کیفیت بالایی دارند، اما این تلاش‌ها عموماً از هم گسیخته است و در درون دولت‌ها هم هماهنگ نیست، چه برسد به هماهنگی داشتن در بین آن‌ها. دولت‌های عضو گروه هفت، از طریق کارگروه خود، می‌توانند یک روش ارزیابی مخاطره‌ی یکپارچه، مشترک و در دسترس برای شناسایی مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و رسیدن به نتایج قابل اجرا ایجاد کنند.

رویکرد کل‌سیستمی که هدف از آن رسیدن به درک مشترک از چالش است، برای سنجش مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری، چهار بخش پیش‌بینی را ادغام می‌کند: انتشار گازهای گلخانه‌ای؛ واکنش سیستم‌های اقلیمی؛ پیامدهای جانبی برای جامعه، اقتصادها و سیاست، و درگیری و مخاطرات آسیب‌پذیری ناشی از آن‌ها؛ و عواقب اقدامات انجام‌شده برای کاهش این مخاطرات. ضرورت خواهد داشت که دولت‌ها در روند جمع‌آوری و تحلیل این داده‌ها مشارکت داده شوند. نتایج قابل اجرا بر مبنای این شواهد در اختیار تک‌تک دولت‌ها قرار می‌گیرد، به ویژه دولت‌های در معرض خطر بالا یا فاقد ظرفیت ارزیابی مخاطره‌ی درآمیخته.

حوزه‌ی اقدام 2

امنیت غذایی

تأکید این گزارش بر لزوم درک وجوه اشتراک میان ناامنی غذایی مرتبط با اقلیم، نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی، و حاشیه‌نشینی است، که می‌تواند در آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی نقش داشته باشد. به خصوص در کشورهای گرفتار فقر، حکمرانی ضعیف و آسیب‌پذیری، ناامنی غذایی می‌تواند بحران‌زا باشد. در بلندمدت، دولت‌های ملی باید در بهبود سیاست‌های غذایی خود پیشقدم شوند، درحالی‌که اهداکنندگان می‌توانند به ایجاد سیستم‌های غذایی تاب‌آور کمک کنند. اما در کوتاه‌مدت، پنج گام را برای کاهش مخاطرات ناشی از ناامنی غذایی توصیه می‌کنیم:

اقدام هماهنگ بین‌دولتی بهترین راه رفع مسائلی است که مرزهای ملی را درمی‌نوردند. مقیاس و دامنه‌ی این مسائل تزیق انرژی جدید در کوتاه‌مدت را ایجاد می‌کند که در بلندمدت‌تر به تعهد پایدار تبدیل می‌شود. گروه هفت به دلیل موقعیت جهانی، ماهیت و گستردگی وظایف سیاست‌گذاری، و تعهد مشترک نسبت به این مسائل، از شرایط منحصر به فردی برای رهبری این اقدامات برخوردار است.

- بازنگری‌های الزامی سالانه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های یکپارچه
- برگزاری جلسات فنی در مورد بهترین روش‌ها و آموخته‌ها
- سرمایه‌گذاری مشترک در منابع داده‌ی به اشتراک گذاشته شده و تحقیقات جدید
- شناسایی شکاف‌ها و فرصت‌های جدید برای واکنش‌های مشترک
- توسعه و به‌کارگیری مشترک یک روش جهانی ارزیابی مخاطره

تبدیل این کارگروه به بخشی از فرایند سالانه‌ی گروه هفت، شفافیت و اولویت آن را حفظ می‌کند و فرصتی منظم برای نشان دادن رهبری و پیشبرد بیشتر این تلاش‌ها در اختیار دولت‌های عضو گروه قرار می‌دهد. برای جمع‌آوری و انتشار گزارش‌های سالانه، برجسته کردن بهترین روش‌ها، و به اشتراک گذاشتن منابع داده‌ی جدید، کارگروه مذکور می‌تواند یک بستر اطلاعاتی در مورد مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری به سفارش گروه هفت به نشانی www.newclimateforpeace.org ایجاد کند.

توصیه‌ی 3

تعیین دستور کار جهانی تاب‌آوری: اطلاع‌رسانی فرایندها و ساختارهای چندجانبه

تهدید استراتژیک جهانی ناشی از تغییرات اقلیمی با فرایندهای بین‌المللی بسیاری مرتبط است که در آن‌ها رابطه‌ی میان اقلیم و آسیب‌پذیری در حال حاضر یک موضوع حاشیه‌ای تلقی می‌شود. دولت‌های گروه هفت وزن جمعی از میان برداشتن موانع بخشی و رویکردهای جزیره‌ای را دارند که باعث شده‌اند بسیاری از این فرایندها نتوانند مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را برطرف کنند.

گروه هفت می‌تواند با ترویج هماهنگی بیشتر بین فرایندهای اقلیمی، توسعه‌ای و ایجاد صلح، به تحقق منافع مشترک یکپارچگی کمک کند. با این حال، آن‌ها نباید با الزامات برنامه‌ریزی و گزارش‌دهی تکراری به دولت‌ها، به ویژه دولت‌هایی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر هستند، فشار بیش از حد وارد بیاورند. هر پاسخ یکپارچه باید منجر به ساده‌سازی شود.

نهادهای چندجانبه مانند بانک جهانی و سازمان‌های ملل متحد باید به افزایش تمرکز خود بر تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری، ارزیابی یکپارچه‌ی مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری، و تدوین راهنمای عملیاتی برای سیاست‌ها و برنامه‌های حساس به اقلیم و حساس به درگیری تشویق شوند. تلاش‌های چندجانبه در خصوص دستور کار پس از 2015، چارچوب سندای، و سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیمی می‌تواند به صراحت مورد ارجاع متقابل قرار گیرد، با تمرکز بر هم‌افزایی در برنامه‌ریزی، پایش، یا گزارش‌دهی در چارچوب‌های مختلف.

کشورهایی که عمیقاً دستخوش شرایط آسیب‌پذیر هستند، برای واکنش در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری، به کمک اضافی فرایندهای چندجانبه نیاز خواهند داشت. اقدام هماهنگ بین‌المللی به این کشورها در تدوین برنامه‌های یکپارچه‌ی سازگاری با تغییرات اقلیمی و اجرای ابتکارات ایجاد تاب‌آوری اقلیمی کمک می‌کند. این گروه از کشورها در تلاش‌های خود نیز از بودجه‌ی کم‌نوسان‌تر و با توزیع یکنواخت‌تر، و دسترسی بهتر به سازوکارهای مالی چندجانبه برای سازگاری با تغییر اقلیمی، توسعه و ایجاد صلح بهره‌مند خواهند شد.

برای هدایت بهتر در خصوص برنامه‌ریزی سازگاری ملی از طریق فرایندهای کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، شرکای توسعه باید تشریح مساعی کنند و از پشتیبانی نظام‌مند از کشورهایی که شرایط آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند اطمینان یابند. این کشورها از کمک در تدوین برنامه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی که منعکس‌کننده‌ی مخاطرات مربوط است و از دسترسی به صندوق اقلیم سبز و سایر سازوکارهای مالی مرتبط برخوردار می‌شوند.

حوزهی اقدام 5

ایجاد تاب‌آوری محلی در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

دولت‌های گروه هفت می‌توانند حمایت از تاب‌آوری جامعه در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را در سرتاسر برنامه‌های کمک خود بگنجانند و از نفوذ خود در مجامع اهداکنندگان برای تشویق دیگران به همین کار استفاده کنند. ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری باید بخشی از زمینه‌ی موضوعی کمک‌های توسعه‌ای باشد، نه یک افزودنی اختیاری و جدا از دستور کار اصلی. سازگاری با تغییرات اقلیمی و تاب‌آوری در برابر طیف وسیعی از تهدیدات را می‌توان با مجموعه‌ای از تلاش‌های هماهنگ و در مقیاس کوچک در زمینه‌ی سازگاری، توسعه، کمک‌های بشردوستانه و ایجاد صلح تقویت کرد. این اقدامات در همراهی با کارآفرینی محلی، رهبری ملی متعهد، و حمایت منسجم بین‌المللی بهترین کارایی را دارند.

بر این اساس، تعامل محلی و حکمرانی پاسخگو باید در رأس مشارکت‌های ملی جدید برای تاب‌آوری باشد. اقدامات محلی نیازمند هماهنگی و پشتیبانی به شکل آموزش، تجهیزات، اطلاعات و زیرساخت، و همچنین حمایت و هدایت دولت‌های ملی است. در موقعیت‌های آسیب‌پذیری و سایر کشورهای کم‌درآمد، پشتیبانی مالی و/ یا فنی بین‌المللی از اقدامات محلی ضرورت دارد.

این تلاش می‌تواند طیف وسیعی از ابتکارات را دربر بگیرد، مانند:

- ارائه‌ی اطلاعات در مورد مخاطرات و فشارهای اقلیمی - آسیب‌پذیری، کمک به بررسی طیفی از روش‌های سنتی و مدرن کاهش خطر، و ارائه‌ی مشاوره در مورد کمک‌های در دسترس؛
- کمک به بهبود امنیت غذایی از طریق سرمایه‌گذاری در سیستم‌های غذایی و مکانیسم‌های حفاظت اجتماعی برای کاهش مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری؛
- ارائه‌ی تخصص فنی و آموزش در زمینه‌ی روش‌های جدید، مانند طراحی و مدیریت برنامه‌ی حساس به درگیری، کشاورزی با هوشمندی اقلیمی، زیرساخت‌های با هوشمندی اقلیمی، و مدیریت اصلاح‌شده‌ی آب، انرژی و اکوسیستم.

xviii

زیربنای آینده‌ای صلح‌آمیزتر و تاب‌آورتر

این اقدامات توصیه‌شده فقط در همراهی با تلاش‌های مشترک برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اثربخش خواهد بود. اما حتی با یک توافق بلندپروازانه در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای، مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری پابرجا خواهد بود، بنابراین واکنش پیشگیرانه باید ادامه یابد.

واکنش به تهدید استراتژیک جهانی ناشی از تغییرات اقلیمی وظیفه‌ی بسیار بزرگی برای هر دولتی است. این مجموعه‌ی متنوع از توصیه‌ها ترسیم‌کننده‌ی فرصت‌های مستقیم برای کشورهای عضو گروه هفت - همچنین برای گروه هفت به عنوان یک گروه، و در هماهنگی با شرکای بین‌المللی آن - برای مقابله با مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری با واکنش‌های یکپارچه است. با گذشت زمان، دولت‌های گروه هفت و شرکای آن‌ها ممکن است دریابند که همکاری عینی‌تر و هماهنگی رسمی‌تر از طریق ترتیبات جدید و ساختارهای نهادی می‌تواند امکان جذب بهتر هم‌افزایی‌ها و دستیابی به تأثیر بیشتر را برای آنان فراهم سازد.

تأثیرات اقلیمی حد و مرزی ندارد و همه‌ی مرزها را اعم از ملت، بخش یا سازمان پشت سر می‌گذارد. گروه هفت به تنهایی مسئولیت اقدام در مورد تغییرات اقلیمی و مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را بر عهده ندارد. اما امسال فرصت منحصر به فردی برای نشان دادن تعهدش نسبت به مقابله با تغییرات اقلیمی در اختیار دارد. وزرای خارجه‌ی گروه هفت می‌توانند با بیان و عمل براساس یک تعهد جدید در قبال واکنش به یکی از چالش‌های بزرگ زمان ما آغاز کنند: ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری.

- تقویت دسترسی به داده‌ها و تحلیل‌های به موقع و دقیق به منظور اطمینان از وجود یک پایگاه شواهد مستحکم برای تصمیم‌های سیاستی؛
- محدود کردن نوسانات بحرانی قیمت مواد غذایی با بهبود دسترسی به بازارها، کاهش موانع تجاری، و افزایش اطلاعات بازار؛
- اطمینان از فراهم بودن ذخیره‌ی کافی مواد غذایی برای تأمین امنیت غذایی؛
- حفظ فعالیت بین‌المللی و داخلی بازارها در طی بحران‌های قیمت مواد غذایی؛
- تقویت استراتژی‌های تعیین‌شده برای ترویج استفاده از منابع محلی و رونق بازارهای محلی، شامل تجارت فرامرزی، به منظور تاب‌آوری بلندمدت‌تر.

حوزه‌ی اقدام 3

کاهش خطر بلایا

حجم کار جهانی بشردوستانه افزایش یافته و احتمالاً تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری به رشد خود ادامه خواهد داد. اگرچه در کاهش خطرات بلایای طبیعی پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم، باید محور تلاش‌های خود را از مدیریت بحران‌ها به مدیریت مخاطرات تغییر دهیم. به جای بالا بردن هزینه‌ها در زمان وقوع بحران‌ها و کم کردن هزینه‌ها بعد از عبور آن‌ها، شرکای توسعه باید با همیاری به طور مداوم در پیشگیری از بحران سرمایه‌گذاری کنند. ثابت شده است که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کاستن از خطر بلایا باعث کاهش هزینه‌ی واکنش به بلایا می‌شود.

ادغام کاهش خطر بلایا، ایجاد صلح، سازگاری با تغییر اقلیمی، و حمایت از کشورهای در حال توسعه باید یک هدف صریح سیاست خارجی دولت‌های گروه هفت باشد. به ویژه، اجرای اعلامیه و چارچوب تازه تصویب شده‌ی سندای و توافق‌نامه‌ی اقلیمی جدید جهانی باید به منظور تحقق هم‌افزایی‌ها و اجتناب از تلاش‌های تکراری با یکدیگر همسو شوند.

ساختار بین‌المللی موجود کاهش خطر بلایا به خوبی شکل گرفته است. با پشتیبانی منابع انسانی، طبیعی، مالی و حقوقی متناسب و انعطاف‌پذیر، و پیوند نزدیک‌تر ساختارهای موجود با ارزیابی جامع مخاطرات و استراتژی‌های یکپارچه‌ی توسعه، تأثیرات مثبت آن تقویت می‌شود. از جمله، برای مثال:

- مشارکت با سازمان‌های موجود، مانند بانک جهانی یا بانک‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، در تدوین راهنمای عملیاتی و آموخته‌ها در زمینه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های حساس به اقلیم و حساس به درگیری کاهش خطر بلایا؛
- فراخواندن سازمان‌های بخشی موجود، مانند دفتر کاهش خطر بلایای سازمان ملل متحد، به ادغام ملاحظات اقلیمی - آسیب‌پذیری با کار خود.

حوزه‌ی اقدام 4

حل و فصل اختلافات بر سر آب‌های فرامرزی

تعامل سیستماتیک به حصول اطمینان از اینکه آب‌های فرامرزی، به جای نقاط درگیری، به نقاط همکاری مسالمت‌آمیز تبدیل می‌شوند کمک می‌کند. ابتکارات دیپلماتیک موجود می‌تواند نقاط آغاز استقرار و تقویت مدیریت مخاطرات و نهادهای حل تعارضات پیش از شروع کمبود و ناپایداری منابع آب ناشی از اقلیم باشد.

سه رکن کاری زیر پیشنهاد می‌شود:

- تقویت نهادهای موجود محلی و ملی مدیریت آب؛
- ارتقای همکاری در زمینه‌ی مدیریت دانش، با حمایت از انتشار نمونه‌های خوب، بهترین رویه‌ها، و آموخته‌ها. تجارب با ترتیبات قانونی موجود ممکن است رهنمودهای مفیدی برای برخورد با درگیری‌ها فراهم سازد، درحالی‌که شروع ارزیابی‌های آسیب‌پذیری (مشترک) می‌تواند به ایجاد درک مشترکی از چالش‌های آینده کمک کند.
- گسترش تلاش‌های موجود برای تقویت همکاری دولت‌ها در حوضه‌های رودهای فرامرزی. دولت‌های گروه هفت می‌توانند یک کنفرانس جهانی در زمینه‌ی حوضه‌های فرامرزی ترتیب دهند، با نظر به ارزیابی چگونگی اصلاح چارچوب‌های موجود در جهت جلب مشارکت بیشتر. این چارچوب‌ها باید متضمن پیوند سیستماتیک مدیریت آب‌های فرامرزی با سازگاری و تاب‌آوری اقلیمی باشند، به طوری که بررسی یکپارچه‌ی مخاطرات مرتبط با چالش‌های سیاسی و تغییرات هیدرولوژیکی میسر شود.

1 مقدمه

1.1 پیشگامی گروه هفت در پرداختن به تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری

تغییر اقلیمی برای امنیت جهانی، به ویژه در مناطق آسیب‌پذیر و درگیر مناقشه، مخاطراتی ایجاد می‌کند. ضرورت توجه به این مخاطرات در تعداد فزاینده‌ای از بیانیه‌ها و گزارش‌ها از سطوح بالا – از همه شایان ذکرتر شورای امنیت سازمان ملل متحد و سران کشورهای گروه هفت – مورد تأکید قرار گرفته است. درحالی‌که پیشگامان توسعه و امنیت اولین کسانی بودند که زنگ خطر را به صدا درآوردند، سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی نیز در حال پیوستن به این فراخوان برای عمل هستند.

«تغییر اقلیمی تهدیدی فزاینده برای صلح و ثبات است. از همین رو ما باید فرهنگ همکاری خود را تغییر دهیم. لازم است کشورهای درگیر زودتر وارد عمل شوند و تاب‌آوری به یکی از موضوعات اصلی در سیاست خارجی تبدیل شود.»

فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه‌ی آلمان
آوریل 2015

«تغییر اقلیمی به طور قطع در ردیف مجموعه‌ی تهدیدات جهانی که امروز با آن‌ها روبه‌رو هستیم – تروریسم، افراط‌گرایی، بیماری‌های همه‌گیر، فقر، گسترش سلاح‌های هسته‌ای – که بسیارند و همه چالش‌هایی هستند که مرز نمی‌شناسند، قرار می‌گیرد.»

جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا
دسامبر 2014

«اختلال اقلیمی دیگر یک فرضیه نیست و کاملاً قطعیت دارد. گرم شدن زمین صلح و امنیت را تهدید می‌کند.»

فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه
سپتامبر 2014

«امروز تغییر اقلیمی یکی از جدی‌ترین تهدیدات پیش روی جهان است که نه تنها محیط زیست بلکه امنیت ملی و جهانی ما، فقرزدایی و رونق اقتصادی را تهدید می‌کند.»

بیانیه‌ی مشترک به امضای:
دیوید کامرون، نخست‌وزیر و رهبر جذب محافظه‌کار؛
نیک کلگ، معاون نخست‌وزیر و رهبر حزب لیبرال؛
اد میلیبند، رهبر اپوزیسیون و حزب کارگر، بریتانیا
فوریه 2015

به منظور رفع کاستی‌های منابع موجود و آزمایش نتایج، کنسرسیوم 9 جلسه‌ی تبادل نظر منطقه‌ای برگزار کرد که در آن‌ها نمایندگانی از جامعه‌ی مدنی، دولت‌ها، بخش خصوصی و دانشگاهیان گرد هم آمدند. مشارکت‌کنندگان مخاطرات منطقه‌ای و ویژه‌ی کشورها، سیاست‌ها و درس‌های آموخته‌شده را شناسایی کردند. همچنین روش‌هایی را پیشنهاد کردند که از طریق آن‌ها وزیران امور خارجه‌ی گروه هفت بتوانند در جهت کاهش درگیری‌ها و مخاطرات آسیب‌پذیری ناشی از تغییرات اقلیمی به کشورهای خود کمک کنند.

جلسات تبادل نظر منطقه‌ای در کشورهای زیر برگزار شد:

اکوادور • مصر • هائیتی • اردن • کنیا • مراکش • پاکستان • پرو • فیلیپین • ساموآ

این گزارش از مطالعات موردی و سناریوهای روایی برای نشان دادن مخاطرات مرتبط با اقلیم و آسیب‌پذیری و تأثیرات متقابل پیچیده‌ی آن‌ها استفاده می‌کند. موردها و سناریوها، که از بهترین تحلیل‌ها و داده‌های علمی موجود بهره می‌گیرند، براساس جغرافیا، دسترسی به تحلیل و داده، و علائق شرکای گروه هفت انتخاب شدند. این سناریوها با هدف بررسی چشم‌اندازهای محتمل و به پرسش گرفتن تفکر رایج طراحی می‌شوند، و پیش‌بینی نیستند (Rüttinger and Maas 2010). هر سناریو تحلیل کوتاهی از وضعیت جاری ارائه می‌کند و به توصیف مسیرهای دیگری برای ترسیم مخاطرات و فرصت‌ها می‌پردازد.

علاوه بر این، از ۱۰۲ متخصص سیاست خارجی از آلمان، فرانسه، ژاپن، ایالات متحده و سرویس اقدامات خارجی اروپا مستقر در ۴۷ کشور درباره‌ی برداشتشان از مخاطرات بررسی‌شده در این گزارش و نقش فرایندهای موجود سیاست‌گذاری در رفع این مخاطرات نظرسنجی شد.¹ این نظرسنجی معیاری خواهد بود برای سنجش تغییر برداشت‌ها از مخاطرات در آینده. مشابه همین نظرسنجی از ۲۹ کارشناس حوزه‌ی تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری از ۱۷ کشور به عمل آمد² و نتایج آن با پاسخ‌های سیاست‌گذاران عرصه‌ی سیاست خارجی مقایسه شد.

3

1.4 ساختار گزارش

این گزارش شامل سه فصل اصلی است. در فصل دوم، یک تحلیل از مخاطره‌ی جهانی به شناسایی هفت مخاطره‌ی درآمیخته می‌انجامد که از طریق موارد ویژه‌ی کشورها و سناریوهای آینده‌نگر نشان داده می‌شوند. در یک جدول جمع‌بندی، هر مخاطره تعریف، نقاط اوج بالقوه فهرست و نقاط ورود برای رفع آن‌ها ارائه می‌شود. نقاط اوج و ورود نمایشی هستند و جامعیت ندارند.

فصل سوم به بازنگری سیاست‌ها در سه حوزه – تغییرات اقلیمی، همکاری‌های توسعه‌ای و کمک‌های بشردوستانه، و پی‌ریزی صلح – در جهت شناسایی رویکردهای موجود، کاستی‌ها و درس‌های آموخته‌شده اختصاص دارد. در پنجره‌های جمع‌بندی، یافته‌های اصلی برای چهار مرحله‌ی مهم که یکپارچگی آن‌ها ضروری است بیان می‌شود.

در نهایت در فصل چهارم پیشنهاداتی برای سیاست خارجی بر مبنای مخاطرات و تحلیل سیاست‌ها ارائه می‌شود. در حالی که مخاطبان هدف این پیشنهادات عمدتاً سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی هستند، سیاست‌گذاری در حوزه‌های مرتبط سازگاری اقلیمی، پی‌ریزی صلح، همکاری‌های توسعه‌ای و کمک‌های بشردوستانه نیز در آن‌ها مد نظر قرار می‌گیرد. به طور کلی، یافته‌ی گزارش این است که پیچیدگی مخاطرات ناشی از تغییرات اقلیمی مستلزم پاسخ‌هایی است که حوزه‌های جداگانه‌ی سیاست‌گذاری را دربر بگیرد.

1 در مجموع 50 کشور از میان کشورهای با موقعیتهای آسیب‌پذیر و کشورهای به شدت در معرض تأثیرات تغییر اقلیمی انتخاب شدند: 20 کشور عضو گروه مثبت هفت (افغانستان، بوروندی، جمهوری افریقای مرکزی، چاد، کومور، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، گینه، گینه‌ی بیسائو، هائیتی، لیبیا، پاپوا گینه‌ی نو، سائوتومه و پرنسیپ، سیرالئون، جزایر سلیمان، سومالی، سودان جنوبی، تیمور شرقی، توگو، و یمن)، 20 کشور در معرض بیشترین تغییرات اقلیمی براساس داده‌های شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی ND-GAIN و شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی شرکت میپل‌کرافت (بنگلادش، بوركینافاسو، کامبوج، جیبوتی، اریتره، اتیوپی، گامبیا، هند، لائوس، لسوتو، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، موزامبیک، نیال، نیجریه، فیلیپین، رواندا، سودان، و اوگاندا)، و 10 کشور دیگر با مخاطرات بالای اقلیمی و آسیب‌پذیری که در طی تبادل نظرهای منطقه‌ای کنسرسیوم و/ یا بر پایه‌ی تحقیقات کنسرسیوم شناسایی شدند (کلمبیا، اکوادور، مصر، اندونزی، اردن، کنیا، مراکش، میانمار، پاکستان، و پرو). ما پاسخی از چاد، اتیوپی، سائوتومه و پرنسیپ، سودان، تیمور شرقی، و یمن دریافت نکردیم، اما پاسخ‌های تکمیلی از گابن، تانزانیا، و امارات متحده‌ی عربی به دستمان رسید.

2 این 17 کشور عبارتند از: بوروندی، چاد، ساحل عاج، کنگو، اکوادور، اتیوپی، اردن، کنیا، مالاوی، مراکش، نیال، نیجریه، پاکستان، پرو، سومالی، اوگاندا و زیمبابوه.

کشورهای عضو گروه هفت در جلب توجه جهانیان به پیامدهای بالقوه‌ی امنیتی تغییرات اقلیمی پیشگام بوده‌اند. گروه هفت بر مبنای موقعیت جهانی خود، حیثه‌ی اختیارات سیاسی‌اش، تعهد مشترک، و توانایی گرد آوردن هفت اقتصاد بزرگ جهان و خدمات دیپلماتیک آن‌ها، در جایگاه منحصربه‌فردی قرار گرفته است که می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت رهبری اعضای خود، ابتکار عمل سیاسی لازم را برای بررسی جامع مخاطرات ناشی از تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری ایجاد کند.

در آوریل ۲۰۱۳، وزیران امور خارجه‌ی کشورهای گروه هشت توافق کردند راه‌هایی را برای مواجهه‌ی بهتر با چالش تغییر اقلیمی و خطرات آن در نظر بگیرند. بعدتر در همان سال، مقامات کشورهای علاقه‌مند در گروه هشت برای گفت‌وگو در خصوص این موضوعات و یافتن گزینه‌های عملی برای بررسی و عمل آتی ملاقات کردند. آنان پیشنهاد کردند که اعضای علاقه‌مند گروه هشت در جهت پیشبرد یک مطالعه‌ی مستقل درباره‌ی تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری و ایجاد یک بستر آنلاین و در دسترس عموم برای به اشتراک گذاشتن و انتشار اطلاعات جمع‌آوری‌شده و تحقیقات همکاری کنند. در اوایل سال ۲۰۱۴، اعضای گروه هفت یک کنسرسیوم بین‌المللی متشکل از adelphi (سرپرست)، International Alert، مرکز Woodrow Wilson و مؤسسه‌ی مطالعات امنیتی اتحادیه‌ی اروپا را مأمور اجرای این مطالعه و ایجاد بستر مذکور کردند.

گزارش «اقلیمی جدید برای صلح: اقدام در برابر مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری» محصول یک سال تلاش این سازمان‌ها در جهت ارزیابی شواهد موجود و بررسی مناقشه‌ی تغییر اقلیمی و مخاطرات آسیب‌پذیری، شناسایی درس‌های حاصل از تدوین سیاست‌هایی برای رفع این مخاطرات، و ارائه‌ی توصیه‌هایی به سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی برای رفع این تهدید استراتژیک جهانی است. محتوای این گزارش مستقل و بستر آنلاین اطلاعاتی بیانگر عقاید گروه هفت یا هیچ‌یک از کشورهای عضو آن نیست.

1.2 ویژگی‌های منحصربه‌فرد گزارش

برخلاف گزارش‌های متعدد قبلی درباره‌ی تغییرات اقلیمی و امنیت، این گزارش نگاه وسیع‌تری به آسیب‌پذیری دارد، و آثار تغییرات اقلیمی را فشاری بر کشورها و جوامع قلمداد می‌کند که به‌وجودآورنده‌ی طیف وسیعی از مخاطرات ناشی از آسیب‌پذیری است. این گزارش طیف کامل موقعیت‌های آسیب‌پذیری – از بحران و درگیری خشونت‌آمیز تا مراحل ناپایدار انتقالی مانند تغییر رژیم، شرایط پس از درگیری، و ناآرامی سیاسی – را پوشش می‌دهد. علاوه بر این، با جلب توجهات به مخاطرات ناشی از تغییرات اقلیمی برای پایداری و تاب‌آوری کشورهای توسعه‌یافته‌تر، از تمرکز معمول بر ضعیف‌ترین و درگیرترین کشورها فراتر می‌رود.

این گزارش در درجه‌ی اول خطاب به سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی است که به‌ندرت در تحقیقات و توصیه‌های مربوط به ضرورت‌های امنیت اقلیمی، محور یا مخاطب هدف بوده‌اند. بنابراین یک فعالیت علمی نیست، بلکه هدفش پر کردن شکاف میان تحلیل امنیت اقلیمی و اقدامات حوزه‌ی سیاست خارجی با خلاصه کردن دانش علمی درباره‌ی این موضوع و ارائه‌ی پیشنهادات مبتنی بر شواهد است. بدین منظور، این مطالعه به تحلیل طیف گسترده‌ای از انواع سیاست‌ها، فرایندها و نهادها در زمینه‌های تغییرات اقلیمی، توسعه، کمک‌های بشردوستانه و پی‌ریختن صلح می‌پردازد و شناسایی شکاف‌ها و چالش‌ها در برابر پاسخ‌های یکپارچه‌ای را محور قرار می‌دهد که سازمان‌های جداافتاده و بخشی را پشت سر می‌گذارند.

علاوه بر این، بستر اطلاعاتی مکمل گزارش (www.newclimateforpeace.org) به عنوان یک منبع داده در خصوص تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری عمل می‌کند. این بستر ارائه‌دهنده‌ی یافته‌های اصلی این گزارش، منابع بیشتر و گرافیک اطلاعات، یک وبلاگ، و یک ابزار نقشه‌سازی تعاملی برای دسترسی به پایگاه داده‌ی درگیری‌ها به منظور بررسی بیشتر مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی – آسیب‌پذیری است که در این گزارش شناسایی شده است.

1.3 روش‌شناسی

این مطالعه مبتنی بر مرور جامع منابع و تحقیقات علمی موجود است. کنسرسیوم، علاوه بر تحقیقات مورد ارزیابی هم‌تایان، ارزیابی تحقیقات، گزارش‌ها و مطالعات موردی تازه و منتشرنشده، و مطالعات میدانی اعضای کنسرسیوم را نیز در دستور کار قرار داد. این تلاش‌ها با بهره‌گیری از اطلاعات یک پایگاه داده‌ی درگیری‌های با ابعاد محیط زیستی و اقلیمی صورت گرفت که در بستر اطلاعاتی آنلاین منتشر خواهد شد.

2 مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیم - آسیب‌پذیری

2.1 تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری

در دهه‌های پیش رو، تغییرات اقلیمی یکی از تهدیدات عمده برای ثبات کشورها و جوامع خواهد بود.

در دهه‌های پیش رو، تغییرات اقلیمی یکی از تهدیدات عمده برای ثبات کشورها و جوامع خواهد بود. ظرفیت کشورها و جوامع برای مدیریت تغییرات، از جمله تغییرات اقلیمی، در طیفی از درجات آسیب‌پذیری، از آسیب‌پذیرترین تا تاب‌آورترین، ارزیابی می‌شود. فقدان مشروعیت، با تضعیف اقتدار دولت، موجب تسریع در تغییر وضعیت به آسیب‌پذیری می‌شود. ممکن است قانون‌ها و دوره‌های آسیب‌پذیری در کشورهای پایدار نیز وجود داشته باشد. شدیدترین مخاطرات هنگامی بروز می‌کند که چند نیروی فشار همگرا می‌شوند. با اثر متقابل تغییرات اقلیمی و سایر فشارها و عوامل زمینه‌ای، هفت مخاطره‌ی درآمیخته پدیدار می‌شود: رقابت بر سر منابع محلی، ناامنی معیشتی و مهاجرت، وقایع شدید آب‌وهوایی و بلاهای طبیعی، نوسان در قیمت و تأمین مواد غذایی، مدیریت آب‌های فرامرزی، افزایش سطح آب دریا و تخریب سواحل، و تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی.

تغییرات اقلیمی تهدیدها را افزایش می‌دهد.

در طی دهه‌ی گذشته، شواهد فزاینده‌ای فوریت و عمق مخاطرات ناشی از آثار تغییرات اقلیمی بر امنیت و صلح را برجسته ساخته است. مهم‌تر از همه گزارش سال 2014 هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی است که می‌گوید: «با تغییر اقلیمی، امنیت بشر به طور مستمر مورد تهدید قرار خواهد گرفت»؛ با تشدید عوامل ثابت‌شده‌ی درگیری، مانند فقر و شوک‌های اقتصادی، خطر درگیری‌های خشونت‌آمیز افزایش خواهد یافت (IPCC 2014).

به همین ترتیب، شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرده است که «آثار مخرب احتمالی تغییرات اقلیمی ممکن است، در طولانی‌مدت، موجب تشدید برخی تهدیدهای موجود علیه صلح و امنیت بین‌المللی شود»، و کمیسیون اروپا تغییرات اقلیمی را «افزاینده‌ی تهدیدها که منجر به تشدید روندها، تنش‌ها و بی‌ثباتی موجود می‌شود» معرفی کرده است (UNSC 2011; European Commission 2008).

محققان دریافته‌اند که تغییر اقلیمی به عنوان یک عامل فزاینده‌ی تهدید منجر به مجموعه‌ای از «خطرات ثانویه نظیر درگیری خشونت‌آمیز، بی‌ثباتی سیاسی، جابجایی‌های جمعیتی، فقر، و گرسنگی» می‌شود (Gemenne et al. 2014; CNA 2007). در همه‌ی این بحث‌ها، تغییر اقلیمی به عنوان متغیری شناخته شده است که بروز هم‌زمان فشارها و عوامل تنش‌زای محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تشدید می‌کند. هیچ پیوند خودکاری میان تغییر اقلیمی، آسیب‌پذیری، و درگیری وجود ندارد؛ وجود و چگونگی تأثیر تغییر اقلیمی بر آسیب‌پذیری به بستری بستگی دارد که در آن تغییر اقلیمی رخ می‌دهد.

از سوی دیگر، بسیاری از کشورهای صنعتی، به ویژه ژاپن و کشورهای واقع در اروپای غربی، به موازات پیر شدن جمعیت‌های خود با چالش‌های بسیار متفاوتی روبه‌رو شده‌اند. پیری جمعیت‌ها ممکن است در درازمدت مانع از رشد اقتصادی شود، آمادگی نیروی نظامی را کاهش دهد، و تنش‌های سیاسی در میان گروه‌ها ایجاد کند (UK MoD 2014).

رشد شهرنشینی ادامه خواهد یافت: امروز ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. این میزان تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰ درصد و تا سال ۲۰۴۵ به ۷۰ درصد افزایش می‌یابد (Lagarde 2014; UN-DESA 2014). شهرها ایجادکننده‌ی ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان هستند (UNEP 2013; World Bank 2014c; World Economic Forum 2014). رشد جمعیت در مراکز شهری به دولت‌ها فشار خواهد آورد تا به تقاضای فزاینده‌ی اشتغال، مسکن، حمل و نقل و مراقبت‌های بهداشتی، در کنار تأمین زمین، آب و انرژی پاسخ دهند (UNEP 2012a). مدیریت مطلوب توسعه‌ی شهری می‌تواند فرصت‌هایی برای رشد بیشتر اقتصادی و ارتقای بهره‌وری به وجود آورد. با این حال، بهره‌وری روزافزون اقتصادی مصرف منابع طبیعی را نیز افزایش می‌دهد. امروزه ۸۶۳ میلیون نفر در سراسر دنیا در زاغه زندگی می‌کنند (UN Habitat 2013). در افریقا، تنها ۸۹ درصد جمعیت شهری به آب سالم و تنها ۶۹ درصد به برق دسترسی دارند؛ همچنین فقط ۲۸ درصد جاده‌ها آسفالت شده است (UN Habitat 2013). تخمین زده شده است که تا سال ۲۰۲۵ تقاضای سالانه‌ی آب در بزرگ‌ترین شهرهای جهان تا ۸۰ میلیارد متر مکعب افزایش یابد (Dobbs et al. 2012). فضاهای شهری در ظرف ۴۰ سال آینده به ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون هکتار زمین بیشتر نیاز دارند (UNEP 2012a; Bettencourt et al. 2007). تأمین این نیازها در برخی شرایط تقریباً ناممکن خواهد بود.

نابرابری یک چالش مهم باقی خواهد ماند: بیش از ۲/۶ میلیارد نفر، یا یک سوم جمعیت جهان، با درآمد کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند. تا سال ۲۰۱۸، نیمی از فقرای جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آن‌ها را آسیب‌پذیر شناخته است (OECD 2013b). هفتاد درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که در آن‌ها اختلاف طبقاتی بین ثروتمندان و فقرا در طی ۳۰ سال گذشته افزایش یافته است (Lagarde 2014). اختلاف درآمد در اکثریت بزرگی از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه افزایش قابل توجهی یافته است؛ اکنون متوسط درآمد خانوار ثروتمندترین ۱۰ درصد در حدود ۱۰ برابر درآمد خانوار فقیرترین ۱۰ درصد است (World Economic Forum 2015). در اقتصادهای نوظهور نیز در صورت مدیریت ناکارآمد، اختلاف درآمد به همین شکل افزایش می‌یابد. برای مثال، چین یکی از بالاترین سطوح اختلاف درآمد را در بین کشورهای دارای استانداردهای زندگی مشابه دارد (Xie and Zhou 2014). با وجود کاهش اختلاف در امریکای لاتین در طول دهه‌ی گذشته، این منطقه همچنان یکی از نابرابرترین مناطق در جهان است (Tsounta and Osueke 2014).

تقاضای جهانی برای غذا، آب و انرژی همچنان فزاینده است: تا سال ۲۰۳۰، به دنبال رشد اقتصادی و گسترش طبقه‌ی مصرف‌کننده، تقاضای جهانی برای غذا، آب و انرژی به ترتیب حدود ۳۵، ۴۰ و ۵۰ درصد رشد خواهد کرد (Kharas and Gertz 2010; UK MoD 2014; US NIC 2012). تا سال ۲۰۴۵، میزان مصرف آب در بخش کشاورزی ۱۹ درصد افزایش می‌یابد، و تقاضای جهانی برای آب شیرین ممکن است ۵۵ درصد رشد کند. میزان سرمایه‌گذاری و اصلاحات لازم برای پاسخگویی به این تقاضای روزافزون دلهره‌آور است. برای پاسخ گفتن به تقاضای غذا، کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۵۰ باید ۲۰۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنند که تقریباً ۵۰ درصد بیشتر از سطوح فعلی است (Lee et al. 2012). آژانس بین‌المللی انرژی (2014) تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۵ افزایش تقاضای انرژی حدود ۴۸ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری را ضروری می‌سازد.

فشار بر منابع و تخریب محیط زیست افزایش خواهد یافت: ۲۵ درصد از اراضی کره‌ی زمین تاکنون از بین رفته است (UK MoD 2014). به دلیل تخریب اراضی، انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۴۰ تولید جهانی غذا ۱۲ درصد کاهش یابد و تا سال ۲۰۵۰ از وسعت زمین‌های زراعی موجود ۸ تا ۲۰ درصد کاسته شود (UNCCD 2014b; UNCCD 2014b). نرخ کنونی از دست رفتن تنوع زیستی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ برابر نرخ انقراض طبیعی تخمین زده می‌شود؛ از همین رو، توانایی اکوسیستم‌ها در تأمین کالاها و خدمات ضروری کاهش می‌یابد (WWF 2012; Millennium Ecosystem Assessment 2005).

با این حال نباید تغییر اقلیمی را صرفاً متغیری مانند متغیرهای دیگر در نظر گرفت. در حالی که کشورها در دسامبر ۲۰۱۵ برای مذاکره در خصوص توافق‌های مهم برای کاهش گازهای گلخانه‌ای در پاریس گرد هم می‌آیند، پیامدهای انتشار کنونی و قبلی کربن ادامه خواهد یافت (IPCC 2014). بر این اساس، فشارهای ناشی از تغییرات اقلیمی که سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا و هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی شناسایی کرده‌اند نه تنها تداوم خواهد داشت بلکه در طی دهه‌های آینده همچنان افزایش خواهد یافت. این شتاب درونی تضمینی است بر استمرار تهدید تغییرات اقلیمی برای ثبات و امنیت.

شدیدترین مخاطرات آسیب‌پذیری با همگرایی تغییرات اقلیمی و سایر فشارها بروز می‌کند.

فشارهای درآمیخته‌ی تغییرات اقلیمی و سایر عوامل تنش‌زا می‌تواند بار سنگینی بر دوش کشورها و جوامع باشد و با سوق دادن آن‌ها به سمت آسیب‌پذیری، آن‌ها را مستعد فروپاشی یا درگیری‌های خشونت‌آمیز سازد. این تأثیرات به ویژه در کشورهای ضعیف و گرفتار درگیری که فشارها از قبل بالا و ظرفیت مدیریت فشار پایین است شدت بیشتری دارد (IPCC 2014; Dabelko et al. 2013; Smith and Vivekananda 2009). با این حال، اگر فشار به نسبت بالا یا صدمه بسیار شدید باشد، حتی کشورهای به ظاهر باثبات نیز در معرض خطر سنگینی بار و سوق یافتن به سمت آسیب‌پذیری فزاینده قرار می‌گیرند. بنابراین، این مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری در میان گروه بسیار بزرگ‌تری از کشورها در مقایسه با کشورهایی که عموماً آسیب‌پذیر شناخته شده‌اند مشترک است (Carius et al. 2008; WBGU 2007).

انتظار می‌رود که فشارها و صدمات در آینده افزایش یابد.

رشد جمعیت تقاضای بسیار زیادی برای خدمات عمومی و چالش‌های مهمی در مسیر افزایش اشتغال و کاهش فقر ایجاد خواهد کرد (World Economic Forum 2014; UNEP 2012a). به علاوه، با بالا رفتن تقاضا و پیشی گرفتن آن از راندمان تولید، فشار بر منابع طبیعی افزایش خواهد یافت (EEA 2010). با وجود تخمین‌های متفاوت، به نظر می‌رسد که با افزایش طول عمر انسان‌ها، کاهش مرگ و میر کودکان، و بالا ماندن نرخ باروری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، جمعیت جهان تا سال 2030 به 8/3 میلیارد نفر افزایش یابد (US National Intelligence Council 2012; UK MoD 2014). احتمال دارد که حدود 97 درصد رشد جمعیت جهان تا سال 2050 در کشورهای در حال توسعه رخ دهد. این افزایش شدید جمعیت، به ویژه در مناطقی که بلایای زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی به معیشت مردم آسیب می‌رساند، مانع از تلاش برای مقابله با فقر خواهد شد. براساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۱۳، تا سال 2050، تعداد افراد گرفتار فقر شدید در جنوب صحرای افریقا می‌تواند از ۴۰۰ میلیون به ۲۲۵ میلیون نفر کاهش یابد. با این حال، چنانچه بر فشارها و بلایای زیست‌محیطی افزوده شود، ممکن است تعداد افراد بسیار فقیر به بیش از ۱ میلیارد در جنوب صحرای افریقا و 1/2 میلیارد نفر در آسیای جنوبی برسد (UNDP 2013a).

عدم توازن‌های جمعیت‌شناختی به ویژه در خاورمیانه، آسیای مرکزی، و جنوب صحرای افریقا افزایش خواهد یافت. تفاوت میانگین سنی در بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته قابل توجه است؛ برای مثال در نیجریه، اوگاندا و مالی ۱۶ اما در آلمان و ژاپن ۴۵ است (Cincotta 2012). یک جمعیت جوان رو به ازدیاد می‌تواند منبع پویایی و تأثیرگذار در رشد اقتصادی باشد. اما اگر فرصت‌های اقتصادی محدود باشد، «انفجار جمعیت جوانان» می‌تواند در ترکیب با تنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود مانند بیکاری، شهرنشینی سریع، نزول شرایط اقتصادی و تغییرات محیط زیستی، احتمال درگیری را افزایش دهد (Beehner 2007; Cincotta 2011; Cincotta 2012; LaGraffe 2012; Yifu Lin 2012; Urdal 2012). امروز بالاترین سهم جمعیت جوان نسبت به جمعیت بزرگسال در تاریخ منطقه از آن خاورمیانه است؛ بیش از ۳۰ درصد جمعیت آن بین ۱۵ تا ۲۹ ساله هستند (Brookings Institution 2014).

عدم توازن‌های جنسیتی در جمعیت‌های جوانان شهری، در نتیجه‌ی انتخاب جنسیتی در مهاجرت از روستا به شهر، معمولاً با عدم توازن‌های سنی همراه است. در شهرهای جنوب صحرای افریقا، نسبت رو به ازدیاد مردان جوان (15 - 24 سال) در جمعیت مردان بزرگسال غالباً با سطوح بالاتر بی‌نظمی اجتماعی ارتباط دارد (Urdal and Hoelscher 2009). در چین، عدم توازن جنسیتی ناشی از مهاجرت با نسبت‌های جنسی بالای مرد به زن در زمان تولد تشدید می‌شود که خود ناشی از سقط جنین‌های انتخابی برحسب جنسیت است که سیاست تک فرزندی در کشور به آن دامن می‌زند (در سال 2010، به ازای هر 100 نوزاد دختر، 118 نوزاد پسر متولد شده است). برخی محققان استدلال می‌کنند که این نسبت‌های بالای جنسی مرد به زن ممکن است منجر به افزایش نرخ جرایم خشونت‌آمیز، فحشا، قاچاق انسان، و بی‌ثباتی اجتماعی شود (den Boer and Hudson 2014).

انتظار می‌رود فشارها و صدمات در آینده افزایش یابد

عدم توازن سنی



میانگین سنی جمعیت
در نیجر، اوگاندا و مالی
16 سال است.



احتمال دارد که تا سال **2050**،
حدود **97** درصد رشد جمعیت
جهان در کشورهای در حال
توسعه رخ دهد.

میانگین سنی جمعیت در
آلمان و ژاپن **45** ال است.



در خاورمیانه بیشتر
از **30%** جمعیت بین
15 تا 29 سال
هستند.

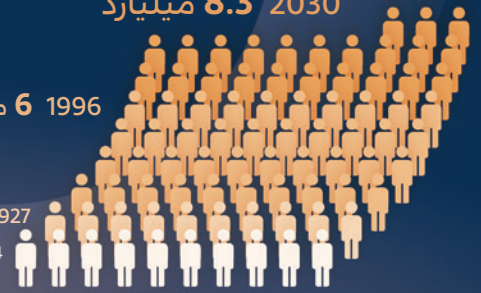


رشد جمعیت

2030 **8.3** میلیارد

1996 **6** میلیارد

1927 **2** میلیارد
1804 **1** میلیارد



تقاضا برای آب

تا سال **2025**، تقاضا برای آب
در کلان‌شهرها به بیش از

80 میلیارد

متر مکعب در سال
افزایش خواهد یافت.



70%

تا **2045**

60%

تا **2030**

50%

امروز

شهرنشینی

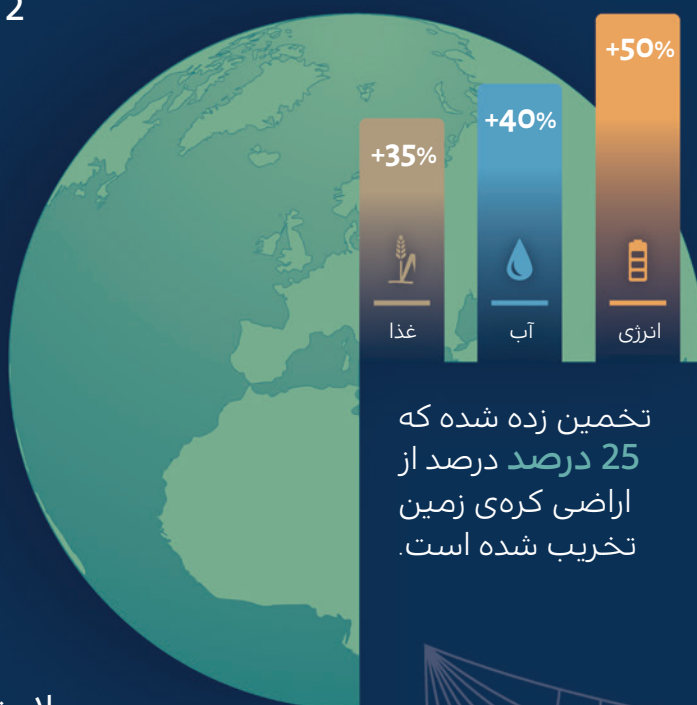
امروزه **50** درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند.

در طی **40** سال آینده باید **100** تا **200** میلیون هکتار
زمین دیگر به فضاهای شهری اختصاص یابد.



تقاضای جهانی منابع

رشد تا 2030



تا سال 2050، کشورهای در حال توسعه نیازمند **209** میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای پاسخ گفتن به تقاضای غذا هستند، یعنی 50 درصد بیشتر از امروز.

تا سال 2035، برای پاسخ گفتن به تقاضای انرژی نیازمند حدود **48** تریلیون دلار هستیم.

تخمین زده شده که **25 درصد** از اراضی کمره‌ی زمین تخریب شده است.

نابرابری



+

2 دلار



-

بیش از **2.6** میلیارد نفر، یا یک سوم جمعیت جهان، با مزد زیر 2 دلار در روز زندگی می‌کنند.



کشورهای آسیب‌پذیر

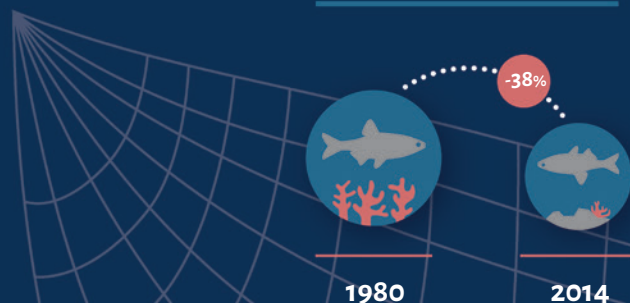
تا سال 2018، **نیمی** از فقرای جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آن‌ها را آسیب‌پذیر معرفی کرده است.

سلامت اکوسیستم



سرعت کاهش تنوع زیستی **1000 تا 10000** برابر سرعت طبیعی انقراض است.

شیلات و صخره‌های مرجانی



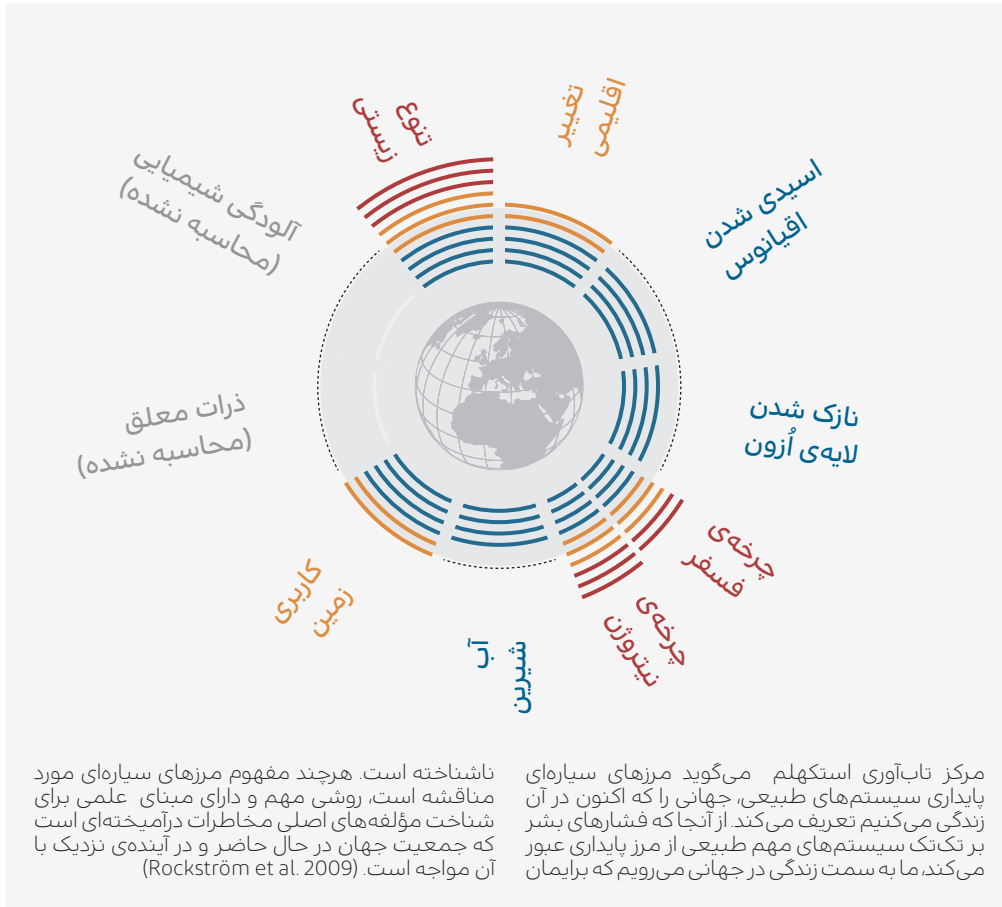
از سال 1980، صخره‌های مرجانی **38%** کاهش یافته است.

90% از ذخایر ماهیان جهان در معرض صید بی‌رویه است.

عنوان: مرزهای سیاره‌ای

تا سال 2015، در پنج روند سیاره‌ای، به مرز میان سطوح ایمن عملیاتی و شرایط خطرناک رسیدیم یا از آن هم عبور کردیم.

عبورکرده — دست‌یافته — دست‌نیافته مرز ایمن



◀ برگرفته از (Steffen et al. 2015)

وقایع شدید آب و هوایی و بالا آمدن سطح آب دریا

سیل و خشکسالی: پیش‌بینی شده است که تناوب و شدت سیل‌ها و خشکسالی‌ها تغییر یابد. بیش از نیمی از کره زمین، به ویژه در مناطق مرکزی و شرقی سیرری، بخش‌هایی از آسیای جنوبی و جنوب شرقی، آفریقای استوایی، و شمال امریکای جنوبی، افزایش خطرات سیل را تجربه خواهند کرد. حال آنکه وقوع سیل در مناطقی از شمال و شرق اروپا، آناتولی، آسیای مرکزی و شرقی، بخش مرکزی امریکای شمالی، و جنوب امریکای جنوبی کاهش خواهد یافت. هم‌زمان خشکسالی‌های شدیدتری در جنوب اروپا و منطقه‌ی مدیترانه، اروپای مرکزی، بخش‌های مرکزی و جنوبی امریکای شمالی، امریکای مرکزی، شمال شرقی برزیل، و جنوب آفریقا رخ خواهد داد. این وقایع به شبکه‌های تأمین آب فشار وارد می‌کند (IPCC 2014).

تا سال 2011، 61 درصد از ذخایر ماهی جهان به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و میزان صید بی‌رویه ۲۹ درصد بوده است (FAO 2014b). افزایش دمای آب و اسیدی شدن اقیانوس به سفید شدن صخره‌های مرجانی انجامیده است که 38 درصد آن‌ها از سال ۱۹۸۰ در جهان از بین رفته است (UNEP 2012a). در سراسر جهان، ذخایر آب زیرزمینی به علت آلودگی، استخراج نفت و گاز، معدن‌کاری، مدیریت پسماند و تصفیه‌ی فاضلاب، و منابع صنعتی دیگر در معرض تهدید قرار گرفته است (UNEP 2012a). شور شدن سفره‌های آب زیرزمینی، به ویژه در مناطق ساحلی کم‌ارتفاع، مشکلی جدی است، مخصوصاً در جاهایی که آب آشامیدنی را تهدید می‌کند. روزانه نزدیک به ۲ میلیون تن فاضلاب شهری و پسماند صنعتی و کشاورزی در سرتاسر جهان در آن‌ها تخلیه می‌شود (Pacifi Institute 2010).

تغییرات اقلیمی از محدوده‌ی سیاره‌ی زمین عبور کرده است.

با توجه به غلظت تقریبی ۴۰۰ قسمت در میلیون دی اکسید کربن در جو، اکنون تغییر اقلیمی به تهدید اصلی قرن بیست و یکم تبدیل شده است. تغییرات اقلیمی تا امروز در کشاورزی، سلامت انسان‌ها، اکوسیستم‌های خشکی و اقیانوسها، ذخایر آبی، و معیشت تأثیر گذاشته است. هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (2014) خاطرنشان می‌سازد که این تأثیرات مشاهده‌شده «از مناطق استوایی تا قطب‌ها، از جزایر کوچک تا قاره‌های بزرگ، و از ثروتمندترین تا فقیرترین کشورها در حال وقوع است».

در دسترس بودن آب

عدم امنیت آبی: امنیت آبی حدود ۸۰ درصد جمعیت جهان مورد تهدید جدی قرار گرفته است. به ازای هر 1 درجه‌ی سانتیگراد گرم شدن کره‌ی زمین، ۷ درصد از جمعیت جهان حداقل ۲۰ درصد از منابع تجدیدپذیر آبی خود را از دست خواهند داد. تغییرات اقلیمی ممکن است منابع آبی تجدیدپذیر را در برخی مناطق افزایش دهد. با این حال ممکن است چنین مناطقی نیز به علت بارندگی متغیر فزاینده و کاهش بارش برف و یخ با کمبود کوتاه‌مدت منابع آبی مواجه شوند (IPCC 2014).

بارندگی: احتمال دارد که بارندگی‌های سنگین در طول قرن ۲۱ شدیدتر و بیشتر شود. در نتیجه، ممکن است فرسایش خاک شدت یابد، حتی اگر بارندگی کل افزایش نداشته باشد (IPCC 2014).

ذوب شدن یخچال‌ها و جاری شدن رواناب: پیش‌بینی شده است که رواناب سالیانه‌ی حاصل از ذوب یخچال‌ها به طور متوسط در عرض‌های جغرافیایی بالا و مناطق گرمسیری مرطوب افزایش و در بیشتر مناطق گرمسیری خشک کاهش یابد. شدت و جهت تغییرات خاص در مناطقی از چین، آسیای جنوبی و امریکای جنوبی بسیار مبهم است. تا امروز تحقیقات اندکی درباره‌ی آثار ذوب شدن یخچال‌ها بر امنیت آبی و غذایی و امنیت انرژی صورت گرفته است (IPCC 2014).

امنیت غذایی

کاهش تولید کشاورزی: در مناطق گرمسیری و معتدل، با 2 درجه‌ی سانتیگراد یا بیشتر افزایش دمای محلی، تغییر اقلیمی منجر به کاهش بازده محصولات اصلی زراعی (گندم، ذرت و برنج) خواهد شد. می‌شود. ممکن است برخی مناطق، به ویژه عرض‌های شمالی، با تغییر اقلیمی حاصلخیزتر شوند. پس از سال 2050 که تولید محصول در کشورهای واقع در عرض‌های جغرافیایی پایین تحت تأثیر مداوم و منفی تغییر اقلیمی قرار خواهد گرفت، خطر بروز آثار شدیدتر افزایش می‌یابد (IPCC, 2014).

افزایش قیمت مواد غذایی: در سال‌های اخیر، وقایع شدید اقلیمی در مناطق اصلی تولید کشاورزی منجر به افزایش سریع قیمت مواد غذایی شده است (IPCC 2014). تا سال 2050، تغییرات در دما و بارش می‌تواند به افزایش 3 تا 84 درصدی قیمت مواد غذایی بینجامد (IPCC 2014).

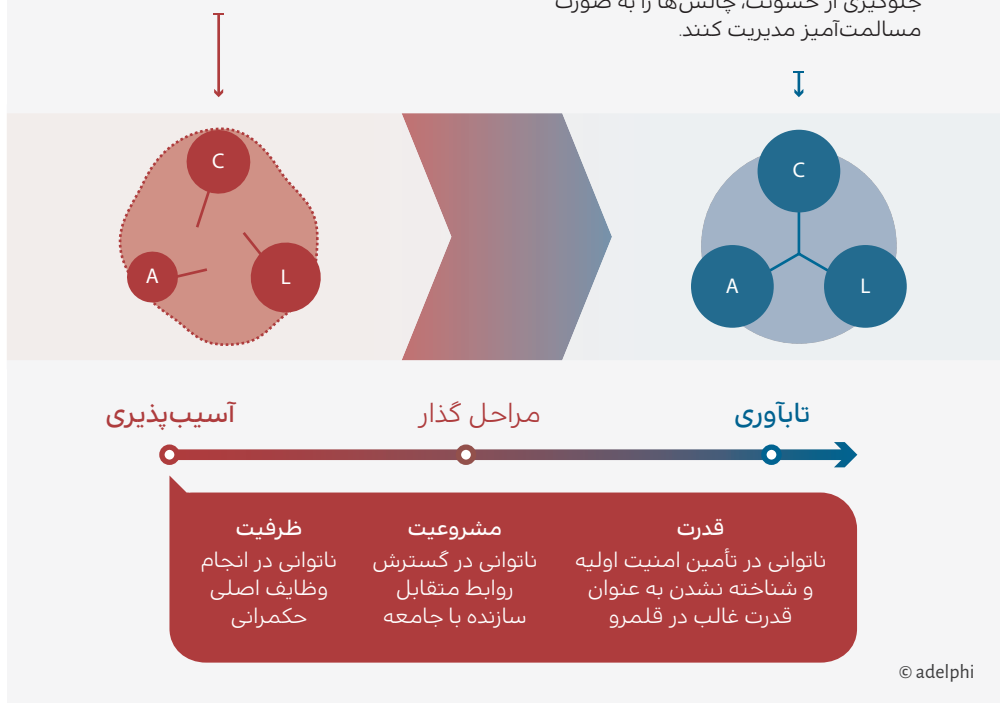
عدم دسترسی به مواد غذایی: در کشورهای کم‌درآمد وابسته به کشاورزی که واردات مواد غذایی بیشتر از تولید است، با کاهش تولید کشاورزی داخلی و افزایش قیمت جهانی مواد غذایی، عدم امنیت غذایی به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر می‌شود (IPCC 2014).

زول صنعت ماهیگیری: تغییرات در مصرف آب، از جمله تغییر مسیر آب‌های بیشتر و ساختن سدهای بیشتر برای تأمین تقاضای روزافزون، ماهیگیری داخلی و اقیانوسی را تضعیف میکند و مانع پرورش آبزیان می‌شود (Ficke et al. 2007; FAO 2009; Schröder 2013; IPCC 2014).

از آسیب‌پذیری تا تابآوری

آسیب‌پذیری دلالت دارد بر عدم توانایی (کامل یا نسبی) یک دولت در ایفای مسئولیت‌های خود به عنوان یک نهاد مستقل، شامل فقدان مشروعیت، قدرت و ظرفیت.

دولتها و جوامع تابآور با یک قرارداد پایدار اجتماعی، نهادهای کاربردی، پاسخگو و فراگیر، و ارائه‌ی خدمات پایه شناخته می‌شوند. آن‌ها می‌توانند صدمات را تحمل کنند و در عین حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از خشونت، چالش‌ها را به صورت مسالمت‌آمیز مدیریت کنند.



منابع: (OECD (2013b; 2008a); Bellina et al. (2009)

تعریف «آسیب‌پذیری» هم محدودیت‌هایی دارد، اما عنوان مفیدی برای در نظر گرفتن دامنه یا طیفی از مشکلات مربوط به حکمرانی است. آسیب‌پذیری دلالت دارد بر عدم توانایی (کامل یا نسبی) یک دولت در ایفای مسئولیت‌های خود به عنوان یک نهاد مستقل، شامل فقدان مشروعیت، قدرت و ظرفیت برای ارائه‌ی خدمات پایه و حمایت از شهروندان خود (Carment et al. 2007; Teskey et al. 2012; Stepputat and Engberg- Pedersen 2008). بنابراین، در موقعیت آسیب‌پذیری، دولت فاقد کارکردهای اصلی حکمرانی و توانایی ایجاد روابط متقابل سازنده با جامعه است (OECD 2013b).

فقدان مشروعیت باعث تضعیف قدرت و ظرفیت دولت و تسریع انتقال به موقعیت آسیب‌پذیری می‌شود.

چنانچه دولتی پاسخگوی انتظارات مردم خود نباشد، از مشروعیتش کاسته می‌شود، از جمله زمانی که قادر نیست نیازها و انتظارات اجتماعی را از طریق فرایندهای سیاسی مدیریت کند، یا نهادهای آن فراگیر و پاسخگو نیستند و گروه‌های خاصی از نظر اجتماعی و سیاسی به حاشیه رانده شده‌اند (OECD 2008a; Bellina et al. 2009). این شکست‌ها در پاسخگویی به انتظارات موجب سرخوردگی مردم از حکمرانان جامعه می‌شود.

با کاهش مشروعیت دولت، خطر ناآرامی مدنی و درگیری افزایش می‌یابد (Kaplan 2009). درگیری و محرومیت ممکن است منجر به تضعیف انسجام اجتماعی شود، در نتیجه بنیان قرارداد محکم اجتماعی متزلزل می‌شود و خطر آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد (Hilker 2012). قرارداد اجتماعی محملی است برای ایجاد سازش میان انتظارات متعارض دولت و شهروندان (OECD 2008a). اگر قرارداد اجتماعی پایدار باشد، دولت و نهادهای آن بهترین تأمین‌کنندگان انتظارات و نیازهای مردم قلمداد می‌شوند (Bellina et al. 2009).

مخاطرات اقلیمی با هم تلاقی می کنند



◀ منابع: (UN-Water (2007); IPCC (2014); WFP and Met Office (2012)

12

الا آمدن سطح آب دریا: بالا آمدن سطح آب دریا، با فرسایش خطوط ساحلی و آلوده کردن آب شیرین و محصولات زراعی، مجموعه‌های ساحلی و مناطق کم ارتفاع را در سراسر جهان در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد (Nicholls and Cazenave 2010). پیش‌بینی می‌شود که تا سال 2100 سطح آب دریا در جهان حداقل 0/36 متر در یک و نیم درجه افزایش دما و 0/58 متر در چهار درجه افزایش دما بالا بیاید (IPCC 2014).

از آسیب‌پذیری تا تاب‌آوری

آیا دولت‌ها و جوامع توانایی مدیریت این فشارها و صدمات را خواهند داشت – به ویژه آنکه تغییرات اقلیمی آن‌ها را تسریع می‌کند – یا قادر به پاسخگویی مناسب نخواهند بود و به سرخوردگی، تنش و درگیری‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زنند؟

توانایی دولت‌ها و جوامع در مدیریت تغییرات و متحول ساختن خود با درجاتی از آسیب‌پذیری همراه است که طیفی از آسیب‌پذیرترین تا تاب‌آورترین را دربر می‌گیرد (2013+7g). این درک گسترده و پویا از آسیب‌پذیری مبتنی بر کیفیت روابط دولت - جامعه و عوامل بالقوه‌ی استرس‌زا، از جمله شکنندگی اقتصادی، پویایی جمعیتی، و تغییرات اقلیمی است.

دولت‌های تاب‌آور در انتهای مثبت طیف با یک قرارداد پایدار اجتماعی، نهادهای کاربردی، پاسخگو و فراگیر، و ارائه خدمات پایه شناخته می‌شوند. مهم‌تر از آن، دولت‌ها و جوامع تاب‌آور می‌توانند صدمات را تحمل کنند و در عین حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از خشونت، چالش‌ها را به صورت مسالمت‌آمیز مدیریت کنند (OECD 2013b).

با حرکت به سمت انتهای منفی طیف، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد (OECD 2008a). موقعیت‌های آسیب‌پذیر را می‌توان با تعابیر متعددی توصیف کرد، نظیر «دولت‌های ضعیف»، «دولت‌های رو به زوال یا شکست‌خورده»، «دولت‌های با عملکرد ضعیف» یا «دولت‌های فروپاشیده». ابرادات متعددی متوجه هر یک از این تعابیر است، از جمله پوشاندن فرض‌های بیان‌نشده درباره‌ی امکانات بالقوه و نقش هر دولت، یا ارائه‌ی تصویری ایستا از مشکلات پیش روی هر دولت و شهروندان آن که به طور ضمنی مانع از پرداختن به آن‌ها می‌شود (Stepputat and Engberg-Pedersen 2008; Faria 2011).

ممکن است دولتها و جوامع وارد ماریج پائین روندهی آسیب پذیری شوند.

ممکن است دولتها، گاه خیلی سریع، بین مراحل و موقعیتهای مختلف آسیب پذیری جابهجا شوند. وقتی دولتها به درگیری در مقیاس وسیع کشیده میشوند، اغلب در چرخه های خشونت مکرر، حکمرانی ضعیف، و بی ثباتی گیر می افتند (Smith and Vivekananda 2009). نود درصد جنگ های داخلی در دهی گذشته در کشورهایی رخ داده است که در 30 سال گذشته نیز جنگ داخلی را از سر گذرانده بودند. پنجاه درصد کشورها در دوران پس از درگیری ظرف 10 سال دوباره وارد درگیری می شوند (UN Development Group and World Bank 2007).

حلقه های بازخورد مثبت مشابهی نیز بین آسیب پذیری و تغییر اقلیمی پدیدار میشود. دولتها و جوامع مواجه با آسیب پذیری ظرفیت سازگاری کمتری با تغییر اقلیمی دارند. این کاهش ظرفیت آنها را آسیب پذیرتر و اثر تغییر اقلیمی را تشدید میکند. چنین فشارهای مضاعفی هر دولت و جامعه ای را به سوی آسیب پذیری بیشتر سوق می دهد (Houghton 2012; Adger et al. 2014).

وقتی دولتها از درگیری رها می شوند یا به تحول سیاسی تن می دهند، می توانند چرخه های شکنندگی، خشونت و آسیب پذیری را با بازگرداندن اعتماد مردم به رهبری شان و متحول ساختن نهادها بشکنند. در گذار از آسیب پذیری به تاب آوری، دولتها «ظرفیت رشد متکی به خود را دارند، اما همچنان ضعف های گسترده ای در ظرفیت نهادی و انسانی مورد نیاز برای عرضه کالاها و خدمات عمومی نشان میدهند» (ADB 2012).

این گزارش به جای استفاده از تعبیر مشکل ساز «وضعیت آسیب پذیری» به موقعیتها یا زمینه های خاص آسیب پذیری، مانند موقعیت های پس از درگیری، و سطوح خاصی که در آن پدید می آیند اشاره میکند. همچنین از تعبیر «منطقه آسیب پذیری» برای مناطق جغرافیایی مشخص که با موقعیت های آسیب پذیری مواجه اند و از «کانونهای آسیب پذیری» برای هر منطقه آسیب پذیر واقع در یک وضعیت اثبات بهره می گیرد.

آثار مداوم تغییر اقلیمی و آسیب پذیری ترکیب می شوند و هفت مخاطره ای درآمیخته ایجاد میکنند.

با تکیه بر دو فرض مهم - نخست اینکه برخی آثار تغییر اقلیمی غیرقابل توقف است، و دوم اینکه برخی دولتها و جوامع که با آثار قابل پیش بینی تغییر اقلیمی مواجه اند آسیب پذیر شده اند - هفت مخاطره ای درآمیخته را می شناسیم که به دنبال تأثیر متقابل تغییر اقلیمی و دیگر فشارها بر هم پدیدار میشوند: رقابت بر سر منابع محلی، ناامنی معیشتی و مهاجرت، وقایع شدید آب و هوایی و بلاهای طبیعی، نوسان در قیمت و تأمین مواد غذایی، مدیریت آب های فرامرزی، افزایش سطح آب دریا و تخریب سواحل، و تأثیرات ناخواسته ای سیاست های اقلیمی.

این مخاطرات را با بررسی موارد زیر انتخاب کردیم:

- آخرین تحقیقات در مورد تغییر اقلیمی، آسیب پذیری، و درگیری: در تحلیل ما هم تحقیقات مورد ارزیابی هم تاپان و هم منابع خاکستری جدیدتر، تحقیقات میدانی، و نتایج مشاوره های انجام شده به عنوان بخشی از این پروژه ای تحقیقاتی مد نظر قرار گرفته است.
- تهدیدات این مخاطرات برای امنیت انسانی، ملی و بینالمللی.
- موضوعیت و اهمیت آنها برای سیاست گزاران حوزه ای سیاست خارجی.

برخی دولتها و جوامع در برابر شدیدترین آثار تغییرات اقلیمی تاب آوری خواهند داشت، در حالی که کشورهای دیگری با بروز آثار بسیار خفیف تر در آستانه ای فروپاشی قرار خواهند گرفت. بنابراین، ارزیابی مخاطره مبتنی بر شدت تأثیر تغییر اقلیمی نیست، بلکه از زمینه ای آسیب پذیری آغاز میشود.

برای شناسایی فشارها و صدمات ناشی از تغییر اقلیمی، و اینکه چگونه منجر به آسیب پذیری یا تشدید آن می شوند، هر یک از مخاطرات درآمیخته مورد تحلیل جامعی قرار گرفته است. آثار اولیه ای تغییرات اقلیمی، مانند طوفان و سیل، همراه با پیامدهای ثانویه ای آنها، همچون مهاجرت و آوارگی مردم، بررسی شده است. مطالعات انتخاب شده نشان میدهند که چگونه این مخاطرات درآمیخته امروز در کشورها یا موقعیت های خاص در حال وقوع است.

دولت‌های اقتدارگرا معمولاً فاقد مشروعیت هستند و اغلب دست به سرکوب افشار مردم می‌زنند. آن‌ها پایدار به نظر می‌رسند زیرا غالباً با برخورداری از نهادهای دولتی قوی، به اعمال سطوح بالایی از سلطه و استفاده از درآمدهای مالیاتی و اجاره‌ی منابع برای خریدن مشروعیت می‌پردازند. با این حال، فقدان مشروعیت آن‌ها را از اساس آسیب‌پذیر می‌سازد. همان‌طور که در جریان بهار عربی دیده شد، حتی حوادث یا فشارهای به ظاهر کوچک نیز می‌توانند باعث فرو افتادن سریع به موقعیت آسیب‌پذیری شوند (Gerschewski 2013; Abulof 2015; OECD 2008a).

آسیب‌پذیری در اشکال و درجات مختلفی ظاهر می‌شود.

آسیب‌پذیری خود را در اشکال گوناگون و به درجات مختلف نشان می‌دهد. کشورها موقعیت‌های آسیب‌پذیری متفاوتی را تجربه می‌کنند. هرگاه دولتی توانایی مدیریت فشارها و صدمات را نداشته باشد، و فاقد کارکردهای اصلی حکمرانی و ظرفیت ایجاد روابط متقابل سازنده با جامعه باشد، درگیر بحران‌هایی نظیر درگیری خشونت‌آمیز می‌شود، یا ممکن است با بی‌ثباتی سیاسی مانند آشوبهای مدنی و تغییر رژیم مواجه شود. این موقعیت‌های آسیب‌پذیری می‌توانند در سطوح محلی، ملی، منطقهای و جهانی ظاهر شوند (Rocha Menocal and Othieno 2008; ADB 2012). این گزارش شامل کل طیف و همهی سطوح موقعیت‌های آسیب‌پذیری شامل درگیریهای درون‌کشوری و فرامرزی است.

کانونهای آسیب‌پذیری کشورهایی را تهدید می‌کنند که ممکن است باثبات باشند.

حتی در کشورهای باثبات هم کانونهای آسیب‌پذیری یافت می‌شود، نظیر مناطق شهری خطرناک (مثل زاغه‌های فاوِلا در برزیل) یا مناطق روستایی دورافتاده (مثل شهرهای مرزی مکزیک یا کلمبیا). این کانون‌های آسیب‌پذیری زمانی ظاهر می‌شوند که دولتی از قبول مسئولیت نسبت به یک گروه خاص (اغلب فقیر یا حاشیه‌نشین) سر باز بزند یا تسلط خود بر منطقیهای از کشور را از دست بدهد، و خلأ قدرت ایجادشده را باندهای جنایتکار یا شبه‌نظامیان شورشی پر کنند. حکمرانی ضعیف نه تنها این کانون‌های آسیب‌پذیری را به وجود می‌آورد بلکه آن‌ها را تغذیه می‌کند، که به تشدید نابرابری‌های طولانی‌مدت و تداوم تنش در جوامع منجر می‌شود. در نتیجه این کانون‌ها پیوسته توانایی حکومت ملی برای تحکیم مجدد ثبات را کاهش می‌دهند و ممکن است از یک کانون مشخص به کل کشور گسترش یابند (OECD 2013b).

موقعیت‌های آسیب‌پذیری

در موقعیت آسیب‌پذیری، دولت‌ها فاقد عملکردهای اساسی حکمرانی و توانایی گسترش روابط متقابل سازنده با جامعه هستند.

آسیب‌پذیری در سطوح و اشکال مختلف ظاهر میشود:



منابع: (OECD (2013b; 2008a); AfDB (2014a)

کمبود منابع محلی و اختلال در عرضه احتمالاً فراگیرتر می‌شود.

تغییرات اقلیمی تأثیر منفی بر دسترسی به منابع طبیعی مانند زمین، آب، الوار، و منابع استخراجی در بسیاری از مناطق خواهد داشت (IPCC 2014). هم‌زمان، تقاضا برای این منابع و فشارهای ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست روزافزون خواهد بود. ترکیب این روندها رقابت بر سر منابع ضروری و در کنار آن، خطر آسیب‌پذیری و درگیری را افزایش خواهد داد (Ratner et al. 2014).

ذخایر آبی به ویژه تحت تأثیر تغییر الگوهای بارش، تغییر جریان رودخانه‌هایی که از ذوب یخچال‌ها تغذیه می‌شوند، شور شدن سفره‌های آب زیرساحلی، و تغییر فصول قرار خواهد گرفت. این تأثیرات بیش از همه در مناطقی نمود می‌یابد که تقاضا نیز به دلیل رشد جمعیت و توسعه‌ی سریع اقتصادی در حال افزایش است. تغییر ذخایر آبی، همراه با از دست دادن زمین‌های کشاورزی برای تأمین اهداف دیگر (مانند سوخت‌های زیستی، رشد شهری)، به کمبود اراضی زراعی می‌انجامد (IPCC 2014; UNCCD 2014b).

علاوه بر این، با تخریب اراضی، کربن ذخیره‌شده در خاک در اتمسفر آزاد خواهد شد. از بین رفتن تنوع زیستی باعث کاهش قابل توجه پتانسیل خاک برای جداسازی کربن از اتمسفر می‌شود. بنابراین ترکیب تغییر اقلیمی و تخریب اراضی و تشکیل یک حلقه‌ی بازخورد منجر به انتشار بیشتر گازهای گلخانه‌ای و تسریع تغییر اقلیمی می‌شود (UNCCD 2014a; WMO 2005).

افزایش فشار منجر به افزایش رقابت می‌شود.

با افزایش فشار بر منابع طبیعی، دسترسی به آن‌ها و مهار این منابع ارزش روزافزون می‌یابد. دولت‌های تاب‌آورتر به احتمال بیشتری می‌توانند دسترسی‌پذیری متغیر منابع و افزایش رقابت را مدیریت کنند. هرچا که وابستگی به کشاورزی دیم و پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها وجود داشته باشد، رقابت بر سر زمین محتمل‌تر است. هرچا که رواج کشاورزی دیم کمتر باشد، احتمال رقابت بر سر دسترسی به منابع آبی برای آبیاری و مصارف دیگر بالاتر می‌رود. در بیشتر مناطق افریقا، که عمدتاً وابسته به کشاورزی دیم است، درگیری بر سر زمین محتمل‌تر است، درحالی‌که در مزارع آبی آسیای مرکزی احتمال درگیری بر سر منابع آبی پراکنده افزایش می‌یابد (International Crisis Group 2014a; International Crisis Group 2014b; Stanfield et al. 2013).

درگیری بر سر منابع محلی می‌تواند در درون جوامع، مثلاً بین اهالی یک روستا بر سر یک حلقه چاه، یا میان گروه‌های مختلف مصرف‌کننده نظیر کشاورزان، خانوارها، صنایع، معدن‌کاران و سازندگان بر سر ذخایر آبی مشترک رخ دهد (Rüttinger et al. 2011a). شناسایی ارتباط‌های میان منابع، درگیری و آسیب‌پذیری در سطح درون‌دولتی معمولاً آسان‌تر از سطح بین‌دولتی و احتمال منتهی شدن درگیری‌ها در سطح جامعه به خشونت بیشتر است (Wolf 1999).

مدیریت عادلانه و مؤثر منابع طبیعی باعث کاهش مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری می‌شود.

هرچا دولت و نهادهای دیگر بتوانند منابع طبیعی را عادلانه مدیریت کنند، احتمال منجر شدن کمبود منابع و رقابت بر سر آن‌ها به موقعیت‌های آسیب‌پذیری و خشونت کمتر می‌شود (Rüttinger et al. 2011a). در مقابل، فقدان مدیریت یا مدیریت ضعیف و ناعادلانه می‌تواند دسترسی به منابع را مختل کند و گروه‌های خاصی را بیش از پیش به حاشیه براند. برای مثال، از آنجا که زنان اغلب در تصمیم‌گیری نادیده گرفته می‌شوند، و در بسیاری از کشورها تصمیم کمتری برای دسترسی آنها به منابع وجود دارد، نسبت به تأثیرات تغییر اقلیمی شکننده‌تر هستند (UNEP et al. 2014).

حتی در کشورهای فاقد سیستم‌های قوی و اجرایی‌شده‌ی مدیریت منابع آبی، مصرف‌کنندگان قدرتمند این منابع می‌توانند حقوق جوامع محلی را پایمال کنند. چنانچه نهادها موفق به تخصیص برابر آب به گروه‌های اجتماعی نشوند، خطر اعتراض عمومی و درگیری افزایش می‌یابد. ممکن است سیستم‌های رسمی مدیریت منابع آبی هم مغایر با روش‌های سنتی باشند. برای مثال، دهقانان در حوضه‌ی رودخانه‌ی آچامایو در پرو، در مطالبه‌ی حقوق سرزمینی و آبی به روایات و دلایل تاریخی استناد میکنند که در مغایرت با سیستم دولتی صدور مجوز برداشت منابع آبی است (Boelens et al. 2010). حتی اگر چنین موقعیت‌هایی منجر به درگیری نشود، ممکن است به تنش‌های موجود دامن بزند و آسیب‌پذیری را تشدید کند.

سناریوهای آینده‌نگری نشان می‌دهند که چگونه ممکن است این مخاطرات در آینده پدیدار شوند و تفکر متعارف را به چالش بکشند. چهار مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اول – رقابت بر سر منابع محلی، ناامنی معیشتی و مهاجرت، وقایع شدید آب‌وهوایی و بلاهای طبیعی، نوسان در قیمت و تأمین مواد غذایی – مخاطراتی را توصیف می‌کنند که امروزه به وضوح قابل مشاهده است. سه مخاطره‌ی درآمیخته‌ی بعدی – مدیریت آب‌های فرامرزی، افزایش سطح آب دریا و تخریب سواحل، و تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی – امروز به وضوح موارد قبلی دیده نمی‌شوند. این سه مخاطره از قبل شناسایی شده است، اما بر پایه‌ی شواهد ضعیف‌تر. اگرچه ممکن است نشانه‌ها همچنان ضعیف و تحلیل آن‌ها مقدماتی‌تر باشد، احتمال افزایش این مخاطرات در طی دهه‌های آینده بالاست.



2.2 رقابت بر سر منابع محلی

با افزایش فشار بر منابع طبیعی و در غیاب راه‌حل مؤثر برای حل و فصل مناقشات، رقابت منجر به بی‌ثباتی و درگیری‌های خشونت‌آمیز می‌شود.

دسترسی به منابع طبیعی، به ویژه آب و زمین‌های زراعی، در برخی مناطق با بروز تغییرات اقلیمی محدود خواهد شد. در عین حال، در مناطقی که افزایش جمعیت و توسعه‌ی اقتصادی سریعی دارند، تقاضا روزافزون است. در این شرایط، افراد استراتژی‌هایی را دنبال می‌کنند که باعث افزایش رقابت بین گروه‌ها، مختل شدن کار گروه‌های دیگر و ایجاد درگیری می‌شود و ممکن است آسیب‌پذیری را نهادینه‌تر سازد. اگر تغییر در عرضه و تقاضای منابع با عوامل دیگری از جمله مدیریت ناکارآمد منابع، وابستگی بیش از حد به منابع محدود، سابقه‌ی درگیری، یا جمعیت‌های حاشیه‌نشین همراه شود، خطر درگیری افزایش خواهد یافت. رقابت محلی همچنین می‌تواند منجر به مشکلاتی در سطوح ملی و بین‌المللی شود.

16

رقابت بر سر منابع محلی	
<p>هنگامی که با بروز تغییر اقلیمی، دسترسی به منابع طبیعی در برخی مناطق محدود می‌شود، رقابت بر سر حفظ آنها افزایش خواهد یافت. این رقابت می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های جدید، افزایش آسیب‌پذیری، و حتی اوج گرفتن درگیری شود، به ویژه اگر نهادهای مدیریت منابع و فرایندهای حل و فصل اختلافات فاقد مشروعیت یا ضعیف باشند. درگیریها می‌تواند به شکل برخوردهای درون جوامع یا مشاجره‌های گسترده‌تر میان گروه‌های مصرف‌کننده درآید و حتی موجب خشونت در مقیاس وسیع شود.</p>	<p>خطر در چیست؟</p>
<ul style="list-style-type: none"> درهم شکستن سیستم‌های مدیریت منابع طبیعی در هر منطقه‌ای که منابع تحت فشار قرار می‌گیرد. تأثیر منفی قابل توجه تغییر اقلیمی بر منابع طبیعی در هر منطقه یا کشور دارای سابقه‌ی درگیری بر سر منابع. 	<p>نقاط اوج</p>
<ul style="list-style-type: none"> اطمینان از تمرکز همکاری‌های توسعه‌ای دوجانبه و چندجانبه بر ارتقای سیستم‌های مدیریت منابع طبیعی و ایجاد تابآوری محلی. برقراری سازوکارهای منسجم و فراگیر حل مناقشات برای رسیدگی به مسائل مربوط به زمین و آب در داخل و بین کشورها. حمایت از توسعه و تنوع‌بخشی اقتصادی در جهت کاهش وابستگی به منابع محدود و در معرض تهدید. اطمینان از در نظر گرفتن مسائل حفاظت از منابع در ارزیابی‌های مخاطرات و برنامه‌ریزی توسعه. 	<p>نقاط ورود</p>

رقابت بر سر منابع می‌تواند در بسترهای آسیب‌پذیر بسیار مخرب باشد.

در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، که ساختارهای حکمرانی اغلب قادر به مدیریت کمبودهای مرتبط با تغییر اقلیمی و دآوری دربارهای رقابت بر سر منابع محدود نیستند، ممکن است مقامات حفظ مشروعیت را دشوار بیابند. برای مثال، بررسی سال ۲۰۰۸ آکسفام در افغانستان نشان داد که اختلافات بر سر آب و زمین دو دلیل عمده‌ی درگیری خشونت‌آمیز در سطح جامعه بوده است (Waldman 2008). به رغم اینکه قیمت زمین در افغانستان پس از ۲۰۰۱ به سرعت بالا رفت، فقدان حقوق مالکیت روشن برای زمینها مانع از توسعه در بسیاری از مناطق شد، و شورشیان ضد دولتی توانستند هم ساختارهای سنتی و هم توانایی دولت برای حل و فصل اختلافات ارضی را تضعیف کنند که موجب تشدید احتمال ادامه‌ی درگیری‌های محلی بر سر زمین شد. با رشد سریع جمعیت، محدودیت زمین مولد، و افزایش تنوع اقلیمی، دولت احتمالاً به تلاش برای مدیریت درگیری‌ها بر سر منابع محلی به گونه‌های ادامه خواهد داد که به آن در کسب مشروعیت کمک کند (Niazi 2013).

کمبود منابع همراه با فشارهای معیشتی و ناامنی غذایی می‌تواند آسیب‌پذیری و شکنندگی در برابر بلایا در بسترهای آسیب‌پذیر را تثبیت و تشدید کند. در هائیتی، با احتمال تأثیرپذیری شدید از آثار تغییرات اقلیمی، جنگل‌زدایی تقریباً کامل باعث فرسایش خاک در بسیاری از مناطق و افزایش خطر طغیان ناگهانی سیل شده است (USAID 2010). اما پروژه‌های جنگلکاری نیز در این مناطق شکست خورده است، زیرا کشاورزان دارای حداقل معیشت با چوب‌برهایی که چوب و زغال چوب مراکز شهری را تأمین می‌کنند بر سر زمین رقابت دارند. بی‌اعتمادی شدید نسبت به پروژه‌های کشاورزی بزرگ مقیاس و تصرف غیرقطعی زمین برای اکثر کشاورزان خرد موجب تثبیت بیشتر آسیب‌پذیری شده است (Johnson Williams 2011).

عوامل خطر برای منابع طبیعی

تبدیل افزایش رقابت بر سر منابع طبیعی به درگیری به چند عامل خطر بستگی دارد:

« وابستگی بالا »

گروههایی که به شدت به ذخایر خاص منابع طبیعی وابسته هستند و راهحل‌های جایگزین ندارند به احتمال زیاد استراتژیهای مقابله‌ای را دنبال می‌کنند که میتواند منجر به درگیری شود.

« سابقه‌ی درگیری و آسیب‌پذیری »

جنگ داخلی، رقابت‌های قومی، و درگیری‌های بین‌دولتی اغلب باعث ایجاد فرهنگ خشونت، تضعیف سازوکارهای همکاری، و در دسترس قرار گرفتن آسان اسلحه می‌شود.



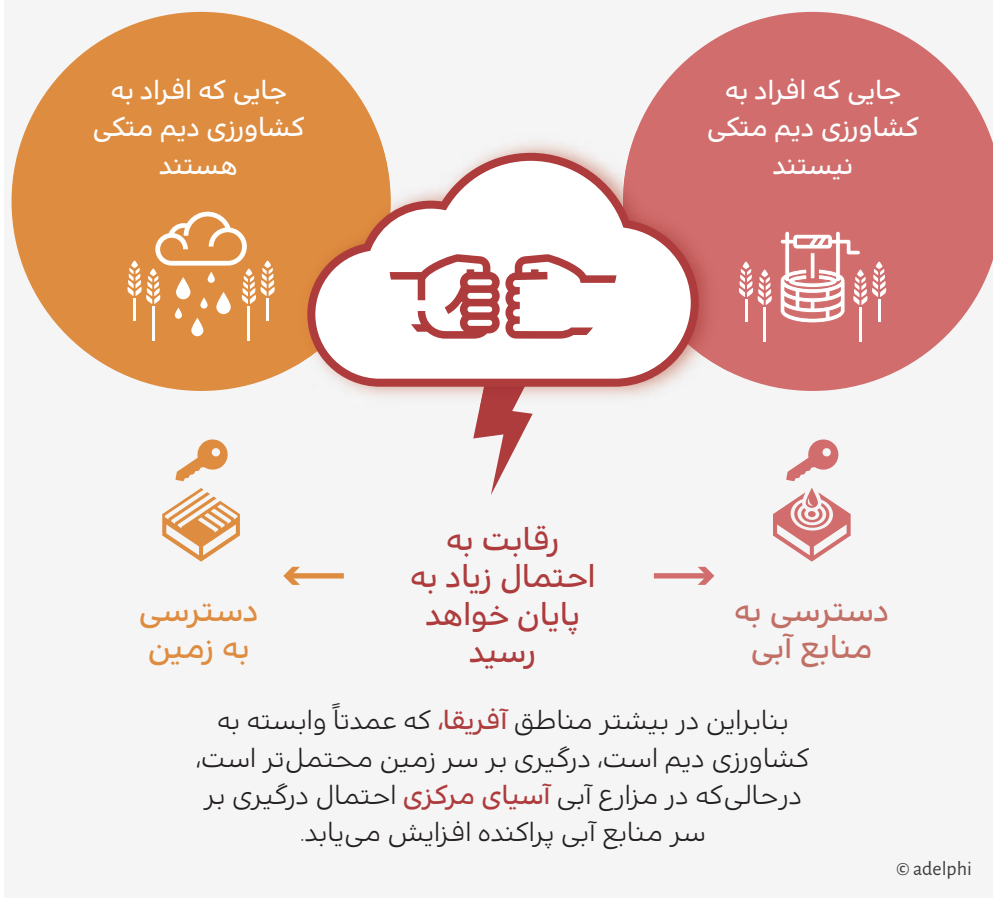
« نابرابری و حاشیه‌نشینی »

عدم توازن قدرت و حقوق می‌تواند منجر به تفاوت‌هایی در دسترسی به منابع و ریشه دواندن فقر و نابرابری شود. نابرابری یا ادراک آن می‌تواند باعث ایجاد تعارض بین دارا و ندار شود. گروه‌های حاشیه‌نشین اغلب در روش‌های رسمی حل و فصل اختلافات بر سر منابع نادیده گرفته میشوند.

© adelphi

◀ منابع: (Rüttinger et al. (2011a); AfDB (2014b); FAO (2000

کشاورزی دیم و درگیریه‌ها



منابع: (International Crisis Group (2014a; 2014b); Stanfield et al. (2013)

رقابت بر سر منابع طبیعی می‌تواند منجر به درگیری در سطح جامعه و تنش‌های گسترده شود، و حتی در بروز خشونت در مقیاس بزرگ و جنگ داخلی مؤثر باشد.

اگر سیستم‌های مدیریتی موجود قادر به مدیریت تغییر محیط زیستی و ارائه‌ی پاسخ‌های سازگار به ویژه در سطح زیرملی نباشند، احتمال درگیری بیشتر می‌شود (Houdret 2008). درحالی‌که تصمیمات مربوط به منابع در سطح جامعه می‌تواند باعث درگیری‌های محلی شود، تصمیمات در سطح ملی نیز می‌تواند منجر به تنش‌های گسترده بر سر تغییر سیاست‌ها و تخصیص منابع شود (AfDB 2014b). در بدترین حالت، درگیری‌های مربوط به منابع طبیعی می‌تواند در بروز خشونت در مقیاس بزرگ یا جنگ داخلی مؤثر باشد. برای مثال، مسائل رایج مربوط به زمین به‌جز سه مورد در بیش از 30 درگیری درون‌دولتی در آفریقا بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹ نقش عمده‌ای داشته است (Alden Wily 2009).

رقابت بر سر منابع محلی می‌تواند جنبه‌ی فرامرزی پیدا کند.

درگیری بر سر منابع آبی در همه‌ی سطوح اتفاق می‌افتد. در دره‌ی فرکانا در آسیای مرکزی، شهروندان سه کشور قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان با دولتهای غیرپاسخگو، هدر رفتن آب در شبکه‌های دوران شوروی، مدیریت ضعیف اراضی، و دینامیک پیچیده‌ی آب در سطح ملی درگیرند (International Crisis Group 2014b). پیش‌بینی می‌شود این چالش‌ها با افزایش اولیه و سپس کاهش جریان آب در منطقه بر اثر ذوب شدن یخچال‌ها شدیدتر شود (Hijioka et al. 2014).

در ازبکستان، با اولویت دادن دولت به محصولات فروشی آب‌بر مثل گندم و پنبه، مزارع اشتراکی بزرگ نسبت به کشاورزان خرد مستقل دسترسی بهتری به منابع آبی دارند. در تاجیکستان، درآمیختن فقر عمیق، سیاست آشفته، وابستگی تقریباً کامل به نیروگاه آبی، و کشت تک‌محصولی پنبه موقعیت‌های آسیب‌پذیری ایجاد می‌کند، به ویژه هنگامی که افت جریان‌های فصلی آب منجر به کسری انرژی شود و تنش و خشونت برانگیزد (Mitra and Vivekananda 2013). کمبودهای محلی، با افزایش تنش هم در داخل کشورها و هم در آن سوی مرزهای ملی، به درگیری‌های خشونت‌آمیز میان روستاییان انجامیده است. از آنجایی که هر سه کشور در دره‌ی مذکور محل استقرار کانون‌های کوچکی از جمعیت‌های اقلیت هستند، اختلافات محلی بر سر آب یا زمین گاه ابعاد قومی پیدا می‌کند (UNEP et al. 2005).

ممکن است این رقابت‌های محلی در تاریخ اخیر دره، که جنبش‌های شورشیان فعال و درگیری‌های مرزی رایج است، از اهمیت بیشتری برخوردار شود. از سال ۲۰۱۰ که صدها هزار نفر به دلیل درگیری‌های قومی در قرقیزستان آواره شدند، درگیری بین‌قومی رو به افزایش بوده است (Kyrgyzstan Inquiry Commission 2011). با توجه به نگرانی دولتهای هر سه کشور در خصوص ثبات داخلی، درگیریها بر سر منابع محلی در تصمیمات سیاستی در سطح ملی تأثیر می‌گذارند، بیاعتمادی میان دولتها را افزایش می‌دهند، و به عنوان نقاط محرک احتمالی درگیری‌های گسترده‌تر عمل می‌کنند. این وضعیت به ویژه از زمان مناقشه‌ی سال ۲۰۱۲ بر سر پروژه‌های برق آبی در بالادست قرقیزستان و تاجیکستان که نزدیک بود باعث درگیری نظامی در پاییندست ازبکستان شود نگران‌کننده بوده است (International Crisis Group 2014b).

زنان به عنوان عاملان تغییر

زنان در کشورهای در حال توسعه می‌توانند عاملان تغییر مؤثری در تلاشهای کاهش اثر و سازگاری اقلیمی باشند. تحقیقات اخیر (Mercy Corps 2013) در منطقه‌ی ساحل در افریقا نشان داده که با افزایش تأثیر زنان و جوانان در تصمیم‌گیری خانواده، توانایی کل خانوار در آموختن، سازگاری و تحول در مواجهه با شوک‌ها و استرس‌ها افزایش می‌یابد. مسئولیت‌های سنتی آن‌ها در مدیریت منابع طبیعی در خانوارها و جوامع، نقش آنان را در سازگاری استراتژی‌های معیشتی با اقلیم در حال تغییر بسیار پررنگ‌تر می‌کند. به علاوه باید از دانش گسترده‌ی بسیاری از زنان درباره‌ی منابع طبیعی برای تقویت استراتژیهای سازگاری با تغییرات اقلیمی و کاهش بلایا استفاده شود. برای مثال، تجربه‌ی زنان در جمع‌آوری آب و تولید محصول در پروژه‌های آبیاری با اختصاص زمین‌های کشاورزی به مردان کشاورز اغلب نادیده گرفته می‌شود (IFAD 2014).

اما رقابت بر سر منابع محلی می‌تواند در «کانونهای آسیب‌پذیری» نیز شدید باشد.

حتی در کشورهای نسبتاً باثبات، رقابت بر سر منابع می‌تواند منجر به درگیری یا افزایش آسیب‌پذیری در برخی مناطق شود، به ویژه در جاهایی که عدم تعادل قدرت میان گروه‌ها یا حاشیه‌نشینی وجود دارد. در هند، بالا رفتن تقاضا برای آب باعث افزایش رقابت و درگیری در چندین ایالت شده است، یک نگرانی عمده برای کشوری که با کمبود ذخایر آبهای زیرزمینی و تهدید تغییر الگوی باران‌های موسمی روبه‌روست. برای مثال، در روستای وادالی در ایالت گجرات، افراد بی‌زمین از گروه‌های کاست پایین‌تر مجبور به خریداری آب از کشاورزان پولداری شدند که حفر چاه در روستا را به منظور حفظ سفره‌ی آب زیرزمینی برای دام‌های خود تحریم کرده بودند (Prakash and Sama 2006). حتی اگر قوانین و نهادهای رسمی از گروه‌های حاشیه‌نشین در جهت مدیریت اختلافات بر سر منابع آبی حمایت کنند، نابرابری قدرت همچنان می‌تواند به نتایج نابرابر و خشونت منجر شود. در حوالی شهرداری شهر پیمپری - چینچواد در ایالت ماهاراشترا، خط لوله‌های طراحی شد که از مخزن پاونانا تا شهر، از کنار 72 روستا عبور می‌کرد. اهالی روستاها از ترس اینکه خط لوله باعث کاهش ذخایر آبی آن‌ها شود، در اوت ۲۰۱۱ دست به اعتراض زدند و سه نفر به دست پلیس کشته شدند (Sandbhor 2014).

درگیری‌های محلی بر سر منابع استخراجی در شرایط تغییر اقلیمی

در حال حاضر درگیری بر سر منابع استخراجی در بسیاری از کشورهای ثروتمند به لحاظ منابع، یک چالش بزرگ است. با مدیریت مطلوب این چالش، درآمدهای حاصل از منابع استخراجی می‌تواند منشأ تغییر تحول‌آفرین باشد (AfDB 2014b). با این حال، تأثیرات گسترده‌ی اجتماعی و محیط زیستی معدن‌کاری غالباً سبب اعتراض و درگیری بر سر توزیع مزایا و هزینه‌های استخراج منابع می‌شود (Wilson and Blackmore 2013; Tänzler and Westerkamp 2010). با نگاه به آینده، فشارهای درآمیدی تغییر اقلیمی و آثار اجتماعی و محیط زیستی معدن‌کاری می‌تواند در برخی مناطق، به ویژه در موقعیت‌هایی با سابقه‌ی درگیری بر سر صنعت استخراج، وضعیت بحرانی ایجاد کند (Twerefou 2009).

برای مثال در پرو، با پایان یافتن شورش کمونیستی و به دنبال افزایش جهانی تقاضا، موج سرمایه‌گذاری جدید در بخش منابع به راه افتاد. اما توسعه‌ی معدن‌کاری، صنایع چوب‌بری و عملیات بزرگ‌مقیاس کشاورزی در سراسر مناطق مرتفع منجر به درگیری‌هایی با کشاورزان محلی و گروه‌های بومی بر سر استفاده از آب و زمین شد. سازمان‌های غیردولتی، دولت را به نادیده گرفتن استانداردهای محیط زیستی و منافع جوامع محلی متهم کردند (Feldt 2007) که منجر به درگیری خشونت‌آمیز و مرگ حداقل ۵۷ فعال حوزه‌ی محیط زیست و زمین در ۱۳ سال گذشته شده که بیشتر مربوط به درگیری‌ها بر سر معدن‌کاری و عملیات چوب‌بری بوده است (Global Witness 2014; Verité 2013; Jamasmie 2014). قربانیان غالباً از قبایل بومی بودند با درصدی تصرف زمین اما فاقد ظرفیت قانونی کردن آن. تغییرات بیشتر در دسترسی به آب به دلیل ناپدید شدن سریع یخچال‌های طبیعی می‌تواند باعث تشدید درگیری‌ها بین مجریان پروژه‌های معدن‌کاری، معدنچیان غیررسمی خرد، و کشاورزان شود (USAID 2012c).

رقابت بر سر منابع محلی می‌تواند منجر به درگیری در موقعیت‌های آسیب‌پذیری شود.

با ضعیف شدن ارتباط میان شهروندان و مسئولان، احتمال تبدیل شدن رقابت بر سر منابع محلی به درگیری افزایش می‌یابد. مخالفت عمومی با رژیم مبارک در سال ۲۰۱۱ برای بسیاری از مصریان به معنای مخالفت با اقلیت ثروتمند هم بود که حاکم بر اقتصاد بودند و بخش اعظم زمین‌های زراعی کشور را در اختیار داشتند. مبارک میلیون‌ها شهروند بی‌زمین را از شمول اصلاحات ارضی پیشین خارج و به شدت گرفتار کرده بود (Prosterman 2011). برداشت از آب رودخانه‌ی نیل و آبهای زیرزمینی برای مزارع آب‌بر پنبه و گندم شکاف فاحش میان افراد دارای زمین خوب و آب کافی و افراد محروم از آن‌ها را آشکار کرد. احیای اخیر بخشی از عناصر قدیم رژیم سیاسی و شرکای اقتصادی آن در کشوری که احتمال افزایش محدودیت‌های آبی مرتبط با اقلیم وجود دارد، ممکن است نشانه‌ی خوبی برای تداوم ثبات نباشد (Ayebe and Bush 2014).

زمین‌خواری و رقابت جهانی بر سر مزارع

این معاملات زمین غالباً غیرشفاف است، و اجازه نمی‌دهند عموم مردم و جمعیت‌های آواره‌شده از ارزش معاملات یا قیمت زمین مطلع شوند. دولت استبدادی اتیوپی جوامع بومی را به طور نظام‌مند به حاشیه می‌راند، و قوانین ملی و بین‌المللی، استانداردهای حقوق بشر، نیازهای پایه و حقوق اقلیت‌ها را در جریان تملک این اراضی نادیده می‌گیرد (Hennings 2014; Schellhase 2013). در سال ۲۰۰۳، بیش از ۴۰۰ نفر به دلیل ایستادگی در برابر پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی به دست نیروهای دولتی کشته شدند که منجر به درگیری با جوامع محلی و گروه‌های بومی شد (Koprucu 2011). جامعه‌ی آنواک در منطقه‌ی گامبلا به طرز خشونت‌آمیزی به روستاهای فاقد خدمات عمومی که دولت ساخته بود منتقل شدند، و گزارش شد که ارتش اتیوپی در حین این پاکسازی مرتکب قتل، تجاوز، حبس اشتباه افراد و شکنجه شده است (Peebles 2013). چنین برنامه‌های اسکان اجباری ممکن است آثار جانبی مسئله‌سازی داشته باشد، و به رقابت بین قومی بر سر منابع در مناطق اسکان جدید و درگیری میان دامدار - کشاورزان و مهاجران کارگر از ارتفاعات دامن بزند (Hennings 2014). همچنین می‌تواند پیامدهای منطقه‌ای داشته باشد که ناشی از فرار دامپروران به کنیا یا سودان جنوبی است و باعث افزایش فشار به منابع در این مناطق می‌شود. این نوع جابه‌جایی‌ها پیش‌تر در منطقه‌ی مورد مناقشه‌ی مثلث ایلمی باعث درگیری شده است (Sagawa 2010).

رقابت بر سر زمین ممکن است در سطح بین‌المللی تشدید شود. عوامل متعددی از جمله وقایع شدید آب و هوایی باعث جهش قیمت مواد غذایی در سالهای ۲۰۰۸-۹ و ۲۰۱۱ شد (Oxfam 2012). به دنبال ناآرامیهای متعاقب آن، علاقه‌ی برخی کشورهای توسعه‌یافته به تملک زمینهای کشاورزی در خارج از مرزهای خود افزایش یافت که منجر به رقابت بیشتر بر سر زمینهای زراعی در کشورهای هدف شد. نتایج یک مطالعه‌ی بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ حاکی از وجود بیش از ۴۶ میلیون هکتار زمین زراعی در چرخه‌ی تملک یا مذاکره برای تملک این زمین‌ها در مقیاس بزرگ در بازه‌ی زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا اوت ۲۰۰۹ بود، که دو سوم آن در جنوب صحرای افریقا قرار داشت (Deininger and Byerlee 2011). این عمل غالباً «زمین‌خواری» نامیده می‌شود (Murphy 2013).

دولت اتیوپی در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ بیش از ۱/۲ میلیون هکتار زمین زراعی را به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه داد یا فروخت (Deininger and Byerlee 2011). بیش از ۸۰۰ پروژه‌ی کشاورزی با بودجه‌ی خارجی تصویب و زمین‌های حاصلخیز زراعی به قیمت زیر یک دلار برای هر جریب در سال اجازه داده شد (Bunting 2011). درحالی‌که مطرح می‌شد معاملات زمین به نفع مردم اتیوپی است، وعده‌های فناوریهای جدید، اشتغال، و کشاورزی مدرن تحقق نیافته است (Mittal 2013). اگرچه وسعت اراضی زراعی در اتیوپی زیاد است، در زمان تملک آن‌ها بخش بزرگی از جمعیت - ۷/۵ میلیون نفر - گرفتار ناامنی غذایی بودند (FAO and WFP 2009).

فشارها در اتیوپی

- > تغییر اقلیمی
- > افزایش تقاضای منابع و کمبود آن
- > رشد جمعیت
- > فقر و بیکاری
- > حکمرانی ضعیف و ظرفیت پایین دولتی
- > حاشیه‌نشینی و نابرابری
- > مهاجرت، آوارگی و جریان‌های پناهندگی
- > شوک‌های بین‌المللی قیمت



تغییر اقلیمی و درگیری‌های میان دامپرووران

- جمعیت دارفور از 1 میلیون در اواسط دهه‌ی 1950 به حدود 6/5 میلیون در اوایل دهه‌ی 2000 افزایش یافته است.
- تعیین مرزهای جدید برای سرزمین‌های قبیله‌ای و اصلاح روابط میان رهبری ملی و قبیله‌ای (به ویژه در 1971 و 1986) باعث تضعیف حکمرانی سنتی شد (Bromwich et al. 2007; Takana 2008; Mundt 2011).
- برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP 2007) بیش از 30 مورد درگیری را از سال ۱۹۷۵ در دارفور برمی‌شمارد که مسائل محیط زیستی و معیشتی از عوامل بروز آن‌ها بوده است.
- دامپرووری یا پرورش دام در زمینهای اشتراکی از دیرباز یک استراتژی مؤثر معیشتی در مناطق خشک بوده است. اما امروزه شمار دامداران در ساحل و شرق آفریقا با افزایش جمعیت، سیاست‌های دولت در حمایت از بخش‌های دیگر (نظیر کشاورزی فشرده، گردشگری و حفاظت از محیط زیست)، تخریب محیط زیست، و رقابت مستقیم با گروه‌های دیگر بر سر منابع، به طور فزاینده‌ای رو به کاهش است (Kirkbride and Grahn 2008). با افزایش نیاز آن‌ها به آب و زمین، تغییر روزافزون میزان بارندگی می‌تواند در تحرکات موجود مؤثر باشد و پتانسیل درگیریهای خشونت‌آمیز را افزایش دهد (Rüttinger et al. 2011b; Rüttinger et al. 2011a).

با آغاز جنگ داخلی در سال 2003، و صف‌آرایی گروه‌های شورشی علیه دولت و شبه نظامیان جنگاوید، تنشها در سرتاسر این منطقه‌ی گسترده و پرتنوع بالا گرفت. گروه‌های مسلح به راحتی جوانان را از جمعیت‌های مستأصل و اغلب بی‌خانمان جذب خود می‌کردند (Royo Aspa 2011). سابقه‌ی طولانی درگیری‌های قومی در منطقه به ایجاد شکاف‌های بیشتر کمک می‌کرد - گزارش‌های پاکسازی قومی فراوان بود، چاه‌ها سمی شده بود، و کشاورزان عمداً علفزارها را آتش می‌زدند و محل‌های آب نوشیدن دام‌ها را تخریب می‌کردند تا دامداران نتوانند آن‌ها را به چرا ببرند (UNDP 2011). مردم آواره در داخل منطقه در برابر حملات و خشونت‌های جنسیتی آسیب‌پذیر بودند (Human Rights Watch 2005).

در دارفور، کمبود فزاینده‌ی زمین حاصلخیز و منابع آب پایا و قابل اتکا به یک عامل عمده‌ی درگیری در میان جمعیتی تبدیل شده که از پیش گرفتار توسعه‌نیافتگی، حکمرانی ضعیف، حاشیه‌نشینی سیاسی، درگیری‌های قومی ریشه‌دار، و کمبود سرمایه‌ی اقتصادی و انسانی بوده است. میزان اندک و متغیر بارندگی در منطقه‌ی پهناور و کم‌جمعیت دارفور گروه‌ها را ناگزیر ساخته است تا مقرراتی عرفی برای مسیرهای گله بردن، حقوق استفاده از منابع آبی، و روشهای حل و فصل اختلافات وضع کنند (Bromwich 2008). اما در دهه‌های اخیر، سه عامل نظام‌های سنتی اعمال این مقررات را مختل کرده است:

- این منطقه از سال 1972، 16 مورد از 20 مورد خشک‌ترین سالهای ثبت‌شده را تجربه کرده است.
- رقابت بر سر منابع کمیاب عامل تنش‌زای دیگری در درگیری‌های دارفور بود. درگیری بر سر منابع خاص نیز نقطه‌ی انفجار آتش درگیری‌های بزرگ‌تر بود (UNDP 2011).

فشارها در دارفور



© adelphi

موزامبیک رقابت بر سر زمین

با بالا گرفتن تنش میان وزارتخانهها و روستاییانی که ناخواسته منتقل شده بودند، پروژه‌ی سوخت‌های زیستی لغو شد (Tuttle 2014). کشور به دنبال تنوع بخشیدن به اقتصاد خود است. تأخیر در توسعه‌ی میادین گازی دریایی میتواند سرعت توسعه‌ی تولید سوخت‌های زیستی یا سایر پروژه‌های کشاورزی بزرگ‌مقیاس را بالا ببرد. اگر تغییرات اقلیمی باعث کاهش زمین‌های حاصلخیز شود، اجرای این پروژه‌ها رقابت بر سر زمین را افزایش می‌دهد (Thaler 2013). با توجه به سابقه‌ی طولانی جنگ داخلی در کشور و موج اخیر خشونت در سال ۲۰۱۳، نزاع‌های محلی بر سر حقوق اراضی می‌تواند باعث تنش و درگیری در سطح ملی شود.

موزامبیک یکی از فقیرترین کشورهای جهان است و در میان کشورهای بلایای طبیعی به ویژه سیل و خشکسالی و در معرض تهدید تغییرات اقلیمی بوده‌اند (Nussbaumer and Patt 2009). درحالی‌که تراکم جمعیتی موزامبیک نسبتاً پایین است، رشد جمعیت آن سریع است، و کمبود روزافزون زمین‌های کم‌خطر به لحاظ خشکسالی و سیل منجر به درگیری‌هایی بر سر کاربری زمین می‌شود (Margulis and Hughes 2005).

در سال ۲۰۰۷ دولت متعهد شد که ۳۰ هزار هکتار زمین برای تولید اتانول در نظر بگیرد، اما وزارت گردشگری پیش‌تر اختصاص همان زمین به یک پارک ملی را وعده داده بود.

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
افزایش دفعات و شدت خشکسالی و سیل تأثیر منفی بر معیشت جمعیت‌های محلی بگذارد.	تغییر اقلیم به کندی اثر گذارد و فرصت بیشتری برای سازگاری با تغییر اقلیم و ایجاد تاب‌آوری محلی در برابر تغییر اقلیم فراهم شود.
ابهام تصمیمات مهم مربوط به تخصیص زمین نابرابری‌های قدرت را تحکیم ببخشد و نارضایتی ایجاد کند.	سیستم‌های مدیریتی شفاف و منصفانه و موثر به حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات در مورد زمین کمک کند
پس‌رفت روابط منطقهای موجب کاهش مبادلات و تجارت منطقهای و مانع از رشد و تنوع اقتصادی شود.	یکپارچگی تجارت و اقتصاد منطقه ای معیشت محلی و تنوع بخش اقتصادی را بهبود بخشد.
بازگشت سیاست نفاق‌افکن دوران جنگ داخلی و برملا شدن تلاش‌های اصلاحی بخش امنیتی پتانسیل درگیری و نفوذ شبکه‌های جنایی فراملی را بالا ببرد.	همکاری سیاسی و تلاش‌های اصلاح‌گرایانه بخش امنیتی، امنیت ملی و انسانی را افزایش دهد و مشروعیت حکومت را مستحکم کند.
تعداد کشاورزان دارای حداقل معیشت، که به ویژه در برابر آثار تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیرند، افزایش یابد.	تنوع‌سازی فرصت‌های اقتصادی بیشتری را فراهم کند و فقر و آسیب‌پذیری را کاهش دهد.
توسعه‌ی نابرابر اقتصادی باعث نارضایتی‌های جدید شود.	

رودخانه‌ی کاوری: رقابت بر سر آب

آبیاری در تامیل نادو به رودخانه‌ی کاوری وابسته است. کشاورزی به عنوان یک بخش مهم اقتصادی تأمین‌کننده‌ی معیشت میلیون‌ها کشاورز است. مراکز شهری صنعتی‌شده‌ی کارناتا‌کا مانند بنگلور نیز به آب رودخانه و برق تولیدی سدهای آن متکی هستند. کمبود آب ناشی از تقاضای روزافزون آب در بخش کشاورزی، رشد جمعیت، شهرنشینی و صنعتی شدن، توأم با بارندگی کم و نامنظم است (Fleischli 2007). درحالی‌که روشن است که تغییر اقلیمی تأثیر قابل توجهی در بارانهای موسمی خواهد داشت و به احتمال زیاد وقایع شدید آب و هوایی را افزایش میدهد، هیچ اجماع علمی در خصوص چگونگی دقیق تغییر میزان بارندگی وجود ندارد (Turner and Annamalai 2012).

مناقشه بر سر آب رودخانه‌ی کاوری میان ایالت‌های تامیل نادو و کارناتا‌کا (و همچنین کرالا و پودوچری) در هند به قرن نوزدهم بازمی‌گردد. توافق‌نامه‌ی ۱۹۲۴ در ۱۹۷۴ ملغی شد، که به سال‌ها مذاکره انجامید. رأی موقت یک دادگاه مستقل در ۱۹۹۱ منجر به شورش گسترده، تنش‌های قومی، و حملات به تامیلها در بنگلور شد. در سالهای پرآبی، این مشکل از سرخط خبرها حذف شد، اما در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۵ و ۲۰۰۲، با کاهش بارانهای موسمی، اعتراضات عمومی در ماندیا و بنگلور به خشونت کشیده شد و شورش در کارناتا‌کا به حمله به تامیلها انجامید (Pereria 1998; Global Sustainability Institute 2014). این بیثباتی منجر به نارضایتی و عدم همکاری بین گروهها شد (Bhattacharya and Poddar 2012). در سال ۲۰۱۴، آتش تنشها و اعتراضات عمومی دوباره شعله‌ور شد اما با تقویت بارانهای موسمی و بازگشت آب به رودخانه‌ی کاوری، فروکش کرد (Global Sustainability Institute 2014).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
کاهش باران‌های موسمی برای چندین سال متوالی منجر به کمبود شدید آب شود.	آثار تغییر اقلیمی به کندی ظاهر شود و زمان بیشتری برای سازگاری و ایجاد تابآوری اقلیمی محلی وجود داشته باشد.
تصمیمات ضعیف سیاسی و فنی در مدیریت منابع آبی (مثلاً براساس اطلاعات ناکافی) باعث هدر رفتن آب اضافی و تخریب منابع شود.	اطلاعات دقیق در مورد آب و هوا، منابع آبی، و شرایط بازار به طور گسترده در دسترس باشد و در مدیریت پایدار منابع آب به کار گرفته شود.
یک توافق سیاسی تحمیل شده از بالا در نظر گروه‌های خاص جمعیتی ناعادلانه باشد و ایجاد نارضایتی کند.	هر راه‌حل مورد توافق و درازمدتی، از نظر اکثریت مردم عادلانه باشد.
رهبران سیاسی با تاکتیک‌های رقابتی و همه چیز متعلق به برنده، مناقشه بر سر رودخانه راه سود خود پیش ببرند و باعث تشدید ساختارهای موجود تعارض شوند.	سیاست جمعی چرخه‌ی تعارض را بشکند.
وابستگی اقتصادی به آب رودخانه همچنان افزایش یابد و آسیب‌پذیری در برابر دسترسی متغیر به آب را شدیدتر کند.	تنوع اقتصادی، با در اختیار گذاشتن فرصت‌های بیشتر، از فقر و آسیب‌پذیری بکاهد.
توسعه‌ی اقتصادی نابرابر باعث تشدید تفاوت‌های اقتصادی میان دولتها و گروه‌های جمعیتی شود.	فناوری‌های صرفه‌جویی در مصرف آب به کاهش تقاضا کمک کند.

تغییر اقلیمی، با دگرگون کردن الگوهای بارش و کاستن از ماهیگیری، ناامنی معیشتی را افزایش میدهد.

در گزارش سال 2014 هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی پیش‌بینی شده است که تغییر اقلیمی دفعات و شدت سیل و خشکسالی را تغییر دهد. این ناپایداری تأثیر عمیقی بر کشاورزان که به الگوهای پیش‌بینی‌پذیر بارندگی وابسته هستند خواهد داشت. خسارات ناشی از سیل در سطح جهانی افزایش خواهد یافت زیرا افراد و دارایی‌های بیشتری در معرض آسیب قرار می‌گیرند (IPCC 2014). در بسیاری از مناطق جهان احتمال دارد شدت و تکرار بارندگی‌های شدید بیشتر شود و حتی با وجود تغییر نکردن میزان کل بارندگی، فرسایش خاک را افزایش دهد (Seneviratne and Nicholls 2012; IPCC 2014). فرسایش خاک باعث تنزل کیفیت خاک و کاهش بازدهی محصولات زراعی می‌شود. رانش بیشتر زمین در مناطق کوهستانی نیز معیشت را پرخطرتر و ناپایدارتر خواهد ساخت (IPCC 2014; Tse-ring et al. 2010).

هم‌زمان ماهیگیری در مقیاس کوچک به طور فزاینده‌ای با شوکهای اقلیمی نظیر توفان، سیل، افزایش سطح آب دریا، خشکسالی، و نوسانات دما و بارندگی مواجه می‌شود. این وقایع اقلیمی، با کاهش تعداد و توزیع ماهی‌ها و مختل کردن فعالیت‌های ماهیگیری، از بازده اقتصادی خواهد کاست. از آنجا که شیلات و آبروری معیشت ۱۰ تا ۱۲ درصد جمعیت جهان - اکثراً در منطقه‌ی آسیا - اقیانوسیه - را تأمین می‌کند، تأثیرات اقلیمی در این بخش بسیار حائز اهمیت خواهد بود (FAO 2009; FAO 2010; FAO 2014b).

مردم وابسته به منابع طبیعی حساس به اقلیم به دنبال معیشت یا مکانهای جایگزین می‌روند و خطر درگیری افزایش می‌یابد.

تغییر اقلیمی ماندگاری معیشت و مشاغل وابسته به منابع طبیعی را کاهش خواهد داد. این ناامنی معیشتی، به همراه سایر چالش‌های از پیش موجود، میتواند خطر بروز درگیری‌های محلی را افزایش دهد. الگوهای متغیر بارندگی و خشکسالی‌های فصلی در منطقه‌ی ساحل، توأم با سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دامپروران را به سمت کشاورزی یا مهاجرت به جنوب و به طرف خط ساحلی سوق داده که موجب افزایش رقابت بر سر آب و زمین زراعی با جوامع کشاورز و ماهیگیر شده است (UNEP 2011a). در تورکانا واقع در کنیا، با کاهش مراتع به دلیل خشکسالی‌های مکرر، بسیاری از عشایر دامپرور به ماهیگیری روی آورده‌اند و این امر منجر به درگیری‌های مرگبار میان قبایل رقیب کنیایی و همچنین با ماهیگیران اتیوپیایی در آن طرف دریاچه شده است (Yongo et al. 2011). جوامع ساکن مناطق کوهستانی تاجیکستان، رواندا و نپال که با فرسایش خاک و رانش زمین مواجه‌اند، به دنبال زمینهای پایدارتر جابه‌جا شده‌اند. در مواردی کل روستاها تغییر جا داده‌اند و خطر درگیری با جوامع همسایه که منابع آنان نیز تحت فشار تقاضا قرار دارد افزایش یافته است (Tse-ring et al. 2010; Modola 2013).

زنان نسبت به ناامنی معیشتی آسیب‌پذیرتر هستند و بیشتر در معرض خطر قرار دارند.

با وجود بحث و جدل بسیار بر سر ارقام صحیح، به طور گسترده تشخیص داده شده که احتمال وجود فقر در میان زنان بیشتر از مردان است، و از همین رو بیشتر در معرض مخاطرات ناشی از تأثیرات تغییر اقلیمی بر معیشت هستند (Chant, 2008). از آنجایی که زنان تولیدکننده‌ی ۴۵ تا ۸۰ درصد از کل مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه هستند، با کاهش دسترسی به مواد غذایی بر اثر تغییر اقلیمی، امنیت اقتصادی، امنیت غذایی و سلامت نه تنها زنان بلکه خانواده‌ها و جوامع آنان نیز کاهش می‌یابد (UN WomenWatch 2009).

در بسیاری از خانوارهای کشورهای در حال توسعه، مسئولیت تأمین آب و سوخت برای پخت و پز و گرم کردن بر عهده‌ی زنان و دختران نیز هست (IEA 2006). از آنجا که تغییر الگوهای آب و هوایی باعث کاهش منابع آبی در بسیاری از مناطق می‌شود، زمانی که صرف رفتن و آوردن آب از منابع دورتر می‌شود ممکن است دختران و زنان را از پیگیری فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از فرصت‌های آموزشی بازدارد. در بسیاری از کشورها، زنان فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کمتری نسبت به مردان دارند که ظرفیت فردی آن‌ها را برای سازگاری با تغییرات اقلیمی محدود می‌کند (UNICEF 2012).



2.3 نامنی معیشتی و مهاجرت

نامنی انسانی مردمی که برای تأمین معیشت خود مستقیماً به منابع طبیعی وابسته‌اند با تغییرات اقلیمی افزایش خواهد یافت که می‌تواند آنان را وادار به مهاجرت یا روی آوردن به منابع غیرقانونی درآمد کند.

تغییر اقلیمی بر معیشت افراد وابسته به منابع طبیعی تأثیر مستقیم دارد. در برخی مناطق، از وسعت چراگاه‌ها می‌کاهد، بدنه‌های آبی مورد نیاز برای آبیاری را می‌خشکاند، و مشاغل مرتبط با منابع طبیعی حساس به اقلیم را تهدید می‌کند. این تغییرات زیست‌محیطی، به همراه مشکلات دیگر مانند توزیع نابرابر زمین، تصرف نامطمئن زمین، توسعه‌ی ضعیف بازارها، موانع تجاری و زیرساخت‌های ناکافی، جمعیت‌ها را وادار می‌کند که به دنبال معیشت جایگزین باشند. برخی به مناطق شهری با سطوح بالای بیکاری و شرایط بد زندگی نقل مکان می‌کنند، در حالی که ممکن است دیگران مجبور شوند به منابع غیررسمی یا غیرقانونی درآمد متوسل شوند. تغییر اقلیمی هم الگوهای کنونی مهاجرت و هم میزان مهاجرت را تغییر میدهد. اگرچه روندهای جمعیتی و آسیب‌پذیری همچنان محرک‌های اصلی جابه‌جایی افراد در سطح بین‌المللی باقی خواهند ماند، در آینده تغییرات اقلیمی و مواجهه‌ی فزاینده با مخاطرات به عوامل تن دادن به خطر جابه‌جایی بین مرزها اضافه خواهد شد. درحالی‌که مهاجرت می‌تواند یک مکانیسم مؤثر مقابله با استرس اقلیمی باشد، در صورت مدیریت ضعیف مهاجرت و اسکان مجدد، افزایش جابه‌جایی افراد نیز می‌تواند به بی‌ثباتی محلی و بالقوه منطقه‌ای منجر شود.

26

نامنی معیشتی و مهاجرت

خطر در چیست؟	نقاط اوج	نقاط ورود
تغییرات اقلیمی می‌تواند بیکاری را در میان افراد دارای وابستگی معیشتی به منابع طبیعی افزایش دهد، بر الگوهای مهاجرت آنان تأثیر بگذارد، یا آنان را وادار کند که به دنبال منابع حمایتی جایگزین باشند. هریک از این موارد می‌تواند با فشارهای فزاینده نظیر نرخ بالای بیکاری در بین مردان جوان، مهاجرت به مناطق تحت فشار به لحاظ تقاضای منابع، و رقابت بر سر منابع، آسیب‌پذیری را بالا ببرد. همچنین ممکن است جاذبه‌ی پیوستن به گروه‌های مسلح و باندهای جنایتکار را بیشتر کند.	<ul style="list-style-type: none">تعداد زیادی از ساکنان روستایی به شهرها مهاجرت کنند که فاقد زیرساخت و خدمات پایه برای جوابگویی به سیل ساکنان جدید هستند.تغییر اقلیمی به طور نامتناسبی بر معیشت گروه‌های خاص تأثیر بگذارد و نابرابری‌ها و نارضایتی‌ها را در بین گروه‌ها تشدید کند.تغییر اقلیمی معیشت روستاییان فقیر در مناطق دورافتاده و آسیب‌پذیر را که گرفتار سطوح بالایی از جرایم سازمانیافته (مانند تجارت مواد مخدر یا دزدی دریایی) هستند از بین ببرد و احتمال وارد شدن افراد در فعالیتهای غیرقانونی را افزایش دهد.	<ul style="list-style-type: none">اطمینان یافتن از تمرکز همکاری‌های توسعه‌ای دوجانبه و چندجانبه بر اقدامات پیشگیرانه و زودهنگام در جهت تقویت معیشت و تابآوری محلی.درک پویایی متغیر مهاجرت و حمایت از مدیریت مسالمت‌آمیز این روندها.انجام اقدامات اساسی برای افزایش تابآوری و جلوگیری از درگیری (نظیر برنامه‌های ثبات‌بخشی و پسادرگیری) بر مبنای شناخت بهتر تغییر اقلیمی و معیشت افراد فقیر.تأمین بودجه‌ی برنامه‌های بهبود مدیریت اکوسیستم به منظور حفاظت و ارتقای خدمات طبیعی حمایتگر معیشت.

مهاجرت میتواند امنیت معیشتی را ارتقا و آسیبپذیری در برابر خطرات را کاهش دهد.

تغییر اقلیمی، با تأثیر بر عوامل محرک مهاجرت، هم الگوهای مهاجرت و هم تعداد مهاجران احتمالی را تغییر می‌دهد. طبق گزارش فورسایت «تغییرات زیست‌محیطی امکان مهاجرت را کمتر و به همان نسبت احتمال آن را بیشتر می‌کند» (Black et al. 2011).

مهاجرت موقت گاه روشی ضروری و مصلحت‌آمیز برای مقابله با بلایای طبیعی است. برای مثال، در طول خشکسالی 1983-85 در مالی، اکثر خانواده‌ها با مهاجرت موقت زنده ماندند (Findley 1994). مهاجرت می‌تواند به بهبود امنیت معیشتی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر خطرات زیست‌محیطی و غیرزیست‌محیطی کمک کند. به دنبال رانش زمین در تاجیکستان، ساکنان مناطق آسیب‌دیده به دنبال اشتغال درآمدزا به روسیه نقل مکان کردند. امروز، در بسیاری از مناطق تاجیکستان، وجوه ارسالی اعضای خانواده‌ها از روسیه بیشتر از پنبه که محصول فروشی اصلی کشور است درآمد خانوارها را تأمین می‌کند (Mitra and Vivekananda 2013). بنابراین مهاجرت داوطلبانه، با کمک به تنوع درآمدی یا ارسال پول برای خانواده، می‌تواند استراتژی مؤثری برای سازگاری باشد و از این طریق تاب‌آوری جوامع آسیب‌دیده را تقویت کند (European Commission 2013b).

مهاجرت میتواند خطرات جدیدی، اما نه لزوماً «پناهندگان اقلیمی»، ایجاد کند.

مردان و زنان هر دو به دنبال معیشت بهتر و مطمئن‌تر مهاجرت می‌کنند؛ اما در بسترهای فرهنگی خاص، فاصله‌ای که زنان می‌توانند از خانه‌ی خود بگیرند محدود است. مردان اغلب به سفرهای دورتری می‌روند و سرپرستی خانوار را به زنان می‌سپارند. ممکن است برخی افراد نتوانند مهاجرت کنند و گرفتار درگیری یا مخاطرات زیست‌محیطی مانند سیل باشند. در سومالی، به دلیل درگیری‌های مسلحانه که مانع از کمک‌های سازمان‌های بشردوستانه هم شده است، دامپروران نمی‌توانند به جای دیگری نقل مکان کنند. این محدودیت‌ها می‌تواند افراد را به سمت مهاجرت از راه‌های غیرقانونی، نامتعارف، غیرایمن، بهره‌کشانه، یا برنامه‌ریزی‌نشده سوق دهد (Black et al. 2011).

مهاجرت – به شکل پناهنده شدن «پناهندگان اقلیمی» – اغلب یک چالش عمده‌ی سیاست عمومی برای کشورهای صنعتی توصیف می‌شود. از جنبه‌ی روش‌شناختی، بررسی جداگانه‌ی محرک‌ها و عوامل مختلف مهاجرت بسیار دشوار و حتی غیرممکن است. مهاجرت یک پدیده‌ی چندعلتی است. درحالی‌که روندهای جمعیت‌شناختی و آسیب‌پذیری همچنان محرک‌های اصلی جابه‌جایی‌های فرامرزی هستند، تغییر اقلیمی و افزایش مواجهه با مخاطرات باعث تشدید خطر جابه‌جایی در آینده خواهد شد (NRC and IDMC 2014).

پیش‌بینی تعداد افرادی که احتمال دارد بر اثر تغییر اقلیمی آواره شوند غالباً براساس برآوردهای خام جمعیتی است زیرا در بسیاری از مناطق آسیب‌دیده آمار قابل اتکا وجود ندارد. این اعداد بین افرادی که به طور بالقوه می‌توانند مهاجرت کنند و کسانی که واقعاً مهاجرت می‌کنند تمایز قائل نمی‌شود. فقیرترین افراد عموماً استطاعت مهاجرت به خارج از کشور را ندارند (Castles 2000; Haan 2000; Skeldon 2002). همچنین در این پیش‌بینی‌ها استراتژی‌های دیگر سازگاری چنان‌که باید در نظر گرفته نمی‌شود (Black et al. 2011). با این حال، انتظار می‌رود که آثار تغییرات اقلیمی (از جمله بلایای ناشی از وقایع شدید آب و هوایی) موجب افزایش تعداد افرادی شود که به اجبار یا با انتخاب خود از مرزهای ملی عبور می‌کنند (NRC and IDMC 2014). بنابراین، تغییر اقلیمی هم الگوهای موجود مهاجرت را تغییر خواهد داد و هم تعداد افرادی را که احتمال دارد جابه‌جا شوند.

شناخت نقش حکمرانی حائز اهمیت است.

ناامنی معیشتی با عوامل غیراقلیمی از جمله توزیع و تصرف نابرابر زمین، موانع تجاری و زیرساخت ضعیف نیز ارتباط دارد (UNEP 2011b). جوامع فاقد نهاد، ثبات اقتصادی، جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی برای مقاومت در برابر افزایش دفعات و شدت تغییر اقلیمی بیش از همه در معرض خطر بی‌ثباتی سیاسی و درگیری قرار می‌گیرند (UNEP 2011b). ما باید نقش مهم حکمرانی را در برنامه‌ریزی و سامان‌دهی توسعه، تضمین دسترسی به زمین، بنا کردن زیرساخت‌ها، و حمایت از تنوع معیشتی بشناسیم (UNEP 2011b).

فرصتهای شغلی کمتر، به ویژه در میان جوانان، باعث شدت یافتن درگیریها میشود.

جمعیت‌های بزرگ جوانان می‌توانند اقتصاد کشور خود را رونق ببخشند. با این حال، در شرایط خاص، گروه‌های بزرگ جوانان با خطر بالاتر خشونت مواجه‌اند، به ویژه در جاهایی که نرخ بیکاری بالاست یا در کشورهای سرب‌آورده از درگیری (Arowosegbe 2009; Collier et al. 2009; Urdal 2008). در چنین بسترهایی، احتمال دارد که تأثیرات اقلیمی رشد اقتصادی را پیچیده سازد، فشار بر معیشت را افزایش دهد، و رقابت بر سر شغل را در میان جوانان بالا ببرد. در تمام مناطق، احتمال مهاجرت مردان جوان در جست‌وجوی کار بسیار زیاد است، به ویژه زمانی که معیشت‌های وابسته به منابع طبیعی مانند ماهیگیری یا کشاورزی چندان مقرون به صرفه نباشد (Schilling et al. 2014; Deheza and Mora 2013). توانایی مهاجرت هم می‌تواند همچون سوپاپ تخلیه عمل کند و درگیری‌ها را کاهش دهد، تنها در صورتی که فرصت‌های معیشتی برای مهاجران فراهم باشد.

فقدان معیشت جایگزین قابل قبول، به ویژه برای جوانان روستایی و مردان جوان، می‌تواند نارضایتی‌ها یا نابرابری‌های از پیش موجود را تشدید کند. در برخی موقعیت‌های آسیب‌پذیر یا در شرایطی که گزینه‌های اشتغال رسمی محدود است، ممکن است بعضی جوانان به فعالیت‌های مجرمانه مانند صید و شکار غیرقانونی، دزدی دریایی، قاچاق مواد مخدر، یا عضویت در گروه‌های مسلح کشیده شوند. برای مثال، در سال 2006-7، وقوع خشکسالی در شمال منطقه‌ی بلخ در افغانستان برخی از روستاییان پایین‌دست را مجبور کرد تا همراه با گروه‌های مسلح به دنبال فرصت‌های معیشتی جدید بروند (Heijman et al. 2009).

28

با گام برداشتن مردم به سمت کاهش تکیه بر منابع طبیعی حساس به اقلیم، شهرنشینی افزایش خواهد یافت.

خانوارها به طور روزافزونی برای کاهش وابستگی خود به منابع طبیعی حساس به اقلیم به دنبال شبکه‌ی امنیت هستند. برای مثال، بعضی کارگران به طور فصلی از مناطق ساحلی بنگلادش به مراکز شهری مانند داکا مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت کوتاه‌مدت از مناطق روستایی به شهری، به ویژه در زمان کاهش محصولات کشاورزی، روشی است برای تنوع بخشیدن به منابع درآمدی (Tacoli 2009). اگر این الگوهای مهاجرتی به طور مسالمت‌آمیز مدیریت نشود، می‌تواند به شبکه‌های زیرساختی و خدمات پایه در شهرهای پرجمعیت کنونی فشار وارد کند و باعث بروز تنش‌هایی میان جوامع میزبان و مهاجر شود (Mitra and Vivekananda 2013).

انتقال به معیشت‌های جایگزین، برنده و بازنده ایجاد می‌کند.

هنگامی که مردم بر سر منابع طبیعی کمیاب مشترک با هم رقابت می‌کنند اما مناسبات نابرابر قدرت، دسترسی به آن‌ها را محدود می‌کند، خطر آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد (Houdret et al. 2010; Houdret 2010). برای مثال، رقابت میان ماهیگیران سنتی و پرورش‌دهندگان میگو بر سر منابع آبی مشترک دریاچه‌ی چیلیکا در هند افزایش یافت زیرا با نفوذ آب شور به دریاچه به دنبال امواج بیشتر توفان، صید ماهی کاهش پیدا کرد. با شورت شدن آب دریاچه، تاجران ثروتمند پروانه‌های صید ماهیگیران فقیرتر را خریداری کردند و مزارع محصور پرورش میگو ساختند. با بدتر شدن معیشت ماهیگیران، درگیری‌های خشونت‌آمیز افزایش یافت (Mitra et al. 2013).

خشکسالی و شورش قبیله‌ی طوارق

در ۲۰۱۲، کودتا منجر به سرنگونی دولت مالی شد. بی‌ثباتی کشور در قبل و بعد از کودتا با عوامل متعدد خارجی، از جمله بحران در ساحل عاج، بهار عربی، جنگ در لیبی، گروه‌های تروریستی بین‌المللی، تجارت غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه، در کنار مسائل داخلی نظیر کندی تمرکززدایی در کشور، فساد، جدایی‌طلبی در شمال، خارج کردن نیروهای نظامی، رشد بالای جمعیت، بیکاری جوانان، و شورش قبیله‌ی طوارق که نقش تحریک‌کننده‌ی مهمی ایفا می‌کرد، شدت می‌یافت (Davis 2014).

منطقه‌ی خشک شمال مالی، که فقط 9 درصد جمعیت کشور را در خود جای می‌دهد، یک کانون بحران آسیب‌پذیری اقلیمی است (USAID 2014c). آثار تجمعی خشکسالی‌های شدید مکرر، بارندگی‌های نامنظم فزاینده، و بیابان‌زایی گسترده، معیشت‌های وابسته به منابع طبیعی و ظرفیت جوامع برای جبران صدمات را به شدت تضعیف کرد. خشکسالی سال‌های 2005، 2010 و 2011-12 منجر به تخریب سفره‌های آب زیرزمینی، تلف شدن دامها و مهاجرت دسته‌جمعی جوانان شد. افزون بر کمبود منابع، بیکاری، آسیب‌پذیری اقتصادی، حکمرانی ضعیف، تروریسم، و جرم و جنایت، به همراه نارضایتی‌های بسیار دیگر، شورش‌های متعدد طوارق را شکل داد. از جمله شورش ۲۰۱۲ به رهبری جنبش آزادی‌بخش ملی ازواد که خارج شدن اوضاع از کنترل آن‌ها و شورش‌های بعدی ستیزه‌جویان اسلام‌گرا در شمال مالی به مداخله‌ی نظامی بین‌المللی منجر شد (Sidibé 2012).

اعتبار و مشروعیت دولت به دلیل ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی جمعیت یا مقابله با بحران‌های متوالی محیط زیستی و سیاسی کشور از بین رفته و قرارداد اجتماعی میان برخی جمعیت‌های طوارق و عرب و دولت مالی تضعیف شده است. خلأ امنیتی در بخش شمالی کشور منجر به تکثیر گروه‌های جنایتکار شد؛ و در نتیجه، ناامنی مزمن به مهاجرت اجباری و نابودی مواد غذایی و دامها کمک کرد و به حفظ چرخه‌ی معیوب خشونت و بی‌ثباتی انجامید (Sidibé 2012; Bakrania 2013).

اگرچه متعاقب انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در سال 2013 نظم قانونی به کشور بازگردانده شد، و امروز بهبود شرایط اقتصادی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد، مالی همچنان گرفتار بحران‌های متعدد به هم پیوسته‌ای است که در کنار هم فشار زیادی بر این کشور به شدت آسیب‌پذیر در برابر تغییر اقلیمی و درگیری وارد می‌کند.

دلایل اصلی درگیری‌ها در مالی پیچیده و به هم پیوسته است، هرچند که بیشتر نارضایتی‌ها از انزوای ریشه‌دار اقتصادی و سیاسی گروه‌های خاص ناشی می‌شود. از زمان استقلال،

فشار در مالی



خشکسالی، ناامنی معیشتی، مهاجرت و درگیری

آوردند. با کشیده شدن خشکسالی به سال‌های دوم و سوم، دولت سوریه بخشی از یارانه‌های دولتی را لغو کرد که منجر به چند برابر شدن یک‌شبه‌ی قیمت سوخت دیزل و کود شد (Châtel 2014).

از دست دادن گسترده‌ی معیشت، کشاورزان و گله‌داران و خانواده‌های روستایی را مجبور به مهاجرت به شهرهای پرازدحام کرد که منجر به فشار بر زیرساخت‌های شهری و خدمات پایه و افزایش بیکاری شهری شد. ناامنی غذایی بیش از یک میلیون نفر فشار قابل توجهی بر عوامل استرس‌زای از پیش موجود مانند نارضایتی‌ها و سوء مدیریت دولت افزود. این عدم امنیت غذایی یکی از عواملی بود که کشور را به آستانه‌ی درگیری‌های خشونت‌آمیز کشاند (Kelley et al. 2014). دولت نتوانست بحران انسانی را فرو بنشانند که به نارضایتی ادامه‌دار در مناطق روستایی دامن زد. اولین اعتراضات در شهرک روستایی درعا آغاز شد که در آن پلیس مخفی گروهی از نوجوانان را دستگیر و شکنجه کرد. مردم شهرهای دیگر در حمایت از «بچه‌های درعا» تجمع کردند. اعتراضات اولیه به دنبال خشکسالی راه افتاد. این اعتراضات مسالمت‌آمیز برای بیان نارضایتی مردم از بی‌عملی دولت به تدریج شدت گرفت و به جنگ داخلی تبدیل شد که تا امروز ادامه دارد (Werrell and Femia 2013).

آنچه در قالب یک اعتراض مسالمت‌آمیز در مارس ۲۰۱۱ علیه رژیم بشار اسد شروع شد، تبدیل به یک درگیری خونین شد. مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی، از جمله فقر فزاینده، افزایش بیکاری، فقدان آزادی سیاسی، فساد، گسترش شکاف روستایی/ شهری، خشکسالی شدید، سوء مدیریت منابع، و تأثیر تغییر اقلیمی بر منابع آبی و تولید محصول، قیام را در سوریه برانگیخت (Châtel 2014).

بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱، سوریه دچار خشکسالی شدیدی شد که به منطقه‌ی شمال شرقی معروف به سب‌نان کشور سخت‌ترین ضربه را زد. گله‌داران این منطقه در حدود ۸۵ درصد دامهای خود را از دست دادند که معیشت ۱/۳ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داد (United Nations 2010). حدوداً ۷۵ درصد خانواده‌های وابسته به کشاورزی با افت کامل محصول زیان دیدند (Erian et al. 2010).

سابقه‌ی طولانی سوء مدیریت منابع بر وخامت خشکسالی افزود. یارانه‌های کلان دولتی برای کشت محصولات آب‌بر گندم و پنبه باعث رواج تکنیک‌های ناکارآمد آبیاری شد (Femia and Werrell 2012). کشاورزان برای افزایش ذخایر آبی خود به بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی کشور روی

فشارها در سوریه



© adelphi

تغییر اقلیمی، کاهش ماهیگیری، و معیشت‌های در معرض خطر

2012; Marine Resource SCENARIO Assessment Group (2005). در فقدان نظارت مؤثر و اجرای قانون، کشتی‌های ماهیگیری خارجی رقابت ناعادلانه‌ای با ماهیگیران محلی دارند. روش‌های مخرب ماهیگیری، نظیر کشیدن تور کیسه‌ای در ته دریا، با صید جانبی بیرویه و تضعیف بستر دریا موجب کاهش بیشتر ذخایر ماهی می‌شوند. با از بین رفتن جنگل‌های مانگرو که به رشد ماهیگیری ساحلی می‌انجامد، این فشارها تشدید می‌شود (Brown and Crawford 2012).

اقتصاد سیرالئون که یکی از فقیرترین کشورهای جهان است از عوامل متعددی از جمله بحران سال 2014-15 ایولا لطمه دیده است؛ در سال 2014 نرخ رشد درآمد آن بیش از نصف کاهش یافت و به 4 درصد رسید، در صورتی که قبل از بحران انتظار می‌رفت این رقم 11/3 درصد باشد (Thomas et al. 2015). ممکن است که رقابت بر سر ماهیگیری و نبود اشتغال جایگزین باعث شود، همان طور که در سومالی اتفاق افتاد، برخی از ماهیگیران به دزدی دریایی کشانده شوند.

آب‌های سیرالئون دارنده‌ی برخی از غنی‌ترین ذخایر ماهی و تنوع زیستی در جهان است. ماهیگیری شغل بیش از 400 هزار نفر در این کشور و تأمین‌کننده‌ی حدود 80 درصد از کل پروتئین موجود در رژیم غذایی جمعیت آن است (Seto 2011). با این حال، ذخایر ماهی سیرالئون به دلیل صید بی‌رویه و استفاده از شیوه‌های ناپایدار ماهیگیری همراه با تغییر اقلیمی رو به کاهش است. اسیدی شدن اقیانوس باعث توزیع مجدد گونه‌های دریایی جهانی و کاهش تنوع زیستی دریایی به ویژه در مناطق گرمسیری خواهد شد که پیش‌بینی می‌شود بازده دریایی آن تا دهه‌ی 2050 تا 40 درصد کاهش یابد (IPCC 2014).

آب‌های سیرالئون جولانگاه کشتی‌های ماهیگیری صنعتی بی‌پروایی شده که به دنبال کسب سود هستند. خسارات ناشی از صید غیرقانونی، گزارش نشده و بی‌رویه بالغ بر 29 میلیون دلار در سال برآورد می‌شود که معادل 25 تا 50 درصد ارزش کل صید گزارش شده در کشور است (Brown and Crawford).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
کاهش ذخایر ماهی و صید ماهی در مقیاس کوچک‌تر منجر به رقابت شدید میان ماهیگیران محلی و ایجاد تنش بالقوه بین جوامع شود.	برای حل و فصل اختلافات از سازوکارهای محلی استفاده شود. جوامع در مدیریت محلی ماهیگیری مشارکت داده شوند.
ماهیگیری غیرقانونی، گزارش نشده و بی‌رویه رقابت ناعادلانه و خشم و کینه را در میان صیادان محلی برانگیزد و عامل رقابت بسیار شدید میان کشتی‌های صنعتی و ماهیگیران محلی باشد.	قوانین حفاظت از انواع ماهیان و حمایت از ماهیگیران محلی در آب‌های سرزمینی اجرا شود. مسئولان و جوامع ماهیگیر اطلاعات مربوط به کشتی‌های ماهیگیری غیرقانونی را به اشتراک بگذارند. همکاری دریایی از حقوق اقتصادی حمایت و برای اجرای قوانین دریایی ظرفیت‌سازی کند.
اندک بودن شمار معیشت‌های جایگزین و فرصت‌های اقتصادی در میان جوامع ماهیگیر به رواج جرم و دزدی دریایی دامن بزند.	با سرمایه‌گذاری در آسیب‌پذیرترین مناطق ساحلی، معیشت جایگزین «مقاوم در برابر اقلیم» حمایت شود و هزینه فرصت مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه افزایش یابد.
مدیریت دولتی مناطق حفاظت‌شده، با ایجاد نابرابری در درون جوامع ماهیگیر و تضعیف تنها منبع معیشت در یک محدوده یا منطقه‌ی خاص، باعث ایجاد درگیری بین جوامع ماهیگیر و مسئولان محلی شود.	مناطق حفاظت‌شده به صورت مشارکتی مدیریت شوند. آگاهی نسبت به اهمیت مناطق پرورش ماهی بالا برود. مقرراتی در خصوص روش‌های مخرب ماهیگیری، نظیر صید در اعماق، تدوین و اجرا شود.

در سال 2012-13 شیوع زنگ‌زدگی برگ قهوه باعث کاهش بازده و کیفیت این محصول در امریکای مرکزی شد. پیش‌بینی شد که در گوآتمالا در طی فصل زراعی 2013-14 تولید قهوه 16 تا 32 درصد کاهش یابد و باعث افت شدید درآمد شود (FEWS NET 2014). بنابراین تولیدکنندگان تعداد کمتری کارگر روزمزد غیرماهر استخدام می‌کنند و دستمزد کمتری می‌پردازند و درآمد مرتبط با قهوه که درصد بالایی از جمعیت به آن متکی هستند کاهش می‌یابد. فقط در طول سال زراعی 2012-13 شیوع زنگ‌زدگی برگ قهوه 75 هزار شغل را در بخش تولید قهوه‌ی گوآتمالا از بین برد که به معنی بیکار شدن 15 درصد از کل نیروی کار در این بخش است (International Coffee Organization 2013).

ابعاد شیوع ناشی از افزایش دما و نوسانات میزان بارندگی است که بستری برای تکثیر سریع قارچ ایجاد می‌کند. این بحران نشان می‌دهد که چگونه تغییرات مرتبط با اقلیم مانند تکثیر آفات و بیماریها می‌تواند ناامنی معیشتی را در یک کشور تحت فشارهای قبلی تشدید کند. همچنان که کارگران قهوه‌کار به دنبال درآمدهای جایگزین هستند، ممکن است جرم و ناامنی به طور بالقوه افزایش یابد.

میراث جنگ داخلی 36 ساله‌ی گوآتمالا که در سال 1996 پایان یافت ناامنی و فقر بود. این کشور با بالاترین سطوح نابرابری و فقر در امریکای لاتین، و با رتبه‌ی پنجم قتل نفس، یکی از پرخشونت‌ترین کشورها در جهان است (UNODC 2013). فقدان فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، همراه با دسترسی به سلاح گرم، باعث گسترش جرایم سازمان‌یافته، باندهای تبهکاری، و قاچاق مواد مخدر شده است (Feakin and Depledge 2010).

در میان مهم‌ترین کالاهای کشاورزی تولیدشده در گوآتمالا، قهوه برای 11 درصد از نیروی کار شغل ایجاد میکند (Index Mundi 2014; International Coffee Organization 2013). قهوه‌کاران در آسیای مرکزی، که بیش از 90 درصد آنان تولیدکنندگان خرد یا متوسط هستند، به شدت به کشت تک‌محصولی برای فروش در چرخه‌ی رونق و رکود وابسته‌اند (USAID 2006).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
فقدان اشتغال و درآمد مرتبط با تولید قهوه منجر به افزایش تعداد جوانان بیکار و کشاورزانی شود که به دنبال کسب درآمد از طریق باندهای تبهکاری و شبکه‌های قاچاق مواد مخدر می‌روند.	برنامه‌های آموزشی شغلی و محصولات جایگزین پایدار از وابستگی درآمدی کارگران و جوانان روستایی غیرماهر به تولید قهوه بکاهد.
جریان‌های مهاجرت از مناطق آسیب‌دیده از زنگ‌زدگی برگ‌ها به شهر گوآتمالا، مکزیک و ایالات متحده باعث افزایش فشار بر زیرساختها، خدمات اجتماعی، و امنیت در مناطق از قبل تحت فشار و فقیرنشین شهری شود.	جریان‌های مهاجرت به صورت مسالمت‌آمیز مدیریت شود. زیرساخت‌های شهری، خدمات اجتماعی، و تمهیدات امنیتی تقویت شوند تا جوابگوی تعداد فزاینده‌ی مهاجران باشند.
بخش امنیتی به شورشهای احتمالی شهری با خشونت زیاد و نقض حقوق بشر پاسخ دهد.	فعالان امنیتی برای مدیریت مسالمت‌آمیز ناآرامی‌های مدنی و جلوگیری از نقض حقوق بشر آموزش دیده باشند.
پاسخهای نابرابر به بحران زنگ‌زدگی برگ‌ها فقط به سود تولیدکنندگان کلان قهوه باشد، و خشم کشاورزان خرده مالک را برانگیزد یا درگیری‌های میان مالکان ثروتمند در اقلیت و جوامع بومی بر سر زمین را احیا کند.	در پاسخ به بحران، کشاورزان در فرایند تصمیم‌گیری وارد شوند و انتظارات در آسیب‌دیده‌ترین مزارع کوچک مدیریت شود. هدف پاسخ‌ها به بحران آسیب‌پذیرترین مزارع باشد، چرا که ثروتمندترین تولیدکنندگان قهوه قادر به یافتن روش‌های دیگری برای مقابله با بحران هستند.

مناطق آسیب‌پذیر و گرفتار درگیری در برابر آثار وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی شکننده‌تر هستند.

سازمان ملل متحد بلایای طبیعی را چنین تعریف می‌کند: «پیامدهای حوادث ناشی از خطرات طبیعی که بر ظرفیت واکنش محلی غلبه می‌کند و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد» (IASC 2006). این موارد شامل بلایای طبیعی با شروع تدریجی و آهسته مانند خشکسالی و حوادث با صدمه‌ی ناگهانی است. پیش‌بینی‌های آینده نشان می‌دهد که بروز و بزرگی بلایای طبیعی صرفاً افزایش خواهد یافت، و مناطق شکننده و گرفتار درگیری بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر آثار بلایا دارند (DFID et al. 2011). از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، بیش از ۵۰ درصد افراد دچار بلایای ناشی از خطرات طبیعی ساکن مناطق شکننده و گرفتار درگیری بودند (Kellet and Sparks 2012). مواجه بودن این مناطق با خطرات متعدد باعث افزایش تقاضا برای پاسخ‌های بشردوستانه می‌شود (DFID 2011b).

بلایای طبیعی خطر درگیری و خشونت را افزایش می‌دهد.

روشن است که میان بلایای طبیعی و آسیب‌پذیری رابطه‌ی هم‌افزایی متقابل وجود دارد. بلایای طبیعی نارضایتی‌های موجود را تشدید می‌کنند، فشار بیشتری بر نظام‌های حکمرانی تحت فشار وارد می‌آورند، فرصت‌های اقتصادی و دسترسی‌پذیری منابع را کاهش می‌دهند، و بر جابه‌جایی‌های افراد می‌افزایند – همه‌ی این موارد خطر درگیری را افزایش می‌دهد. به ویژه در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، بلایای طبیعی می‌توانند باعث تشدید عوامل موجود درگیری و خطر بحران‌های آینده شوند و تلاش‌ها در جهت بازگشت شرایط بحرانی به حالت عادی را مختل کنند (Harris et al. 2013; UNDP 2011). برای مثال، خشکسالی شرق آفریقا در سال ۲۰۱۱، با تشدید نارضایتی در بین گروه‌ها بر سر مدیریت ضعیف بحران‌های غذایی، بی‌ثباتی سیاسی را تشدید کرد و منجر به یک بحران همه‌جانبه‌ی انسانی و رویدادهای خشونت‌آمیز سراسری در شرق آفریقا شد (Harris et al. 2013). شواهد نشان می‌دهد که زنان در برابر بلایای طبیعی مرتبط با اقلیم شکننده‌تر هستند زیرا هم قربانی فاجعه و هم پس از آن قربانی افزایش خشونت خانگی و جنسی می‌شوند (Neumayer and Plümper 2007).

بلایای طبیعی، با تغییر میزان دسترسی به منابع، معیشت و تاب‌آوری را تضعیف می‌کنند.

وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی، با تأثیر بر دسترسی‌پذیری و دستیابی به منابع طبیعی لازم و توزیع آن‌ها، رقابت بر سر غذا، آب و زمین را تشدید می‌کنند که خود می‌تواند منجر به خشونت و بی‌ثباتی شود. بلایای طبیعی با شروع تدریجی، مانند خشکسالی و بیابان‌زایی، می‌توانند تنش میان گروه‌های مختلف کاربران زمین از جمله کشاورزان و دامداران را افزایش دهند. هرچا که نارضایتی و رقابت بر سر منابع به دنبال بلایای طبیعی درازمدت با شروع تدریجی بروز می‌کند و به درگیری می‌انجامد، خشونت غالباً محلی است (Hendrix and Salehyan 2012). بیابان‌زایی و خشکسالی در سودان، با کاهش دسترسی‌پذیری منابع عمده‌ی زمین و آب، رقابت میان کشاورزان و دامداران را بالا برد. در مواردی، کشاورزان عمداً مراتع را آتش زدند و محل‌های آب نوشیدن دام‌ها را تخریب کردند تا مانع از چرای دام‌های دامداران شوند، و این اقدامات شرایط خشکسالی و ناامنی غذایی را حادتر کرد (UNDP 2011). تأثیرات اقلیمی، به ویژه در سطح زیرملی، همچنین می‌تواند با اثر گذاردن بر ظرفیت جوامع و اجتماعات برای آماده شدن و مواجهه با بلایای آینده، تاب‌آوری کلی آنها را تضعیف کند (IPCC 2014).

بلایای طبیعی فرصت‌های اقتصادی را در جوامع تغییر می‌دهد.

با تأثیر بلایای طبیعی بر امنیت معیشتی، مشاغل و دسترسی به اعتبارات بانکی، ممکن است فرصت‌های اقتصادی تضعیف شود. بلایای طبیعی می‌توانند بسیاری از استراتژی‌های عمده‌ی سنتی و اجتماعی مقابله مانند طرح‌های پس‌انداز، معیشت‌های جایگزین، و مسیرهای مهاجرت را از بین ببرند. وقایع آب و هوایی شدید می‌توانند دسترسی زنان به شبکه‌های اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی‌شان را مختل کنند (Tunstall et al. 2006; Oswald Spring 2008; Hunter and David 2011). همچنین بلایای طبیعی، با اخلال در اقتصاد رسمی، فرصت‌های غیررسمی اقتصادی ایجاد می‌کنند که ممکن است مجرمانه باشند و به افراد بیکار برای پیوستن به گروه‌های مسلح یا ارتکاب جرم انگیزه بدهند (Harris et al. 2013). از طرف دیگر، ممکن است دزدی‌ها کمتر شود، مثلاً یک بلای طبیعی دام‌های هدف دزدی را از بین ببرد (Harris et al. 2013).



2.4 وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی

وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی چالش‌های آسیب‌پذیری را تشدید خواهند کرد و می‌توانند شکنندگی و نارضایتی مردم را، به ویژه در شرایط درگیری، افزایش دهند.

زندگی، معیشت، سرمایه، شبکه‌های ایمنی اجتماعی، سلامت و اجتماعات مردم به دنبال وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی در معرض مخاطره و تخریب قرار می‌گیرد. رابطه‌ی میان بلایای طبیعی و آسیب‌پذیری اغلب به شکل هم‌افزایی متقابل است؛ بلایای طبیعی فشار بیشتری بر نظام‌های حکمرانی تحت فشار وارد می‌آورند، فرصت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهند، از منابع می‌کاهند و مردم را آواره می‌کنند. فقدان شبکه‌های ایمنی، آمادگی، سازوکارهای بیمه، و سرمایه برای مقابله با آثار بلایای طبیعی می‌تواند به افزایش نارضایتی در جامعه دامن بزند، به ویژه اگر کمک‌های دولتی یا بین‌المللی ناکافی باشد یا عادلانه توزیع نشود. مداخلات ضعیف بشردوستانه نیز می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و خطر درگیری را افزایش دهد. علاوه بر این، در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و تحت تأثیر درگیری، بلایای طبیعی تلاش‌ها برای تقویت تاب‌آوری را تضعیف می‌کند یا تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که منجر به افزایش شدت اثر بلایا می‌شود. در مقابل، کاهش خطر بلایا و تلاش‌های مؤثر در جهت مدیریت آن‌ها نیز می‌تواند فرصت‌هایی برای بهبود تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و ایجاد صلح فراهم کند.

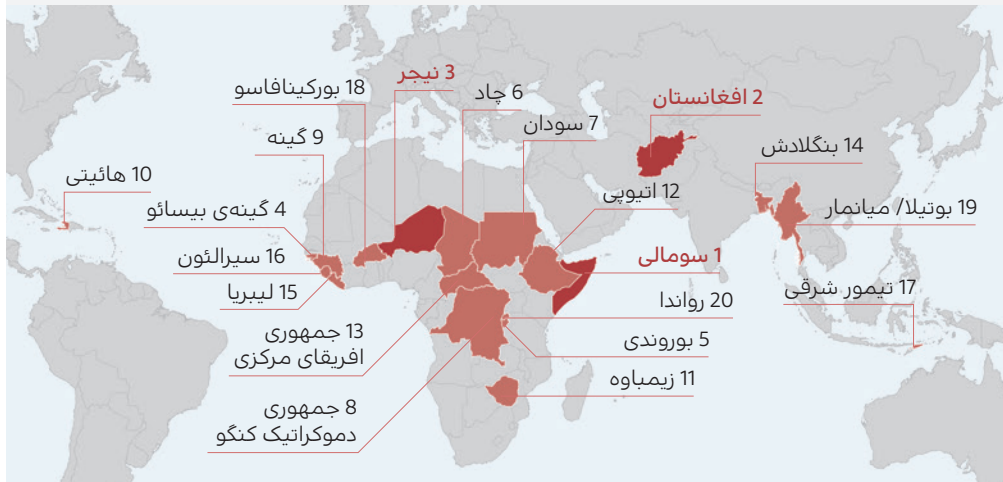
وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی

34

خطر در چیست؟	
وقایع شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی می‌توانند با تشدید نارضایتی‌های موجود، فشار بیشتری بر نظام‌های حکمرانی تحت فشار وارد کنند؛ فرصت‌های اقتصادی و منابع در دسترس را کاهش دهند؛ و بر جاه‌جویی‌ها بیفزایند. در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و تحت تأثیر درگیری، بلایای طبیعی تاب‌آوری جوامع در معرض خطر را تضعیف می‌کند که باعث افزایش شدت اثر بلایا می‌شود. عدم تمایل و ناتوانی دولت‌ها در جلوگیری یا مدیریت بلایا مشروعیت آن‌ها را تضعیف می‌کند و آسیب‌پذیری را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. با این حال، اگر چنین بحران‌هایی خوب مدیریت شود، می‌تواند فرصت‌هایی نیز برای ایجاد تاب‌آوری و صلح فراهم آورد.	
نقاط اوج	<ul style="list-style-type: none">• یک واقعه‌ی شدید آب و هوایی و بلای طبیعی عمده به طور اتفاقی در یک ناحیه‌ی از پیش آسیب‌پذیر واقع شود، یا یک رشته بلایای طبیعی در سطح متوسط در مدت زمان کوتاهی در همان ناحیه‌ی آسیب‌پذیر به وقوع پیوندد.• دولت دچار بحران سیاسی قادر یا مایل به نشان دادن واکنش مناسب در برابر بلای طبیعی نباشد.• دولت از یک بلای طبیعی برای به حاشیه راندن برخی گروه‌های جمعیت استفاده کند.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• استفاده از ابتکارات دیپلماتیک و حمایت بین‌المللی در مقابل بلایای طبیعی برای ایجاد تاب‌آوری و صلح.• تبدیل حمایت یکپارچه در جهت کاهش خطر بلایای طبیعی، ایجاد صلح، و سازگاری با تغییر اقلیمی در کشورهای در حال توسعه به یک هدف روشن در سیاست خارجی.• تمرکز بر پیشگیری از بحران و تأمین منابع انسانی، طبیعی، مالی، و قانونی انعطاف‌پذیر برای توجه و واکنش به وقایع شدید.• ترجمه‌ی اطلاعات جهانی برای استفاده‌ی محلی و گنجاندن اطلاعات محلی در پایش و ارزیابی جهانی خطر.

کانون‌های بحران آسیب‌پذیری

رتبه‌بندی کشورهای دارای سطوح بالای بی‌ثباتی، خطر بلایای طبیعی، فقر، و آسیب‌پذیری در برابر تغییر اقلیمی



این رتبه‌بندی از ترکیب داده‌های صندوق صلح (2012) به دست آمده است (Bündnis Entwicklung Hilft (2011); Alkire et al. (2011); and Wheeler (2011)

برای مثال، در واکنش به زمین‌لرزه‌ی سال ۲۰۰۶، عدم شفافیت دولت فرقیستان و ضعف روش‌های اطلاع‌رسانی عمومی باعث بروز تنش‌هایی بر سر توزیع آشکارا نابرابر کمک‌ها شد. با توجه به نمایان بودن کامل بلایای طبیعی (به ویژه بلایای با تأثیر شدید)، فقدان واکنش فاعل‌کننده یا عادلانه می‌تواند نارضایتی گسترده‌ی مردمی در سطح ملی ایجاد کند، حتی وقتی ابعاد جغرافیایی خود فاجعه محدود باشد (UNDP 2011).

واکنش‌ها به بلایای طبیعی می‌تواند نابرابریها را تشدید کند.

توزیع نابرابر کمک‌ها پس از بلایا می‌تواند نابرابری‌های موجود را تشدید کند. هنگامی که واکنش‌ها به فاجعه برآورده‌ی منافع و نیازهای اقلیت ثروتمند، ساکنان مناطق شهری، یا گروه‌های غالب قومی باشد، و جمعیت‌های در حاشیه به لحاظ اقتصادی یا سیاسی را نادیده بگیرد، نابرابریها تثبیت می‌شود و انگیزه‌ها برای درگیری خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد (Harris et al. 2013).

وقوع بلایای طبیعی می‌تواند فرصتی برای پی‌ریزی صلح باشد.

مدیریت خوب واکنش‌ها به بلایای طبیعی به حل و فصل درگیری‌های طولانی‌مدت و پرورش صلح کمک می‌کند، همچنان که مثال آنچه نشان می‌دهد (نگاه کنید به مطالعه‌ی موردی سونامی اقیانوس هند). بلایایی که در کشورها یا مناطق گرفتار درگیری رخ می‌دهند می‌توانند فرصت‌های غیرمنتظره‌ای برای تغییر و پایان بالقوه‌ی پویایی ریشه‌دار درگیری ایجاد کنند. خسارات و سختی‌های ناشی از بلایای طبیعی این ظرفیت را دارد که روی شکاف‌های عمیق پل بزند. به ویژه در شرایطی که هر دو طرف به یک اندازه آسیب دیده‌اند، یک فاجعه ممکن است باعث ایجاد همبستگی متقابل و تلاش‌های مشترک برای امداد رسانی و اعتماد بین گروه‌های مخالف شود (Renner and Chafe 2007; Adger et al. 2014).

بلايای طبیعی، با آواره کردن مردم و بی‌ثبات کردن جوامع، شرایط را در کانونهای آسیب‌پذیری حادث می‌کنند.

افراد آواره شده بر اثر بلايای طبیعی اغلب بر سر منابع کمیاب و معیشت با ساکنان جوامع میزبان رقابت می‌کنند که باعث ایجاد اختلافاتی بر سر زمین و تشدید تنش‌های قومی یا قبیله‌ای موجود می‌شود. برای مثال، جاری شدن سیل در رودخانه‌ی کوشی واقع در منطقه‌ی تری نپال در سال ۲۰۰۸ باعث اسکان مجدد ۶۰ هزار نفر در جوامع اطراف، فشار بر منابع طبیعی مشترک و افزایش تنش شد که با استفاده‌ی گروه‌های سیاسی از نارضایتی سیل‌زده‌گان از نبود آب سالم و سرپناه برای دامن زدن به احساسات ضددولتی شدت بیشتری گرفت. با بالا گرفتن خشونت، ۲۰۰ پلیس برای حفظ نظم به اردوگاه‌ها اعزام شدند (Vivekananda 2011).

اگر جوامع پذیرنده بدانند که کجا و در چه زمانی قادر به جذب افراد هستند، می‌توانند تنش‌هایی را که ممکن است پدیدار شوند مدیریت کنند. رابطه‌ی بین بلایا و درگیری متقابل است: بلايای طبیعی نه تنها ممکن است احتمال درگیری را افزایش دهند، بلکه ممکن است درگیری هم افراد را مجبور به مهاجرت به مناطقی کند که بیشتر در معرض خطرات هستند (Harris et al. 2013).

جابه‌جایی موقت نیز می‌تواند یک استراتژی مؤثر برای مقابله با تغییر اقلیمی باشد (Ober 2014). با این حال، آسیب‌پذیرترین جوامع اغلب فاقد منابع و بنابراین قدرت تحرک برای مهاجرت هستند که آن‌ها را در مناطق مستعد بلايای طبیعی نگه می‌دارد (Foresight 2011). این یک مشکل خاص در کشورهایی است که شرایط آسیب‌پذیری و درگیری را تجربه می‌کنند. برای مثال، درگیری مسلحانه در سومالی مانع از این می‌شود که دامداران مسیرهای مهاجرتی سنتی یا جایگزین خود را برای فرار از خشکسالی طولانی‌مدت دنبال کنند (Harris et al. 2013).

بلايای طبیعی می‌توانند ظرفیت نهادهای از پیش آسیب‌پذیر برای واکنش کافی را با تحمیل بار اضافی تضعیف کنند و نارضایتی را بالا ببرند.

جوامع تاب‌آور دارای زیرساخت قوی، خدمات پایه، شبکه‌های ایمنی اجتماعی، معیشت، اعتماد و ارتباط آزاد هستند. این منابع در موقعیت‌های آسیب‌پذیر وجود ندارند یا کمیاب هستند. بنابراین آسیب‌پذیری می‌تواند اثر مخرب هر بلای طبیعی بر نظام‌های حکمرانی را تشدید کند و مانع از واکنش‌های سریع و مؤثر نهادها شود (ACF 2011; Kostner and Meutia 2011). برای مثال، در هائیتی، مجموعه‌ای از توفان‌های بزرگ در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ باعث کشته شدن هزاران نفر در سراسر کشور شد. این بلايای مکرر، که بعضی از آن‌ها قبل از ترمیم خسارت‌ها رخ می‌داد، به شدت از ظرفیت دولت برای حفاظت از شهروندان خود و برنامه‌ریزی در جهت واکنش‌های بهتر در آینده کاست (Aldrich 2013). همچنان که دولت ناکارآمد برای جلوگیری از هرج و مرج تلاش می‌کرد، هر بلای طبیعی بعدی هم خشونت و هم آسیب‌پذیری را شدت بخشید (UNDP 2011).

با افشای بی‌کفایتی و ضعف دولت‌ها و ناکارایی بیش از پیش از پیش ظرفیت آن‌ها برای مدیریت بحران‌های تشدیدشونده، بلايای طبیعی به تهدیدی برای ثبات سیاسی تبدیل می‌شوند (Ferris 2010). برای مثال، در دره‌ی فرغانه در قرقیزستان، سیلاب‌های دائمی نارضایتی‌هایی را علیه مسئولان ایجاد کرده زیرا نه تنها ظرفیت محدود دولت در ارائه‌ی خدمات بلکه سیاست‌ها و روش‌های ضعیف مدیریت منابع آبی که منطقه را در برابر خشکسالی، سیل، و سیلاب‌های گل آسیب‌پذیر کرده افشا شده است (UNEP et al. 2005). این واکنش ناکارآمد در برابر بلایا، همراه با رقابت بر سر منابع طبیعی، تنش‌های اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و قومی را تشدید کرد (UNDP 2011).

سوء مدیریت بلايای طبیعی می‌تواند قرارداد اجتماعی را از بین ببرد.

واکنش‌های ناکارآمد در برابر بلايای طبیعی و عدم پیشگیری و مدیریت آن‌ها می‌تواند مشروعیت و اقتدار دولت‌ها را به چالش بکشد و همچنین قرارداد اجتماعی بین دولت و جوامع آسیب‌دیده را از بین ببرد. در ایالت سند پاکستان، ناتوانی محسوس دولت در حمایت کافی از جوامع آسیب‌دیده در سیل‌های سال 2012 منجر به افزایش انزوای سیاسی و طغیان در بین گروه‌های آسیب‌دیده شد (Schilling et al. 2013). عدم ارائه‌ی کمک‌های اضطراری یا توزیع نشدن آن‌ها به طور مساوی می‌تواند سرخوردگی از دولت را افزایش دهد و منجر به اعتراضات و تظاهرات عمومی شود و درگیری‌های جاری را تشدید کند.

جبران پس از سونامی خسارات در آچه یک فرصت تاریخی برای «ساختن مجدد و بهتر» در نظر گرفته شد، با رویکردی یکپارچه‌تر نسبت به جبران خسارات سونامی و بازسازی پس از درگیری. برای جلوگیری از توزیع نابرابر بودجه، رئیس‌جمهور اندونزی آژانس ویژه‌ای با نام آژانس نوسازی و بازسازی آچه و نیاس برای احیای منطقه نه تنها از نظر فیزیکی، اجتماعی، و اقتصادی بلکه به لحاظ روان - اجتماعی و فرهنگی تأسیس کرد تا از این طریق به آثار سونامی و درگیری به طور مشترک بپردازد (Levine et al. 2014).

هنگامی که سونامی سال ۲۰۰۴ در سریلانکا اتفاق افتاد، روند صلح نیز متوقف شد، و ببرهای تأمیل موقعیتی قوی داشتند. دولت در تلاش بود تا مانع شود که ببرهای تأمیل از وقوع سونامی برای جلب کمک‌های بین‌المللی استفاده کنند (Hoffmann and Oliver-Smith 2002). جمعیت تأمیل بر این باور بودند که برای مردم جنوب که عمدتاً سینه‌الی بودند کمک‌های بیشتری ارسال می‌شود، درحالی‌که افراد ساکن در شرق و شمال که عمدتاً تأمیل بودند سهم متناسبی از کمک‌ها دریافت نمی‌کنند. تلاش‌ها برای ایجاد یک واکنش مشترک بین سینه‌الی‌ها و تامیلها ناکام ماند. برخورد متفاوت با افراد آواره‌شده بر اثر درگیری و آوارگان سونامی بر تنش‌ها افزود. تامیلها شکایت داشتند که دولت کمک کافی ارائه نکرده است و معتقد بودند که نادیده گرفته شده و مورد تبعیض واقع شده‌اند. جرایم بین جوامع دوباره بازگشت و آتش درگیری خشونت‌آمیز در اواخر سال ۲۰۰۶ مجدداً شعله‌ور شد، تا اینکه دولت تحت سلطه‌ی سینه‌الی‌ها در سال ۲۰۰۹ ببرهای تأمیل را شکست داد (Ferris 2010).

در سال ۲۰۰۴، اندونزی و سریلانکا هر دو یک فاجعه‌ی بزرگ‌مقیاس و با شروع سریع، یعنی زمین لرزه و سونامی اقیانوس هند را تجربه کردند. در آن زمان، هم سریلانکا و هم اندونزی گرفتار درگیری‌های طولانی بودند. واکنش به فاجعه در آچه به کمک در حل و فصل درگیری طولانی میان جنبش آچه‌ی آزاد و دولت ملی شناخته می‌شود. اما در سریلانکا، این واکنش باعث افزایش تنش میان ببرهای تأمیل و دولت سریلانکا شد (Ferris 2010).

در اندونزی، ویرانی گسترده‌ی ناشی از سونامی به حدود سه دهه درگیری پایان داد و منجر به امضای توافق‌نامه‌ی صلح در سال ۲۰۰۵ شد. این صلح در مطبوعات پیروزی «دیپلماسی فاجعه» خوانده شد. دولت اندونزی که خود ظرفیت بازسازی آچه را نداشت، باید به جامعه‌ی بین‌المللی اتکا می‌کرد. واکنش بین‌المللی به فاجعه به دهه‌ها انزوای تحمیل‌شده بر آچه در طی سال‌ها درگیری جدایی‌طلبانه پایان داد، و نه تنها امدادسانی بلکه احساس امنیت را برای جمعیت به ارمغان آورد (Waizenegger and Hyndman 2010). درحالی‌که رئیس‌جمهور تازه انتخاب شده‌ی اندونزی قبلاً دست به ابتکاری برای تجدید مذاکرات صلح بین دولت مرکزی و جنبش آچه‌ی آزاد زده بود، اکثراً معتقدند که فاجعه نقش اصلی را در به ثمر رسیدن این مذاکرات داشت (Enia 2008; Gaillard et al. 2008).

واکنش ضعیف در برابر سیل، پیامدهای سیاسی شدیدی دارد.

شهروندان ثابت نکرده بود. در پی واکنش ضعیف مسئولان در شرایط اضطراری، غیرنظامیان خشمگین در بانکوک یک دیوار از کیسه‌های شن را که از یک ناحیه‌ی ثروتمندنشین در برابر امواج آب محافظت می‌کرد خراب کردند (Nindang and Allen 2012). شکستن سد کیسه‌ی شن ابراز سرخوردگی عمومی از دولت به دلیل تبعیض و حمایت‌های بی‌رویه‌ی آن بود (Shams 2011).

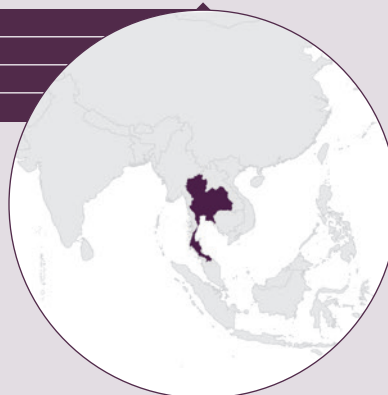
اگرچه دولت یک برنامه‌ی بازسازی را در سه فاز اجرا کرد که شامل ساختن تأسیسات زیربنایی جدید برای مجهز شدن در برابر سیل‌های بعدی بود، روش جبران خسارت شفاف نبود. پس از آنکه توزیع نابرابر غرامت آشکار شد، معترضان خواستار جبران خسارت عادلانه‌تر شدند. مدیریت ضعیف دولت و عدم توانایی آن در رسیدگی به شکایات روستاییان سیل‌زده به شدت مورد انتقاد قرار گرفت (Nindang and Allen 2012; Thai Health 2012).

در سال ۲۰۱۱ در تایلند ۲ میلیون نفر در ۲۶ استان بر اثر سیل‌های ناشی از باران‌های بی‌سابقه‌ی موسمی که از میانگین بارندگی ۳۰ سال گذشته فراتر رفته بود آسیب دیدند. بارانهای موسمی سدها و مخازنی را که با هدف کاهش آثار فصل کم‌بارش بارندگی‌های موسمی در سال ۲۰۱۰ بیش از حد پر شده بودند تخریب کرد. در طول بحران، سدها غیرنظامی در اعتراض به تبعیض مرکز عملیات مقابله با سیل و توزیع ناعادلانه‌ی آب، برق، سرپناه و مواد غذایی به خیابان‌ها آمدند (Femia and Werrell 2011). ناآرامی عمومی و نارضایتی مردم از دولت تا کودتای نظامی سال ۲۰۱۳ ادامه داشت.

سیل‌ها هنگامی رخ داد که چشم‌انداز سیاسی تایلند به دلیل اعتراضات خشن ضد دولتی بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ متزلزل بود (Femia and Werrell 2011). انتخابات سال ۲۰۱۱ حزب دولتی جدیدی را به قدرت رساند که هنوز توانمندی خود را در رفع تبعیض طبقاتی و خشم و انزجار عمیق و ریشه‌دار

فشارها در تایلند

- تغییر اقلیمی >
- حکمرانی ضعیف و ظرفیت پایین دولتی >
- عدم مشروعیت >
- حاشیه‌نشینی و نابرابری >



© adelphi

خشکسالیهای با شروع تدریجی و مسائل امنیتی

اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک به‌جامانده از جنگ سودان و اوگاندا، در کنار خشکسالی‌ها، به جرایم خشن دامن می‌زنند و حمله به دام‌ها را به درگیری‌های قبیله‌ای می‌کشانند (UNDP 2011). درحالی‌که حمله به دام‌ها موضوع جدیدی نیست، بیش از پیش تکرار و پرخشونت می‌شود (Eaton 2008; Ember et al. 2012). تهاجم باعث کاهش ظرفیت جامعه برای بهبود صدمات دیگر و محرک کینه و انتقام می‌شود (Schilling 2012).

با ادامه‌ی خشکسالی‌ها، سرعت و دفعات جابه‌جایی دامداران بیشتر می‌شود و گاه به دنبال مرتع و آب از مرز کنیا عبور می‌کنند (IRIN News 2009). این جابه‌جایی‌ها یک چالش مهم برای دولت کنیا ایجاد می‌کند که در تلاش برای برقراری امنیت در مناطق دورافتاده‌ی شمالی است، مناطقی که کنترل مرزهای قابل نفوذ آن با کشورهای گرفتار درگیری مانند سومالی آسان نیست (UNDP 2011). این روندها همراه با حاشیه‌نشینی تاریخی و سیاسی و انزوای فیزیکی می‌توانند مناطق مستعد دامداری را به نواحی رهاشده و بیقانون و محل رشد درگیری تبدیل کنند.

مناطق خشک و نیمه‌خشک کنیا که ۸۹ درصد قلمرو آن را تشکیل می‌دهند به ویژه مستعد خشکسالی‌های طولانی و به‌طور فزاینده‌ای تکرارشونده هستند (Government of Kenya 2013). درحالی‌که پیش‌بینی‌ها در مورد شرایط اقلیمی آینده متفاوت است، میزان بارندگی سالانه متغیرتر خواهد شد که احتمالاً باعث کمبود بیشتر آب، تخریب اکوسیستم‌ها، و محدود شدن کشاورزی و دامداری خواهد شد (Njiru 2012; IPCC 2007a).

بیش از یک سوم دامداران کنیایی مجبور شده‌اند به دلیل خشکسالی‌ها سبک سنتی زندگی خود را رها کنند و به دنبال کمک اضطراری غذایی به حاشیه‌ی شهرها نقل مکان کنند (Christian Aid 2006). خشکسالی‌ها فشار مضاعفی است بر ظرفیت دولت که برای مقابله با بحران انسانی و ناامنی در کشور به ویژه جرم و جنایت و گروه تروریستی الشباب در حال مبارزه است. درگیری‌های خشونت‌آمیز اخیر، مانند حملات راهزنان که منجر به مرگ ۲۲ افسر پلیس و فرد غیرنظامی در شهرستان تورکانا در نوامبر ۲۰۱۴ شد، توجهات را دوباره معطوف به بی‌ثباتی ناشی از کاهش منابع طبیعی کرده است (OOSKANews 2014).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
با مهاجرت متوالی، دامداران بیشتر در معرض حمله برای سرقت دام قرار گیرند و خطر درگیری افزایش یابد.	مهاجرت به طور مسالمت‌آمیز و براساس شناخت چگونگی همپوشانی الگوهای مهاجرت و تخریب محیط زیست مدیریت شود. برنامه‌ها شامل ظرفیت‌سازی محلی برای گفت‌وگو، میانجی‌گری، آشتی، و ایجاد اعتماد بین رهبران قبیله‌ای / طایفه‌ای گروه‌های مختلف دامداران باشد.
خشکسالی، با افزایش ناامنی غذایی، جوامع را به سمت ارتکاب جرم و فعالیت‌های غیرقانونی دیگر سوق دهد که تنش را در جامعه بالا می‌برد.	جوامع، معیشت‌های پایدار و مقاوم در برابر اقلیم اختیار کنند که تاب‌آوری اقلیمی محلی را افزایش دهد. جوامع به خدمات پشتیبانی از جمله نقل و انتقالات نقدی و کمک غذایی دسترسی داشته باشند. جوامع آسیب‌دیده به پیش‌بینی‌های اقلیمی فصلی، قیمت‌های بازار، و مراکز توزیع مواد غذایی دسترسی داشته باشند.
دسترسی آسان به اسلحه‌های کوچک باعث افزایش خشونت، حمله به دام‌ها، و درگیری بر سر منابع طبیعی شود. دولت نتواند در مناطق دورافتاده امنیت برقرار کند، و خلأ ایجادشده را با زیران امنیت غیردولتی پر کنند.	مقدار سلاح‌های کوچک تحت نظارت باشد یا کاهش یابد. گفت‌وگو، اعتماد و توافق نامه‌های صلح در سطوح جامعه و منطقه ترویج یابد.
تخصیص منابع طبیعی ناعادلانه باشد و قبایل یا جوامع حاشیه‌نشین را نادیده بگیرد. سیاست‌های محیط زیستی و حفاظتی دولت، دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به آب و زمین را نفی کند.	برای جبران حاشیه‌نشینی تاریخی، فیزیکی و سیاسی دامداران، آنان وارد گفت‌وگوها و سیاست‌ها شوند. دولت‌ها در طرح‌های زیرساختی آبی سرمایه‌گذاری کنند که مقاوم در برابر اقلیم و حساس به درگیری باشند تا راه نجات جدیدی در برابر جوامع عشایری گشوده شود.
اقلیت ثروتمند محلی توزیع کمک‌ها را در دست خود بگیرند که به نارضایتی و بی‌اعتمادی میان دولت و شهروندان یا در بین جوامع دامن بزنند.	از کمک‌های بشردوستانه به روشی شفاف، قابل توجیه، و حساس به درگیری برای جوامع آسیب‌دیده از درگیری استفاده شود. ذی‌نفعان اطلاعات دقیق و به موقع دریافت کنند.

سوء مدیریت سیل و آسیب‌پذیری

جهت کاهش تأثیر سیلها قابل ملاحظه بود، اما اقداماتی واکنشی و نه پیشگیرانه تلقی شد (Khan et al. 2013). علاوه بر این، گزارش‌های تأثیر تبعیض و جانبداری سیاسی در توزیع کمک‌ها واکنش ناکارآمد دولت در برابر سیلها را برملا کرد. ضعف واکنش‌های دولت در سند نارضایتی‌های مرتبط با حاشیه‌نشینی جوامع آسیب‌دیده از سیل را عمیق‌تر کرد و در بروز ناآرامی‌های اجتماعی، اعتراضات کم‌دامنه و تظاهرات نقش داشت (Schilling et al. 2013).

با توجه به اینکه تقریباً نیمی از جریان رودخانه‌ی ایندوس وابسته به آب یخچالهاست، ذوب یخچالها برای پاکستان پیامدهای جدی خواهد داشت (Laghari 2013). در کوتاه‌مدت، ذوب یخچالها منجر به سیل‌های مکرر و شدیدتر خواهد شد؛ و در طولانی‌مدت، با کاهش جریان آب، چالش‌هایی برای کشاورزی ایجاد میکند (Kugelman and Hathaway 2009).

در پنج سال گذشته، پاکستان یکی از ۱۰ کشور اول جهان بوده است که بیشترین آسیب را از تأثیرات وقایع مرتبط با آب و هوا دیده‌اند (Germanwatch 2014). بارندگی شدید در سال ۲۰۱۰ منجر به جاری شدن سیل بیسابقه‌ای شد که به حدود ۲۰ میلیون نفر آسیب رساند و نزدیک به ۲۰۰۰ نفر را کشت (Khan et al. 2013).

در سال ۲۰۱۱، چهار هفته باران مداوم به خاکریزها در ایالت سند نفوذ کرد و خسارات اقتصادی برآورد شده به میزان ۶/۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایالت به بار آورد (Nawaz Khan 2010). سند یکی از چندقومی‌ترین ایالت‌ها و پایتخت آن کراچی کانون خشونت‌های قومی و سیاسی و فرقه‌ای است. سیل‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ضعف برنامه‌ریزی را در طرح‌های زهکشی و آبیاری آشکار کردند که باعث تشدید هزینه‌ی انسانی و خسارات محیط زیستی این فاجعه شد. تلاش‌های دولت در

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌باید در صورتی که ...
سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی مرتبط با اقلیم، به دلیل همپوشانی حوزه‌های قضایی فدرال و ایالتی، در سطح محلی اجرا نشود و به سوء مدیریت و بالا رفتن نارضایتی‌ها در جامعه بینجامد. وزارتخانه‌های دولتی با هم هماهنگ نباشند. منابع ایالت در تصرف اقلیت ثروتمند باشد.	نهاد‌های حکمرانی هماهنگ باشند و وزارتخانه‌های اصلی همکاری کنند تا ظرفیت واکنش سریع و مناسب به وقایع شدید آب و هوایی افزایش یابد. مسئولان ایالتی شفافیت و پاسخگویی را افزایش دهند.
دولت همچنان بر واکنش پس از فاجعه به جای آمادگی در برابر فاجعه تأکید ورزد. نا توانی دولت در نشان دادن واکنش مناسب در برابر بلایای طبیعی باعث تضعیف قرارداد اجتماعی شود. برنامه‌های جبران خسارت دولت فقط متمرکز بر زمین‌داران باشد و سرخوردگی در بین کشاورزان بی‌زمین افزایش یابد.	برنامه‌ریزی بهتر برای کاهش خطر بلایای طبیعی باعث ارتقای سیستم‌های هشدار زودهنگام و آمادگی در برابر بلایا شود تا تاب‌آوری جوامع محلی در مواجهه با فاجعه بالا برود.
کمک‌های بشردوستانه به دست آسیب‌دیده‌ترین و شکننده‌ترین افراد نرسد. کمک‌های بشردوستانه ناخواسته یک جامعه‌ی مذهبی یا قومی را بر دیگری برتری دهد و تنش‌های موجود را تشدید کند.	واکنش‌های بشردوستانه‌ی هماهنگ‌شده بر آسیب‌دیده‌ترین و شکننده‌ترین افراد متمرکز باشد.
تغییر جریان آب باعث افزایش تنش با هند بر سر استفاده و مدیریت آب‌های فرامرزی شود.	همکاری منطقه‌ای افزایش و مدیریت آب‌های فرامرزی بهبود یابد.
بلایای مرتبط با اقلیم باعث افت ذخیره و کیفیت آب شود و آلودگی آب در بالادست آن را تشدید کند، و به نارضایتی‌ها در پایین‌دست دامن زده شود.	با مدیریت پایدار منابع آبی، آب در سطوح محلی و ایالتی به طور کارآمدی تقسیم شود.

فشارهای جهانی، از جمله رشد جمعیت و تغییر نیازهای انرژی، باعث بی‌ثباتی قیمت‌ها و ناامنی غذایی می‌شود. روندهایی نظیر تغییر اقلیمی، رشد جمعیت، افزایش مصرف طبقه متوسط در جهان، بالا رفتن قیمت انرژی، و رشد انرژی سوخت زیستی حاصل از محصولات غذایی فشارهای جدیدی بر عرضه مواد غذایی و قیمت‌های آن‌ها وارد می‌کنند. عوامل دیگر نوسانات قیمت مواد غذایی شامل تقاضا برای رژیم متنوع‌تر (به ویژه در کشورهای با درآمد متوسط در آسیا)، عدم دسترسی به کود و سایر نهادهای کشاورزی، حکمرانی ضعیف، و مدیریت نامطلوب منابع طبیعی است. سازوکارهای تحلیل و مدیریت بازارهای عمده محصولات غذایی باید این عوامل را در نظر بگیرند تا به موقع نسبت به صدمات آینده هشدار دهند (FAO and OECD 2011).

بالا رفتن قیمت مواد غذایی خطر خشونت و بیثباتی را افزایش می‌دهد.

در حالی که بالا رفتن قیمت مواد غذایی همواره منجر به ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌شود، تحلیل‌های تجربی اثبات می‌کند که ناامنی غذایی از راه‌های متعددی باعث ایجاد، تشدید، یا حفظ درگیری می‌شود. افزایش‌های غیرمنتظره یا بالاتر از معمول در قیمت مواد غذایی احتمالاً محرک‌های ناآرامی هستند، هرچند که پتانسیل خشونت‌آمیز شدن اعتراضات به عوامل زمینه‌ای بستگی دارد. با این حال، شواهد کمتری در خصوص ارتباط ناامنی غذایی با درگیری‌های بین‌دولتی وجود دارد (Brinkman and Hendrix 2011; Simmons 2013).

ارتباط بین تغییر اقلیمی، قیمت مواد غذایی و شورش غذایی پیچیده و وابسته به واکنش‌های کنشگران متعدد خصوصی و دولتی و عوامل مهم زمینه‌ای مانند فقر و سطح شهرنشینی است (IPCC 2014). برای مثال، در ۱۴ کشور آفریقایی که شورش‌های غذایی سال ۲۰۰۸ را تجربه کردند، سطوح بالاتر فقر، دسترسی کمتر به غذا، مناطق شهری بیشتر، رژیم‌های سرکوب‌گرتز، و جوامع مدنی قوی‌تری نسبت به کشورهای وجود داشت که با شورش مواجه نشدند (Berazneva and Lee 2013). معلوم شده است که ناامنی غذایی در سطح ملی و خانوارها علت اصلی درگیری‌ها در کشورهای عربی نسبت به سایر کشورهای جهان است (Breisinger et al. 2012).

43

این عوامل پیچیده - زمینه‌ی درگیری، ثبات اقتصادی و سیاسی، مشروعیت نهادهای سیاسی، شبکه‌های ایمنی اجتماعی، فشارهای جمعیت‌شناختی، و واکنش‌های دولت - در شکل‌گیری خطر درگیری به دلیل بالا بودن قیمت مواد غذایی مؤثرند. خطر درگیری در دوره‌های گذار از رژیم‌های استبدادی به رژیم‌های دموکراتیک یا در کشور دارای سطوح پایین توسعه اقتصادی، سطوح بالای نابرابری در بین گروه‌ها، یا ساختار سنی جوان (انفجار جمعیت جوانان) بیشتر است (Simmons 2013; Brinkman and Hendrix 2011). واکنش‌های نامناسب یا بد طراحی‌شده‌ی دولت این خطرات را تشدید می‌کند.

افزایش قیمت مواد غذایی بر خانوارها، کشورها و مناطق به طور متفاوت تأثیر می‌گذارد.

اگر گروه‌های قومی یا اجتماعی بر این باور باشند که تأثیر قیمت بالای مواد غذایی بر آن‌ها نامتناسب است، به خصوص در مکان‌هایی که سابقه‌ی نارضایتی یا تنش بین گروه‌ها وجود دارد، خطر ناپایداری افزایش می‌یابد. محرومیت نسبی نارضایتی‌هایی ایجاد می‌کند که انگیزه‌ی رفتار خشونت‌آمیز می‌شود. پیش‌بینی خطر نیازمند ارزیابی سطوح متوسط ناامنی غذایی و این مسئله است که آیا به طور گسترده‌ای تجربه می‌شود یا در بین گروه‌های خاص متمرکز است. در سطح زیرملی، نابرابری می‌تواند کانون‌های آسیب‌پذیری را ایجاد یا تثبیت کند. وقتی نابرابری در سطح ملی فراگیرتر باشد، خطر خشونت در مقیاس بزرگ افزایش می‌یابد (Brinkman and Hendrix 2011).

تغییر اقلیمی همچنین برای تولید مواد غذایی در جهان و زنجیره‌های ارزش ایجاد خطر می‌کند. چنین کاهش محلی یا ملی در تولید مواد غذایی ممکن است اثر منفی بر بسیاری از بخش‌های دیگر جهان داشته باشد (Gregory et al. 2005). ساکنان شهری به شدت به تأمین مواد غذایی از مناطق روستایی متکی هستند. اکثر نمونه‌های مستند بی‌ثباتی مرتبط با مواد غذایی در شهرها اتفاق می‌افتد، اما بیشتر سیاست‌های کشاورزی متمرکز بر ساکنان روستایی است (Hendrix and Haggard 2015).



2.5 بی‌ثباتی در قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی

بسیار احتمال می‌رود که تغییرات اقلیمی باعث اختلال در تولید مواد غذایی در بسیاری از مناطق، بالا رفتن قیمت‌ها و نوسانات بازار، و افزایش خطر اعتراضات، شورش‌ها و درگیری‌های داخلی شود.

به احتمال زیاد تغییرات اقلیمی باعث کاهش محصول و مختل شدن تولید مواد غذایی در بسیاری از مناطق می‌شود. همراه با افزایش فشارهای جهانی، شامل رشد جمعیت و تغییر نیازهای انرژی، احتمال می‌رود که ناامنی غذایی افزایش یابد و بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی بیشتر شود. همچنان که در شورش‌های غذایی سال‌های 2007-9 در بیش از ۴۰ کشور مشاهده شد، بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی و بالاتر رفتن قیمت‌ها می‌تواند خطر ناآرامی‌های عمومی، فروپاشی دموکراتیک، و درگیری‌های داخلی و محلی را افزایش دهد، به ویژه هنگامی که با فقر، حکمرانی ضعیف و قرارداد اجتماعی سست همراه باشد. کشورهای وابسته به واردات مواد غذایی و خانوارهایی که بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف غذا می‌کنند بیشتر آسیب‌پذیر هستند. با وجود این، نقش احتمالی ناامنی غذایی در بی‌ثباتی نه تنها به عوامل محلی نظیر میزان شهرنشینی و دسترسی به بازار، بلکه به سیاست‌های ملی مانند یارانه‌های مصرف‌کننده و بازارهای صادراتی نیز بستگی دارد.

بی‌ثباتی در قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی

خطر در چیست؟	
اثر متقابل تغییرات اقلیمی و سایر عوامل بی‌ثباتی قیمت مواد غذایی، از جمله قیمت‌های بالای انرژی و رشد جمعیت، خطر تورم قیمت را بالا می‌برد. جهش ناگهانی قیمت‌ها باعث اعتراض، شورش، فروپاشی دموکراتیک، و درگیری‌های داخلی به ویژه در مراکز شهری می‌شود. خطر خشونت در مقیاس بزرگ در طی گذارهای سیاسی یا در اعتراض به رژیم‌های با سابقه‌ی طولانی سرکوبگری افزایش می‌یابد.	
نقاط اوج	<ul style="list-style-type: none">• وقایع نامساعد متوالی اقلیمی مانند خشکسالی یا سیل در بیش از یک کشور صادرکننده‌ی عمده‌ی غلات رخ دهد.• کشورهای اصلی صادرکننده‌ی غلات ممنوعیت‌های صادراتی وضع کنند.• یارانه‌های مصرف‌کننده بدون تدابیر کافی برای حمایت از فقیرترین افراد قطع شود.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• اطمینان از اینکه اطلاعات و تحلیل آن‌ها شواهد محکمی برای تصمیمات سیاستی فراهم می‌کند.• اطمینان از اینکه در زمان نوسان قیمت‌های مواد غذایی تا درجات بالقوه بحرانی، امنیت غذایی با ذخایر کافی مواد غذایی تأمین می‌شود.• فعال نگه داشتن بازار در طی بحران‌های قیمت مواد غذایی و کاهش موانع تجاری.• تشویق همکاری بیشتر بین برنامه‌های غذا و ایجاد صلح برای اطمینان از اینکه کمک‌های بشردوستانه امنیت غذایی را در درازمدت تضعیف نکنند.

خشکسالی‌های شدید سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در سرتاسر چین، میدوست ایالات متحده، اروپای شرقی، بخش‌هایی از روسیه، اوکراین و قزاقستان باعث افزایش قیمت مواد غذایی شد. در عین حال، تغییر اقلیمی یک چالش جدی در برابر افزایش توان تولید است که برای پاسخگویی به مطالبات روزافزون جمعیت رو به افزایش جهان ضروری است (Lobell and Gourdji 2012).

تغییرات مورد انتظار در شدت، تکرار و نوسانات فصلی الگوهای اقلیمی و وقایع شدید اقلیمی، افزایش سطح آب دریاها، ذوب یخچالها، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و تغییرات در میزان بارندگی و آب‌های زیرزمینی و جریان‌های رودخانه‌ای عواقب جدی برای صنعت ماهیگیری و پرورش آبزیان در بسیاری از مناطق خواهد داشت. ماهیگیری در بسیاری از مناطق و کشورهای جهان به ویژه کشورهای جزیره‌ای کوچک منطقه‌ی کارائیب، آسیای جنوب شرقی، و کشورهای ساحلی افریقا مانند نامیبیا، اوگاندا، غنا و سنگال از مؤلفه‌های اصلی رشد اقتصادی، کاهش فقر، و امنیت غذایی است. مدیریت پایدار صنعت ماهیگیری در مواجهه با تغییرات اقلیمی به ثبات منطقه‌ای کمک شایانی خواهد کرد (FAO 2009; IPCC 2014).

کشورهایی که به واردات مواد غذایی وابسته هستند و بخش قابل توجهی از درآمد خانوارهایشان صرف غذا میشود به ویژه در برابر افزایش قیمت مواد غذایی آسیب‌پذیرند.

کشورهای وابسته به واردات، از جمله اکثر کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا، نسبت به قیمت‌های بالای مواد غذایی حساس‌تر هستند. اگر قیمت مواد غذایی افزایش یابد، کسری تراز پرداخت‌های غیرقابل کنترلی به دولت‌ها تحمیل می‌شود زیرا هزینه‌ی واردات مواد غذایی به میزان قابل توجهی از درآمد حاصل از صادرات فراتر می‌رود. برای مثال، وابستگی مصر به وارد کردن گندم حساس به اقلیم از چین و روسیه به بی‌ثباتی آن در زمان عمل نیامدن محصول گندم به دلیل خشکسالی کمک کرد (Werrell and Femia 2013).

در کشورهای دچار کمبود منابع و وابسته به واردات مانند اردن، سیاست‌های صادرات همسویی اندکی با استراتژی‌های مدیریت منابع دارد. اردن حجم زیادی از محصولات کم‌ارزش و آب‌بر برای صادرات تولید می‌کند که وابستگی آن را به واردات افزایش می‌دهد و دولت ملی و مصرف‌کنندگان را در برابر جهش‌های قیمت مواد غذایی آسیب‌پذیر می‌سازد (Grover et al. 2010). خطرات اغلب برای فقرای شهری که ممکن است به باغچه‌ی خانگی دسترسی نداشته باشند مشهودتر است (International Alert 2014).

در درون خانوارها، به احتمال زیاد زنان و کودکان، به دلیل محدودیت‌های جسمی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در دسترسی به منابع، گرفتار ناامنی غذایی بیشتری نسبت به مردان می‌شوند. ممکن است برخی آداب و رسوم و هنجارها حکم کنند که به مردان و پسران جوان بیشتر از دختران غذا داده شود (FAO and ADB 2013).

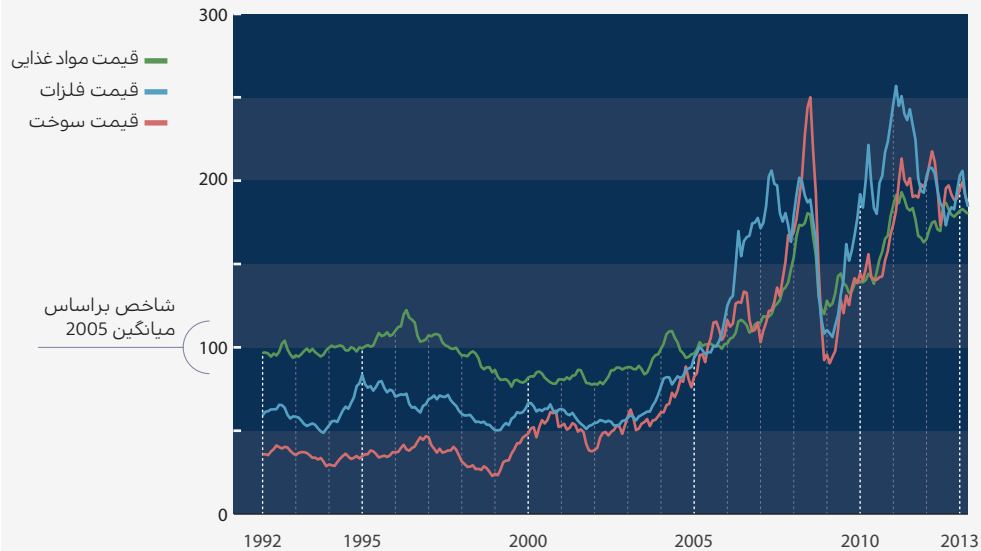
حمایت‌گرایی و سایر اقدامات برای حفظ امنیت ذخایر غذایی افزایش خواهد یافت.

بسیاری از کشورها با اتخاذ سیاست‌هایی چالش‌های آبر چرخه‌ی کالا و نوسانات جهانی قیمت را مدیریت می‌کنند. برخی با موافقت با فواین تجارت آزاد یا با توافق‌نامه‌های سودآور متقابل بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده به دنبال افزایش امنیت ذخایر خود هستند. اما بسیاری از کشورها اقدامات یکجانبه در راستای منافع ملی خود را انتخاب کرده‌اند. برخی به افزایش اقدامات حمایتی مانند وضع تعرفه و ممنوعیت صادرات روی آورده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر به دنبال افزایش دسترسی خود به منابع کشورهای دیگر هستند. بسیاری از کشورها نظیر هند، برای اجتناب از وابستگی بیش از حد به بازارهای بی‌ثبات، بر افزایش تولید داخلی تمرکز می‌کنند. برای حفظ عملکرد بازار جهانی مواد غذایی، کشورها باید از ممنوعیت صادرات خودداری و یک واکنش هماهنگ منطقه‌ای در زمان شوک‌های غذایی را تضمین کنند (Headey and Fan 2010).

درگیری خشونت‌آمیز به افزایش قیمت مواد غذایی کمک میکند.

درگیری می‌تواند، با ایجاد اختلال در توانایی تولید، توزیع، دسترسی، و تجارت مواد غذایی، قیمت این مواد را افزایش دهد. درگیری بخش‌های وسیعی از زمین‌های زراعی را برای زیر کشت بردن بسیار خطرناک می‌سازد و کشاورزان را از آن‌ها بیرون می‌راند. برای مثال، پس از آنکه ۳۰ سال جنگ داخلی در سریلانکا مانع از کشاورزی در مناطق شمالی و شرقی کشور شد، تدبیرهای سنتی کشاورزان برای مقابله با تغییرات زیست‌محیطی از رواج افتاد. درگیری و بی‌ثباتی سیاسی نیز تمایل کشاورزان نسبت به برنامه‌ریزی برای آینده یا تغییر دادن رفتارشان را از بین می‌برد که تابآوری آنان را در برابر تغییرات اقلیمی، حتی با وجود گزینه‌های جایگزین در دسترس، کاهش می‌دهد (Vivekananda et al. 2014). درگیری خشونت‌آمیز می‌تواند بازارها، زیرساخت‌ها و زنجیره‌های تأمین را مختل کند و باعث اختلال در تولید و توزیع مواد غذایی شود. همچنین ممکن است طرفین درگیری از ناامنی غذایی به عنوان سلاح جنگی استفاده کنند - مثلاً با دزدیدن کمک‌های غذایی در نظر گرفته شده برای غیرنظامیان یا قطع دسترسی به تدارکات غذایی. یا ممکن است به طور عمدی یا تصادفی محصولات زراعی، دام‌ها، زمین و منابع آب را از بین ببرند (Messer et al. 2002).

ابرچرخه‌ی کالا



• جهانی شدن (برای مثال، برون‌سپاری و تحویل به‌موقع) کارایی را افزایش اما قدرت تولید در شوک‌های عرضه را کاهش داده است (World Economic Forum 2012).

• قیمت کالاها به هم وابسته‌تر شده است. افزایش قیمت در بخش نفت و گاز، چه ناشی از وقایع اقلیمی باشد و چه ناشی از بحران سیاسی، بر قیمت مواد غذایی و سایر بخش‌های متکی به نفت و گاز تأثیر می‌گذارد و شوک‌ها را به سراسر سیستم منتقل می‌کند (World Bank 2014a).

• منابع انرژی جدید گران‌تر و استخراج آن‌ها دشوارتر است. اکنون استخراج بیشتر در مناطق آسیب‌پذیر انجام می‌گیرد که باعث افزایش خطرات سیاسی و سرعت عرضه می‌شود. عدم کشش عرضه یکی از عوامل اصلی نوسان قیمت است (World Bank 2014a).

ابرچرخه‌ی کالا که از اواخر دهه‌ی 1990 آغاز شد قیمت کالاها را به بالاترین سطح سوق داد. قیمت سوخت‌های فسیلی، فلزات، مواد معدنی و مواد غذایی در سال‌های 2000 تا 2010 سه برابر شد و ارزش جهانی منابع طبیعی را از 1/5 تریلیون دلار به حدود 5 تریلیون دلار افزایش داد (Lee et al. 2012). این ابرچرخه عمدتاً ناشی از افزایش تقاضای اقتصادهای در حال رشد در سراسر جهان به ویژه اقتصادهای نوظهور مانند چین و هند بود. قیمت‌ها از سال 2008 بسیار بی‌ثبات بوده است. در سال‌های 2013 و 2014، قیمت بسیاری از کالاها به ویژه نفت، طلا و فلزات صنعتی مانند مس، آلومینیوم و روی به میزان قابل توجهی کاهش یافت (World Bank 2015b). اینکه آیا ابرچرخه‌ی کالا به پایان رسیده است و قیمت‌ها در سال‌های آینده کاهش می‌یابد مورد بحث است (World Bank 2014a).

با این حال، برخی روندهای ساختاری در جهت نوسانات مداوم است:

◀ داده‌ها از (IMF 2014)

بخشی از نوسانات در قیمت مواد غذایی ناشی از آثار تغییرات اقلیمی بر تولید مواد غذایی خواهد بود.

تغییر اقلیمی بر کیفیت و کمیت تولید مواد غذایی در جهان تأثیر می‌گذارد و امنیت غذایی را در سطح جهانی تهدید می‌کند. بالا رفتن دمای هوا ممکن است محصول را در عرض‌های جغرافیایی بالاتر افزایش دهد، اما اکثر کشورهای در حال توسعه که در عرض‌های پایین‌تر قرار دارند تأثیرات منفی را فوراً احساس خواهند کرد. افزایش دفعات و شدت وقایع شدید آب و هوایی و کمبود آب ناشی از تغییر اقلیمی تولید مواد غذایی را نیز کاهش خواهد داد (IPCC 2014). علاوه بر این، بلایای طبیعی مانند خشکسالی، جاری شدن سیل، و موج‌های ساحلی خسارات قابل توجهی به محصولات زراعی وارد خواهد کرد.

قیمت مواد غذایی و انرژی در هم تنیده است.

تولید و استفاده از انرژی از راه‌های گوناگون بر قیمت مواد غذایی اثر می‌گذارد، از جمله از طریق افزایش هزینه‌های کود، سوخت وسایل نقلیه و ماشین‌آلات کشاورزی، و حمل به بازارها. روند استفاده از محصولات غذایی در تولید سوخت‌های زیستی باعث افزایش قیمت مواد غذایی در سال‌های اخیر شده است (نگاه کنید به زیرفصل 2-8 «تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی»). تقاضای انرژی باعث ایجاد رقابت میان محصولات غذایی و محصولات سوخت زیستی می‌شود. گذار از مواد غذایی به محصولات سوخت زیستی جایگاه تولید مواد غذایی را تغییر می‌دهد و در نتیجه باعث بالا رفتن قیمت مواد غذایی می‌شود (Evans 2009).

یارانه‌های غذایی به دولت‌ها در فرونشاندن نارضایتی داخلی کمک می‌کند، اما این یارانه‌ها اثر چندانی ندارد و حذف آن‌ها هم می‌تواند منجر به درگیری شود.

در حالی که یارانه‌های دولتی می‌تواند از فقرا در برابر افزایش قیمت‌ها حمایت کند، دولت‌ها باید هزینه‌ی فرصت تأمین یارانه‌ها از طریق کسری موازنه یا وضع مالیات‌های اضافی را متحمل شوند. یارانه‌های اضطراری می‌توانند نقش مفیدی داشته باشند، اما در صورت تبدیل شدن به هنجار مشکل‌آفرین می‌شوند. در بسترهای آسیب‌پذیر و کشورهای کم‌درآمد، حفظ یارانه‌ها می‌تواند گران باشد (Andrews et al. 2012). علاوه بر این، تحقیقات اخیر بر اهمیت سیاست‌های دولت و قیمت‌گذاری در طیف وسیعی از نتایج درگیری تأکید دارد. در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها معمولاً یارانه‌ها را در اختیار کسانی که بیش از همه نیازمند هستند قرار نمی‌دهند. آن‌ها غالباً از یارانه‌ها در جهت بالا بردن قیمت‌ها برای تولیدکنندگان داخلی به هزینه‌ی مصرف‌کنندگان استفاده یا دریافت آن را برای مصرف‌کنندگان شهری تسهیل می‌کنند، و در نتیجه نابرابری‌های روستایی/شهری تشدید می‌شود (Hendrix and Haggard 2015).

یارانه‌ها همچنین انتظارات جدیدی ایجاد می‌کنند و در بسیاری از موارد، بخشی از قرارداد اجتماعی می‌شوند. هرگاه منابع اقتصادی کافی باشد، یارانه‌ها سرمایه‌ی سیاسی برای دولت‌ها به ارمغان می‌آورند. اما وقتی منابع کاهش می‌یابد و مردم از تنزل شدید سطح زندگی خود صدمه می‌بینند، خردکننده می‌شوند. حذف یارانه‌ها در چنین شرایطی می‌تواند به بی‌ثباتی و خشونت منجر شود (Patel and McMichael 2009). «شورش‌های نان» در مصر در ژانویه ۱۹۷۷ پس از افزایش شدید قیمت نان در پی کاهش یارانه‌ها به توصیه‌ی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی آغاز شد (Gutner 1999; Sachs 2012).

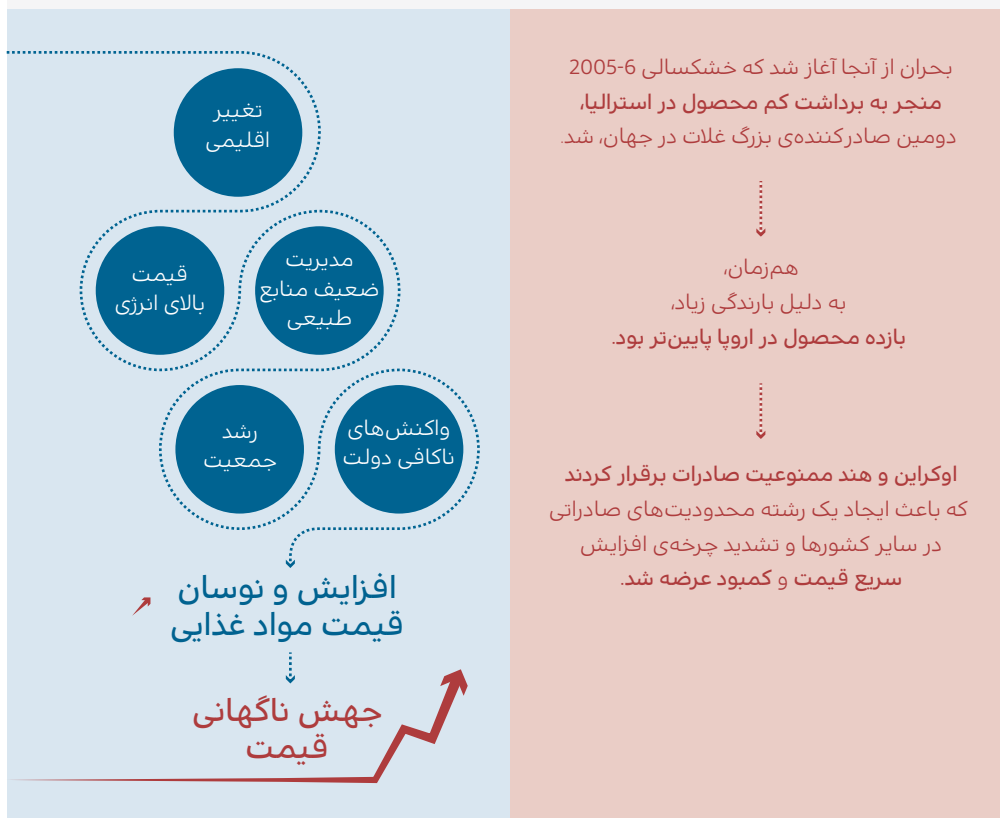
شورش‌های قیمت غذا می‌توانند یک ابزار سیاسی برای ثبت نارضایتی مردم از دولتهای سرکوبگر یا فاسد باشند.

در ناآرامی‌های ضددولتی سال ۲۰۰۸ در کامرون، معترضان خشم خود را از گرانی مواد غذایی و سوخت و همچنین تلاش‌های رئیس‌جمهور برای تغییر قانون اساسی کشور به منظور تمدید دوره‌ی خود ابراز کردند. در هائیتی، معترضان به افزایش قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ شورش کردند و خواستار برکناری رئیس‌جمهور شدند. در شورش‌های غذا در سال ۲۰۰۸ در 4۸ کشور جهان از جمله بنگلادش، هائیتی، پاکستان، بورکینافاسو و مکزیک، تورم مواد غذایی و سوخت همراه با سایر شکایت‌های سیاسی و نارضایتی‌ها منجر به خشونت و ناآرامی مدنی شد (Evans 2010).

بحران‌های جهانی غذایی

فشارها و مناسبات

بحران قیمت مواد غذایی در 2007-8



اقدامات حمایتی نه تنها امنیت جهانی عرضه را کاهش می‌دهد، بلکه باعث ایجاد حلقه‌های بازخورد و احساس خطر سایر کشورها می‌شود. در سال 2010-11، خشکسالی و آتش‌سوزی در روسیه 13/3 میلیون هکتار زمین زراعی را نابود کرد و موجب شد دولت صادرات گندم را به منظور تأمین منابع ملی ممنوع کند. این اقدام

قیمت جهانی گندم را از ۲۵۰ دلار در هر تن در اوت ۲۰۱۰ به 250 دلار در ژانویه ۲۰۱۱ رساند. برخی از کشورها اعتماد خود به بازارهای جهانی را به قدری از دست داده‌اند که با وجود هشدارهای کارگروه غذایی سازمان ملل متحد مبنی بر اینکه خودکفایی و امنیت غذایی دو موضوع متفاوت هستند، اقداماتی در جهت خودکفایی برداشتند. این تمرکز بر تولید داخلی و سهام غالباً منجر به اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که رشد کشاورزی را تضعیف می‌کند و درآمد کشاورزان مالک زمین‌های کوچک برای کشت محصولات غیرضروری را کاهش می‌دهد. بنابراین این سیاست نمی‌تواند ناامنی غذایی را به طور مؤثری کاهش دهد.

بحران‌های جهانی مرتبط با قیمت مواد غذایی در سال‌های 2007-8 و 2010-11 به دلیل آثار متقابل و پیچیده روندهای تقاضا از جمله رشد مصرف سوخت‌های فسیلی و فشارهای کوتاه‌مدت نظیر افزایش قیمت نفت، کمبود محصول بر اثر وقایع شدید آب و هوایی و اقلیمی، محدودیت‌های صادرات، و خرید ناشی از ترس ایجاد شد.

بحران از آنجا آغاز شد که خشکسالی 2005-6 منجر به برداشت کم محصول در استرالیا، دومین صادرکننده بزرگ غلات در جهان، شد. هم‌زمان، به دلیل بارندگی زیاد، بازده محصول در اروپا به ویژه اوکراین پایین‌تر بود. اوکراین و هند ممنوعیت صادرات برقرار کردند که باعث ایجاد یک رشته محدودیت‌های صادراتی در سایر کشورها و تشدید چرخه افزایش سریع قیمت و کمبود عرضه شد. در پی بحران غذایی سال 2008، 30 کشور سیاست‌های حمایتی برای کاهش یا توقف صادرات کالاها به اجرا درآوردند.

© adelphi

منابع: (Headey and Fan (2010); Lee et al. (2012)

کمبود غذا و آب، پناهندگان و درگیری

علاوه بر این، انتظار می‌رود که کمبود جدی آب در این کشور با تغییر اقلیمی شدت یابد که مانعی عمده در برابر رشد و توسعه خواهد بود. تغییر اقلیمی همچنین می‌تواند به طور بالقوه درگیری‌های جاری با اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی بر سر حقوق آب را شدت بخشد، که آن هم به نوبه‌ی خود می‌تواند توافق‌نامه‌های موجود صلح را غیرقابل دفاع سازد و مذاکره برای توافق‌نامه‌های آینده را پیچیده کند (Brown and Crawford 2009). منابع انرژی اردن نیز محدود است و این کشور را وامی‌دارد که به واردات تکیه کند و صورت‌حساب‌های بالای واردات انرژی را بپردازد (International Alert 2014).

اردن به عنوان یکی از کشورهای دارای بیشترین تنش آبی به واردات مواد غذایی متکی است و با رشد جمعیت خود، با تهدید مضاعف کمبود آب و ناامنی انرژی روبه‌رو است. قیمت بسیار پایین آب در این کشور باعث اسراف در مصرف می‌شود (EBRD 2012). اکنون در اردن بیش از ۶۰۰ هزار پناهنده‌ی سوری در مناطق شهری یا اردوگاه‌های پناهندگان ساکن هستند و فشاری بر خدمات دولتی، اقتصاد و آب‌های کمیاب زیرزمینی محسوب می‌شوند (UNHCR 2015). تنش‌های بین پناهندگان و جمعیت میزبان بر سر غذا، شغل، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و مسکن نیز در حال افزایش است. اردن تا ۵۰ درصد آبی را که به داخل شبکه‌های آن پمپاژ می‌شود از دست می‌دهد (MWI Jordan 2008; Al-Ansari et al. 2014).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش مییابد در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
اردن به صادرات محصولات زراعی کم‌ارزش و آب‌بر ادامه دهد که منجر به کسری تجاری منفی و افزایش ناامنی آبی می‌شود.	سیاست‌های کشاورزی مانع از تولید محصولات آب‌بر، کم‌ارزش، و نه چندان مغذی به نفع محصولات کم‌آب‌بر، با ارزش بالا، و با تاب‌آوری اقلیمی شود.
زیرساخت‌های ضعیف و سوء مدیریت منابع آبی منجر به بالا رفتن قیمت آب و مواد غذایی شود که سرخوردگی را به ویژه در میان فقیران روستایی افزایش می‌دهد.	سرمایه‌گذاری در تأسیسات زیربنایی باعث کاهش هدر رفتن و دزدی آب شود. منابع آبی از جمله آب غیرقابل آشامیدن (آب خاکستری) بهتر مدیریت شود.
تقاضای آب اردوگاه‌های پناهندگان باعث کاهش منابع آبی و افزایش قیمت‌های محلی شود و به خشم و کینه در جوامع میزبان دامن بزند.	اردوگاه‌ها با اجرای طرح‌های آب و انرژی پایدار و ایجاد باغچه‌های خانگی، تقاضای آب را کاهش دهند.
حذف یارانه‌های غذایی باعث افزایش قیمت مواد غذایی و اعتراضات خشونت‌آمیز شود.	فقیرترین و آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها با پشتیبانی هدفمند حمایت شوند و دولت بودجه‌ی یارانه را در بهداشت و آموزش هزینه کند.
دولت قادر به پرداخت صورت‌حساب واردات نباشد یا در معرض تحریم‌های کشورهای عمده‌ی صادرکننده باشد و نتواند غذا یا انرژی را به مقدار لازم وارد کند که منجر به بالا رفتن قیمت‌ها و اختلال در تأمین نیازها می‌شود.	دولت در جهت کاهش تقاضای آب از تولید محصولات با هوشمندی اقلیمی، با نیاز آبی کم، مغذی، و با ارزش بالا حمایت کند. دولت بدهی ملی را مدیریت کند، از اجرای پروژه‌های زیربنایی جدید پرهزینه اجتناب ورزد، و در صورت جهش قیمت مواد غذایی، ذخایر مالی را حفظ کند.

بحران سیاسی و شورشهای نان در سال 2011

خود را صرف غذا می‌کنند و بنابراین نسبت به نوسانات قیمت مواد غذایی به شدت حساس هستند (WFP 2013). برای مقابله با شوک‌های مکرر و حفظ ثبات سیاسی، مصر دارای سنت دیرینه‌ی یارانه دادن به مواد غذایی به ویژه گندم است. از آنجایی که نزدیک به ۱۸ درصد از جمعیت مصر گرفتار ناامنی غذایی هستند، ادامه‌ی این روش تأمین غذا دیگر ممکن نیست، و بحران‌های سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ ناتوانی دولت در تضمین امنیت پایدار غذایی برای مردم را آشکار کرده است که مشروعیت آن را از بین می‌برد (WFP 2013).

یارانه‌های غذایی به دلیل پرهزینه و ناکارآمد بودن مورد انتقاد قرار گرفت. در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ هزینه‌ی مالی یارانه‌های غذایی بالغ بر ۲ درصد تولید ناخالص داخلی بود. همچنین ۲۸ درصد از این یارانه‌ها به دست آسیب‌پذیرترین خانوارها رسید (World Bank 2010). در سطح کلان، یارانه‌های دولتی موجب افزایش کسری بودجه و تشدید وابستگی مصر به سرمایه‌گذاران خارجی شد. بی‌ثباتی سیاسی در مصر باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و محدودیت گردشگری شد و به گسترش شکاف مالی انجامید که اجرای اصلاحات لازم را دشوار کرد (IMF 2014).

اصلاحات اخیر دولت مصر یک گام مطلوب است. دولت می‌تواند هزینه‌های بیشتری به بهداشت و آموزش اختصاص دهد، و انتقال‌های نقدی مشروط جدید احتمال رسیدن کمک‌ها به دست آسیب‌پذیرترین خانوارها را افزایش خواهد داد و قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندان را تقویت خواهد کرد.

در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، جمعیت مصر در اعتراض به رژیم تقریباً ۳۰ ساله‌ی مبارک به خیابان‌ها آمدند. آن‌ها به ظلم رژیم، نبود آزادی بیان، فساد، بیکاری، دستمزدها و تورم قیمت مواد غذایی اعتراض داشتند. درحالی‌که این مشکلات در مصر تازگی نداشت، بسیاری از مفسران هم‌زمانی افزایش فقر با جهش ناگهانی قیمت مواد غذایی را عامل اصلی اعتراضات دانسته‌اند (Werrell and Femia 2013).

خطر درگیری ناشی از قیمت بالا یا متغیر مواد غذایی تا حد زیادی به زمینه و بستر بازمی‌گردد. در مصر، افزایش شدید قیمت مواد غذایی همچون کاتالیزور عمل کرد. با این حال، عامل مذکور نه شرط لازم و نه شرط کافی برای توجیه ناآرامی خشونت‌آمیز مدنی در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ بود (Hendrix and Brinkman 2013; Simmons 2013).

مصر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان گندم در برابر شوک‌های قیمتی مواد غذایی بسیار آسیب‌پذیر است. تنها ۴ درصد از اراضی مصر برای کشاورزی مناسب است، کمبود آب شدت می‌یابد، و جمعیت کشور رو به افزایش است. پیش‌بینی می‌شود که تغییر اقلیمی موجب کاهش بیش از ۹ درصدی میزان بارندگی در نواحی مرکزی کشور شود که تهدیدی برای رود نیل به شمار می‌آید. در مجموع، ۸۰ درصد از آب این کشور برای کشاورزی استفاده می‌شود (World Bank 2015a).

خانوارهای مصری، به ویژه در مناطق شهری مانند قاهره که محل شروع اعتراضات بودند، بیش از ۴۰ درصد از درآمد

فشارها در مصر

- > تغییر اقلیمی
- > تخریب محیط زیست
- > افزایش تقاضای منابع و کمبود آن
- > رشد جمعیت
- > فقر و بیکاری
- > حکمرانی ضعیف و ظرفیت پایین دولتی
- > عدم مشروعیت
- > حاشیه‌نشینی و نابرابری
- > بی‌ثباتی منطقه‌ای
- > شوک‌های بین‌المللی قیمت



© adelphi



2.6 مدیریت آبهای فرامرزی

آبهای فرامرزی اغلب منبع تنش هستند؛ با رشد تقاضا و تأثیرات اقلیم بر دسترسی پذیری و کیفیت، رقابت بر سر مصرف آب احتمالاً فشار بر ساختارهای حکمرانی موجود را افزایش خواهد داد.

مدیریت ذخایر آبی مشترک هم می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری دولت‌ها فراهم کند و هم یک منبع تنش باشد. بسیاری از حوضه‌های رودهای فرامرزی در مناطقی با سابقه‌ی درگیری مسلحانه و تنش‌های قابل ملاحظه‌ی بین‌دولتی واقع شده‌اند. «جنگ آب» بین دولت‌ها سابقه‌ی تاریخی ندارد. با وجود این، احتمال دارد رقابت بر سر مصرف آب در بسیاری از مناطق با رشد تقاضا و تأثیر تغییرات اقلیمی بر دسترسی به منابع آبی افزایش یابد. بنابراین تجربه نکردن این جنگ‌ها در گذشته به معنای عدم وقوع آن‌ها در آینده نیست. مدیریت مخاطرات آسیب‌پذیری ناشی از تغییر اقلیمی به ویژه در حوضه‌های فرامرزی متأثر از شکنندگی یا درگیری، که مدیریت آب در آن‌ها غالباً تحت‌الشعاع ملاحظات سیاسی یا تحت تأثیر عدم تقارن قدرت قرار می‌گیرد، پیچیده خواهد بود.

مدیریت آبهای فرامرزی

خطر در چیست؟	مدیریت آبهای فرامرزی
با رشد تقاضا و کاهش عرضه، مخاطرات جمعیت‌های رو به ازدیاد و اقتصادها نیز افزایش خواهد یافت. ممکن است مکانیسم‌های موجود حکمرانی فرامرزی قادر به مدیریت اختلافات نباشند. ممکن است کشورها تصمیم به تغییر یک‌جانبه‌ی جریان آب بگیرند. توسعه‌ی زیرساخت‌های آبی در حوضه‌های رودهای فرامرزی به ویژه می‌تواند تعارض آیمز باشد زیرا سدهای جدید می‌توانند موازنه‌ی قدرت را در یک حوضه تغییر بدهند.	
نقاط اوج	<ul style="list-style-type: none">• سدهای جدید موازنه‌ی قدرت را تغییر دهند و باعث اقدامات پیشگیرانه شوند.• کشورهای جدید با تجربه‌ی محدود در مذاکره درباره‌ی توافق‌نامه‌های آب، به دلیل تغییر اقلیمی، با تغییرات سریع در دسترسی‌پذیری آب روبه‌رو شوند.• خشکسالی‌های طولانی و سیل‌های ویرانگر متأثر از تغییر اقلیمی نیز مرتبط با زیرساخت‌های آبی یا مصرف آب همسایگان باشد.• بحران‌های سیاسی و اقتصادی هم‌زمان با سدسازی یا خشکسالی و سیل اتفاق بیفتد.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• اقدام دیپلماتیک در سطح بالا در حوضه‌های فرامرزی برای گسترش همکاری و تقویت حکمرانی حوضه تضمین شود.• مدیریت آب با افزایش دانش و تقویت نهادهای محلی.• تقویت همکاری از طریق یک سازوکار بین‌المللی با تمرکز بر همکاری منطقه‌ای.

رقابت بر سر آب در حوضه‌های رودهای فرامرزی احتمالاً افزایش می‌یابد که ظرفیت ایجاد درگیری را دارد.

تقریباً هر کشور دارای مرزهای زمینی صاحب آب‌های مشترک با همسایگان خود در حوضه‌های رودهای بین‌المللی است. این حوضه‌ها ۴۶ درصد از سطح زمین را دربر می‌گیرند و نزدیک به ۶۰ درصد جریان جهانی رودها را تشکیل می‌دهند (UN-Water 2008; UN-Water 2014).

بسیاری از حوضه‌های مهم فرامرزی – نیل، سند، گنگ، دجله و فرات، آمودریا و سیردریا، و مکونگ – با مناطق دارای تنش‌های شدید و سابقه‌ی درگیری مسلحانه هم‌پوشی دارند (Pohl et al. 2014). اگرچه تحقیقات نظام‌مند علمی نشان می‌دهد که آب‌های مشترک بیشتر از درگیری، همکاری ایجاد کرده‌اند، سوابق محدود تاریخی در مورد «جنگ‌های آب» بین دولت‌ها نباید باعث آسودگی خاطر شود (Wolf et al. 2003).

میانمار نوسان قیمت برنج

آن‌ها را به حاشیه رانده است تأثیر می‌گذارد (Government of Myanmar 2012).

بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، قیمت برنج ۴۰ درصد افزایش یافت. در میان کشورهای صادرکننده‌ی خالص برنج در آسیا، میانمار بالاترین نوسانات قیمت برنج را دارد که عمدتاً ناشی از تغییرات فصلی است، همراه با فقدان زیرساخت‌های حمل و نقل و ذخیره‌سازی، اطلاعات غیرقابل اعتماد بازار، و تنوع صادراتی پایین (World Bank 2014b). این نوسانات که عدم قطعیت و بلا تکلیفی ایجاد می‌کند مانع از دستیابی برنج‌کاران به سود بالا می‌شود و بسیاری از خانواده‌های کشاورز را در فقر نگه می‌دارد. در سال‌های اخیر، کشاورزان میانمار برای مقابله با این روند راهکارهای مختلفی از جمله استفاده از آبیاری برای ایجاد امکان برداشت دوم برنج و توسعه‌ی یک سیستم مدرن تولید گوشت و صنعت فرآوری مواد غذایی را به کار گرفته‌اند (German Embassy Staff, interview).

در میانمار برنج منبع اصلی تغذیه و درآمد برای اکثریت جمعیت است. خانوارها تا ۵۰ درصد از درآمد خود را صرف خرید برنج می‌کنند، و در عین حال بیش از ۵۰ درصد مردم برای معیشت خود وابسته به تولید برنج هستند (World Bank 2014b).

میانمار همچنین در برابر تغییر اقلیمی، به ویژه افزایش وقایع شدید آب و هوایی، بسیار آسیب‌پذیر است. تندباد بی‌سابقه‌ی نارجیس در سال ۲۰۰۸ دومین تندباد کشنده در تمام دوران‌ها بود. بخش کشاورزی، با بیش از ۳۶ درصد سهم در تولید ناخالص داخلی، بیشتر در معرض خطر است که این امر رشد اقتصادی کشور را تهدید می‌کند (World Bank 2014b). افزایش دما و تغییر در بارش باعث کاهش کمیت و کیفیت تولید برنج می‌شود. تغییر اقلیمی نیز موجب افت کوتاه‌مدت محصول خواهد شد که به طور نامتناسبی بر جمعیت‌های روستایی کم‌درآمد که معتقدند دولت مرکزی

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش مییابد در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
برنامه‌های ملی برای محافظت از مردم در برابر بالا رفتن قیمت مواد غذایی و انرژی، به دلیل فساد یا تأخیرها، مؤثر نباشد.	بین اقدامات کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت‌های کشاورزی و حمل و نقل تعادل برقرار شود. طرح‌های حمایت اجتماعی به سرعت بر آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها متمرکز شود.
جوامع حاشیه‌نشین روستایی از دسترسی به رشد پررونق اقتصادی محروم باشند. اقتصاد آزاد به آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی، از جمله افزایش‌های بین‌المللی قیمت مواد غذایی، بیفزاید.	فرصت‌های اقتصادی به طور برابر میان گروه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی و قومی توزیع شود. از گشایش دموکراتیک در جهت درگیر کردن جوامع در بحث گزینه‌ها و برنامه‌هایشان برای آینده حداکثر استفاده صورت گیرد.
دولت‌های انتقالی از قیمت برنج به عنوان یک ابزار سیاسی برای به دست آوردن حمایت در زمان انتخابات استفاده کنند. جهش قیمت مواد غذایی هم‌زمان با دوره‌های انتقال سیاسی نظیر انتخابات باشد.	دولت قادر به ذخیره‌سازی برای محافظت در برابر شوک‌های ناگهانی باشد. ذخیره‌ی غذایی منطقه‌ای یک لایه‌ی ایمنی اضافی ایجاد کند.
وقایع شدید آب و هوایی منجر به بالا رفتن قیمت مواد غذایی، افزایش ناامنی غذایی و آوارگی مردم شود که تشدید خشونت جمعی و درگیری‌های مذهبی و قومی را در پی دارد.	دولت بتواند تنش‌های میان آوارگان داخلی و جمعیت‌های میزبان را مدیریت کند. کمک‌های بشردوستانه برای پناهندگان، حساس به درگیری باشد و به کانونی برای نارضایتی‌های محلی تبدیل نشود.
به دلیل ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل، جمعیت‌های حاشیه‌نشین روستایی بیشتر تحت تأثیر افزایش قیمت مواد غذایی قرار گیرند.	دولت در زیرساخت‌های مقاوم در برابر اقلیم سرمایه‌گذاری کند (برای مثال، ذخیره‌سازی بعد از برداشت محصول و جاده‌ها). سیستم‌های مخابراتی، دسترسی به بازار را در مناطق روستایی و حاشیه‌ای افزایش دهد.
سرمایه‌گذاری در منابع انرژی ناپایدار مانند سوخت‌های زیستی باعث افزایش قیمت‌های اصلی مواد غذایی شود.	دولت سیاست‌های آب، غذا و انرژی را هماهنگ کند و اطمینان یابد که موازنه‌ی ناخواسته‌ای بین سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی انرژی و امنیت غذایی برقرار نمیشود.

نقشه‌ی نقاط کانونی

کدام مناطق بالاترین خطر درگیری بر سر آب را دارند؟

کانون‌های بحران

1

دولت ترکیه انتظار دارد که تا پایان سال 2015، ساختن سد ایلیسو بر رود دجله را که پروژه‌ای ملی برای تقویت ظرفیت تولید برق است به پایان برساند. این سد، علاوه بر زیر آب بردن سکونتگاه 12 هزار ساله‌ی حسن‌کیف، ممکن است به مرداب‌های پایین‌دست شکننده‌ی بین‌النهرین در عراق خسارت بزند. آلمان، اتریش و سوئد بودجه‌ی ساخت سد را در سال 2009 قطع کردند.

2

تاجیکستان در حال برنامه‌ریزی ساخت سد برق‌آبی روگون بر شاخه‌ای از رود آمودریا است. این سد بلندترین سد دنیا خواهد بود و میتواند کمبود انرژی کشور را جبران کند. ازبکستان، به دلیل نگرانی از کاهش آب برای آبیاری، تعرفه و محدودیت سفر برای همسایه‌ی شرقی خود وضع کرده است.

3

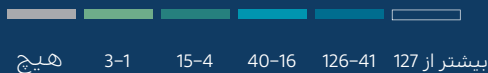
در سال 2011، دولت اتیوپی شروع به ساخت سد بزرگ رنسانس بر رود نیل آبی کرد، شاخه‌ای که حدود 60 درصد آب رود نیل را تأمین میکند. مصر و سودان نگران تأثیر این سد بر جریان آب در پایین‌دست هستند. اتیوپی می‌گوید که ساخت این سد را در 2017 به اتمام می‌رساند.

4

لائوس قصد دارد در یکی از کانال‌های رودخانه‌ی مکنونگ واقع در دو مایلی شمال مرز کامبوج سد دن ساهونگ را بسازد. این پروژه‌ی تأمین برق می‌تواند بر ماهیگیری در کامبوج، ویتنام و تایلند اثر بگذارد، از این رو این کشورها خواستار اظهار نظر در این طرح هستند.



رنگ هر حوضه‌ی رود بین‌المللی
تعداد کل فعل و انفعالات را در آنجا
از 1990 تا 2008 نشان می‌دهد.



اندازه‌ی دایره تعداد حوادث خصمانه
در هر حوضه را نشان می‌دهد.



بازتولید نقشه از شماره‌ی ژوئن 2014 مجله‌ی Popular Science با مجوز از
Katie Peek داده‌نمایی: Pitch Interactive

نقشه براساس پایگاه داده‌ی مناقشات آبهای شیرین فرامرزی از گروه علوم
زمین، دانشگاه ایالتی اورگان

آب: نقشه‌ی درگیری و همکاری

این نقشه حدود 2000 واقعه‌ی مرتبط با درگیری و همکاری در حوضه‌های فرامرزی را بین سال‌های 1990 و 2008 نشان می‌دهد. دایره‌های رنگی شامل 200 مناقشه‌ی دیگر در مورد منابع غیر از منابع آبی مشترک است. به طور کلی، در این دوره، رویدادهای مشارکتی تقریباً دو برابر رویدادهای تعارض‌آمیز بوده است. اندازه‌ی دایره خودبه‌خود به معنی میزان خطر درگیری نیست زیرا دایره‌ها تعداد کل رویدادهای با درجات مختلف خصومت را نشان می‌دهند. با این حال، هنگامی که حوادث خارجی، سازوکارهای نهادی مقابله را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، درگیری خطرناک می‌شود

(Woffet W. 2003). این موضوع روی کانون‌های بحران نقشه نشان داده شده که بر مناطق فاقد سازوکارهای تاب‌آور حل مناقشات منطبق است. برای مثال، در حوضه‌ی رود دانوب، رویدادهای تعارض‌آمیز با وجود مشوق‌های قوی همکاری گنجانده شده در فرایند یکپارچگی اروپایی کاهش یافت. با رشد جمعیت، صنعتی شدن و شهرنشینی، بسیاری از حوضه‌های رود بین‌المللی با افزایش تقاضای آب روبه‌رو خواهند شد. با افزایش فشارها و تقاضا، دولت‌ها نیاز دارند که دسترسی خود را به منابع آبی تضمین کنند. ممکن است مشوق‌ها و فرصت‌های بهره‌برداری از منابع آبی به صورت یکجانبه افزایش یابد (Pohl et al. 2014).



رویدادها براساس شدت:

پژوهشگران هر مرآمده را بر مبنای یک مقیاس 15 نمره‌ای درجه‌بندی کردند. تعاملات مثبتی بر همکاری بیشتر از تعاملات خصمانه است.



توسعه‌ی سد به درگیریهای بالادست - پایین دست منتهی میشود.

توسعه‌ی زیرساخت‌های آبی بزرگ مقیاس به ویژه می‌تواند تعارض‌آمیز باشد. توسعه‌ی سدها می‌تواند دسترسی به آب را در یک دوره‌ی بسیار کوتاه تغییر دهد. این تغییرات موازنه‌ی قدرت را هم در داخل و هم در بین کشورها تغییر می‌دهد (Pohl et al. 2014). گسترش آبیاری در کشورهای بالادست، به زیان کشورهای پایین دست، می‌تواند کسانی را که در پایین دست هستند وادار به پیشدستی در ساخت و ساز کند. آن‌ها ممکن است زیرساخت‌های آبی خود را ایجاد کنند یا منابع آب را با درگیری مسلحانه طلب کنند. در سراسر جهان، ساخت دست‌کم 3700 سد بزرگ جدید در حال برنامه‌ریزی یا اجراست که نشان می‌دهد این خطرات گسترده است (Zarfl et al. 2015). برای مثال، سوریه و عراق نمی‌توانند مانع اقدامات ترکیه در جهت کاهش منابع آبی آن‌ها در فرات شوند. این عدم قطعیت می‌تواند عامل نارضایتی و شکایت باشد و حتی پایان دادن به خشونت جاری در هر دو کشور را دشوارتر سازد. ترس از اینکه سدهای ترکیه روی رود فرات به حذف کشاورزی دامن بزند دستاویز داعش برای صادر کردن تهدید «آزادسازی استانبول» شده است (Meynen and Temper 2014).

تضاد منافع بر سر دسترسی به آب ممکن است در جهت اهداف سیاسی مورد استفاده قرار گیرد و شکافهای اجتماعی یا بین‌المللی موجود را عمیق‌تر کند.

خطر درگیری لزوماً به طور مستقیم ناشی از کمبود آب نیست، بلکه به سیاست پیرامون منافع رقابتی برمی‌گردد. برای مثال، یک اختلاف بین هند و بنگلادش بر سر رود گنگ بارها به عنوان یک درگیری انحرافی مورد استفاده‌ی سیاستمداران هر دو کشور قرار گرفت (Swain 1996). به همین ترتیب، متهم کردن ترکیه به برداشت آب ممکن است از نظر سیاسی هم برای دولت عراق و هم برای داعش مطلوب باشد.

همچنین ممکن است آسیب‌پذیری پیامد جانبی غیرمستقیم عدم قطعیت در مورد دسترسی آینده به آب باشد که برای مثال می‌تواند مانع سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شود. سرزنش کردن بیگانگان اغلب از نظر سیاسی بی‌دردسرت‌تر از تطبیق اقتصاد سیاسی یک کشور و مواجه شدن با صاحبان منافع است. با وجود این، از آنجا که بازی سرزنش منجر به راه‌حل‌های پایدار نمی‌شود و در عوض توجه سیاسی را از مشکلات اساسی منحرف می‌کند، پویایی آسیب‌پذیری را در سرتاسر حوضه‌های رودهای فرامرزی تحکیم می‌بخشد (Upreti 2014).

به دلیل رشد جمعیت، صنعتی شدن و شهرنشینی، بسیاری از حوضه‌های بین‌المللی با افزایش تقاضای آب روبه‌رو خواهند شد. با افزایش فشارها و تقاضاها، مخاطرات تأمین امنیت دسترسی نیز برای دولت‌ها افزایش می‌یابد. انگیزه‌ها و فرصت‌های بهره‌برداری از منابع آب به صورت یک‌جانبه نیز ممکن است افزایش یابد (Pohl et al. 2014).

فشار بر ذخایر آب با تأثیرپذیری از تغییر اقلیمی بیشتر خواهد شد که منجر به موازنه‌های بیشتر و تضعیف نهادهای تقسیم آب می‌شود.

تغییر اقلیمی، دستیابی به آب‌های فرامرزی و دسترسی‌پذیری آن‌ها را تغییر خواهد داد. مدیریت این مخاطرات به ویژه در حوضه‌های فرامرزی پیچیده خواهد بود. تغییرات در تأمین آب مخاطرات انحراف جریان آب را افزایش می‌دهد. در عین حال، تغییر اقلیمی باعث می‌شود کشورها بر مبنای منطقی منابع آبی خود را به شدت توسعه دهند و دسترسی دیگران را محدود کنند. نیاز به کاهش تغییر اقلیمی همچنین محرکی است برای توسعه منابع انرژی پاک مانند نیروگاه‌های آبی. ساختن سد و سایر زیرساخت‌های آبی نیازمند موازنه‌های بین‌بخشی است، نظیر ایجاد تعادل بین نیاز به نیروگاه‌های آبی پاک و محافظت از سیل در برابر بازده پایین‌تر کشاورزی و تهدیدها برای ماهیگیری در آب شیرین. آثار بازتوزیعی این موازنه‌ها مبادلات ممکن است به نارضایتی‌های محلی و بین‌دولتی دامن بزند (Pohl et al. 2014).

برای مثال، افزودن بر ظرفیت ذخیره‌ی آب در حوضه‌ی رود سند می‌تواند تأثیر وقایع شدید را کاهش دهد، مانند سیل‌های ویرانگر سال ۲۰۱۰ در پاکستان که ۲۰ میلیون نفر را بی‌خانمان کرد (Meyerhoff 2014). ظرفیت ذخیره‌سازی متصل به یک نیروگاه برق‌آبی همچنین می‌تواند منابع انرژی به شبکه‌های پربار ملی اضافه کند. اما تقاضاهای عملیاتی مهار سیلاب، نیروگاه آبی، و آبیاری فصل خشک اغلب متفاوت است که انتخاب از میان این تقاضاها را از نظر سیاسی دشوار می‌کند. در مورد حوضه‌ی سند، معاهده‌ی رود سند نیز، که استفاده از شاخه‌های مختلف رود را به هند و پاکستان اختصاص می‌دهد، پتانسیل چنین زیرساخت‌های آبی را مختل می‌کند. همین امر باعث، برای مثال، رنج کشمیر از ناتوانی در بهره‌برداری از رودهای «خود» در منطقه‌ای آسیب‌پذیر می‌شود که از پیش به ویژه در برابر آثار تغییر اقلیمی شکننده است (Swain 2013).

تغییرپذیری و عدم قطعیت ناشی از تغییر اقلیمی، نهادهای موجود تقسیم آب را تهدید می‌کند که غالباً براساس تخصیص مقادیر مشخصی از آب عمل می‌کنند که ممکن است در آینده اصلاً موجود نباشد. با این حال، وجود این نهادها برای جلوگیری از درگیری‌ها و کاهش آن‌ها بسیار اهمیت دارد (Wolf et al. 2013). تغییر اقلیمی نه تنها می‌تواند بر فشارهای کنونی بیفزاید بلکه با تضعیف نهادهای موجود مدیریت تعارض، باعث درگیری نیز می‌شود.

درگیری‌های محلی بر سر آب می‌تواند عامل اختلافات بین‌المللی باشد.

با کاهش ذخایر، ممکن است منابع آبی فرامرزی دارای‌های امنیتی قلمداد شوند. استفاده‌ی غیرقابل دوام از آب ممکن است فشار را بر دولت‌ها افزایش دهد تا از آب «ملی» خود محافظت کنند، و درگیری‌های محلی بر سر منابع طبیعی که در فصل اول شرح داده شد بین‌المللی شود. برای مثال، در سال ۱۹۸۹، پس از کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر در یک درگیری محلی بین کشاورزان و گلهداران، سنگال و موریتانی تقریباً وارد جنگ شدند (Uppsala Conflict Data Program 2014). همچنین ممکن است به دلیل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در منابع طبیعی سایر کشورها درگیری ایجاد شود. برای مثال، سرمایه‌گذاری چین در سدهای همسایه‌ی خود میانمار (مثل سد بزرگ مائیتسون بر روی رود اپراوادی) تنش‌های قومی را افزایش داده و روابط دو کشور را تیره کرده است (Peel 2014).

حوضه‌ی رود سند و دسترسی به آب

در پاکستان، ۹۰ درصد مواد غذایی کشور و ۶۵ درصد اشتغال آن به کشاورزی در حوضه‌ی رود سند وابسته است (Pohl et al. 2014). با افزایش تقاضای آب به دلیل رشد چشمگیر جمعیتی، معیشت‌های مبتنی بر کشاورزی، به ویژه در پایین دست ایالت سند، به خطر افتاده است زیرا ایالت بالادستی قدرتمندتر پنجاب جریان آب بیشتری را به سمت شهرهای در حال رشد خود برمی‌گرداند (Mustafa et al. 2013). تغییر اقلیم باعث ذوب سریع‌تر یخچال‌های طبیعی هیمالیا شده و فصول سیل در حال تغییر است. سیل‌های ویرانگر سال ۲۰۱۰ نشان‌دهنده‌ی خطرات سیاسی ناشی از وقایع شدید آب و هوایی بود (نگاه کنید به سناریوی پاکستان در زیر فصل 2-4).

رقابت فزاینده بر سر آب با موضوعاتی از قبیل قدرت نامتقارن سیاسی و انگیزه‌های رهبران سیاسی برای مقصر دانستن دیگران به جای حل و فصل درگیری‌ها آمیخته است. با افزایش فشارها بر حوضه، مخاطرات مربوط به معیشت، نوسانات قیمت مواد غذایی، و عدم مشروعیت دولت نیز افزایش می‌یابد که منتهی شدن آن به یک درگیری خطرناک بین‌دولتی قابل تصور است.

حوضه‌ی رود سند شاخص‌ترین مثال همکاری بین‌المللی در خصوص منابع آبی است. پس از جدایی خشونت‌آمیز هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷، مذاکرات بر سر آب رود سند گره خورد. اما با کمک بانک جهانی، پاکستان و هند در سال ۱۹۶۰ معاهده‌ی رود سند را امضا کردند (Zawahri 2014). کمیسیون دوجانبه‌ی دائمی سند، که موظف به اجرای معاهده و مذاکره در مورد مسائل مطرح است، شرط تشکیل سالانه‌ی جلسات را حتی در زمان تعلیق روابط دیپلماتیک دو کشور اجرا کرده است (Thatte 2008).

با این حال، ثبات نسبی همکاری بین‌دولتی، شکاف‌های عمیق در سطح زیرملی را که باعث درگیری‌های خشن در هر دو کشور هند و پاکستان شده است پنهان می‌کند، و این خود ممکن است همچنان روابط هند و پاکستان را بیثبات کند. برای مثال، در ایالت فاقد برق جامو و کشمیر هند، قانونگذار ایالتی در سال ۲۰۰۲ طی قطعنامه‌ای با تقریباً مجموع آرا، خواستار لغو معاهده‌ی رود سند شد به این دلیل که در آن، سه رودی که از جامو و کشمیر می‌گذرد به پاکستان اختصاص داده شده است (Swain 2013).

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
مفاد مهم معاهده‌ی رود سند نادیده گرفته شود. تغییرات زیست‌محیطی، کارکرد تفاهم‌نامه‌ی انعطاف‌ناپذیر تقسیم آب بین هند و پاکستان را مختل کند.	همکاری هند و پاکستان، یا با اصلاح رسمی معاهده یا با اقدامات حمایتی غیررسمی در جهت استفاده و توزیع بهینه‌ی آب کمیاب، نزدیک‌تر شود.
درگیری‌های بین‌ایالتی در پاکستان در مواجهه با تقاضاهای بیشتر و سیل‌های پیش از موعد تشدید و باعث شود سند و کراچی در ماه‌های تابستان آب کمتری هم داشته باشند.	سازوکارهای بهتری برای تقسیم عادلانه‌ی آب بین ایالت‌ها اتخاذ شود. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جدید، تاب‌آوری پایین دست تقویت شود.
واکنش‌های دولت‌ها در برابر سیل ناکافی یا ناعادلانه باشد و باعث ایجاد یا تشدید نارضایتی‌های محلی و تضعیف قرارداد اجتماعی شود.	آمادگی و شفافیت در برابر بلایا ارتقا یابد.
رشد جمعیتی و اقتصادی، تقاضا را به سطوح ناپایدار بکشاند و به چرخه‌ی معیوب افت کیفیت آب، معیشت حاشیه‌ای و آسیب‌پذیری کمک کند.	با اتخاذ یک سازوکار قیمت‌گذاری، از مصرف پربازده‌تر آب حمایت شود، و شبکه‌های ایمنی اجتماعی برای گروه‌های حاشیه‌نشین ایجاد گردد.
سیاستمداران غیرمسئول از اهرم کمبود آب، شاید همراه با پشتیبانی از جدایی‌طلبان خشن در کشمیر یا بلوچستان، برای تحریک احساسات ملیگرایانه یا فرقه‌ای استفاده کنند.	وابستگی متقابل هند و پاکستان با افزایش تجارت، کمپین‌های آگاهی‌رسانی درباره‌ی وابستگی متقابل به آب، و تحقیقات مشترک در مورد آثار پیش‌بینی‌شده‌ی تغییر اقلیمی تقویت شود تا بدین ترتیب محرک‌های سیاست تفرقه‌افکنانه کاهش یابد.
هند به ساختن سدهای جدید که از نظر پاکستان غیرقابل قبول است اصرار ورزد.	سازوکارهای نهادی در زمینه‌ی همکاری آبی برای جلوگیری از استفاده از آب به عنوان یک اهرم سیاسی تقویت شود.
	هر دو کشور از اقدامات یک‌جانبه خودداری کنند و به استفاده از سازوکارهای تثبیت‌شده‌ی حل و فصل اختلافات ادامه دهند.

کمتری برای مقابله با شور شدن فاجعه‌بار آب در دلتای نیل وجود دارد، شوک قابل توجهی ایجاد میکند. دولت مرسى، احتمالاً برای تقویت حمایت سیاسی داخلی، دولت اتیوپی را هدف لفاظی‌های جنگ‌طلبانه قرار داد. رژیم بعدی از تهدید به جنگ خودداری کرده است (Kantor 2014).

سهم تغییر اقلیمی در درگیری فعلی در حوضه‌ی نیل هنوز محدود است. با این حال، فشارهای کنونی حاکی از نقش‌آفرینی آثار تغییر اقلیمی در آینده است، زیرا اختلال ناشی از سدسازی شبیه به اختلالات پیش‌بینی‌شده بر اثر تغییر اقلیمی است. تغییر اقلیمی احتمالاً منجر به ناپایداری بیشتر جریان‌های فصلی خواهد شد. افزایش مصرف می‌تواند منجر به کاهش جریان در پایین‌دست و پیامدهای مختلف آن از جمله در دسترس بودن نسبتاً کمتر آب و افزایش شوری شود (Link et al. 2012).

این تغییرات هم فشار بر امنیت غذایی و آبی مصر و هم مخاطرات آسیب‌پذیری را به میزان قابل توجهی بالا خواهد برد. با توجه به بازی سرزنش بین کشورهای بالادست و مصر در گذشته، یک خطر واقعی وجود دارد که دولت مصر به ملیگرایی پناه ببرد و برای جلوگیری از توسعه‌ی بیشتر زیرساخت‌های آبی در بالادست به زور متوسل شود، مانند پشتیبانی از گروه‌های شورشی یا تقویت بیثباتی سیاسی. بسیاری از کشورهای بالادست در برابر فشارهای مصر آسیب‌پذیر هستند و از پیش با چالش‌های شکنندگی خود نیز مواجه‌اند. از طرف دیگر، ممکن است مصر موفق شود دولت سودان جنوبی را ترغیب به ساخت کانالهایی روی قسمتهایی از نیل سفید یا شاخه‌های آن برای افزایش جریان در پایین‌دست کند (Pearce 2015). کار روی چنین پروژه‌های در دهه‌ی 1980 به شروع مجدد جنگ داخلی در سودان جنوبی امروز منجر شد (Swain 2011). سرانجام مصر میتواند از در برابر هم قرار دادن کشورهای مختلف بالادستی (مثل اریتره و اتیوپی) استفاده و به آسیب‌پذیری در منطقه کمک کند.

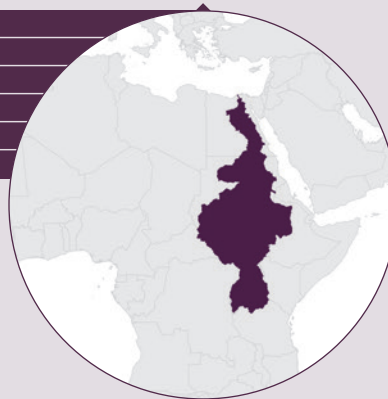
مصر ثروتمندترین، قدرتمندترین و همچنین پایبندست‌ترین کشور وابسته به حوضه‌ی رود نیل است. تقاضای کنونی آب در مصر 25 درصد فراتر از ذخایر پایدار آن است، درحالی‌که برنامه‌ریزی شده که جمعیت آن تا سال 2030 از 87 میلیون به 113/6 میلیون نفر افزایش یابد (Strategic Foresight Group 2013). سطوح بالای مصرف در مصر منجر به شور شدن آب شده است زیرا آب بسیار کمی برای نمکزدایی به دریای مدیترانه میرسد (Di Nunzio 2013).

از نظر تاریخی، قدرت نسبی مصر و نیز عدم دسترسی کشورهای بالادست به منابع مالی مانع از آن شده است که دیگر کشورهای کنار رود نیل سدهای بزرگی روی آن بسازند که بتواند ذخایر مصر را کاهش دهد. با این حال، تحولات جمعیتی و اقتصادی باعث افزایش فشار بر کشورهای بالادست برای توسعه‌ی منابع آبی خود می‌شود. با افزایش جمعیت از ۴۲۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ به ۶۴۸ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰، تقاضای آب در حوضه‌ی رود نیل رشد می‌کند (medium projection, Nile Basin Initiative 2012). بسیاری از کشورهای فقیرتر بالادست استفاده از پتانسیل آب نیل را برای غلبه بر ضعف اقتصادی کنونی خود ضروری می‌بینند (Nile Basin Initiative 2012; Gebreluel 2014).

امروز، به دلیل افزایش جمعیت و رشد اقتصادی، تثبیت دولت‌ها و پیشرفت توسعه، موازنه‌ی قدرت در حال تغییر به نفع بالادست است. همچنین کشورهای بالادست از تغییرات ژئوپولیتیکی و منابع جایگزین سرمایه برای سرمایه‌گذاری‌های عمده در زیرساخت‌ها بهره برده‌اند که قدرت وتوی بالفعل مصر را درهم می‌شکند. این تغییر زمانی محسوس شد که رئیس‌جمهور اتیوپی، در فوریه‌ی ۲۰۱۱ و در اوج بی‌ثباتی سیاسی مصر، ساخت سد عظیم جدیدی به نام سد بزرگ رنسانس اتیوپی بر روی نیل آبی را اعلام کرد (Whittington et al. 2014). آبیگری سد رنسانس به روند تدریجی شور شدن آب سرعت خواهد بخشید و هنگامی که میلیون‌ها مصری دسترسی به آب را برای تأمین معیشت خود از دست می‌دهند و آب

فشارها در حوضه نیل

تغییر اقلیم	>
تخریب محیط زیست	>
افزایش تقاضا و میزان ذخیره منابع	>
رشد جمعیت	>
فقر و بیکاری	>
بی‌ثباتی منطقه	>



© adelphi

بالا آمدن سطح آب دریاها قلمروهای کم‌ارتفاع را تهدید میکند.

در طول این قرن، میانگین جهانی سطح آب دریاها عمدتاً بر اثر ذوب شدن یخچالهای طبیعی و گسترش اقیانوس حرارتی همچنان افزایش خواهد یافت. این افزایش تا سال 2050 از 0/15 تا 0/3 متر بالاتر از میانگین سالهای 1986-2005 تخمین زده شده است (IPCC 2013). به جز موارد پیش‌بینی‌نشده و ناگهانی، تغییرات سطح آب دریاها در طی دهه‌ها رخ می‌دهد که منجر به فرسایش آهسته و تدریجی، زیر آب رفتن، جاری شدن سیل، از بین رفتن تالابهای ساحلی، و شور شدن بیش از پیش خاکهای ساحلی و آبخوان‌ها میشود. تغییرات منطقی‌های و امواج توفان باعث عدم قطعیت و تناوب بیشتر در شتاب فرسایش، شور شدن و به زیر آب رفتن میشود (Hijioka et al. 2014).

سپردن زمین به دریا ممکن است یک سازگاری ضروری با نشانه‌ی شکست تلقی شود. در برخی کشورها مانند هلند یا بریتانیا، سازوکارهای حفاظت فیزیکی و زیست‌محیطی میتواند سد راه دریا شود و از ضرورت سپردن زمین به دریا احتراز کند (Butzengeiger and Hortsmann 2004). در مناطق فقیرنشین روستایی، احتمال سرمایه‌گذاریهای عمده در سیستم‌های حفاظتی کمتر است که منجر به از بین رفتن خانه‌ها و مزارع و کاهش امنیت غذایی و فرصتهای اقتصادی اغلب بدون جبران خسارت میشود. در ایالت‌های بزرگ‌تر با هر دو نوع مناطق مرتفع و کم‌ارتفاع، مهاجرت داخلی ممکن است مفید واقع شود. در جزایر کم‌ارتفاع اقیانوس آرام ممکن است هیچ سازوکار حفاظتی پایداری وجود نداشته باشد و کشورهای بدون هیچ منطقه‌ی با ارتفاع بالاتر مانند مالدیو ممکن است در زمانی فراتر از این قرن، با زیر آب رفتن کامل تهدید شوند (Dasgupta et al. 2014).

کشورهای با اقتصاد ضعیف، سطوح بالای فقر، و سابقه‌ی درگیری، برای مدیریت تغییرات در قلمرو خود بسیار تلاش خواهند کرد. کشوری مانند جزایر سلیمان، در عین حال که در معرض تهدید زیر آب رفتن نیست، ممکن است همانند جزایر دیگری که در زمینه‌ی آسپیدیری اجتماعی و اقتصادی نمره‌ی بهتری می‌گیرند قادر به مدیریت تغییر نباشد (Permanent Mission of Solomon Islands to the United Nations 2009).

بالا رفتن سطح آب دریاها تهدیدی خواهد بود برای بسیاری از شهرهای ساحلی که به رشد سریع خود ادامه خواهند داد.

شهرهای ساخته‌شده بر دلتای رودها به ویژه در معرض سیل و امواج توفان هستند که می‌توانند به خانه‌ها، کسب و کارها و زیرساخت‌های مهم خسارت وارد کنند. فرونشست سریع زمین به دلیل برداشت بی‌رویه‌ی آب‌های زیرزمینی این چالش را وخیم‌تر خواهد کرد. پیامدهای توسعه‌ی اقتصادی می‌تواند قابل توجه باشد، به لحاظ زیان مستقیم یا به لحاظ هزینه‌ی مورد نیاز برای ایجاد سیستم‌های حفاظتی. به احتمال زیاد سرمایه‌گذاری در سیستم‌های حفاظتی پیشرفته در شهرهای برخوردار از دارایی‌های ارزشمند برای حفاظت بیشتر از مناطق روستایی توجیه اقتصادی دارد. شهرهای پرخطر شامل بمبئی، گوانگژو، رانگون، گویاکیل، هوشی مین، کلکته، مانیل، جاکارتا و کراچی است (Brecht et al. 2012; Hallegatte et al. 2013).

تهدیدهای ارضی منجر به مهاجرت اجباری خواهد شد.

هرچه از زیست‌پذیری سرزمین‌های در معرض تهدید بالا آمدن سطح آب دریاها کاسته می‌شود، تعداد فزاینده‌ای از افراد مجبور به مهاجرت خواهند شد. این مهاجرت ناشی از تغییر اقلیمی ممکن است باعث افزایش رقابت بر سر منابع در مکان‌های پذیرنده و ایجاد تنش میان مهاجران و جمعیت‌های مستقر و افزایش احتمال درگیری بین گروه‌ها شود (Werz and Conley 2012). مهاجرت از مرزها ممکن است واکنش‌های سیاسی و نظامی مرتبط با کنترل مرزها، دسترسی به خدمات، حقوق شهروندی و حقوق زمین ایجاد کند. مهاجرت فرامرزی می‌تواند به ویژه در مناطقی که قوانین رسمی شهروندی و مالکیت زمین در آن به طور جهانی پذیرفته یا اجرا نمی‌شود چالش‌برانگیز باشد (Wamugi and Muchemi 2011). برای مثال، در ساحل عاج، مطالبات شهروندی و حقوق زمین مهاجران مستقر از عوامل مهم درگیری‌های اخیر بود (Human Rights Watch 2013). اگرچه این مهاجران در وهله‌ی اول با عوامل محیطی رانده نشده‌اند، کشورهایایی که ترک گفته‌اند جزو کشورهایی هستند که حداقل توانایی را در مهار آثار تغییر اقلیمی دارند.



2.7 بالا آمدن سطح آب دریا و تخریب سواحل

بالا آمدن سطح آب دریا تهدیدی خواهد بود برای زیستپذیری مناطق کم‌ارتفاع حتی پیش از به زیر آب رفتن آن‌ها، که منجر به اختلال اجتماعی، آوارگی و مهاجرت میشود. در عین حال، ممکن است اختلاف نظرهای درباره‌ی مرزهای دریایی و منابع اقیانوسی افزایش یابد.

بالا آمدن سطح آب دریا اکنون پایداری اقتصادی و فیزیکی مناطق کم‌ارتفاع را تهدید می‌کند. برآوردهای فعلی از افزایش سطح آب دریا حاکی از آن است که در قرن جاری هیچ کشوری به طور کامل زیر آب نخواهد رفت. با این حال، با از بین رفتن تدریجی منابع زمینی و ساحلی، پایداری اقتصادی و کشاورزی بسیاری از مناطق ساحلی کاهش قابل توجهی خواهد یافت؛ خسارت تن‌بادهای و امواج توفان شدیدتر خواهد شد؛ و خطر از دست رفتن زمین‌های کشاورزی در آینده عاجل‌تر خواهد شد. این تغییرات مردم را وادار به مهاجرت می‌کند و خطر تنش و درگیری در مناطق پذیرنده را افزایش می‌دهد. با افزایش سطح آب دریاها، تغییر خطوط ساحلی ممکن است نشانه‌گذاری‌های مرزی را هم تغییر دهد و باعث بروز اختلافاتی در مورد مرزهای دریایی، دریاها، سرزمینی، خطوط دریایی و منابع اقیانوسی شود.

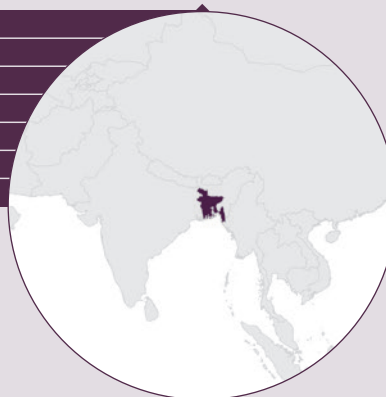
بالا آمدن سطح آب دریا و تخریب سواحل	
خطر در چیست؟	بالا آمدن آب دریاها، امواج توفان، و شور شدن بیش از پیش مناطق ساحلی باعث کاهش پایداری اقتصادی و کشاورزی و منجر به افزایش آسیب‌پذیری و مهاجرت خواهد شد. بالا آمدن آب دریاها همچنین نشانگرهای حاکمیتی و مناطق انحصاری اقتصادی را به زیر آب می‌برد که ممکن است منجر به اختلاف و درگیری بین دولتها شود. مناطق در معرض تهدید زیر آب رفتن، اختلال اجتماعی و روانی، مهاجرت و آسیب‌پذیری را تجربه خواهند کرد.
نقاط اوج	<ul style="list-style-type: none">• توفانهای بزرگ یا بلاهای ساحلی، مراکز پرجمعیت ساحلی را درگیر کنند.• تعداد زیادی از مردم از مناطق ساحلی کم‌ارتفاع به داخل مهاجرت کنند.• امواج توفانی بزرگ‌مقیاس، ایالتهای جزیره‌ای کوچک را درنوردد.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• حمایت از تلاشهای دولتها در کشورهای دارای مناطق کم‌ارتفاع در معرض تهدید برای انجام اقدامات فوری تطبیقی.• حمایت از تلاشهای بلندمدت برای برنامه‌ریزی و مدیریت مهاجرت در مقیاس بزرگ.• حمایت دیپلماتیک از کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها و سایر تلاش‌های چندجانبه برای حل و فصل اختلافات بر سر مرزهای دریایی.

روزانه تا 2000 نفر وارد شهر داکا میشوند، خصوصاً در دوره‌ی بارش‌های موسمی که تشدیدکننده‌ی فشارهای محیط زیستی بر این شهر دارای تراکم بالای جمعیتی است که در هر کیلومتر مربع آن حدود 28000 نفر زندگی میکنند (Hanif and Hossian 2010, cited by Saha 2011). مهاجران غالباً در مشاغل حاشیهای به کار گرفته می‌شوند و شرایط کار و زندگی‌شان هولناک است. با افزایش پیوسته‌ی تعداد مهاجران، فشارهای شدیدی بر زیرساختهای ضعیف شهری وارد خواهد آمد، از جمله افزایش تعداد سکونت‌گاه‌ها و زاغههای غیرقانونی در کنار افزایش فشار بر خدمات نظیر تأمین آب، برق، سرویس بهداشتی و نیروی پلیس (Mitra and Vivekananda 2013).

درحالی‌که مهاجرت در بنگلادش موضوع جدیدی نیست، افراد بیشتری در حال مهاجرت از مناطق ساحلی به مراکز شهری هستند زیرا امنیت مزارع ساحلی و مناطق ماهیگیری آن‌ها به دلیل تغییر ساحل، بلاپای ناشی از خطرات طبیعی، و افزایش رقابت از سوی جمعیت همچنان رو به رشد روستایی کاهش می‌یابد. در شاخص جهانی مخاطرات اقلیمی، بنگلادش ششمین کشور آسیب‌دیده از وقایع مرتبط با آب و هوا نظیر توفان، سیل و امواج گرمایی از 1994 تا 2013 است (Kreft et al. 2014). ارتفاع 60 درصد از مساحت کشور از سطح دریا زیر 5 متر و در برابر امواج توفان، فرسایش، شور شدن خاک و آبخوان‌ها، و حتی به زیر آب رفتن کامل بسیار آسیب‌پذیر است. مشکل شوری خاک در طی سال‌ها پرورش میگو که زمین را برای کشت نامناسب ساخته تشدید شده است. هر سال بین 64 هزار تا 100 هزار بنگلادشی به دلیل فرسایش ساحل رود بیخانمان می‌شوند (Sharma and Hugo 2009).

فشارها در بنگلادش

تغییر اقلیمی	>
تخریب محیط زیست	>
افزایش تقاضای منابع و کمبود آن	>
رشد جمعیت	>
شهرنشینی	>
فقر و بیکاری	>
مهاجرت، آوارگی و جریان‌های پناهندگی	>



© adelphi

تغییر مرزهای سرزمینی ممکن است منجر به درگیری بر سر مرزهای دریایی و مناطق انحصاری اقتصادی شود. با افزایش سطح آب دریاها، ممکن است تغییر خطوط ساحلی و زیر آب رفتن نشانگرهای سرزمینی باعث اختلاف نظر بر سر مرزهای دریایی و مناطق انحصاری اقتصادی شود و برخی رشته جزایر کم‌ارتفاع تسلط خود بر دامنه‌ی وسیع دریا را از دست بدهند (UNFCCC 2005). همچنین می‌تواند منجر به عدم توافق کشورها در مورد خطوط دریایی و کنترل منابع اقیانوسی شود (Paskal 2007).

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها که محدوده‌ی آب‌های سرزمینی ملی (۱۲ مایل) و مناطق انحصاری اقتصادی (۲۰۰ مایل) را تعیین می‌کند به موضوع تغییر خطوط ساحلی وارد نشده است. هیچ توافق جهانی در مورد اینکه آیا حدود و ثغور دریایی باید همواره ثابت باشد یا با تغییر سواحل جابه‌جا شود وجود ندارد (Lisztwan 2012). کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها شامل گزینه‌های حل اختلاف برای اعضای معاهده است، از جمله مراجعه به دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها (که همین کنوانسیون مؤسس آن است)، دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های ویژه‌ی داوری. اما همه‌ی کشورهای ساحلی عضو کنوانسیون مذکور نیستند و در مورد کشورهای عضو هم موفقیت روش‌های حل اختلاف کنوانسیون، حتی در زمینه‌هایی که موضع کنوانسیون روشن است، قطعی نیست. برای نمونه، در سال ۲۰۱۴، هند و بنگلادش حکم داوری کنوانسیون را در خصوص تعیین مرزشان در دریای بنگال پذیرفتند، اما چین داوری کنوانسیون برای حل یک اختلاف دریایی با فیلیپین را نپذیرفت و ترجیح خود را دستیابی به یک راه‌حل دوجانبه عنوان کرد (Permanent Court of Arbitration 2014; Sevastopulo and Landingin 2014).

احتمال درگیری بین کشورهایی که بر سر یک مرز دریایی که بعدتر تغییر می‌کند توافق کرده‌اند بسیار کم است زیرا سابقه‌ی آن‌ها حاکی از تمایل به یافتن راه‌حل از طریق مذاکره است. اما درگیری در شرایطی که هیچ توافقی درباره‌ی مرزها نشده باشد محتمل‌تر است. با کند شدن سرعت بالا آمدن سطح آب دریاها، تعداد مکان‌هایی که در آن‌ها تغییرات خط ساحلی ناشی از تغییر اقلیمی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر مرزهای دریایی تا سال ۲۰۵۰ خواهد داشت احتمالاً بسیار کم و عمدتاً قابل پیش‌بینی است (Di Leva and Morita 2008).

جزایر اسپرانتلی قلمرو مورد مناقشه

مالکیت جزایر اسپرانتلی شامل بیش از 100 جزیره‌ی کم ارتفاع، آب‌سنگ، تپه‌ی زیرآبی، و سواحل زیر آب رفته، واقع در دریای جنوبی چین، مورد اختلاف چین، ویتنام، مالزی، فیلیپین، برونئی و تایوان است (Joyner 1999). مساحت کل این جزایر زیر ۵ کیلومتر مربع است و ارتفاع هیچ‌یک از سطح دریا بیشتر از ۴ متر نیست. بالا آمدن سطح آب دریا ممکن است سرانجام بسیاری از این شکل‌های طبیعی زمین را برای همیشه به زیر آب ببرد. ده‌ها جزیره به اشغال نیروهای متعدد نظامی درآمده است و گاه تنش بر سر ادعاهای رقبا به درگیری‌های محدود نظامی منجر شده است (Lally 2010). اخیراً چین تلاش‌های خود را برای گسترش شکل‌های موجود و ساختن اشکال جدید با استفاده از مواد بیرون کشیده شده از کف دریا افزایش داده و جغرافیای مناقشات را پیچیده‌تر کرده است (Hardy and O'Connor 2014). چین داوری کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها برای حل یک اختلاف دریایی با فیلیپین را رد کرد و دستیابی به یک راه‌حل دوجانبه را ترجیح داد. تغییر اقلیمی بر تلاش‌ها برای حل و فصل ادعاهای مالکیت تأثیر خواهد گذاشت زیرا صخره‌ها و آب‌سنگ‌های مرجانی از بین می‌روند و بقیه تغییر شکل می‌دهند.

افزایش سطح آب دریا و تغییرات ساحلی به کندی ظاهر شود تا زمان بیشتری برای سازگاری و ایجاد تاب‌آوری اقلیمی وجود داشته باشد.

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش مییابد در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
با پیشرفت سریع فرسایش و به زیر آب رفتن سواحل، مرزهای دریایی تغییر کند.	افزایش سطح آب دریا و تغییرات ساحلی به کندی ظاهر شود تا زمان بیشتری برای سازگاری و ایجاد تاب‌آوری اقلیمی وجود داشته باشد.
رهبران چین در تعریف مرزهای دریایی این کشور و اصلاح ساختار جزایر، گام‌های مقابله‌ای و ناسیونالیستی بردارند.	چین به تلاش‌های بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات مرزی محلی بپیوندد.
رهبران اتحادیه‌ی کشورهای جنوب شرق آسیا، با دنبال کردن سیاست‌های مقابله‌ای، بازیگران خارجی را به طور بالقوه به میدان بیاورند.	رهبران اتحادیه‌ی کشورهای جنوب شرق آسیا تلاش‌های مشترک برای حل و فصل اختلافات مرزی محلی را در اولویت قرار دهند.
کشورهای منفرد به طور یک‌جانبه منابع نفت و گاز را توسعه دهند.	توسعه‌ی نفتی و گازی تا حل مسائل مرزی به تعویق بیفتد.

هر 33 جزیره‌ی کیریباتی به‌جز یکی جزایر مرجانی کم‌ارتفاع هستند. به دلیل نفوذ آب شور، در حال حاضر آب شیرین و کشاورزی منطقه دچار تنش است. نیمی از جمعیت در تاراوا، جزیره‌ی پایتخت، زندگی و با بیکاری، جرم و جنایت و ناآرامیهای اجتماعی دست و پنجه نرم میکنند (Weir and Virani 2010). تداوم بالا آمدن سطح آب دریا، با افزایش تعداد افرادی که به پایتخت نقل مکان میکنند که خود نیز در درازمدت مورد تهدید قرار میگیرد، مسائل را بدتر میکند.

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری	
افزایش مییابد در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
جمعیت رو به افزایش پایتخت قادر به یافتن شغل یا مسکن نباشند و این معضل به اعمال مجرمانه دامن بزند و تنشهای اجتماعی را بالا ببرد.	با طرح‌های قوی‌تر تأمین اجتماعی، از فقیران افزایش یافته‌ی شهری حمایت شود. در طرح‌ریزی واکنش‌های سیاستی در قبال تغییر اقلیمی، تأثیر مهاجرت در نظر گرفته شود.
ناکارآمدی زیرساختهای ضعیف در مقابله با بلاهای مکرر ناشی از تغییر اقلیمی ایجاد سرخوردگی کند و نارضایتی‌ها از دولت را بالا ببرد.	زیرساخت‌ها در مناطق آسیب‌پذیر ساحلی تقویت و تاب‌آوری آنها بیشتر شود.
فقر و آسیب‌پذیری به دلیل محدودیت گزینههای معیشتی افزایش یابد.	سرمایه‌گذاری در فعالیتهای جدید اقتصادی باعث ایجاد شغل و بهبود معیشت محلی شود.
جوامع آسیب‌پذیر به نابرابری در دسترسی به کمکهای خارجی پی ببرند و نارضایتی و تنش افزایش یابد.	هدف‌گذاری حساس به درگیری کمک‌های بشردوستانه و همکاری توسعه‌ای به کاهش تنش‌های محلی کمک می‌کند، و نه افزایش آن.

مدیریت جنگل از طریق ابتکارهای کاهش انتشارهای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل باید حساس به درگیری باشد تا از آثار منفی جلوگیری شود.

نزدیک به ۲۰ درصد از انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل است. برنامه‌ی کاهش انتشارهای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل را کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی به منظور اعطای بودجه‌ی مالی به دولت‌ها، شرکت‌ها و صاحبان جنگل در کشورهای در حال توسعه برای محافظت از جنگل‌های خود ایجاد کرده است. این برنامه همچنین تلاش‌هایی در جهت افزایش حفاظت، بهبود مدیریت پایدار جنگل‌ها، و تقویت ذخایر کربن جنگل به عمل آورد. در اصل، این برنامه می‌تواند آثار بالقوه‌ی تثبیت‌کنندگی در بسترهای آسیب‌پذیر یا مستعد درگیری داشته باشد (Tänzler and Ries 2012). برنامه‌ی کاهش انتشارها، علاوه بر کمک به توسعه‌ی اقتصادی از طریق ایجاد منابع جدید درآمد برای گروه‌های اجتماعی اغلب به حاشیه رانده‌شده، می‌تواند موجب تقویت همکاری، گفت‌وگو و اعتمادسازی در سطوح مختلف نیز بشود. استفاده از این برنامه به عنوان وسیله‌ای برای اصلاحات تصرف زمین و ارائه‌ی عناوین قانونی به جوامع محلی همچنین می‌تواند به کاهش انواع درگیری‌های ناشی از تصرف نامشخص زمین کمک کند (Cotula and Mayers 2009).

اما برنامه‌ی کاهش انتشارهای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل مستلزم حکمرانی و ساختارهای مدیریتی پیچیده است که اگر به روش حساس به درگیری به اجرا درنیايد، می‌تواند تأثیرات منفی داشته باشد (Tänzler and Ries 2012). برای مثال، اجرای یک پروژه‌ی آزمایشی در سه حوضه‌ی آبریز نیپال در سال 2009 و ۲۰۱۲ نامنی معیشتی و پتانسیل درگیری بر سر زمین را تشدید کرد. معیشت سنتی جامعه‌ی قومی چپانگ شامل نقل مکان به زمین‌های کشاورزی جدید و برداشت منابع جنگلی بود که با اجرای برنامه‌ی کاهش انتشارها ممنوع یا محدود شد (Uprety et al. 2011). علاوه بر این، گزینه‌های جایگزین معیشتی ارائه‌شده مناسب همه‌ی گروه‌ها نبود. برای نمونه، هزینه‌ی خرید خوک برای جامعه‌ی کاربران جنگل جامونا تأمین شد. با این حال، به دلیل هزینه‌های بالای پرورش خوک، اکثریت جامعه وارد این کار نشدند و تنها خانوارهای ثروتمند از این فرصت سود بردند (Patel et al. 2013).

طراحی بد یا اجرای ضعیف ابتکارات برنامه‌ی کاهش انتشارها ممکن است جوامع محلی را به حاشیه براند. توزیع منافع مالی یا منابع جنگلی ممکن است تنش و درگیری ایجاد کند، همان طور که در مورد نیپال مشاهده شد که فرهنگ کاست و اقلیت ثروتمند محلی بر طراحی ابتکارات برنامه تأثیر گذاشتند. منافع به طور نابرابر توزیع شد و برخی از گروه‌های اقلیت در فرایند تصمیم‌گیری نادیده گرفته شدند (Patel et al. 2013).

افزایش احتمالی ارزش جنگل‌ها می‌تواند انگیزه‌های برای دولت‌ها و بازیگران قدرتمند بخش خصوصی برای به دست گرفتن کنترل جنگلها و انکار یا نادیده گرفتن حقوق جوامع ساکن جنگل، به ویژه افراد فاقد عناوین رسمی در خصوص تصرف زمین، ایجاد کند. برنامه‌ی کاهش انتشارها همچنین می‌تواند باعث افزایش فساد و رفتار رانت‌جویانه شود، هرچند جامعه‌ی جهانی تلاش کرده با اتخاذ «تدابیر حفاظتی برنامه‌ی کاهش انتشارهای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل» این مشکل را رفع کند (Standing 2012).

افزایش قابل توجه در استفاده از سوخته‌های زیستی مبتنی بر محصولات زراعی آثار منفی داشته است.

۶در زمینه‌ی تغییر سوخته‌های فسیلی به سوخته‌های زیستی، ۶۲ کشور اهدافی را تعیین کرده‌اند که تولید جهانی بیواتانول را در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ تا سه برابر افزایش داده است. تولید بیودیزل در مدت مشابه ده برابر افزایش یافته است (Gao et al. 2011). این نسل اول سوخته‌های زیستی عمدتاً از قند، نشاسته یا روغن نباتی به دست می‌آید که خود از ذرت، نیشکر، سویا و روغن نخل تولید می‌شود.

با افزایش تقاضا برای این محصولات غذایی، انتقال به سوخته‌های زیستی به افزایش قیمت مواد غذایی در همه جا از ۳ تا ۳۰ درصد در طی بحران‌های قیمت این مواد در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ کمک کرد (Gasparatos et al. 2013). فیشر و همکاران (2009) تخمین می‌زنند که تا سال ۲۰۲۰، گسترش سوخته‌های زیستی در جهان ممکن است قیمت غلات را ۸ تا ۳۴ درصد، سایر محصولات زراعی را ۹ تا ۲۷ درصد، و دام‌ها را ۱ تا ۶ درصد افزایش دهد که ۱۳۱ میلیون نفر دیگر را در معرض خطر گرسنگی قرار میدهد.



2.8 تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی

از آنجا که سیاست‌های سازگاری و کاهش اثر اقلیمی به طور گسترده‌تری اجرا می‌شود، خطرات آثار منفی ناخواسته، به ویژه در بسترهای آسیب‌پذیر، نیز افزایش خواهد یافت.

برای کاهش آسیب‌پذیری و جلوگیری از درگیری، ما به سیاست‌های کاهش اثر تغییر اقلیمی و سازگاری نیاز داریم. با این حال، اگر این سیاست‌های خیرخواهانه بدون در نظر گرفتن تأثیرات احتمالی ناخواسته‌شان طراحی و اجرا شوند، می‌توانند باعث تضعیف توسعه‌ی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و تشدید ناامنی انسانی شوند. از آنجا که سیاست‌های سازگاری و کاهش اثر اقلیمی به طور گسترده‌تر در سراسر جهان اجرا می‌شود، خطرات این آثار ناخواسته‌ی منفی – به ویژه در بسترهای آسیب‌پذیر – نیز افزایش خواهد یافت. در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، پیامدهای ناخواسته می‌تواند شامل افزایش ناامنی تصرف زمین، حاشیه‌نشینی گروه‌های اقلیت، افزایش تخریب محیط زیست و از بین رفتن تنوع زیستی، و تسریع تغییر اقلیمی باشد. این تأثیرات پیش‌بینی‌نشده اغلب از عدم هماهنگی بین‌بخشی و، در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و متأثر از درگیری، عدم اجرای حساس به درگیری سیاست‌ها و برنامه‌ها ناشی می‌شود.

تأثیرات ناخواسته‌ی سیاست‌های اقلیمی

خطر در چیست؟	سیاست‌های سازگاری و کاهش اثر اقلیمی می‌تواند آثار ناخواسته‌ی منفی داشته باشد که باعث افزایش ناامنی معیشتی، درگیری بر سر منابع، و نوسانات قیمت مواد غذایی می‌شود. اگر سیاست‌های اقلیمی با دقت و با در نظر گرفتن تأثیرات گسترده‌تر و احتمال نقش داشتن آن‌ها در درگیری‌ها در برخی موقعیت‌ها طراحی نشود، این آثار ناخواسته می‌تواند خطرات آسیب‌پذیری را افزایش دهد.
نقاط اوج	<ul style="list-style-type: none">• تأمین مالی بزرگ‌مقیاس سیاست‌ها و پروژه‌های سازگاری شامل ارزیابی‌های جدی درگیری نباشد.• گذار جهانی و بزرگ‌مقیاس به فناوری‌های سبز و منابع انرژی تجدیدپذیر دربردارنده‌ی اقداماتی در جهت به حداقل رساندن آثار استخراج معادن، تولید، و عملیات یا افزایش بهره‌وری منابع نباشد.• فناوری‌های مهندسی زمین در یک مقیاس بزرگ پیاده‌سازی شوند.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• طراحی استراتژی‌های سازگاری حساس به درگیری.• ارزیابی کلیه‌ی سیاست‌های مرتبط با تغییر اقلیمی به لحاظ خطر کمک به آسیب‌پذیری.• تضمین تأمین بودجه‌ی شفاف و موجه برای مسائل اقلیمی.• تقویت مشارکت ذی‌نفعان چندجانبه در توسعه‌ی سیاستی (سازمان‌های غیردولتی، رهبران جامعه، شوراهای قبیله‌ای و غیره).• اطمینان یافتن از مشاوره و رضایت قبلی آگاهانه در پروژه‌های سازگاری و کاهش اثر.

مداخلات مهندسی زمین اثبات نشده و مخاطره آمیزند و فقط به علایم می پردازند، نه مشکل.

از آنجا که مذاکرات اقلیمی به آهستگی پیش می رود درحالی که آثار تغییرات اقلیمی در حال افزایش است، امکان مهندسی اقلیم با به کارگیری مداخلات وسیعی موسوم به «مهندسی زمین» بارها مورد توجه قرار گرفته است. ایده های آن شامل حذف گازهای گلخانه ای از جو با کاشت گسترده ی درخت؛ ترکیب زیست توده برای تولید انرژی و جذب و ذخیره ی کربن؛ و بارور کردن اقیانوس ها برای رشد فیتوپلانکتون ها است (Ginzky et al. 2011). پیشنهاد دیگر شامل خنک کردن مستقیم زمین با بازتاب نور خورشید به فضا یا افزایش انتقال تابش زمینی به فضا است (Schaefer et al., forthcoming).

خطرات بالقوه ی مرتبط با این فناوری ها در مقیاس و ماهیت بسیار متفاوت است (Ginzky et al. 2011). مهم اینکه تنها تکنیکی که پیش بینی می شود بیش از ۵۰ درصد احتمال حفظ میانگین جهانی افزایش دما در زیر 2 درجه ی سانتیگراد را داشته باشد، استفاده ی گسترده از ترکیب زیست توده برای تولید انرژی و جذب و ذخیره ی کربن در مقیاس صنعتی است (Schaefer et al., forthcoming). چنین تلاشی می تواند تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی بزرگی داشته باشد اگر از زمین کشاورزی برای رشد زیست توده استفاده شود (UNEP and Convention on Biological Diversity 2012).

در تزریق آئروسول استراتوسفر تلاش می شود که برای خنک کردن سریع آب و هوا، تأثیرات یک فوران وسیع آتشفشانی بازآفرینی شود (Rasch et al. 2008). طرفداران این فناوری خاطرنشان می کنند که ممکن است نسبتاً مقرون به صرفه و سریع باشد، درحالی که منتقدان متذکر می شوند که خطرات مرتبط با چنین مداخلات گسترده ای در سیستم اقلیمی مورد بررسی کافی قرار نگرفته است. برای مثال، تزریق آئروسول استراتوسفر ممکن است به تغییر الگوهای بارش منطقه ای در آسیا و افریقا منجر شود که تأثیر منفی قابل توجهی بر معیشت و امنیت غذایی دارد (Schaefer et al., forthcoming; Dabelko et al. 2013).

یک مشکل کلی در مهندسی اقلیم این است که فقط به علایم و نه علت اصلی مشکل می پردازد (Kiehl 2008). در بدترین حالت، ترس منتقدان از این است که امید به مهندسی کردن اقلیم اقدامات کاهش اثر و سازگاری را متوقف کند. به این ترتیب، در صورت عدم موفقیت این فناوری ها یا توقف آن ها، خطرات افزایش می یابد (Dabelko et al. 2013). از آنجا که تقریباً هیچ قانون رسمی بینالمللی یا حتی هنجارهای غیررسمی بر گسترش فناوری های مهندسی زمین حاکم نیست، نگرانی قابل توجهی هم وجود دارد که از نیروهای نظامی برای به کارگیری یا منع به کارگیری این فناوری ها استفاده شود.

سوختهای زیستی باعث تبدیل جنگل بارانی، توربزارها، علفزارها و مراتع به اراضی کشاورزی به ویژه در برزیل، آسیای جنوب شرقی و ایالات متحده شده است (Fargione et al. 2008) و به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، آلودگی جوی، مصرف بی‌رویه و آلودگی آب، جنگلزدایی و از بین رفتن تنوع زیستی انجامیده است (Gasparatos et al. 2013). امروز تا 5/9 درصد از جنگل‌زدایی در منطقه‌ی ماتو گروسو در برزیل ناشی از تبدیل به مزارع سویا برای تولید بیودیزل است (Gao et al. 2011). در آمازون، رشد سایر محصولات فروشی برای تولید سوخت زیستی از سال ۲۰۰۰ به طور متوسط سالانه ۷ درصد بوده است (German et al. 2011; Valdes 2011). آندونزی، یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان روغن نخل در جهان، وسعت مزارع خود را از 4/2 میلیون هکتار در سال ۲۰۰۰ به 7/6 میلیون هکتار در سال ۲۰۰۹ رساند (Gao et al. 2011).

گسترش محصولات فروشی باعث ایجاد و دامن زدن به درگیری‌های مرتبط با منابع محلی و عمدتاً بر سر تصرف زمین شده است. «آوارگی خانواده‌های فقیر در موزامبیک و تانزانیا، تمرکز زمین‌ها در دست بازیگران قدرتمند در برزیل، آندونزی و پاپوا گینه‌ی نو، از دست دادن حقوق زمین بر اثر فشار و ناآگاهی در آندونزی، و تصرف خشونت‌آمیز زمین در کلمبیا» (Gasparatos et al. 2013) از جمله‌ی نمونه‌های آن است.

فناوری‌های سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر توسعه‌ی صنعت استخراج را افزایش میدهد و به طور بالقوه باعث تعارض بر سر رانت‌های منابع میشود.

سرمایه‌گذاری رو به رشد در فناوری‌های سبز و منابع انرژی تجدیدپذیر تقاضا برای برخی مواد معدنی و فلزات، از مواد خاص نظیر مواد معدنی خاکی کمیاب تا فلزات انبوه مانند مس و فولاد، را افزایش می‌دهد. یک تغییر بزرگ به سمت فناوری‌های سبز باعث افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت‌ها و بدین ترتیب استخراج بیشتر منابع می‌شود. تأثیرات اجتماعی و محیط زیستی استخراج غیرمسئولانه‌ی منابع می‌تواند به ناامنی معیشتی و درگیری بر سر منابع محلی منجر شود (Bonds and Downey 2012). بهبود بازیافت و شناسایی مواد جایگزین، در کنار افزایش بهره‌وری منابع، ممکن است با این روند مقابله کند. اما صرف جایگزینی منابع فقط تقاضای فزاینده را از یک منبع بر منبع دیگر متمرکز خواهد کرد.

رونق استخراج معادن در جمهوری دموکراتیک کنگو در دهه‌های 1990 و 2000 پتانسیل درگیری این فعالیت‌ها را نشان داد. رانت‌های قلع، کلتان، طلا و ولفرامیت نهادهای دولتی را تضعیف کرد، فساد را افزایش داد، و با تأمین مالی گروه‌های مسلح به درگیری‌ها دامن زد (Dabelko et al. 2013). منابع طبیعی و رانت آن‌ها می‌تواند یک منبع مهم درآمد و اشتغال باشد و به توسعه کمک کند. اما بر اثر مدیریت ضعیف، تأثیرات منفی رانت‌های منابع می‌تواند کشورهای در حال توسعه را وارد یک چرخه‌ی معیوب فساد، توسعه‌نیافتگی و آسیب‌پذیری کند، به ویژه با افزایش استخراج در موقعیت‌های آسیب‌پذیر (Stevens et al. 2013).

تغییر جهت گسترده به سمت فناوری‌های سبز و انرژی تجدیدپذیر می‌تواند مصرف سوخت فسیلی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. کشورهای وابسته به صادرات سوخت فسیلی به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد خود چگونه این انتقال را مدیریت می‌کنند؟ پژوهش‌چندانی در مورد پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کاهش مصرف نفت در جهان برای کشورهای صادرکننده‌ی نفت صورت نگرفته است؛ «آنچه معلوم است سقوط‌های دوره‌ای قیمت نفت از زمان نخستین بحران نفت در دهه‌ی ۱۹۷۰ سختی موقت برای جمعیت‌های بسیاری از کشورهای صادرکننده‌ی نفت ایجاد کرده است» (Dabelko et al. 2013, 23).

سیاست‌های ضعیف سازگاری می‌توانند آسیب‌پذیری برخی گروه‌ها، بخش‌ها و سیستم‌ها را در برابر اقلیم و شکنندگی افزایش دهند.

سیاست‌های سازگاری به دنبال کاهش آسیب‌پذیری کشورها و جوامع در برابر تغییر اقلیمی هستند. با این حال طراحی و اجرای ضعیف آن‌ها می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری برخی گروه‌ها، بخش‌ها یا سیستم‌ها شود (Barnett and O'Neill 2010). تأثیرات گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی آن‌ها می‌تواند خطرات درگیری‌ها بر سر منابع محلی، ناامنی معیشتی، ناامنی غذایی، و آسیب‌پذیری در برابر بلاها را افزایش دهد.

در عین حال که هیچ ارتباط خود به خودی بین سازگاری و این تأثیرات ناخواسته وجود ندارد، در صورتی که سیاست‌ها یا اقدامات، ویژه‌ی بستر و حساس به درگیری یا کاملاً توجیه‌کننده‌ی تأثیرشان در بخش‌های دیگر نباشند، بروز می‌کنند.

را آشتی می‌دهد که هشدار بود برخی گروه‌های جامعه‌ی مدنی. سازمان‌های غیردولتی نگران بودند که شرکت‌ها از چنین اتحادی برای سبزشویی فعالیت‌های خود بدون تغییر روش‌هایشان استفاده کنند. این سازمان‌ها به ویژه نسبت به فقدان کامل معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی انتقاد داشتند که، برای مثال، باعث نادیده گرفتن تبدیل جنگل‌ها به اراضی کشاورزی می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها استفاده از بودجه‌ی متوازن‌سازی کرین برای پروژه‌های هوشمند به اقلیم را مورد انتقاد قرار دادند، زیرا می‌تواند محرک دیگری برای گرفتن زمین از کشاورزان خرده‌مالک به ویژه در جهان جنوب ایجاد کند. همچنین ناعادلانه بار کاهش اثر را بر دوش افرادی می‌گذارد که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر بحران اقلیمی و کمترین نقش را در ایجاد آن دارند (Climate Smart Agriculture Concerns 2014).

در سال ۲۰۱۴، اتحاد جهانی در زمینه‌ی کشاورزی هوشمند به اقلیم در اجلاس اقلیمی سازمان ملل متحد به جریان افتاد و هدف آن عبارت بود از گسترش «شرایط فنی، سیاستی و سرمایه‌گذاری برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار کشاورزی برای امنیت غذایی تحت تأثیر تغییر اقلیمی» (FAO 2014a). براساس سه رکن کشاورزی پایدار، سازگاری و کاهش اثر، این مفهوم در بخش‌های کشاورزی، شیلات و دامپروری در برخی از حساس‌ترین مناطق نسبت به اقلیم در جهان از جمله افریقا، کوه‌های آند و شرق آسیا به کار رفته است. داستان‌های موفقیت این طرح متنوع است، از بهبود مراتع چرا و شیوه‌های پایداری در استان چینگهای چین تا مدیریت فرامرزی اکوسیستم کشاورزی در حوضه‌ی رودخانه‌ی کاگرا وجود دارد. اتحاد دولت‌ها و بخش خصوصی، از جمله شرکت‌های بزرگی مانند سینجنتا، یارا، وال مارت و مک‌دونالد،

مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

افزایش میباید در صورتی که ...	کاهش می‌یابد در صورتی که ...
یک چارچوب اجتماعی و زیست‌محیطی اتخاذ نشود. استانداردهای اجتماعی و محیط زیستی بسیار ضعیف، و اجرا و نظارت بی‌اثر باشد.	معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی به عنوان بخشی از یک فرایند بین‌المللی چندجانبه اتخاذ شود. نهادی نظارتی از رعایت معیارهای اجتماعی و محیط زیستی اطمینان حاصل کنند. شرایط کسب رتبه‌ی کشاورزی هوشمند به اقلیم از نظر قانونی الزام‌آور شود.
پروژه‌های کشاورزی هوشمند به اقلیم در قطب‌های کشاورزی، شیلات و دامپروری اجرا شود و وجود درگیری بر سر منابع یا آسیب‌پذیری در آن‌ها به تشدید رقابت و به حاشیه رانده شدن برخی گروه‌های کاربری بینجامد.	پروژه‌های کشاورزی هوشمند به اقلیم با حساسیت نسبت به درگیری و اقلیم طراحی و اجرا شود و همکاری میان گروه‌های کاربری رقیب بهبود یابد و مدیریت فراگیر منابع تقویت شود.
پروژه‌های کشاورزی هوشمند به اقلیم از کشاورزی در مقیاس بزرگ حمایت کنند، که موجب سلب مالکیت در مناطق دارای حقوق تصرف نامعین و جانبداری از کشاورزان کلان در برابر کشاورزان خرد با حداقل معیشت شود. شرکت‌های درگیر اتحاد کشاورزی هوشمند به اقلیم از پروژه‌ها برای افزایش وابستگی کشاورزان به محصولات خود استفاده کنند که منجر به بدهی و دعوی مربوط به فناوری‌های ثبت‌شده‌ی کشاورزی هوشمند به اقلیم شود.	اقدامات احتیاطی ویژه برای تملک گسترده‌ی اراضی جلوی ناامنی معیشتی و «زمین‌خواری» را بگیرد الزامات صدور گواهی اجتماعی و محیط زیستی و رعایت حداقل استانداردها مانع از استفاده‌ی شرکت‌ها از برچسب کشاورزی هوشمند به اقلیم در زمانی شود که به نقض حقوق زمین و افزایش ناامنی معیشتی دست می‌زنند
اولویت دادن به محصولات فروشی با تاب‌آوری اقلیمی نسبت به محصولات غذایی حساس به اقلیم منجر به کاهش غذای آماده‌ی خوردن و افت امنیت غذایی در جوامع محلی شود.	به منظور تأمین تقاضا در جوامع محلی، عرضه‌ی محصولات غذایی و محصولات فروشی متعادل باشد.

مدیریت خطر بلایا آسیب‌پذیری را افزایش میدهد.

به هیزم به عنوان سوخت اصلی برای پخت و پز وابسته هستند (Government of Rwanda 2013). با توجه به اینکه در منطقه سابقه‌ی درگیری قومی وجود دارد، خطر تشدید آسیب‌پذیری با اتخاذ این استراتژی‌ها بالا است.

ثانیاً استراتژی‌های دولت برای تغییر تولید از صیفی‌کاری و محصولات معیشتی مانند سیب‌زمینی و لوبیا به سمت محصولات فروشی مانند قهوه و چای باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر تغییر اقلیمی و نهایتاً شکنندگی شد. محصولات فروشی می‌توانند فقر را کاهش و رشد اقتصادی را افزایش دهند. با این حال، چای و قهوه محصولات زراعی حساس به اقلیم هستند و کشاورزی پلکانی جنگل‌زدایی را تشدید می‌کند. علاوه بر این، ممنوعیت کشاورزی برای تأمین معیشت نارضایتی را در بین افرادی که کمتر قادر به سیر کردن خود بودند افزایش داد (International Alert, forthcoming).

منطقه‌ی نگورورو در رواندا به دلیل توپوگرافی کوهستانی، تراکم بالای جمعیت، و الگوهای متغیر اقلیمی با خطرات زیست‌محیطی روبه‌رو است. در سال ۲۰۰۷، سیل و رانش زمین خانه‌ها و اموال را تخریب و هزاران نفر را آواره کرد و معیشت را از بین برد (UNDP 2012b). برنامه‌ی اصلاحات ارضی دولت رواندا بخش اعظم نگورورو را در طیفه‌ی «منطقه‌ی پرخطر» قرار داد. مردم این مناطق، که عمدتاً کشاورزان فقیر روستایی با حداقل معیشت بودند، در مناطق امن‌تر یا روستاهای نمونه اسکان داده شدند. زمین‌های پرخطر گرفته‌شده، طبق برنامه‌ی دولت، با کاشت محصولات فروشی مانند چای و قهوه که روشی است برای مهار فرسایش خاک، بازسازی می‌شوند تا خطر رانش زمین کاهش یابد (Ngabitsinze et al. 2011).

با این حال، بر اثر مدیریت نامطلوب جابه‌جایی مردم، جمعیت آوارگان فاقد زمین برای کشت کردن غذای خود هستند. امنیت انرژی نیز محدود است زیرا 98/8 درصد از خانوارهای منطقه

فشارها در رواندا



© adelphi

تغییر مسیر

ذوب یخها، با بیثبات کردن شدید اقلیم، بروز مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را در سطح جهان تسریع می‌کند.

حتی بدون گسترش فعالیت‌های انسانی در قطب شمال، ذوب سریع صفحه‌ی یخی و سردخاک در قطب شمال می‌تواند به شدت اقلیم را بیثبات کند. هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی سه «رویداد وسیع شکفت‌آور» یا نقطه‌ی اوج را در قطب شمال بررسی می‌کند که در صورت وقوع ممکن است منجر به تغییرات ناگهانی و شدید با تأثیرات بسیار بزرگ و جهانی شود. مدل‌سازی این آستانه‌ها دشوار و پیش‌بینی‌ها غالباً توأم با درجه‌ی بالایی از عدم قطعیت است (IPCC 2014). خطر عبور از این آستانه‌های مهم در قطب شمال ممکن است همه‌ی مخاطرات درآمیخته‌ی دیگر را در سطح جهان به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

اول، با کاهش یخهای منعکس‌کننده‌ی نور، مقدار بیشتری از تابش خورشیدی جذب سطح می‌شود و ذوب شدن و گرم شدن را تسریع می‌کند (UNEP 2012b). گرمای اضافی که در تابستان جذب اقیانوس منجمد شمالی می‌شود بعدتر در جو آزاد می‌شود و به افزایش دمای جوی کمک می‌کند (Francis and Vavrus 2012). یک ارزیابی در سال ۲۰۱۴ حاکی از تابستان تقریباً بدون یخ در قطب شمال تا دهه‌ی ۲۰۳۰ است (Melillo et al. 2014). بازخوردهای مضاعف در قطب شمال احتمالاً در طی دهه‌های بعد ادامه می‌یابد و منجر به تغییرات بزرگ در دمای هوای سطحی تا سال ۲۱۰۰ می‌شود (Overland et al. 2013).

دوم، کوچک شدن عمده‌ی صفحات یخی گرینلند افزایش سطح آب دریا در جهان را به طور قابل توجه و برگشت‌ناپذیری تشدید می‌کند. در طی 20 سال گذشته، ذوب شدن صفحات یخی گرینلند باعث 0/5 میلی‌متر افزایش سالانه‌ی سطح آب دریا شده است. در سناریوی ۴ درجه‌ی سانتیگراد، تخمین زده می‌شود که در 0/52 تا 0/98 متر افزایش پیش‌بینی‌شده‌ی سطح آب دریا تا سال 2100 نقش داشته باشد (Fettweis et al. 2013; IPCC 2014).

سوم، سردخاک در حال ذوب ممکن است مقادیر زیادی متان آزاد کند، یک گاز گلخانه‌ای که ۲۵ برابر قوی‌تر از دی‌اکسید کربن و یک محرک قدرتمند تغییر اقلیمی است. انتظار می‌رود که تا سال ۲۱۰۰، در جهانی که 2 درجه‌ی سانتیگراد گرم‌تر شده، سطح سردخاک ۳۷ درصد و با ۴ درجه‌ی سانتیگراد گرم‌تر شدن، تا ۸۱ درصد کاهش یابد (IPCC 2013). در سال ۲۰۱۲، در یک مطالعه‌ی Nature تخمین زده شد که بین سال‌های 2015 و 2025 ممکن است ۵۰ میلیارد تن متان از ذوب سردخاک در زیر دریای سیبری شرقی آزاد شود و سطح فعلی متان جو را 10 برابر افزایش دهد، که این امر با ایجاد یک حلقه‌ی بازخورد، ۶۰ تریلیون دلار خسارت وارد می‌کند (Whiteman et al. 2013). پیش‌بینی می‌شود که سردخاک ظرف چند سال آینده شروع به ذوب شدن کند و این پدیده قرن‌ها ادامه یابد و تأثیراتی هم در کوتاه‌مدت (تا سال ۲۱۰۰) و هم در بلندمدت (پس از ۲۱۰۰) داشته باشد (UNEP 2012b).

اگر درگیری‌های ژئوپولیتیکی سازوکارهای حکمرانی را در قطب شمال تحت‌الشعاع قرار دهد، افزایش فعالیت می‌تواند خطرات جدید درگیری به وجود آورد.

برخی افزایش اهمیت استراتژیک قطب شمال را توأم با پتانسیل افزایش درگیری می‌بینند (Käpylä and Mikkola 2013; CAN 2014). با این حال، محیط ناپذیر و قدرت و عملکرد نهادهای سیاسی باعث می‌شود دیگران این سناریوهای درگیری را بعید بدانند.

تا امروز ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حکمرانی در مدیریت منافع واگرا موفق بوده‌اند و کشورهای قطب شمال گرایشی به کشاندن تنش‌ها به درگیری نشان نداده‌اند (Huebert et al. 2012). شورای قطب شمال به عنوان نهاد اصلی حکمرانی آن در سال ۱۹۹۶ توسط کانادا، فنلاند، دانمارک، ایسلند، نروژ، روسیه، سوئد و ایالات متحده تأسیس شد. در سال ۲۰۰۸، پنج کشور قطب شمال بیانیه‌ی ایلولیسات را در توافق بر سر حمایت از محیط زیست دریایی، ایمنی دریایی، و مسئولیت‌های اضطراری در قبال مسیرهای جدید حمل و نقل امضا کردند. در سال ۲۰۱۱، کشورهای عضو شورای قطب شمال اولین توافق‌نامه‌ی خود را در مورد همکاری‌های هوایی و دریایی امضا کردند. در سال ۲۰۱۳، تمام کشورهای قطب شمال تعهد خود را برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات مرزی دریایی از طریق معاهده‌ی کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها تمدید کردند (Käpylä and Mikkola 2013).

تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی استخراج گسترده‌ی منابع می‌تواند مخاطرات محلی آسیب‌پذیری ایجاد کند.

دولت گرینلند به دنبال استقلال اقتصادی بیشتر از طریق توسعه‌ی بخش‌های انرژی و استخراج خود است، به ویژه که ذخایر ماهی در نزدیکی سواحل گرینلند به دلیل صید بی‌رویه و تغییر اقلیمی رو به اتمام است (FAO 2010; Rüttinger and Wolters 2014). در سال ۲۰۱۳، گرینلند اولین مجوزهای اکتشاف و بهره‌برداری نفت و گاز را اعطا و اعلام کرد که تا سال 2020، 8/4 میلیارد یورو در بخش انرژی و 1/2 میلیارد یورو در استخراج معدن سرمایه‌گذاری خواهد کرد (Rüttinger and Wolters 2014; Casey 2014). با این حال، کاهش‌های اخیر در قیمت کالاها منجر به کند شدن اکتشاف در قطب شمال شده است (Holter 2015; Tully 2015).

آثار زیست‌محیطی و اجتماعی معدن‌کاری در گرینلند عمدتاً نامعلوم است. اکوسیستم‌های قطب شمال بسیار حساس هستند و با آشکارتر شدن اثرات تغییر اقلیمی آسیب‌پذیرتر خواهند شد. آلودگی آب و خاک بر اثر معدن‌کاری بر معیشت جوامع بومی محلی اثر منفی می‌گذارد. اگر استخراج منابع به خوبی مدیریت نشود، افزایش ناامنی معیشتی و تأثیرات منفی محیط زیستی و اجتماعی می‌تواند درگیری‌های جدیدی بین شرکت‌های معدن‌کاری و جمعیت‌های محلی ایجاد کند (Rüttinger and Wolters 2014).

تأثیرات جهانی ذوب شدن یخ‌های قطب شمال

با ذوب شدن یخ‌های قطب شمال، ناامنی محلی معیشتی و تسریع شدید تغییرات جهانی اقلیمی، خطرات بزرگ‌تری نسبت به درگیریهایی بین‌المللی بر سر دسترسی به منابع قطب شمال هستند.

تأثیرات جهانی ذوب شدن یخ‌های قطب شمال	
<ul style="list-style-type: none"> • تقویت نهادهای حکمرانی موجود در قطب شمال، به ویژه آن‌هایی که بستری برای حل اختلافات دسترسی و مرزی در عین تشدید محافظت و نظارت محیط زیستی فراهم می‌کنند. • مشورت با بومیان ساکن قطب شمال در مورد نحوه‌ی ایجاد تعادل بین استخراج و معیشت محلی پایدار و تاب‌آور. • ایجاد مشارکت در طراحی و اجرای اقدامات سیاستی از جمله استراتژی‌های رشد کم‌کربن و سبز برای کاهش فشارهای تغییر اقلیمی بر قطب شمال. 	<p>نقاط ورود</p>

آب شدن یخ‌های دریای قطب شمال، و همچنین فناوری‌های جدید، دسترسی روزافزون به این منطقه را ممکن می‌سازد. این دسترسی شامل گشودن مسیرهای جدید تجارت و حمل و نقل مانند گذرگاه شمال غربی، و امکانات جدید برای بهره‌برداری از منابع، گردشگری و ماهیگیری است (IPCC 2014).

قطب شمال پتانسیل بزرگی برای استخراج منابع دارد.

براساس گزارش مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات استراتژیک (2011)، ۲۰ درصد از منابع تأمین هیدروکربن جهان در زیر یخ‌پهنه‌های به سرعت در حال ذوب قرار دارد. این منابع شامل ۳۰ درصد ذخایر گازی کشف‌نشده‌ی جهان و ۱۳ درصد ذخایر نفتی کشف‌نشده‌ی آن است (US Geological Survey 2008). اکتشاف و استخراج به فناوری‌های متناسب و گرانبه‌تر نیاز خواهد داشت که خطرات زیادی به همراه دارد (Lee et al. 2012).

قطب شمال همچنین دارای ذخایر بزرگ مواد معدنی و فلزات است. قطب شمال روسیه ۴۰ درصد از ذخیره‌ی جهانی پالادیوم و بیش از ۱۰ درصد نیکل و کبالت جهان را تولید می‌کند (Lindholt 2007). گرینلند دارای ذخایر طلا، نیوبیوم، فلزات گروه پلاتین، تانتالوم، فلوراید، روی و زمین‌های نادر است که همه تا حد زیادی توسعه نیافته‌اند (Boersma and Foley 2014). در سال ۲۰۱۳، گرینلند به ممنوعیت استخراج مواد رادیواکتیو پایان داد و اکنون در حال کشف، استخراج و صادرات اورانیوم است (EurActiv 2014).

تغییر اقلیمی دامنه‌ی فعالیت‌های انسانی را در قطب شمال افزایش می‌دهد. با ذوب شدن یخ دریا و سردخاک در قطب شمال، خطوط حمل و نقل جدید، معابر تجاری، و مناطق کشف منابع در دست بهره‌برداری است. اما سطوح بالای درگیری در قطب شمال بر سر مرزهای مورد مناقشه، مسیرهای دریایی، و دسترسی به منابع طبیعی در حال حاضر به علت استحکام نهادهای سیاسی و محیط ناپذیرا بعید به نظر می‌رسد. با استخراج منابع قطب شمال در مقیاس وسیع، ممکن است تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی آن باعث افزایش ناامنی معیشتی در جمعیت‌های محلی شود. ذوب شدن یخ‌های دریای قطب شمال و سردخاک (پرمافراست) از جمله در بستر دریای سیبری شرقی می‌تواند به تغییر اقلیمی شتاب قابل ملاحظه‌ای ببخشد و از این رو به طور بالقوه تمام مخاطرات درآمیخته‌ی مورد بحث در این گزارش را افزایش دهد.

وضعیت امروز قطب شمال

سرعت گرم شدن در قطب شمال دو برابر بقیه‌ی کره‌ی زمین است (Huebert et al. 2012). از دهه‌ی ۱۹۷۰، یخ‌های دریای قطب شمال در هر دهه ۱۲ درصد کاهش یافته است (NASA 2013). یخ سطحی قطب شمال در زمستان گسترده و در تابستان جمع می‌شود، اما تعداد روزهایی در تابستان که یخ مسافت زیادی از ساحل دور می‌شود و عقب می‌نشیند به سرعت افزایش یافته است. در نتیجه، بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۱۰، یخ‌های دریای قطب شمال در طول تابستان حداقل حدود ۵۰ درصد و در طول زمستان حداکثر حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است (Huebert et al., 2012; Fetterer et al. 2012).

هفت مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری دولتها و جوامع را تهدید میکند

1 فشارهای جهانی در
حال افزایش است

تخریب محیط زیست

تغییر اقلیمی

رشد جمعیت

افزایش تقاضای منابع

توسعه‌ی اقتصادی
نامتوازن و نابرابری

شهرنشینی

2 تغییر اقلیمی افزایش‌دهنده‌ی
نهایی تهدید است



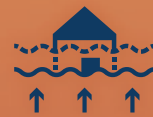
وقایع شدید آب و
هوایی و بلایای طبیعی



نوسان در قیمت‌ها و
تأمین مواد غذایی



مدیریت آبهای
فرامرزی



افزایش سطح آب
دریا و تخریب ساحلی



نامانی معیشتی
و مهاجرت



تأثیرات ناخواسته‌ی
سیاست‌های اقلیمی



رقابت بر سر
منابع محلی

هفت مخاطره‌ی درآمیخته‌ی مورد بحث در این فصل، ما را به نتایج روشنی رهنمون می‌کند.

در تحلیل خطر درگیری‌های مربوط به منابع محلی، تأکید بر اهمیت نهادهای قابل اعتماد مدیریتی است. این نهادها باید بتوانند فشارهای فزاینده‌ی رشد جمعیت، توسعه‌ی اقتصادی، تخریب محیط زیست، و تغییر اقلیمی را مدیریت کنند. با این حال، اگر این نهادها حامی محرک‌های درگیری، نظیر نابرابری و به حاشیه رانده شدن برخی گروه‌ها، باشند می‌توانند آسیب‌پذیری را تقویت و تشدید کنند.

ناامنی معیشتی ارتباط نزدیکی با اشتغال، درآمد و مهاجرت دارد. تغییر اقلیمی با تأثیر گذاشتن بر معیشت‌های وابسته به بخش‌های حساس به اقلیم مانند کشاورزی، به ویژه در کشورهای با جمعیت‌های بزرگ جوانان و مشروعیت کم، خطر بی‌ثباتی سیاسی را افزایش می‌دهد. جابه‌جایی مردم از مناطق روستایی به شهرها و به آن سوی مرزها عامل مهم انتقال خطرات است، به ویژه اگر فشارها در مناطق پذیرنده به سطوح ناپایدار برسد، همان طور که در خاورمیانه در جریان درگیری‌های سوریه و دولت اسلامی مشاهده شد. با این حال، جابه‌جایی مردم نیز یکی از مهم‌ترین سوپاپ‌های اطمینان برای مقابله با ناامنی معیشتی است.

رابطه‌ی بین وقایع شدید آب و هوایی، بلایای طبیعی و آسیب‌پذیری اغلب متقابلاً تقویت می‌شود: بلایا آسیب‌پذیری موجود را تشدید می‌کنند و اگر دولت‌ها از عهده‌ی آمادگی در برابر بلایا و مدیریت آن‌ها برنیایند، مشروعیت آن‌ها لطمه می‌بیند و نارضایتی‌ها افزایش می‌یابد. اما چنانچه بلایا را خوب مدیریت کنند، بحران می‌تواند در عوض فرصتی برای بهبود رابطه‌ی میان جامعه و دولت فراهم کند و حتی در برخی موارد میان دشمنان سابق صلح و آشتی برقرار سازد.

نوسان در قیمت و تأمین مواد غذایی می‌تواند یک عامل مهم آسیب‌پذیری باشد. زمانی که قیمت مواد غذایی به سرعت و به طور غیرمنتظره تغییر می‌کند، رژیم‌های متکی به یارانه‌های مواد غذایی به عنوان جایگزین یک قرارداد اجتماعی واقعی، با بی‌ثباتی و ناآرامی سیاسی روبه‌رو می‌شوند. انتظار می‌رود در دنیای تقاضای روزافزون، نوسانات در قیمت‌ها و عرضه با تغییر اقلیمی تشدید شود. با توجه به ماهیت جهانی بازارهای مواد غذایی و زنجیره‌های عرضه، شوک‌ها به راحتی می‌توانند در سراسر جهان پخش شوند. اگر کشورها، با وضع ممنوعیت صادرات، اقدامات یک‌جانبه برای محافظت از ذخیره‌ی خود انجام دهند، مخاطرات برای همه افزایش می‌یابد.

فشارهای عرضه و تقاضا بر منابع آبی به طور فزاینده‌ای با تغییر اقلیمی همگرایی خواهد داشت. با این حال، خطر درگیری‌های آبی فرامرزی نه از کمبود منابع بلکه از بستر سیاسی و نهادی خاص حوضه‌ی رود ناشی می‌شود. اگر نهادهای مدیریت منابع آبی فرامرزی نتوانند فشارهای فزاینده را مدیریت کنند، ممکن است دولت‌ها خود را مجبور به سیاسی کردن درگیری‌ها بر سر مصارف آب ببینند. طرح‌های زیرساخت‌های جدید و بزرگ مقیاس آبی می‌تواند رژیم‌های مدیریت آب را از اساس دگرگون کند و با تغییر موازنه‌ی قدرت در یک حوضه، به طور بالقوه موجب درگیری‌های پیشگیرانه شود.

بالا آمدن سطح آب دریاها برای بسیاری از کشورها در سراسر جهان تهدیدی وجودی است. از بین رفتن تمامیت ارضی مرزها را تغییر خواهد داد و ممکن است در درگیری بر سر مرزهای مورد مناقشه نقش داشته باشد. درحالی‌که افزایش سطح آب دریاها منجر به زیر آب رفتن کامل یا قابل ملاحظه تا سال ۲۰۵۰ نخواهد شد، تأثیرات مقدم بر آن نیز همان قدر نگران‌کننده است؛ بلایایی نظیر امواج توفان و نفوذ آب شور باعث افزایش ناامنی معیشتی می‌شود و به مهاجرت مدت‌ها قبل از زیر آب رفتن میانجامد.

قطب شمال بیشتر از سایر مناطق جهان از تأثیرات تغییر اقلیمی لطمه خواهد دید. با کاهش یخ و سردخاک، احتمال فعالیت انسانی افزایش می‌یابد. خطر درگیری بر سر مسائل مورد مناقشه‌ی مرزی، کنترل مسیرهای دریایی، و دسترسی به منابع طبیعی به سطح تنش‌های ژئوپلیتیکی بستگی دارد. با این حال، آثار جانبی ناشی از تأثیرات زیست‌محیطی استخراج منابع در قطب شمال می‌تواند عامل آسیب‌پذیری محلی باشد. علاوه بر این، ذوب صفحه‌ی یخی و سردخاک در قطب شمال نقطه‌ی اوجی در نظام کره‌ی زمین است که می‌تواند تغییر اقلیمی را به میزان قابل ملاحظه‌ای تسریع بخشد و بدین ترتیب کل مخاطرات درآمیخته را در سایر نقاط جهان افزایش دهد.

نتایج نظرسنجی

آیا تحلیل ما از مخاطرات با تحلیل تصمیمگیرندگان و دست‌اندرکاران سیاست خارجی یکسان است؟

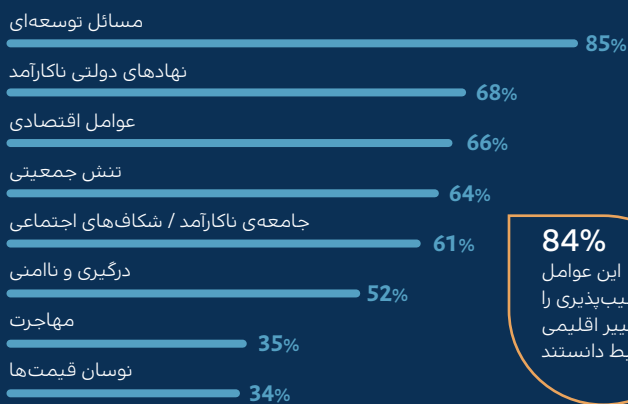
دست‌اندرکاران سیاست خارجی

کارشناسان

1. تغییر اقلیمی:

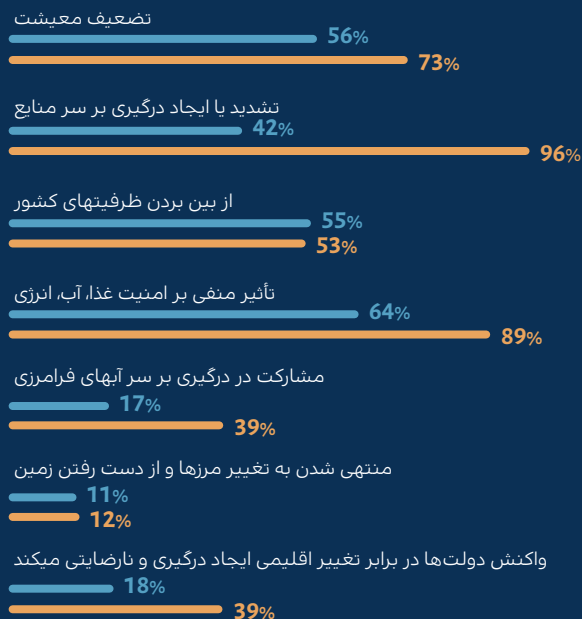


2. فاکتورها و عوامل اصلی آسیب‌پذیری کدام‌اند؟



84%
این عوامل
آسیب‌پذیری را
با تغییر اقلیمی
مرتبط دانستند

3. کدامیک از آثار تغییر اقلیمی محرک آسیب‌پذیری هستند؟



© adelphi

نظرسنجی: آیا تحلیل ما از مخاطرات با تحلیل تصمیمگیرندگان و دست‌اندرکاران سیاست خارجی یکسان است؟

درک از خطر با توجه به نقش منابع مورد مناقشه از جمله غذا، آب، انرژی و آب‌های فرامرزی متفاوت است. تعداد اندکی از دو گروه تغییر مرزها و از دست رفتن زمین را مخاطره می‌دیدند. ذوب یخ‌های قطب شمال جزو پرسش‌نامه نبود و بنابراین در این جدول ذکر نمی‌شود. از سال ۲۰۰۵، مجمع جهانی اقتصاد هر سال با حضور کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان از سراسر جهان به بررسی بزرگ‌ترین مخاطرات جهانی پرداخته است. در یک دهه‌ی گذشته، نتایج گزارش جهانی خطرات، زیست‌محیطی از جمله تغییر اقلیمی و وقایع شدید آب و هوایی و کمبود آب را به ثبت رسانده است. اگرچه این گزارش‌ها تغییر اقلیمی را یک خطر محیط زیستی و نه یک خطر گسترده‌تر اجتماعی - اقتصادی و ژئوپلیتیکی تلقی می‌کند، در عین حال نشان‌دهنده‌ی افزایش قابل توجه اهمیت خطرات زیست‌محیطی است. علاوه بر این، گزارش سال ۲۰۱۵ مجمع جهانی اقتصاد بر افزایش نابرابری اقتصادی و اجتماعی و بیکاری ساختاری و اثر تغییر اقلیمی در افزایش فشار بر جوامع تأکید می‌کند.

یک نظرسنجی از 102 دست‌اندرکار سیاست خارجی در کشورهای گروه هفت، که به عنوان بخشی از این پروژه انجام شد، نشان داد که ۵۲% تغییر اقلیمی را یک تهدید قریبالوقوع و ۴۲% آن را تهدیدی در آینده‌ی نزدیک می‌دانند. درحالی‌که پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی طیف گسترده‌ای از عوامل و محرک‌های آسیب‌پذیری را مطرح می‌کردند، اکثراً در مورد مسائل توسعه‌ای (۸۵%)، نهادهای دولتی ناکارآمد (68%)، تنش‌های جمعیتی (6۴%) و عوامل اقتصادی (66%) اتفاق نظر داشتند. تعداد محدودی نوسان قیمت‌های انرژی، مواد غذایی و آب (۳۴%) و مهاجرت (۳۵%) را ذکر کردند. تعداد زیادی (84%) نیز عوامل آسیب‌پذیری را با تغییر اقلیمی مرتبط دانستند. این اینفوگرافی پاسخ‌های نظرسنجی از دست‌اندرکاران سیاست خارجی را با پاسخ‌های گروه‌هایی متشکل از ۲۹ متخصص ملی در حوزه‌ی اقلیم و امنیت به عنوان بخشی از این پروژه مقایسه می‌کند.

ما اکنون در دنیای فشارهای فزاینده بر دولت‌ها، جوامع و محیط زیست زندگی می‌کنیم. محرک‌ها و فشارها – همان طور که در مقدمه بیان و در سراسر تحلیل خطر نشان داده شده است – عمدتاً در انواع مخاطرات درآمیخته یکسان است. اکثر مخاطرات با مواد غذایی، آب، و امنیت انرژی و منابع طبیعی و اکوسیستم‌هایی که به آن‌ها متکی‌اند ارتباط تنگاتنگ دارند. بر این اساس، آن‌ها از یکدیگر جدا نیستند و تحت تأثیر همان محرک‌ها و فشارها قرار دارند: تغییر اقلیمی، جمعیت و تقاضای رو به افزایش، سوء مدیریت، و آلودگی و تخریب محیط زیستی. تفاوت مخاطرات درآمیخته عمدتاً در چگونگی تأثیر متقابل این فشارها است.

موقعیت‌های آسیب‌پذیری که این مخاطرات می‌توانند ایجاد کنند تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. برخی مخاطرات بیشتر مستعد سوق دادن دولت‌ها به سمت آسیب‌پذیری و، در موارد شدید، درگیری هستند. مخاطرات به روش‌های مختلف تأثیر متقابل دارند. برای مثال، درگیری‌ها بر سر منابع طبیعی محلی و ناامنی معیشتی عمدتاً در سطح محلی عمل می‌کنند اما می‌توانند آثار مهم و بزرگ‌تر جانی مانند مهاجرت داشته باشند. در جاهایی که این مخاطرات درآمیخته از یک آستانه عبور کنند، می‌توانند کل کشورها و مناطق را بیثبات کنند. از طرف دیگر، درگیری بر سر آب‌های فرامرزی اغلب تأثیرات بزرگی دارد که معیشت و دسترسی به منابع طبیعی در سطح محلی را تهدید می‌کند. بازارهای جهانی و وقایع شدید آب و هوایی در سراسر جهان تأثیر خود را بر زنجیره‌های جهانی تأمین می‌گذارند و باعث بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند.

در مجموع، روشن است که برخی مناطق و کشورها در معرض خطر هستند، و این مخاطرات درآمیخته افزایش خواهد یافت. تغییر اقلیمی و فشارهای دیگر بیان‌شده در این گزارش طی ۲۰ تا ۳۰ سال آینده به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. با این حال، روشن نیست که دولت‌ها، جوامع و مناطق قادر به مدیریت این فشارها و مخاطرات خواهند بود یا نه و چگونه. ما دست‌کم می‌توانیم سابقه‌ی برخی مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری را شناسایی کنیم، همان طور که در مطالعات موردی و سناریوها مثال آورده‌ایم.

درک این نکته مهم است که تغییر اقلیمی در حال افزایش هم‌زمان پیچیدگی چالش‌های جهانی و آسیب‌پذیری است. اگر استراتژی‌ها نتوانند ماهیت وابسته به هم و نظام‌مند این مخاطرات را در نظر بگیرند، محکوم به شکست خواهند بود یا، در بدترین حالت، مخاطراتی را که سعی دارند رفع کنند تشدید خواهند کرد. برای مثال، سیاست‌های کاهش اثر و سازگاری برای جلوگیری از آسیب‌پذیری و درگیری لازم و مهم هستند.

با این حال، اگر سیاست‌های اقلیمی بدون در نظر گرفتن تأثیرات گسترده‌ترشان طراحی و اجرا شوند، خود می‌توانند از طریق تشدید ناامنی معیشتی، رقابت بر سر منابع محلی، نوسان در قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی، و مدیریت آب‌های فرامرزی مخاطراتی ایجاد کنند.

سیاست خارجی باید از عهده‌ی مخاطرات مختلف اقلیمی و آسیب‌پذیری بیان‌شده برآید و استراتژی‌ها و رویکردهای بین‌بخشی را تقویت کند. چالش‌های وابسته به هم نیازمند پاسخ‌های منسجم هستند. مخاطرات فراگیر نیاز به سیاست‌های هوشمند و تکرارشونده دارد که امکان یادگیری و سازگاری را فراهم آورد، نه راه‌حل‌های تعمیم داده‌شده به همه‌ی مسائل. از جنبه‌ی مثبت، استراتژی‌ها و سیاست‌ها می‌توانند هم‌زمان خطرات و مشکلات متعددی را برطرف کنند. در فصل بعد به معرفی سیاست‌ها، نهادها و فرایندهای موجود و چگونگی استفاده از آن‌ها برای ایجاد تاب‌آوری در برابر این مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی و آسیب‌پذیری می‌پردازیم.

3 تحلیل سیاستی: دستور کار یکپارچه برای تابآوری

چگونه مخاطرات درآمیخته‌ی ناشی از آثار تغییر اقلیمی را رفع کنیم؟

سیاستگذاران چگونه میتوانند مانع از بروز آسیب‌پذیری از جانب این مخاطرات شوند؟

فرایندها، وسایل، ابزارها و رویکردهای اصلی سیاستی برای کاهش این مخاطرات اقلیمی -
آسیب‌پذیری و ایجاد تابآوری در برابر آنها چیست؟

77

در این فصل، سیاستها و ابزارهای موجود را بررسی و اولویتهای تدوین یک دستور کار سیاستی پیشنهادی برای تابآوری در برابر اقلیم و آسیب‌پذیری را شناسایی می‌کنیم. ما درمی‌یابیم که رفع مؤثر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری مستلزم یکپارچه‌سازی اقلیم، توسعه و کمک‌های بشردوستانه، و تلاش‌ها در جهت پیریزی صلح است - نه تنها به دلیل به هم پیوسته بودن مخاطرات بلکه به این دلیل که چنین رویکردی می‌تواند به دستیابی به تابآوری به عنوان هدف کلی سه حوزه کمک کند. این یکپارچه‌سازی، حتی با وجود اهداف و ابزارهای متفاوت، به احتمال زیاد مزایای مشترک قابل توجهی به همراه دارد. در حال حاضر نهادهای اصلی در این سه حوزه سیاستی، شامل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ، برنامه‌ی گروه مثبت هفت، و دولت‌های گروه هفت مانند بریتانیا و ایالات متحده، در حال تدوین و اجرای دستور کار جدیدی برای تابآوری هستند (International Dialogue on Peacebuilding and Statebuilding 2011; USAID 2012a; OECD 2014b; IFRC 2012). ممکن است این سازمان‌ها بر حوزه‌های متفاوتی متمرکز باشند، نظیر حفاظت از اقلیم، پیشگیری از درگیری، یا ثبات اقتصادی، اما تعاریف آن‌ها از تابآوری تفاوت قابل توجهی با هم ندارد. همه‌ی آن‌ها بنا را بر این می‌گذارند که کشورها و جوامع تاب‌آور می‌توانند از طریق فرایند سیاستی، در عین حفظ ثبات سیاسی یا اجتماعی و جلوگیری از خشونت، شوکها را جذب و تغییر یا چالش‌های جدی را دگرگون کنند و به آن‌ها جهت بدهند. بدین منظور، از تقویت انواع مختلف ظرفیت‌ها حمایت می‌کنند، مانند:

- ظرفیت جذب، شامل سازوکارهای مقابله در دوره‌های شوک (مثل برداشت زودهنگام برای مقابله با ناامنی غذایی)
- ظرفیت سازگاری، یا توانایی سیستم برای تطبیق، اصلاح یا تغییر خود در جهت کاهش خطرات آینده (مثل معرفی بذرها مقاوم به خشکی)
- ظرفیت دگرگونی، یا توانایی ایجاد یک سیستم اساساً جدید که در معرض تأثیرات تغییر اقلیمی نباشد (مثل سازوکارهای حل اختلاف).

با این حال، تعدادی مانع که در این فصل آن‌ها را شناسایی می‌کنیم نمی‌گذارند که تمرکز بر تابآوری عملاً متوجه توسعه‌ی بهتر و برنامه‌ریزی بشردوستانه باشد. با توجه به تعدد و گوناگونی نقاط ورود و ذی‌نفعان درگیر، یک رویکرد نظام‌مند و کل‌نگر نسبت به تابآوری در برابر اقلیم - آسیب‌پذیری نیازمند رهبری برای ایجاد شتاب و تعیین یک جهت مشخص است که در فصل ۴ به آن خواهیم پرداخت.

سوم، برنامه‌های پیریزی صلح و پیشگیری از درگیری در بسترهای آسیب‌پذیر، با کاهش تنش‌ها و ایجاد محیطی مساعد برای صلح پایدار، علل و آثار درگیری را برطرف می‌کنند. علاوه بر این، مدیریت منابع طبیعی و امنیت معیشتی اجزای یک رویکرد بسیار وسیع‌تر هستند، همچنان که از طریق تبادل نظرهای توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر و برنامه‌ی گروه مثبت هفت دنبال می‌شود (نگاه کنید به بخش زیر). اگرچه تغییر اقلیمی هنوز از اولویت بالایی در تبادل نظرهای توافق‌نامه‌ی جدید برخوردار نیست، برنامه‌ی گروه مثبت هفت فوق‌العاده است زیرا اولین مجال گفت‌وگوی سیاسی برای گرد هم آوردن کشورهای گرفتار درگیری و آسیب‌پذیر، شرکای بین‌المللی و جامعه‌ی مدنی است.

توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر و گروه مثبت هفت

گفت‌وگوی بین‌المللی در مورد ایجاد صلح و دولت‌سازی اولین مجمع گفت‌وگوی سیاسی برای گرد هم آوردن کشورهای گرفتار درگیری و آسیب‌پذیر، شرکای بین‌المللی و جامعه‌ی مدنی به منظور به جنبش درآوردن گذارهای موفقیت‌آمیز از درگیری و آسیب‌پذیری است. این گفت‌وگو به دنبال ایجاد انگیزه‌ی سیاسی برای تغییر از طریق مشارکت‌های قوی، نوآوری و پاسخگویی متقابل در قبال نتایج است. این مجمع صدای کشورهای آسیب‌پذیر را به گوش دیگران می‌رساند و راه‌حل‌های مبتنی بر مالکیت کشور و رویکردی جامع در مورد توسعه و مسائل امنیتی را ترویج می‌کند.

توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر، به عنوان توافق کلیدی بین کشورهای شکننده و شرکایی که به دنبال تغییر سیاست و رویه‌های مشارکت بودند، در نوامبر ۲۰۱۱ در چهارمین مجمع سطح بالا در زمینه اثربخشی تصویب شد. کشورهای گروه مثبت هفت و توسعه یافته به گفت‌وگوی بین‌المللی در مورد صلح سازی و دولت سازی فراخوانده شدند.

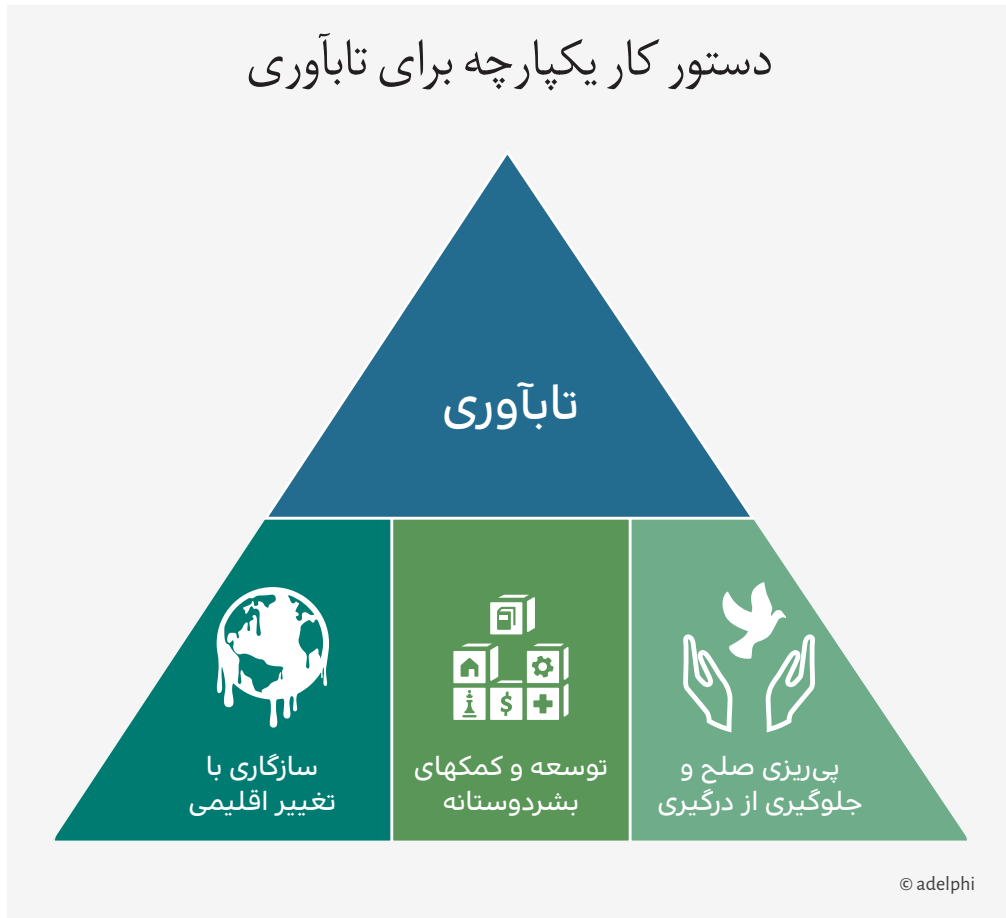
گروه مثبت هفت، یک انجمن داوطلبانه متشکل از ۲۰ کشور است که تحت تأثیر درگیری بوده یا هستند و اکنون در حال گذار به مرحله‌ی بعدی توسعه‌اند. هدف اصلی کشورهای گروه مثبت هفت به اشتراک گذاشتن تجربیات و آموختن از یکدیگر، و حمایت از اصلاح نحوه‌ی مشارکت شرکای توسعه در کشورهای متأثر از درگیری است.

پایدارترین راه برای کاستن از احتمال افزایش آسیب‌پذیری ناشی از تغییر اقلیمی کاهش تغییر اقلیمی است. با این حال، برای برطرف کردن مخاطرات درآمیخته‌ای که در این گزارش شناسایی شد، اقدامات در جهت حمایت از سازگاری نیز به همان اندازه اهمیت دارد. هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی گزینه‌های سازگاری بالقوه را نیز برای مدیریت این مخاطرات در فصل امنیت انسانی کارگروه دوم شناسایی کرده است (IPCC 2014). علاوه بر این، سازمان ملل متحد خواستار پرداختن به سازگاری اقلیمی در بستر امنیت جهانی شد (UN Secretary-General 2009). اما ما چگونه می‌توانیم سیاست‌های سازگاری در جهت ایجاد صلح و تاب‌آوری را به بهترین شکل طراحی کنیم؟

همان طور که در فصل قبل بحث شد، مداخلات تک‌بخشی برای جلوگیری از افزایش آسیب‌پذیری ناشی از تأثیرات تغییر اقلیمی در آینده کافی نیست. درحالی‌که برای رفع مخاطراتی مانند کمبود آب یا غذا به سیاست‌های خاصی نیاز داریم، سیاست اقلیمی به تنهایی خطرات آسیب‌پذیری را کاهش نخواهد داد. علاوه بر این، پیگیری یکپارچگی می‌تواند به مزایای مشترک قابل توجهی در زمینه‌ها و اهداف سیاستی منتهی شود. برای مثال، کارشناسان نشان داده‌اند که تلاش برای سازگاری با تغییر اقلیمی می‌تواند با ارتقای همکاری، عدالت و انصاف به پیریزی صلح کمک کند (Bob and Bronkhorst 2014; Tänzler et al. 2013a).

فراخوان برای به رسمیت شناختن ارتباطات بین اهداف سازگاری با تغییر اقلیمی، توسعه و ایجاد صلح در حال افزایش است (UNEP 2009; Peters and Vivekananda 2014; UN WCDRR 2015). این گزارش، با تأکید بر ماهیت درآمیخته‌ی مخاطرات، همپوشانی قابل توجه بین دستور کارهای سازگاری و توسعه، و مزایای مشترک و هم‌افزایی‌های بالقوه، خواستار اتخاذ رویکردی یکپارچه است.

دستور کار یکپارچه برای تابآوری



78

مدیریت مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری نیازمند یک رویکرد یکپارچه است.

سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی می‌توانند از سه زاویه‌ی اصلی به مخاطرات تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری بپردازند: سیاست تغییر اقلیمی، همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی توسعه، و پی‌ریزی صلح.

اول، سازگاری با تغییر اقلیمی به کشورها کمک می‌کند تا با پیش‌بینی آثار نامطلوب آن، در جهت پیشگیری، به حداقل رساندن، و واکنش به تأثیرات بالقوه‌ی تغییر اقلیمی اقدام کنند. بهبود ظرفیت سازگاری اقلیمی در موقعیت‌های آسیب‌پذیری مهم است. بسیاری از کشورها در ارزیابی نیازهای سازگاری خود و دستیابی به ابزارهای سازگاری با موانع قابل توجهی روبه‌رو می‌شوند که سد راه تلاش‌ها برای بهبود ظرفیت سازگاری می‌شود. روند بین‌المللی تغییر اقلیمی (کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و شرکای دیگر) با ایجاد یک بنیان بین‌المللی سازگاری و تأکید بر لزوم ادغام سازگاری در برنامه‌ریزی توسعه، به دنبال رفع این شکاف‌ها است.

دوم، برنامه‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه به کشورها و جمعیت‌ها کمک می‌کند تا ظرفیت‌های اقتصادی، حکمرانی و اجتماعی خود را بسازند و تاب‌آوری خود را در برابر شوک‌ها بهبود بخشند. فرایندهای جهانی، از جمله دستور کار توسعه‌ی پس از 2015، اهداف توسعه‌ی پایدار، و چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایا (در تکمیل فرایند هیوگو)، به دنبال افزایش مالکیت ملی در توسعه و تاب‌آوری جوامع در برابر شوک‌های ناگهانی و بلایای با شروع تدریجی هستند.

3. **تأمین مالی:** ما باید میان نیازهای جدی در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و ظرفیت جذب منابع مالی تعادل برقرار کنیم. تأمین مالی اقلیمی باید پروژه‌های یکپارچه و بین‌بخشی را در اولویت قرار دهد که به اهداف توسعه و ایجاد صلح نیز می‌پردازند. علاوه بر این، باید با پیروی از اصول اثربخشی کمک، کمک‌ها را هماهنگ و اطمینان حاصل کنیم که منابع به طور شفاف و قابل توضیح به مصرف می‌رسد، به ویژه در کشورهای با موقعیت‌های آسیب‌پذیری.

4. **اجرا:** ما به دستورات عمل‌های بیشتری درباره‌ی نحوه‌ی نفوذ در حوزه‌های بخشی در اجرا نیاز داریم. برای مثال، نظارت و ارزیابی برنامه‌های اقلیم و توسعه نیازمند سنجش فواید ایجاد صلح این برنامه‌ها است. به ویژه در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، تلاش‌های سازگاری باید به روش حساس به درگیری و با رعایت اصل ضرر به اجرا درآید.

3.1 سازگاری با تغییر اقلیمی

ادغام آسیب‌پذیری در سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیمی	
سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیمی	مرحله
ارزیابی‌های آسیب‌پذیری اقلیمی اغلب فاقد نگرش شکندگی و دیدگاه فرامرزی است، حتی اگر عناصر تغییر اقلیمی مخاطرات درآمیخته در کشورهایی که موقعیت‌های آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند آشکار باشد.	هشدار زودهنگام و ارزیابی
برنامه‌ریزی سازگاری باید فراتر از درک فنی به مفهوم جامع‌تری از تاب‌آوری برسد. می‌توان از فرایندهای جاری برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای و بهبود برنامه‌های سازگاری در هر دو سطح استفاده کرد.	استراتژی و برنامه‌ریزی
انتظار می‌رود که بودجه‌ی اقلیم طی سالیان آینده به میزان قابل توجهی افزایش یابد، اما مشخص نیست که کشورهای در موقعیت‌های آسیب‌پذیر بتوانند از ابتکاراتی مانند صندوق اقلیم سبز بهره‌مند شوند.	تأمین مالی
از آنجا که تلاش‌های سازگاری بر معیشت مردم، پایه‌ی دارایی، و مناسبات قدرت تأثیر خواهد گذاشت، مداخلات باید توزیع منافع و منابع را به روشی حساس به درگیری انجام دهند که تنش بین جوامع را تشدید نکنند. با این حال، راهنمایی محدودی درباره‌ی چگونگی انجام مؤثر این کار وجود دارد.	اجرا

3.1.1 هشدار زودهنگام و ارزیابی

تلاش برای سازگاری با تغییر اقلیمی نیاز به تخصص علمی، دانش سیاسی، ابزار مناسب و حمایت عمومی دارد. با وجود این، همه‌ی کشورها از این ظرفیت برخوردار نیستند. جامعه‌ی بین‌المللی به دنبال ارتقای دسترسی‌پذیری اطلاعات روندهای مرتبط با تغییر اقلیمی از طریق گزارش کشورها به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و ارزیابی‌های آسیب‌پذیری برای شکل بخشیدن به روند برنامه‌ی ملی سازگاری است. دستورالعمل کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، به لطف کار نهادهایی مانند کمیته‌ی سازگاری یا برنامه‌هایی نظیر برنامه‌ی کاری نایروبی در مورد تأثیرات، آسیب‌پذیری، و سازگاری با تغییر اقلیمی، برای کشورها به ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته یک منبع معنادار است (نگاه کنید به اینفوگرافیک صفحه‌ی بعد).

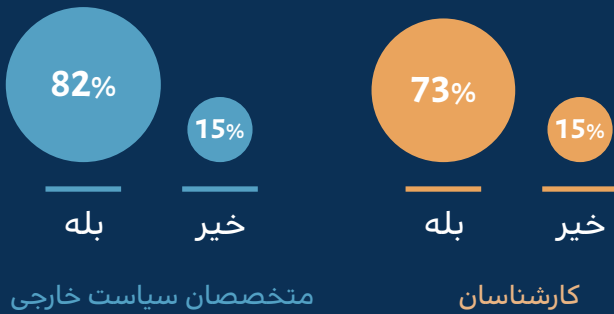
گزارش‌های ملی به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی: گزارش‌هایی که کشورها به طور گزارش‌هایی که کشورها برای این کنوانسیون تهیه می‌کنند و به طور منظم منتشر می‌شود شامل اطلاعاتی در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای و فعالیت‌های انجام شده برای اجرای کنوانسیون است. همچنین این گزارش‌ها معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره‌ی شرایط ملی، مانند ارزیابی‌های آسیب‌پذیری، منابع مالی موجود، و انتقال فناوری هستند.

نتایج نظرسنجی

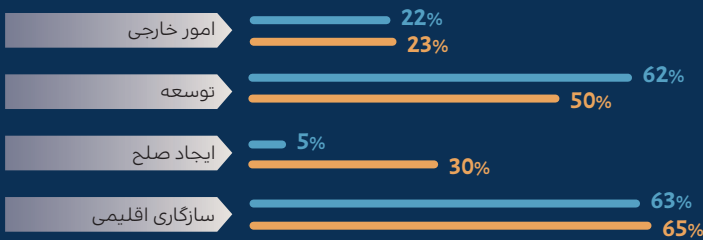
ابتکارات و سیاست‌های جاری

دست‌اندرکاران سیاست خارجی — کارشناسان

4. آیا طرح یا سیاستی وجود دارد که مخاطرات ناشی از تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری را در کشور میزبان شما برطرف کند؟



5. به کدام حوزه‌ی سیاستی تعلق دارند؟



در نظرسنجی ما از دست‌اندرکاران سیاست خارجی و کارشناسان گروه هفت، مستقر در کشورهای با موقعیت‌های آسیب‌پذیری، روندهای قابل توجه زیر شناسایی شد:

1.

هر دو گروه، دست‌اندرکاران سیاست خارجی و کارشناسان گروه هفت، تصور می‌کنند که مخاطرات ناشی از تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری با اجرای طرح‌ها و سیاست‌ها برطرف شده است.

2.

هر دو گروه گزارش می‌دهند که طرح‌ها با ابزارهای توسعه یا بخش‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی همسویی بهتری دارند تا با بخش‌های سیاست خارجی یا ایجاد صلح.

3.

درصد بزرگ‌تری از کارشناسان نسبت به دست‌اندرکاران سیاست خارجی این طرح‌ها را قسمتی از بخش ایجاد صلح تلقی می‌کنند (30 درصد در مقابل 5 درصد).

© adelphi

چهار مرحله‌ی مهم وجود دارد که یکپارچگی در آن‌ها ضروری است:

1. هشدار زودهنگام و ارزیابی: ما می‌توانیم از دانش موجود در خصوص تغییر اقلیمی به نحو مؤثرتری در موقعیت‌های آسیب‌پذیر استفاده کنیم اگر دسترسی به آن را برای تصمیم‌گیرندگان آسان‌تر سازیم. به تحقیق، تلفیق دانش بخش‌های سازگاری، توسعه، و ایجاد صلح و قرار دادن چنین تحلیلی در اختیار تصمیم‌گیرندگان مهم‌ترین گام است. به دلیل شکاف‌های موجود در ارزیابی، بیشتر بررسی‌های سیاست خارجی و امنیتی در زمینه‌ی سازگاری در عرصه‌های سیاسی جداگانه و با حداقل تبادل بین حوزه‌های مربوط صورت می‌گیرد.

2. استراتژی و برنامه‌ریزی: ما باید پیشگیری از درگیری و سازگاری با تغییر اقلیمی را در برنامه‌های توسعه ادغام کنیم. به همین ترتیب، ادغام اقدامات پیشگیری از خشونت و حساسیت نسبت به درگیری در برنامه‌های سازگاری با تغییر اقلیمی ضرورت دارد. یک رویکرد یکپارچه سازگاری با تغییر اقلیمی، توسعه، و ایجاد صلح را در طراحی و اهداف مداخلات و استراتژی‌ها جای می‌دهد.

از سال ۲۰۱۴، ۴۹ کشور کمتر توسعه‌یافته برنامه‌های عمل ملی سازگاری خود را تکمیل و به دبیرخانه‌ی کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی ارسال کرده بودند، شامل ۲۰ کشور عضو گروه مثبت هفت به‌جز ساحل عاج، پاپوا گینه‌ی نو و سودان جنوبی. این ۱۷ کشور از گروه مثبت هفت آب را یکی از اولویت‌های اصلی سازگاری خود و به دنبال آن کشاورزی، سلامت انسان و جنگلداری را ذکر کرده‌اند. هشت کشور اذعان دارند که تأثیرات تغییر اقلیمی ممکن است باعث درگیری شود (بر سر کمبود آب، تخریب خاک، منابع طبیعی، افزایش سطح آب دریا، و در میان دامداران و کشاورزان)، و تغییرات جمعیتی عامل تشدیدکننده‌ی آن است. دو کشور دیگر درگیری‌های جاری را مانعی برای سازگاری موفقیت‌آمیز با تغییر اقلیمی شناختند (UNFCCC 2014c).

فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری: فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری: این فرایند که در سال ۲۰۱۰ به عنوان بخشی از چارچوب سازگاری کانکون پایه‌ریزی شده است، به دنبال کاهش آسیب‌پذیری کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته و آسیب‌پذیرترین گروه‌ها است. فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری، نیازها و استراتژی‌های سازگاری میان‌مدت و بلندمدت را شناسایی می‌کند، از جمله ارزیابی منافع بالقوه‌ی مشترک در سایر بخش‌ها. این رهنمودها همچنین خواستار ادغام سازگاری در برنامه‌ریزی توسعه‌ی ملی و زیرملی است. در حال حاضر ۸ کشور از ۲۰ کشور گروه مثبت هفت کمک مالی و فنی از برنامه‌ی پشتیبانی جهانی برنامه‌ی ملی سازگاری از مجرای صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته دریافت می‌کنند که ممکن است نقاط ورود بالقوه‌ای برای گنجاندن مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری ایجاد کنند (UNDP-ALM 2014).

در مجموعه‌ای از بهترین روش‌های برنامه‌ریزی سازگاری که کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی منتشر کرده است (UNFCCC 2014b)، رویکردهای امیدوارکننده‌ای برای مقابله با کمبود آب، ناامنی غذایی، و جابه‌جایی انسانها ذکر شده است. برای مثال، سازمان بین‌المللی مهاجرت در همراهی با ابتکار نانسن در مورد آوارگی‌های فرامرزی ناشی از بلایای طبیعی و سایر نهادها، نمایی کلی از ابزارها و روش‌های فرایندهای برنامه‌ریزی سازگاری با توجه به سکونتگاه‌های انسانی ارائه دادند. سازمان بین‌المللی مهاجرت همکاری نزدیکی با کشورهای عضو برای گنجاندن مسائل جابه‌جایی انسانی در برنامه‌ریزی سازگاری دارد. از این بحث جاری در فرایند کنوانسیون فوق همچنین میتوان در جهت ارائه‌ی راهنمایی بیشتر برای حل چالش‌های خاص برنامه‌ریزی سازگاری که در برابر کشورهای دچار موقعیت‌های آسیب‌پذیری قرار دارد بهره برد.

راهنمایی‌ها و فرصت‌ها برای پرداختن به بعد فرامرزی آثار تغییر اقلیمی مانند حوضه‌های رودهای فرامرزی کمتر بوده است (Pohl et al. 2014; Tänzler et al. 2013b). برنامه‌های سازگاری هنوز فاقد تمرکز منطقه‌ای هستند، زیرا تمرکز دولت‌مدار کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی بسط سیاست‌های سازگاری منطقه‌ای را چالش‌برانگیز می‌سازد (Tänzler et al. 2013b). با این حال، ارزیابی اخیر کمیته‌ی سازگاری از نقش فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری و ترتیبات نهادی نیز ضرورت حمایت از برنامه‌ریزی ملی سازگاری از طریق سازمان‌های منطقه‌ای را مشخص کرد (Adaptation Committee 2014). علاوه بر این، در مجموعه‌ی بهترین اقدامات کنوانسیون فوق در زمینه‌ی برنامه‌ریزی سازگاری، مشارکت جهانی آب دیدگاه‌هایی در مورد توسعه‌ی همکاری‌های منطقه‌ای در سازگاری با تغییر اقلیمی در آب‌های فرامرزی و آبخوان‌های مشترک در جهت توسعه‌ی منطقه‌ای و اقتصادی ارائه داده است. یکی از نتایج مهم این دیدگاه‌ها اعلام مشارکت جهانی آب مبنی بر کمک به ۹ سازمان منطقه‌ای در توسعه‌ی توافق‌نامه‌ها، تعهدات، گزینه‌های سرمایه‌گذاری، و ابزارهای ادغام امنیت آب و تاب‌آوری اقلیمی است (UNFCCC 2014b).

همکاری جدی‌تر منطقه‌ای کمک خواهد کرد تا برنامه‌های سازگاری بتوانند مسائل فرامرزی را حل کنند، به ویژه در مورد همکاری‌های آبی فرامرزی که فرایند بین‌المللی سیاست اقلیمی چنان‌که باید به آن نپرداخته است. علاوه بر فرایند تحت هدایت کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، ابتکار عمل‌های دوجانبه و چندجانبه‌ی دیگری نیز وجود دارد که می‌توانند نیازهای برنامه‌ریزی سازگاری کشورها را برطرف کنند.

زیان و خسارت: بحث زیان و خسارت به ویژه مرتبط با کشورهای در حال توسعه است که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر آثار نامطلوب تغییر اقلیمی دارند. برخی از این پیامدهای ناگوار همچون وقایع شدید آب و هوایی و بلایای با شروع تدریجی می‌توانند با فراتر رفتن از محدوده‌های سازگاری باعث زیان و خسارت شوند. از زیان و خسارت همچنین با عنوان آثار «باقی‌مانده»ی تغییر اقلیمی یاد شده است که کاهش اثر و سازگاری نمی‌تواند مانع از بروز آن‌ها شود (Okereke et al. 2014). کمیته‌ی اجرایی سازوکار بین‌المللی ورشو، که نهاد مرتبط در فرایند کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی است، با تمرکز بر جمع‌آوری اطلاعات مناسب شروع به کار کرد. بحث در مورد زیان و خسارت در سطح بین‌المللی ادامه دارد و اختلافاتی در مورد چگونگی پرداختن به سازگاری و زیان و خسارت در یک معاهده‌ی

تحلیل گزارش‌های ملی از کشورها به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که بخش‌های مربوط به ارزیابی آسیب‌پذیری و سازگاری در ابتدا کاملاً اجمالی و کلی بوده‌اند و لازم است بیشتر مربوط به سیاست‌گذاران باشند. تا حدی به این دلیل که دستورالعمل‌های ارائه شده به کشورها الزام‌آور نبودند (Luboyera 2003). علاوه بر این، گزارش‌ها چندان به تأثیرات سیاسی یا اجتماعی روندهای تغییر اقلیمی نمی‌پردازند. همچنین شامل اطلاعات مربوط به سابقه‌ی درگیری‌های کشور یا گروه‌های به حاشیه رانده‌شده‌ی آن نیستند (Tänzler et al. 2010).

اما گزارش‌های نیال یک استثنای آموزنده است. نیال پس از شناسایی آسیب‌پذیرترین جمعیت‌های خود در اولین گزارش ملی به کنوانسیون در سال 2004 و خودارزیابی ظرفیت ملی در سال ۲۰۰۸، برنامه‌های سازگاری در سطح ملی را در آسیب‌پذیرترین نواحی در برابر اقلیم در مناطق غرب میانه و دور طرح‌ریزی کرد (Kissinger and Namgyel 2013).

ارزیابی‌های آسیب‌پذیری: این ارزیابی‌ها کانون‌های بحران تغییر اقلیمی را شناسایی و برای برنامه‌ریزی سازگاری و توسعه ورودی‌های لازم را در همه‌ی سطوح ارائه می‌کند (Fritzsche et al. 2014). دستورالعمل‌ها و کتاب‌های راهنمای پرشمار بهترین روش‌ها را برای تحلیل آسیب‌پذیری ارائه می‌دهند. با این حال، اخیراً تلاش‌ها بر استانداردهای ارزیابی متمرکز شده است تا مبنایی دقیق برای سیاست‌ها در همه‌ی سطوح فراهم شود. ارزیابی‌های آسیب‌پذیری باید طیف گسترده‌ای از بخش‌ها و موضوعات (مثل آب، کشاورزی، ماهیگیری و اکوسیستم‌ها) و همچنین سطوح مختلف مکانی و افق‌های زمانی را پوشش دهد. فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری به عنوان فرایند اصلی برنامه‌ریزی تحت کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی باید شامل ارزیابی آسیب‌پذیری‌های ناشی از تغییر اقلیمی در سطوح مختلف نیز باشد.

این ارزیابی‌های آسیب‌پذیری دربردارنده‌ی نقش و محرک‌های آسیب‌پذیری نیست، و به موضوعات فراملی یا فرامرزی نمی‌پردازد (LDC Expert Group 2012). آن‌ها به طور معمول تأثیرات گسترده‌تر اجتماعی تغییر اقلیمی و همچنین پیوندها با شکنندگی و درگیری را حذف می‌کنند (Fritzsche et al. 2014). تحلیل تعارض باید تا آنجا که ممکن است در این ارزیابی‌ها از جمله ارزیابی خطر اقلیمی، ارزیابی منابع معیشتی، خاستگاه‌های آسیب‌پذیری، و برنامه‌های سازگاری مبتنی بر جامعه ادغام شود.

3.1.2 استراتژی و برنامه‌ریزی

جامعه‌ی برخوردار از تاب‌آوری اقلیمی، توانایی بیشتری برای مقابله با تغییرات در حکمرانی، ظرفیت، رژیم، یا شوک‌های داخلی و خارجی دیگر و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها دارد (OECD 2008a; IFPRI). توانایی هر کشور در برخورد با خطرات زیست‌محیطی با ادامه یافتن شرایط آسیب‌پذیر یا متأثر از درگیری به شدت به مخاطره می‌افتد. اما در حالی که رژیم بین‌المللی تغییر اقلیمی پشتیبانی و راهنمایی گسترده‌ای برای چارچوب‌های سازگاری در کشورهای در حال توسعه فراهم میکند، هیچ راهنمایی خاصی برای برنامه‌ریزی سازگاری در موقعیت‌های آسیب‌پذیر وجود ندارد.

در کشورهایی که موقعیت‌های آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند، استراتژی‌های سازگاری باید با استراتژی‌های بلندمدت توسعه و ایجاد صلح مرتبط باشد تا هم‌زمان مخاطرات مختلف درآمیخته برطرف شود. علاوه بر این، برنامه‌ریزی سازگاری با تغییر اقلیمی باید از درک فنی و مالی فراتر رود و به مفهوم جامع‌تری از تاب‌آوری برسد که اهمیت ظرفیت‌های انسانی و نهادی را نیز در نظر بگیرد. یکی از بزرگ‌ترین موانع برنامه‌ریزی و عمل مؤثر در زمینه‌ی سازگاری عدم هماهنگی از جمله در بین وزارتخانه‌ها در کشورهای آسیب‌دیده است (Lehmann et al. 2012). برای مثال، اگر سازگاری اقلیمی در حیطه‌ی اختیارات وزارت محیط زیست باشد، وزارت دفاع مدنی مسئول کاهش خطر بلایا، و وزارتخانه‌ی دیگری هم مسئول درگیری و مسائل مربوط به آسیب‌پذیری، و روند کلی برنامه‌ریزی در دستور کار وزارت برنامه‌ریزی باشد، در این صورت ممکن است نقش‌ها و مسئولیت‌ها مشخص نباشد.

برنامه‌های عمل ملی سازگاری: این برنامه‌ها مبرم‌ترین نیازهای سازگاری کشورهای کمتر توسعه‌یافته را برطرف می‌سازند که در بسیاری از موارد موقعیت‌های آسیب‌پذیری را هم تجربه می‌کنند. تعریف کمیته‌ی سازگاری از برنامه‌های مذکور چنین است: «اقدام‌مدار، کشورمحور، انعطاف‌پذیر و بر پایه‌ی شرایط ملی» (Adaptation Committee 2013,13). برنامه‌های عمل ملی سازگاری شامل ورودی‌های جوامع مردمی برای ایجاد استراتژی‌های مقابله‌ای موجود هستند (LDC Expert Group 2012). کشورها از طریق فرایند آماده‌سازی و اجرای برنامه‌های عمل ملی سازگاری، فعالیت‌ها و پروژه‌هایی را که پاسخگوی مبرم‌ترین و فوری‌ترین نیازهای آن‌ها در زمینه‌های کشاورزی و امنیت غذایی، منابع آب، مناطق ساحلی، و هشدار زودهنگام و مدیریت بلایا باشند شناسایی و رتبه‌بندی می‌کنند.

آنی تغییر اقلیمی برانگیخته است. این اختلافات نباید این حقیقت را پنهان کند که خطرات زیان و خسارت واقعی است و زیان خالص در این شرایط می‌تواند برای برخی کشورها چشمگیر باشد. در نتیجه، فرایندهای برنامه‌ریزی سازگاری باید با تمرکز به موقع بر پرداختن به زیان و خسارت در کشورهایی که با موقعیت‌های آسیب‌پذیری روبه‌رو هستند تکمیل شود.

3.1.3 تأمین مالی

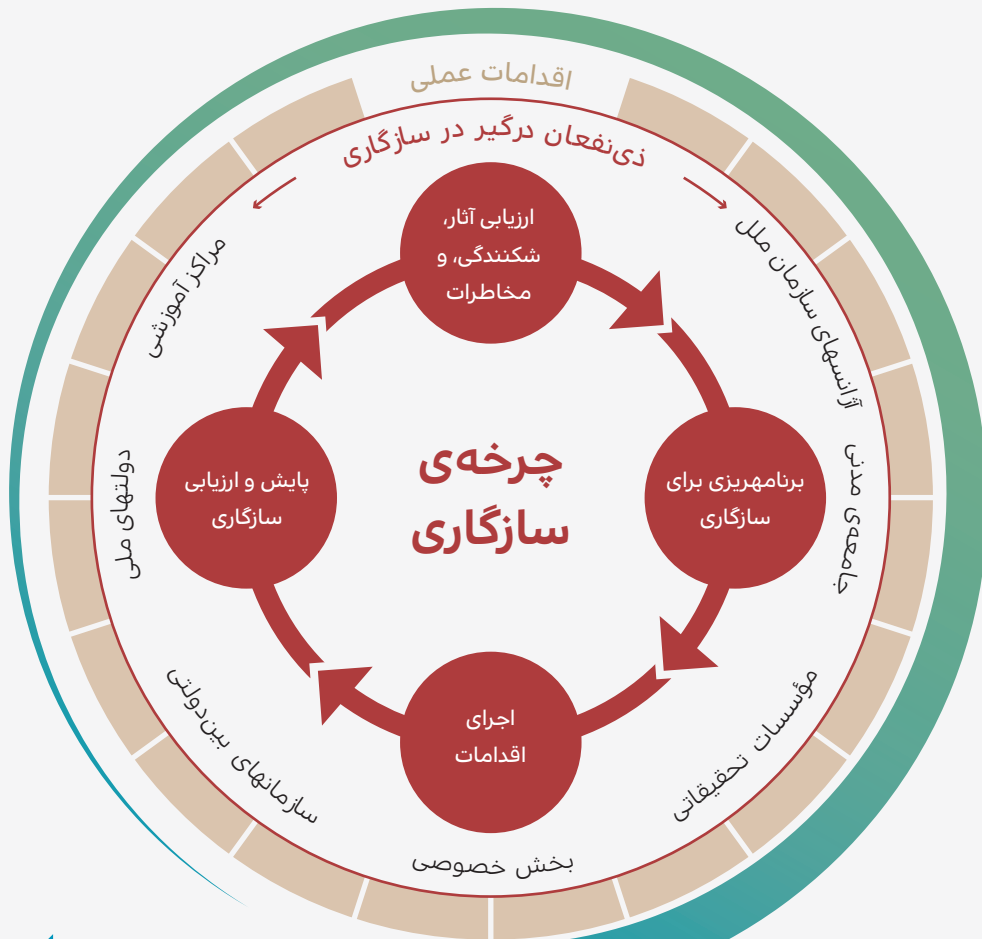
انتظار می‌رود که کمک‌های اهدایی به بودجه‌ی اقلیمی طی سال‌های آینده به میزان قابل توجهی افزایش یابد. جامعه‌ی بین‌المللی متعهد شده است که از سال ۲۰۲۰ سالیانه ۱۰۰ میلیارد دلار اعتبار تأمین کند، از جمله برای سازگاری به عنوان یک حوزه‌ی اصلی. این امکانات مالی از منابع مختلف دولتی و خصوصی و به هر دو شکل دوجانبه و چندجانبه تأمین خواهد شد. ابزارهای مبتکرانه‌ی تأمین مالی باید به گشودن منابع مالی بزرگ‌تر و بهتر برای اقلیم کمک کند. طبق توافق‌نامه‌ی کانکون (2010)، سهم قابل توجهی از بودجه‌ی چندجانبه‌ی جدید سازگاری باید از طریق صندوق اقلیم سبز جریان یابد (UNFCCC 2011). نیاز برآورد شده برای تأمین مالی سازگاری به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. براساس گزارش «شکاف سازگاری» برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، هزینه‌ی سالانه‌ی سازگاری در کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۵۰ احتمالاً دو تا سه برابر سالانه ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود که پیش‌تر در پنجمین گزارش ارزیابی هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی برآورد شده است (UNEP 2014c). فقط در افریقا هزینه‌های سازگاری در طی دو دهه‌ی آینده ۲۰ تا ۳۵ میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود (AfDB 2011; UNDP 2014). با این حال، همچنان که در گزارش ارزیابی پنجم تشریح شده، طیف گسترده‌ی برآوردها نشان‌دهنده‌ی دشواری محاسبه‌ی هزینه‌های سازگاری است (IPCC 2014).

کشورهای دارای موقعیت‌های آسیب‌پذیری نسبتاً کمتر از سایر کشورهای در حال توسعه بودجه‌ی اقلیمی دریافت می‌کنند. طبق محاسبه‌ی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کشورهایی که این سازمان آن‌ها را آسیب‌پذیر تعریف می‌کند بیشتر از 5 درصد بودجه را از سایر صندوق‌های اقلیمی تحت مدیریت صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست به‌جز صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته دریافت نکردند (OECD 2011). اما زیر نظر صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته، همه‌ی کشورهای گروه مثبت هفت با برنامه‌های عمل ملی سازگاری تکمیل‌شده حداقل یک پروژه را اجرا کرده‌اند (UNFCCC 2014d).

دسترسی به **صندوق سازگاری** پیچیده‌تر است: اول اینکه به دلیل قیمت‌های کنونی بسیار پایین بازارهای کربن، صندوق سازگاری منابع مالی بسیار محدودی دارد. به علاوه، دسترسی به وجوه برای بسیاری از کشورها به دلیل فقدان ظرفیت نهادی و استانداردهای امانتداری چالش‌برانگیز بوده است. این امر به ویژه در مورد گزینه‌ی دسترسی مستقیم صادق است که به عنوان راهی برای تحکیم مالکیت عموماً مورد استقبال کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرد. با این حال، تنها دو کشور از ۲۰ کشور گروه مثبت هفت (جزایر سلیمان و پاپوا گینه‌ی نو) از صندوق سازگاری بودجه دریافت کرده‌اند. بنابراین، کمتر از ۵ درصد از ۴۱ پروژه‌ی صندوق سازگاری در کشورهای گروه مثبت هفت در حال اجرا است، و تنها ۲۰ درصد در کشورهای آسیب‌پذیر فهرست سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قرار دارد (Adaptation Fund 2014).

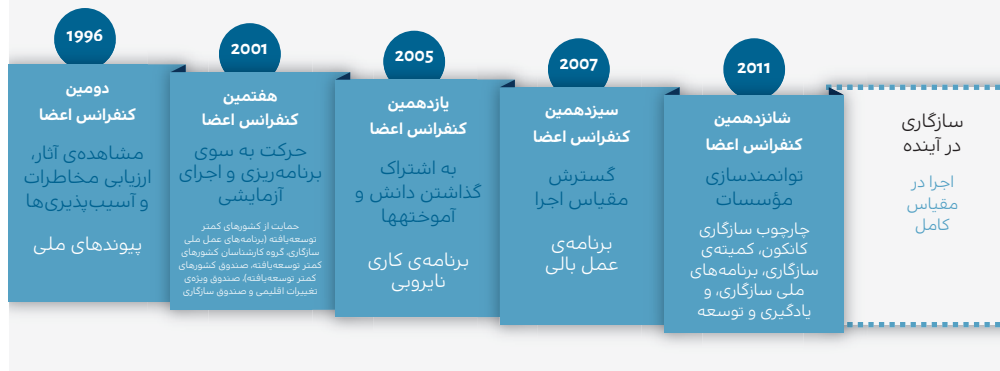
در میان جدیدترین ابزارها در ساختار جهانی بودجه‌ی اقلیمی، **صندوق اقلیم سبز** برای تشویق تغییر به سمت مسیر توسعه‌ی کم‌انتشار و تاب‌آور در برابر اقلیم طراحی شده است. این صندوق نهاد اصلی برای اطمینان از هزینه شدن موجه و شفاف تعهد ۱۰۰ میلیارد دلاری است که پیش‌تر ذکر شد. درحالی‌که تأمین 10/14 میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۱۴ تعهد شده بود، صندوق هنوز کاملاً آماده‌ی بهره‌برداری نشده است و اولین برنامه‌ها و پروژه‌های خود را قبل از نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۵ تأمین مالی نخواهد کرد (Schalatek et al. 2014). برای ارزیابی صندوق اقلیم سبز خیلی زود است، اما نقاط ورود بالقوه‌ای برای رفع بهتر نیازهای خاص کشورهای با موقعیت‌های آسیب‌پذیری ارائه می‌دهد. با این حال، پیچیدگی فرایندهای آن شک و تردیدهایی را در مورد دسترسی آسان این کشورها به صندوق اقلیم سبز ایجاد می‌کند.

ایجاد تابآوری در اقلیم در حال تغییر



به جریان انداختن سازگاری فراتر از کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی

رشد سازگاری ذیل کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی



برگرفته از (UNFCCC (2014a

رویکردهای بخشی: امنیت غذایی

کشورهای گروه هشت نشان داد. اما عدم تأمین بودجهی کافی برای این برنامه تضمین سرمایه‌گذاریهای متداومتر در کشاورزی و امنیت غذایی را دشوار کرده است (UNRIC 2009). هم‌زمان، گروه بیست طیف گسترده‌ای از گزینه‌های مدیریت ریسک را برای یک رویکرد یکپارچه در نظر گرفت. برای مثال، بانکهای توسعه‌ی چندجانبه می‌توانند پیش‌خرید انجام دهند، سازوکارهای ضرر را بسط دهند، و بیمه‌ی آب و هوا یا محصول ارائه کنند.

در بخش حمایت و تحقیق، مؤسسه‌ی سیاست کشاورزی و بازرگانی دستورالعملی در مورد استفاده از ذخایر استراتژیک غذایی به عنوان یک استراتژی سازگاری اقلیمی پس از بحران‌های قیمت مواد غذایی در سالهای 2008-9 و 2011-12 ارائه داد و خواستار یک رویکرد هماهنگ بین‌المللی نسبت به ذخایر غذایی شد (Institute for Agriculture and Trade Policy 2012).

با این وصف، این فعالیتهای چندجانبه منتهی به رویکردی یکپارچه نشده است، مانند یک ساختار شفاف مشارکت که به دولتهای ملی آسیب‌دیده امکان بدهد انسجام و استفاده‌ی مؤثر از سازوکارهای تأمین مالی مربوط را به حداکثر برسانند. از لحاظ اجرایی، فرصت تشکیل ائتلاف برای امنیت غذایی و ایجاد تابآوری اقلیمی به ویژه در کشورهای با بیشترین آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های اقلیمی وجود دارد. در همین راستا، فعالیتهای کمیته‌ی امنیت غذایی جهانی راهنمایی‌هایی به دست می‌دهد. این کمیته در سال 2012 دستورالعملهای داوطلبانه در مورد حکمرانی مسئولانه نسبت به تصرف زمین، شیلات و جنگلها در بستر امنیت غذایی ملی را تصویب کرد. علاوه بر این، کمیته‌ی امنیت غذایی جهانی در سال 2014 به اتفاق آرا اصول سرمایه‌گذاریهای مسئولانه در سیستمهای کشاورزی و غذایی (معروف به اصول RAI) را تدوین کرد. کشورهای گروه هفت نسبت به حمایت از این اصول در سطح جهانی متعهد شده‌اند (Commission on Sustainable Agriculture and Climate Change 2012).

معماری جهانی بهبود تغییرات اقلیمی، کشاورزی، واکنش در برابر بحران، و امنیت غذایی با انواع برنامه‌ریزی، تأمین مالی، و اجرای برنامه‌ها و سیاستها که آژانسهای سازمان ملل متحد (نظیر برنامه‌ی محیط زیست، برنامه‌ی جهانی غذا، صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی، و سازمان خواربار و کشاورزی)، بانک جهانی و بانکهای توسعه‌ی منطقهای اعمال می‌کنند بخش بخش شده است. این نهادها از نزدیک با دولتهای ملی و فرایند بین‌المللی سیاست اقلیمی همکاری میکنند.

برای مثال، برنامه‌ی جهانی غذا به دنبال تکمیل تحلیل خود از تأثیرات اقلیم در امنیت غذایی است تا بهتر بتواند سیاست‌هایش را طراحی کند. هدف برنامه‌ی جهانی غذا به عنوان دومین نهاد اجرایی بزرگ چندجانبه‌ی صندوق سازگاری کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، کمک به ایجاد تابآوری اقلیمی در جمعیت‌هایی است که بیشترین ناامنی غذایی را در جهان دارند. در حال حاضر، شش پروژه‌ی برنامه‌ی جهانی غذا زیر نظر صندوق سازگاری از طریق تحلیل، برنامه‌ریزی، به اشتراک گذاشتن دانش، و ظرفیت‌سازی در سطوح مختلف، تابآوری ایجاد می‌کنند (برای مثال در مصر، اکوادور و سری‌لانکا) (WFP 2015).

سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) به ارزیابی، برنامه‌ریزی (برای مثال، ارزیابی آسیب‌پذیری و برنامه‌ریزی در حوضه‌ی رود نیل)، و اجرای پروژه‌ها (برای نمونه، پروژه‌ی مدیریت فرامرزی اکوسیستم کشاورزی در حوضه‌ی رود کاکرا در افریقا) می‌پردازد. رویکرد سازگاری فائو به دنبال شناسایی راه‌حلهای سازگاری نه تنها در کشاورزی، بلکه در جنگلداری و شیلات است (FAO 2013).

علاوه بر این، واکنشه‌ی جهانی به بحران غذایی 2008-9 شامل کارگروه رده بالای سازمان ملل متحد در مورد بحران جهانی امنیت غذایی و برنامه‌ی جهانی کشاورزی و امنیت غذایی گروه هشت بود که تعهد آشکاری به عمل را به عنوان بخشی از طرح امنیت غذایی سی و پنجمین اجلاس

3.1.4 اجرا

تعداد کلی پروژه‌های سازگاری در مرحله‌ی اجرا در حال افزایش است. با وجود این، در کشورهایی که موقعیتهای آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند پروژه‌های کمتری در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه وجود دارد. برای مثال، از 50 پروژه‌ی زیر نظر صندوق ویژه‌ی تغییرات اقلیمی، تنها سرمایه‌گذاری برای 8 پروژه در کشورهای آسیب‌پذیر فهرست سازمان همکاری اقتصادی و توسعه صورت گرفته است (OECD 2014a). هیچ‌یک از اعضای گروه مثبت هفت میزبان پروژه‌ها نبوده است. تحقیقات چندان در مورد اجرای اقدامات سازگاری در موقعیتهای آسیب‌پذیر انجام نشده است.

سازگاری حساس به درگیری مبتنی بر اصل ضرر است که تصریح دارد مداخلات توسعه‌ای نباید آسیب‌پذیری موجود را تشدید کنند و در عوض باید تابآوری را افزایش دهند و صلح ایجاد کنند (Tänzler et al. 2013b). از آنجا که اقدامات سازگاری تأثیر بسزایی در معیشت مردم، پایه‌ی دارایی، و مناسبات قدرت دارند، مداخلات باید توزیع منابع و مزایا را به روش‌هایی انجام دهند که تنش بین جوامع را تشدید نکنند.

صندوقهای حامی سازگاری کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو

صندوق سپرده‌ی تسهیلات جهانی محیط زیست	حمایت از ارزیابی‌های آسیب‌پذیری و سازگاری به عنوان بخشی از گزارش‌های ملی به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی
صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته	حمایت از آماده‌سازی و اجرای برنامه‌های عمل ملی سازگاری و فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری
صندوق ویژه‌ی تغییرات اقلیمی	تأمین مالی فعالیت‌های سازگاری که تاب‌آوری در برابر تغییر اقلیمی را افزایش می‌دهد (شامل فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری)
صندوق سازگاری (تحت مدیریت صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست نیست)	تأمین بودجه از طریق دریافت 2 درصد مالیات بر درآمد از پروژه‌های مکانیسم توسعه‌ی پاک و همچنین سایر منابع داوطلبانه
صندوق اقلیم سبز	حمایت از تلاش‌های کاهش اثر و سازگاری در کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، و کشورهای افریقایی

ابتکارات مربوط دیگر برای رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری، در کنار سازوکارهای تأمین مالی مستقیماً مرتبط با کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی

اتحاد جهانی تغییر اقلیم: این اتحاد جهانی در سال ۲۰۰۷ برای تقویت گفت‌وگو و همکاری درباره‌ی تغییر اقلیمی بین اتحادیه‌ی اروپا و کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه شکل گرفت و بستری برای گفت‌وگو و همچنین پشتیبانی فنی و مالی برای کشورهای با بیشترین آسیب‌پذیری اقلیمی فراهم می‌کند. پنج حوزه‌ی اولویت‌دار آن عبارت است از سازگاری، کاهش خطر بلایا، کاهش انتشارهای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل، کاهش اثر و گنجاندن تغییر اقلیمی در توسعه. این اتحاد از ۵۱ برنامه در 38 کشور پشتیبانی می‌کند، با بودجه‌ی پیوسته در حال افزایش که در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۳۱۶ میلیون یورو بود (GCCA 2015b). به علاوه، این اتحاد تلاش می‌کند تا با استفاده از پشتیبانی بودجه‌ای (22 درصد بودجه‌ی سال 2014) و حمایت از اصل هماهنگی از طریق چارچوب‌ها و فرایندهای جاری، اصول اثربخشی کمکرسانی مندرج در بیانیه‌ی پاریس ۲۰۰۵ را اجرایی کند (GCCA 2015b).

از ۲۰ کشور عضو گروه مثبت هفت، ۹ کشور از اتحاد جهانی تغییر اقلیم حمایت دریافت می‌کنند. تقریباً تمامی این پروژه‌ها در زمینه‌های اولویت‌دار سازگاری، گنجاندن، و کاهش خطر بلایا قرار دارند. با این حال، اگرچه این اتحاد جهانی بر تلاش‌های خود در جهت افزایش اثربخشی کمک‌ها و استفاده از سیستم‌های ملی تأکید دارد، فقط یک کشور عضو گروه مثبت هفت (جزایر سلیمان) حمایت فراگیر بودجه‌ای برای برنامه‌ی مساعدت اقلیمی خود دریافت می‌کند و سایر ابتکار عمل‌ها مبتنی بر پروژه است (GCCA 2015a). در سال ۲۰۱۴، فاز جدید اتحاد جهانی تغییر اقلیم، ابتکار برتر اتحاد جهانی، مطابق با چارچوب مالی چندساله‌ی جدید کمیسیون اروپا (2014-20) آغاز شد. در زمینه‌ی سازگاری، با استفاده از دو ستون تقویت‌کننده‌ی متقابل اتحاد جهانی تغییر اقلیم، تبادل تجربه از طریق گفت‌وگو و پشتیبانی فنی و مالی، توجه ویژه‌ای به مسئله‌ی مهاجرت معطوف خواهد شد.

ظرفیت قبول خطر افریقا برای ایجاد «حداکثر تسهیلات اقلیمی» (زیر نظر اتحادیه‌ی افریقا): حداکثر تسهیلات اقلیمی، ابتکاری به رهبری افریقا که هنوز در مرحله‌ی مفهومی است، دسترسی مستقیم به سرمایه‌ی خصوصی و بهره‌مندی از بودجه‌ی عمومی را برای آن دسته از کشورهای افریقایی که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر تغییر اقلیمی دارند تسهیل می‌کند. این طرح از سازوکارهای تأمین مالی مانند ریسک پولینگ برای کمک به دولت‌ها در واکنش به تأثیرات تغییر اقلیمی استفاده خواهد کرد. پرداخت‌های چندساله از حداکثر تسهیلات اقلیمی بر مبنای داده‌های شاخص اقلیمی شدید که در دست انتشار است تعیین می‌شود که تکرار و بزرگی وقایع شدید آب و هوایی را اندازه‌گیری می‌کند. قرار است اوراق قرضه با سرمایه‌ی سرمایه‌گذاران خصوصی تأمین مالی شود و اهداکنندگان از پرداخت کوپن سالانه‌ی اوراق حمایت می‌کنند. ساختار طرح حداکثر تسهیلات اقلیمی انتشار بیش از یک میلیارد دلار اوراق قرضه‌ی تغییرات اقلیمی افریقا از سال ۲۰۱۶ برای ۳۰ سال آینده خواهد بود (African Risk Capacity 2015). همانند صندوق اقلیم سبز، برای ارزیابی این ساختار مالی هم خیلی زود است، اما این طرح نیز می‌تواند نقاط ورود برای بررسی نیازهای خاص مالی سازگاری کشورهای با موقعیت‌های آسیب‌پذیری ارائه دهد.

3.2 توسعه و کمک‌های بشردوستانه

ادغام سازگاری اقلیمی و آسیب‌پذیری در سیاست‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه	
سیاست‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه	مرحله
از فرایندهایی مانند چارچوب هیوگو درس‌های مهمی آموخته‌ایم. با این حال، پیشرفت آن به دلیل موانع مالی و کمبود ظرفیت انسانی محدود شده است و بسیاری از سیستم‌های هشدار زودهنگام نقشی در مخاطرات اقلیمی یا زیست‌محیطی ندارند.	هشدار زودهنگام و ارزیابی
ما می‌دانیم که چگونه با گنجاندن اقلیم در برنامه‌ریزی توسعه، پروژه‌های توسعه را در برابر اقلیم مقاوم کنیم. با این حال، این روش به ویژه در بسترهای آسیب‌پذیر هنوز استاندارد نیست.	استراتژی و برنامه‌ریزی
سرمایه‌گذاری در کشورهایی که موقعیت‌های آسیب‌پذیر و توسعه‌ی حساس به اقلیم دارند در معرض خطر است. یک ساختار کمک‌رسانی انعطاف‌پذیر، هماهنگ و یکپارچه با چشم‌انداز درازمدت‌تری مورد نیاز است، و این ساختار باید ظرفیت محدود برخی کشورها را برای جذب سرمایه در نظر بگیرد.	تأمین مالی
سرمایه‌گذاری در کشورهایی که موقعیت‌های آسیب‌پذیر و توسعه‌ی حساس به اقلیم دارند در معرض خطر است. یک ساختار کمک‌رسانی انعطاف‌پذیر، هماهنگ و یکپارچه با چشم‌انداز درازمدت‌تری مورد نیاز است، و این ساختار باید ظرفیت محدود برخی کشورها را برای جذب سرمایه در نظر بگیرد.	اجرا

3.2.1 هشدار زودهنگام و ارزیابی

برنامه‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه تلاش‌هایی را در خصوص هشدار زودهنگام پیشنهاد می‌کنند که به ارزیابی یکپارچه‌ی مخاطرات اقلیمی-آسیب‌پذیری یاری می‌رساند، مانند چارچوب هیوگو و طرح اطلاع‌رسانی. با این حال، پیشرفت این برنامه‌ها به دلیل موانع مالی و کمبود ظرفیت انسانی محدود شده است. به علاوه، بسیاری از سیستم‌های هشدار زودهنگام مخاطرات اقلیمی یا زیست‌محیطی را ارزیابی نمی‌کنند.

چارچوب سندای و پسا هیوگو: کنفرانس جهانی کاهش بلایا در کوبه، هیوگو، ژاپن (2005) خواستار تلفیق یک رویکرد چندخطی به کاهش خطر بلایا با برنامه‌های توسعه‌ی پایدار، کمک‌رسانی، توانبخشی، و بازسازی شد. نتایج این فرایند ۱۰ ساله در سومین کنفرانس جهانی کاهش خطر بلایا در مارس ۲۰۱۵ در شهر سندای ژاپن مورد بحث قرار گرفت، و همچنین بخشی از مباحثات جاری سطح بالا در دستور کار توسعه‌ی پس از ۲۰۱۵ است.

در گزارش پیشرفت استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی در سازمان ملل متحد که اخیراً منتشر شده است (UNISDR 2014)، برخی از بهترین روش‌ها و همچنین کاستی‌های عمده در ارزیابی چندمخاطره‌ای، سیستم‌های پایش، سیستم‌های هشدار زودهنگام، و مدیریت مخاطرات فرامرزی برجسته شده است. این گزارش نشان داد که کارایی سیستم‌های هشدار زودهنگام در صورت ترکیب علم و فناوری برای ارزیابی، پایش، و انتشار اطلاعات مخاطرات در بخش‌های آسیب‌پذیر جوامع به بالاترین میزان می‌رسد. این مشاهدات به چارچوب سندای نیز راه یافت (UN WCDRR 2015).

پیشرفت محدود در گزارش استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی در سازمان ملل متحد عمدتاً ناشی از موانع مالی و ظرفیت محدود انسانی چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای است. به عنوان بخشی از چارچوب هیوگو، از کشورها خواسته شد تا یک سیستم هشدار زودهنگام چندخطی ایجاد کنند. بسیاری از کشورها نبود چنین سیستمی را یک مانع مهم برشمرده بودند. در موارد متعدد، سیستم‌های هشدار زودهنگام برای برخی مخاطرات وجود ندارد، و در کشورهای دیگر نیز این سیستم‌ها هماهنگی ضعیفی دارند. هماهنگ کردن تلاش‌ها در بخش عمومی و درگیر کردن رسانه‌ها و ارتباطات راه دور نیز چالش‌های دیگری بود که ذکر شد.

بر این اساس، یکی از اولویت‌های چارچوب سندای که به تازگی تصویب شده افزایش آگاهی نسبت به مخاطرات بلایای طبیعی است. این چارچوب فعالیت‌هایی را برای این منظور در سطوح ملی و جهانی پیشنهاد می‌کند (UN WCDRR 2015).

کمبود کلی پروژه‌های سازگاری حساس به درگیری در بسترهای آسیب‌پذیر در فقدان تخصص نهادی و راهنمایی برای چنین تلاش‌هایی بازتاب می‌یابد. پروژه یا برنامه‌ی آزمایشی نادر است که ایجاد تخصص و تجربه برای توسعه‌ی راهنمایی و آموزش را دشوار میکند. تاکنون پتانسیل ابتکارات منطقه‌ای برای حمایت از این فرایندها به طور گسترده نادیده گرفته شده است (Tänzler et al. 2013b).

سازگاری محلی حساس به درگیری در نپال و اوگاندا: پروژه‌ی جهان امن در نپال بر افزایش حساسیت به درگیری در برنامه‌های اقدام محلی برای سازگاری متمرکز بود. کارگاه‌های مشارکتی با حضور نمایندگان سازمان‌های جامعه‌محور و مقامات محلی، آگاهی از ارتباط‌های میان تغییر اقلیمی و درگیری را افزایش دادند. با این حال، برخی از ذی‌نفعان اصلی در برابر به‌کارگیری یک رویکرد حساس به درگیری مقاومت کردند زیرا احتمال می‌رفت که تسلط آنها را بر منابع تضعیف کند. این چالش‌ها ممکن است با روش‌های مشارکتی و فراگیر دیگر و با در نظر گرفتن حساسیت به درگیری در اقدامات سازگاری پروژه رفع شود. در صورت لزوم، اهداکنندگان باید از ظرفیت‌سازی برای ذی‌نفعان محلی در طی مرحله‌ی اجرا حمایت کنند (Saferworld 2011).

پروژه‌ی جهان امن در مناطق کاسسه و آروا در اوگاندا نمایندگان جامعه‌ی مدنی مستقر در منطقه و مقامات محلی را در نصب پروژه‌های آب (برای مثال، یک طرح جریان جاذبه و چاه‌های گمانه) مشارکت داد. همچنین برای حل اختلافات بر سر مالکیت زمین و نگهداری چاه‌های گمانه تلاش کرد. علاوه بر این، به دنبال آن بود که با افزایش جریان آب از بروز خشونت جلوگیری کند و بدین ترتیب رابطه‌ی جامعه‌ی محلی و دولت منطقه را بهبود بخشد. بازخوردهای بیشتر و ارائه‌ی شفاف‌تر خدمات نیز رابطه‌ی ذی‌نفعان و کارمندان دولتی را بهتر کرد (CECORE et al. 2008).

پایش و ارزیابی در حمایت از حساسیت به درگیری: دولتها باید به عنوان بخشی از اجرای روند برنامه‌ی ملی سازگاری، طرح‌های پایش و ارزیابی تهیه کنند. همان طور که مورد کامبوج نشان می‌دهد، اکنون اهمیت پایش و ارزیابی، حتی خارج از روند برنامه‌ی ملی سازگاری پذیرفته شده است: در طرح استراتژیک توسعه‌ی روستایی کامبوج برای سازگاری با تغییر اقلیمی، ایجاد نظام پایش و ارزیابی برای استراتژی ۱۰ ساله (2013-22) ضرورت دارد.

برای درس‌آموزی و برخورداری از بهترین روشها، پایش و ارزیابی نه تنها برای اطمینان از انطباق پروژه‌ها با بستر همواره در تغییر، بلکه برای تضمین بازخواندن اطلاعات و دانش در برنامه‌ریزی و بسط استراتژی باید در اولویت اجرا باشد. چنین نظام‌هایی را می‌توان گسترش داد تا تعامل با عوامل آسیب‌پذیری را هم دربر بگیرد. علاوه بر این، ابتکارات و برنامه‌ها باید شامل استراتژی‌هایی باشند که به مشارکت‌کنندگان در رسیدگی مؤثر به مسائل مربوط به درگیری‌ها پس از پایان پروژه باری برسانند. برای استمرار تحلیل بستر درگیری و تداوم رویکرد حساس به درگیری، پروژه‌ها باید ظرفیت‌های پایدار ایجاد کنند (Saferworld 2011).

حمایت بین‌المللی از فعالیت‌های منسجم به طور بالقوه می‌تواند به کشورها کمک کند تا فرصت‌های هماهنگی سازگاری اقلیمی با برنامه‌های توسعه‌ی ملی را از دست ندهند (Kissinger and Namgyel 2013). اما در برخی موارد وضعیت بدین گونه نیست. برای مثال، استراتژی کاهش فقر در نیجر برای سال‌های 2012-15 به برنامه‌ی عمل ملی سازگاری یا هیچ سند اقلیمی دیگری ارجاع نمی‌دهد، با آنکه به ضرورت هماهنگی سیاست‌های بخشی اشاره دارد. دومین گزارش ملی تغییرات اقلیمی سنگال (۲۰۱۰) خواستار گنجاندن یک استراتژی مرتبط با تغییر اقلیمی در استراتژی توسعه‌ی ملی شده است، اما استراتژی ملی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی این کشور برای سال‌های 2013-17 شامل تغییر اقلیمی نیست.

تلفیق سازگاری و برنامه‌ریزی توسعه: امروز چشم‌انداز رویکردهایی که به دنبال تلفیق دستور کارهای مختلف سازگاری و توسعه هستند پربار است: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD 2009)، همکاری توسعه‌ی آلمان (GIZ 2010)، آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده (USAID 2014a)، و برنامه‌ی توسعه و برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد (UNDP-UNEP 2011) دستورالعمل‌هایی برای طراحی پروژه‌های توسعه‌ی «تاب‌آور در برابر اقلیم» از طریق گنجاندن اقلیم در برنامه‌ریزی توسعه ارائه داده‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت که مقاومت اقلیمی مستلزم قرار دادن همه‌ی سیاست‌ها در برابر دو سؤال است: سیاست با برنامه تا چه میزان می‌تواند در برابر خطرات ناشی از تنوع یا تغییر اقلیمی آسیب‌پذیر باشد؟ و برنامه تا چه حد می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری و منجر به ناسازگاری شود؟ (OECD 2009; UNDP-UNEP 2011).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه خواستار وارد کردن سازگاری نه تنها در چارچوب‌های سیاستی محلی و بخشی بلکه در سیاست خارجی به منظور مدیریت بهتر منابع مشترک مانند حوضه‌های رودهای فرامرزی است. استفاده از «لنز اقلیمی» در برنامه‌ریزی و چارچوب‌های نظارتی می‌تواند به شناسایی بخش‌ها و مناطق جغرافیایی با آسیب‌پذیری خاص کمک کند (OECD 2009).

ابزار مجمع همکاری‌های بین‌المللی آلمان یک روش نظام‌مند برای کاهش خطر اقلیمی و همچنین افزایش پتانسیل ظرفیت سازگاری فراهم می‌کند. از این ابزار برای ارزیابی تهدید تغییر اقلیمی برای اهداف پروژه‌ی توسعه، تشخیص اقدامات سازگاری در چارچوب پروژه، و شناسایی یک روش دوستدار اقلیم برای دستیابی به اهداف پروژه استفاده می‌شود (GIZ 2010).

چارچوب توسعه‌ی برخوردار از تاب‌آوری اقلیمی آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده خواستار تلفیق مستقیم ملاحظات اقلیمی و فعالیت‌های توسعه‌ی در چندین بخش است (USAID 2014a). برای مثال، برنامه‌ریزی برای تاب‌آوری در شرق آفریقا از طریق سیاست، سازگاری، تحقیق، و توسعه‌ی اقتصادی به دنبال گنجاندن تاب‌آوری اقلیمی در برنامه‌ریزی و اجرای توسعه در جامعه‌ی شرق آفریقا و کشورهای شریک آن است (USAID 2014a). علاوه بر این، در سپتامبر ۲۰۱۴، رئیس‌جمهور اوپاما یک دستور اجرایی درباره‌ی توسعه‌ی بین‌المللی تاب‌آور در برابر اقلیم به منظور تقویت تاب‌آوری برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده صادر و «آژانس‌ها را ملزم کرد که ملاحظات تاب‌آوری اقلیمی را به طور نظام‌مند در کار توسعه‌ی بین‌المللی دولت ایالات متحده در نظر بگیرند و رویکرد مشابهی را با نهادهای چندجانبه ترویج دهند» (White House 2014). این تلاش شامل به اشتراک گذاشتن دانش، داده‌ها، ابزارها، اطلاعات، چارچوب‌ها و درس‌های آموخته‌شده در جریان لحاظ کردن ملاحظات تاب‌آوری اقلیمی است.

سیاست بشردوستانه‌ی دولت بریتانیا (2011) خواستار تلفیق توسعه، کمک‌های بشردوستانه، تغییر اقلیمی، و پیشگیری از درگیری است (DFID et al. 2011). کمک‌های بشردوستانه باید با پیروی از اصل ضرر، از عوارض جانبی منفی ناخواسته پیشگیری کنند. علاوه بر این، سیاست تعیین‌کننده‌ی حداقل استانداردهای برنامه‌ریزی تاب‌آوری در برابر بلایا در کشورهای مختلف شریک، از جمله استراتژی تاب‌آوری کشوری / منطقه‌ای در برابر بلایای طبیعی است (DFID 2011a).

فعالیهایی که در بالا شرح داده شد نیز بخشی از روند بزرگ‌تر طراحی روش‌های جدید برنامه‌ریزی و درگیر کردن تعداد بیشتری از شرکا برای استفاده از مزایای همافزایی است.

رویکرد برنامه‌ریزی مشترک اتحادیه‌ی اروپا: هدف اتحادیه‌ی اروپا از برنامه‌ریزی مشترک، تقویت کارایی و اثربخشی کمک‌رسانی از طریق کاهش پراکندگی در میان پروژه‌ها و برنامه‌های خود است. به منظور توسعه‌ی مالکیت کشور، سرویس اقدامات خارجی اروپا و مدیریت توسعه در حال آماده‌سازی استراتژی‌های مشترک کشور براساس طرح‌های توسعه‌ی ملی در ۲۰ کشور هستند. این فرایند با ترسیم اولویت‌های اتحادیه‌ی اروپا و کشورهای عضو، چرخه‌های برنامه‌ریزی، و برنامه‌ها آغاز می‌شود. تحلیل نیازها با همراهی دولت کشور شریک به استراتژی واحد کشور تبدیل می‌شود. برنامه‌ریزی مشترک، برای به فعل رساندن تمام امکانات بالقوه‌ی خود، نیاز به همگام‌سازی چرخه‌های بودجه، گزارش‌دهی و سایر فرایندها بین اهداکنندگان کمک و کشور شریک و غلبه بر ترجیحات تخصیصی تک‌تک کشورهای عضو دارد (European Commission 2015; Furness and Vollmer 2013).

طرح اطلاع‌رسانی (شاخص مدیریت ریسک): طرح اطلاع‌رسانی (INFORM) به عنوان یکی از جامع‌ترین رویکردها مدعی است که اولین ابزار جهانی، عینی و شفاف برای شناخت خطر بحران‌های انسانی است. این طرح همه‌ی سازمان‌های جهانی مطرح درگیر در پیشگیری از بحران، آمادگی، و پاسخ به توسعه را گرد هم می‌آورد و از یک ارزیابی ریسک مشترک استفاده می‌کند. طرح اطلاع‌رسانی که یک پلتفرم متن‌باز است در پاسخ به توصیه‌های بسیاری از سازمان‌ها مبنی بر تکمیل پایگاه مشترک شواهد برای تحلیل ریسک بسط یافت. این طرح حاصل همکاری گروه کاری کمیته‌ی دائمی بین‌آژانسی در زمینه‌ی آمادگی و تاب‌آوری و کمیسیون اروپا و مورد حمایت سازمان‌های متعدد تخصصی سازمان ملل متحد (برنامه‌ی محیط زیست، برنامه‌ی توسعه، یونیسف، استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، سازمان جهانی بهداشت، برنامه‌ی جهانی غذا)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، و سازمان کمک‌رسانی انگلیس است. الگوی طرح اطلاع‌رسانی سه بعد از خطر را اندازه‌گیری می‌کند: (1) خطرات و در معرض قرار گرفتن، (2) آسیب‌پذیری، و (3) کمبود ظرفیت مقابله. در عین حال که ممکن است این الگو کاندیدای بالقوه‌ی یک رویکرد ارزیابی کلی یکپارچه باشد، به‌جز خشکسالی، روندهای مربوط به تغییر اقلیم را در نظر نمی‌گیرد.

علاوه بر این فعالیت‌های جهانی، تعدادی از برنامه‌های هشدار زودهنگام دوجانبه اهمیت ادغام دیدگاه‌های مختلف سیاستی را برای دستیابی به یک رویکرد هشدار زودهنگام مؤثر نشان می‌دهد.

سیستم هشدار زودهنگام بحران وزارت همکاری اقتصادی و توسعه‌ی آلمان پتانسیل درگیری همه‌ی کشورهای شریک را ارزیابی می‌کند. اگر کشوری در معرض خطر درگیری باشد، ارزیابی‌های صلح و تعارض الزامی است، و ضرورت‌های ایجاد صلح در استراتژی و برنامه‌های توسعه‌ی کشور گنجانده می‌شود. با این حال، از آنجا که مبنای سیستم هشدار زودهنگام ارزیابی اقتصاد سیاسی کشور است، به ندرت عوامل محیطی یا اقلیمی را در نظر می‌گیرد (Rüttinger and Carius 2013).

چارچوب ارزیابی درگیری آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده (USAID 2012b) شامل تأثیرات تغییر اقلیمی به عنوان عامل پویایی درگیری برای ارزیابی است. این چارچوب، تغییر اقلیمی را به عنوان یکی از مسائل تشخیصی خود وارد ارزیابی می‌کند تا اطمینان حاصل شود که تأثیرات بالقوه‌ی آن در رقابت بر سر منابع در برنامه‌های توسعه پوشش داده می‌شود. ضمیمه‌ی چارچوب توسعه‌ی تاب‌آور نسبت به اقلیم آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده با عنوان تغییر اقلیم و درگیری که اخیراً منتشر شده راهنمای دیگری در مورد تحلیل درگیری حساس به اقلیم ارائه می‌کند که اثر تغییر اقلیمی بر بستر توسعه، عملکرد سازمانی، و منافع و منابع و استراتژی‌های بازیگران اصلی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (USAID 2015).

ارزیابی چندخطری ریسک بلایای طبیعی در دیارتمان توسعه‌ی بین‌المللی تانزانیا که در مارس ۲۰۱۴ انجام شد روندهای مربوط به تغییر اقلیمی از جمله آسیب‌پذیری کشور در برابر خطرات طبیعی، تنوع اقلیمی، و وقایع شدید آب و هوایی را ارزیابی کرد. علاوه بر این، تنش‌های فزاینده بین احزاب سیاسی و گروه‌های مذهبی، درگیری بر سر زمین، تصرف زمین، و ناامنی غذایی را در شمار مخاطرات قرار داد. این شرح مخاطرات راهنمایی خواهد بود برای دیارتمان توسعه‌ی بین‌المللی تانزانیا که در زمینه‌ی آمادگی و تاب‌آوری کار می‌کند (Peters and Vivekananda 2014).

3.2.2 استراتژی و برنامه‌ریزی

برنامه‌های سازگاری با اقلیم که از طریق فرایندهای توسعه‌ی ملی طرح‌ریزی می‌شوند به احتمال بیشتری پذیرفته شده، پایدار و مقرون به صرفه هستند. این نه تنها اولیوی برای فرایند برنامه‌ی ملی سازگاری بلکه همچنین برای پیروی از اصول اثربخشی توسعه مورد توافق مجامع سطح بالا در موضوع کارایی کمک‌ها در پاریس یا بوزان است. یکی از پیششرط‌های اصلی دیدگاه یکپارچه‌ی برنامه‌ریزی اقلیم و توسعه، ساختار حکمرانی مستحکم در همه‌ی سطوح شامل سازوکارهای نهادی است که می‌تواند به ارتقای هماهنگی میان وزارتخانه‌های مربوط در کشورها کمک کند. اقدامات سازگاری باید نه تنها برای چالش‌های اقلیمی بلکه برای موقعیت‌های آسیب‌پذیری نیز مناسب باشد، عواملی که می‌توانند «پایه‌های تاب‌آوری - حفاظت - واکنش را تضعیف کنند» (Smith and Vivekananda 2009).

اتحاد جهانی برای اقدام در جهت تاب‌آوری در برابر خشکسالی و رشد: اتحاد جهانی یک رویکرد جامع و چندسطحی است که هماهنگ‌کننده‌ی آن آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده و شامل ۵۱ دولت آفریقایی و اهداکنندگان بین‌المللی و ملی است. این اتحاد به دنبال رفع بحران طولانی‌مدت خشکسالی در شاخ آفریقا است و از توسعه‌ی چارچوب‌های مشترک برای برنامه‌ریزی کشوری و منطقه‌ای، ایجاد ظرفیت منطقه‌ای، و پایش و ارزیابی حمایت می‌کند. برای مثال، دولت کنیا برای هدایت و هماهنگی طرح کشور خود، یک سازمان ملی مدیریت خشکسالی ایجاد کرده است. دولت ایتوبی سیاست‌های جدیدی برای محافظت از دام‌ها قبل از وقوع خشکسالی در دست اجرا دارد (USAID 2014b).

طرح محیط زیست و امنیت: این طرح با مشارکت شش سازمان بین‌المللی، و با تقویت همکاری در چهار منطقه‌ی آسیای مرکزی، اروپای شرقی، قفقاز جنوبی، و اروپای جنوب شرقی، یک پاسخ یکپارچه به چالش‌های محیط زیستی و امنیتی می‌دهد. طرح محیط زیست و امنیت به شناسایی راه‌حل‌های مشترک یاری می‌رساند و گفت‌وگو و همکاری فرامرزی بین سیاست‌گذاران، کارشناسان محیط زیست، و جامعه‌ی مدنی را تسهیل می‌کند. این طرح اخیراً از توجه به دغدغه‌های سازگاری با تغییر اقلیم در مدیریت حوضه‌ی فرامرزی رود نمان در اروپای شرقی حمایت کرده است. درحالی‌که یکپارچه‌سازی در این طرح امری اساسی است، در طراحی اکثر پروژه‌های آن به محیط زیست و امنیت توجه نمی‌شود (Maas and Carius 2012).

ما همچنین میتوانیم از روند جهانی فعلی برای پیشبرد توسعه‌ی بین‌المللی و برنامه‌ی کمک‌های بشردوستانه در جهت حمایت بیشتر از یکپارچگی بهتر استفاده کنیم.

دستور کار توسعه‌ی پس از ۲۰۱۵: سال ۲۰۱۵ فرصتی منحصر به فرد برای ادغام چالش‌های تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری در دستور کار گسترده‌تر توسعه فراهم می‌کند. دستور کار پس از ۲۰۱۵ می‌تواند شتاب و جهت جدیدی به تأمین مالی توسعه‌ی جهانی در زیر چتر حمایت از اقدام جهانی بدهد. درحالی‌که مخاطرات درآمیخته‌ی شناسایی شده در این گزارش عمدتاً در فهرست اهداف پیشنهادی از جمله اهداف سازگاری با تغییر اقلیمی قرار دارد، فرایند پس از ۲۰۱۵ هنوز به راه‌های غلبه بر رویکرد جزیره‌ای عمل کردن نسبت به توسعه‌ی پایدار نمی‌پردازد که سه بعد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی آن را جدا از هم نگه می‌دارد. فقط تعداد معدودی از اهداف پیشنهادی (در مورد انرژی، نابرابری و شهرها) چندبعدی و چندبخشی هستند. همچنین مشخص نیست که کشورهای عضو چگونه در دستیابی به این اهداف مشارکت خواهند کرد، مسئله‌ای که یکی از نقاط ضعف مهم اهداف توسعه‌ی هزاره بوده است (Bauer et al. 2014). براساس فهرست پیش‌نویس، نقاط ورود آشکاری برای اطمینان از تلفیق بهتر فرایندهای برنامه‌ریزی در سطوح ملی و بین‌المللی، مانند هماهنگی مداخلات بشردوستانه و برنامه‌ریزی توسعه، وجود دارد.

3.2.3 تأمین مالی

الگوهای فعلی تأمین مالی توسعه – چه برای کشورهای آسیب‌پذیر و چه برای بخش‌های حساس به اقلیم – در دستیابی به هدف رفع مناسب مخاطرات آسیب‌پذیری اقلیمی شرح داده‌شده در این گزارش با چالش‌های اساسی روبه‌رو هستند. همان‌طور که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مطرح کرده است (OECD 2014a)، کمک‌ها به کشورهای آسیب‌پذیر بی‌ثبات است و بسیاری از این کشورها با کمبود بودجه مواجه‌اند، درحالی‌که چند کشور مرکز توجه بخش اعظم پول را دریافت کرده‌اند. به طور کلی، کشورهای آسیب‌پذیر فقط دارای ظرفیت‌های بسیار محدودی برای تولید درآمد در داخل کشور هستند و ظرفیت جذب پشتیبانی بین‌المللی محدود است.

روند کلی کمک‌رسانی‌ها: بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، سرانه‌ی کمک‌های رسمی توسعه‌ای در کشورهای آسیب‌پذیر طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه 46 درصد افزایش یافته است، در مقایسه با 27 درصد افزایش در کشورهایی که آسیب‌پذیر محسوب نمی‌شوند (OECD 2013b). کمک‌های جهانی به کشورهای آسیب‌پذیر پس از رسیدن به اوج در سال ۲۰۰۵ شروع به کاهش کرد. در سال 2011، این کمک‌ها 2/4 درصد کاهش یافت (OECD 2014a; OECD 2013c). با این حال، داده‌های اخیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که کمک‌ها از سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. در حال حاضر، سهم قابل توجهی از کمک‌های رسمی توسعه‌ای به کشورهای آسیب‌پذیر اختصاص یافته که نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که فقر، و تلاش‌ها برای کاستن از آن، به طور فزاینده‌ای در این کشورها متمرکز شده است (OECD 2014a).

واکنش انسانی به بلایا: چگونگی پیروی از اصل ضرر



از اصل ضرر پیروی کنید

واکنش‌های نامناسب انسانی در برابر بلایا می‌تواند ناخواسته وضعیت را بدتر کند.

برای مثال، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در جریان زلزله‌ی سال 2010 در هائیتی نتوانستند منابع آب را برای پیشگیری از وبا تصفیه کنند. شیوع وبا باعث کشته شدن هزاران هائیتیایی، تظاهرات، آشوب، بسته شدن جاده‌ها، و درگیری معترضان و نیروهای سازمان ملل در هائیتی شد. برای محافظت از نیروهای سازمان ملل متحد، که عامل شیوع بیماری از طریق آب شناخته می‌شدند، پلیس هائیتی فراخوانده شد.



حساسیت اقلیمی داشته باشید

عدم توجه به پیوندهای میان واکنش‌ها در برابر بلایا، منابع محیطی و تغییرات اقلیمی می‌تواند با آسیب رساندن به پایگاه منابع طبیعی که جوامع به آن متکی‌اند، خطر درگیری را افزایش دهد. برای مثال، معیشت ماهیگیران در شرق سریلانکا پس از سونامی اقیانوس هند با تحویل تعداد زیادی قایق ماهیگیری که صید بی‌رویه را به دنبال داشت تضعیف شد.



واکنش به درگیریها با توجه به بلایا باشد

مداخلات در درگیریها بدون توجه به بلایا، مانند برنامه‌های ضعیف اسکان مجدد، می‌تواند خطرات بلایا را تشدید کند. در سودان، رشد اردوگاه‌های آوارگان داخلی فشار بر منابع محدود را افزایش داد. آژانس‌های بشردوستانه‌ی بین‌المللی درختان را قطع کردند تا برای ساختن اردوگاه‌ها چوب فراهم کنند. این جنگل‌زدایی منجر به از بین رفتن خاک سطحی حاصلخیز و کمبود بیش از پیش آب شد. استفاده‌ی ناپایدار از الوار و آب آسیب‌پذیری معیشت شکننده‌ی میلیون‌ها نفر را از درگیری افزایش داد.

کمک‌ها را عادلانه توزیع کنید و از تشدید نابرابری‌ها بپرهیزید



واکنش‌های بشردوستانه می‌تواند نابرابری‌های قبلی را تشدید کند یا با توزیع نابرابر کمک‌ها، موارد جدیدی ایجاد کند. در پاکستان، به دلیل عدم هماهنگی و اوضاع پیچیده‌ی امنیتی، سازمان‌های مردم‌نهاد در واکنش به سیل‌های ژوئیه - اوت 2010 کمک‌ها را غیرعادلانه توزیع کردند. بسته‌های امدادی حتی در یک روستای واحد تفاوت زیادی داشت و تنش‌ها را هم در درون جامعه و هم با سازمان‌های مردم‌نهاد بالا برد (Street 2012). پس از زلزله‌ی 2010 هائیتی، مردمی که چسبیده به اردوگاه‌های امدادی زندگی می‌کردند به اختلاف خدمات بین اردوگاه‌ها و همسایگان آن‌ها اعتراض کردند.

تصور نکنید که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر واکنش‌ها به لحاظ سیاسی بی‌طرفانه هستند



ا فرض اینکه تلاش‌های بشردوستانه از دخالت سیاسی مصون است، ممکن است امدادگران ناخواسته باعث آسیب شوند و نارضایتی‌ها را در جاهایی که روابط دولت - شهروند از قبل شکننده است تشدید کنند. لزوم هدایت کمک‌های بشردوستانه از طریق دولت می‌تواند برخی گروه‌ها یا جناح‌های جامعه را که با دولت در تعارض هستند به حاشیه براند، همچنان که پس از سونامی در سریلانکا رخ داد.

ظرفیت جذب محدود: یک نکته‌ی مهم و مورد اختلاف، فقدان ظرفیت جذب در کشورهایی است که آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند. اگر سیاست‌های پولی و مالی، جریان‌های کمک‌رسانی را در نظر نگیرند، کمک‌ها می‌توانند آثار اقتصادی کلان منفی داشته باشند. طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD 2008b, 28)، «ضعف در شفافیت و پاسخگویی و فقدان سیستم‌های مدیریت مالی عمومی سالم محدودیت‌های اضافی ایجاد می‌کند، هم در خودشان و هم در ترکیب با گزارش و الزامات مالی اهداکنندگان.» تحقیقات محدود در دسترس نشان می‌دهد که ظرفیت جذب کشورهایی که آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند ممکن است فقط در حدود ۱۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی باشد (OECD 2008b). ظرفیت مدیریت بهتر کمک‌رسانی‌ها می‌تواند نقشی تحریک‌کننده در افزایش کمک‌های رسمی توسعه‌ای و استفاده از سایر اشکال بودجه‌ی خصوصی و عمومی داشته باشد (Pietschmann 2014).

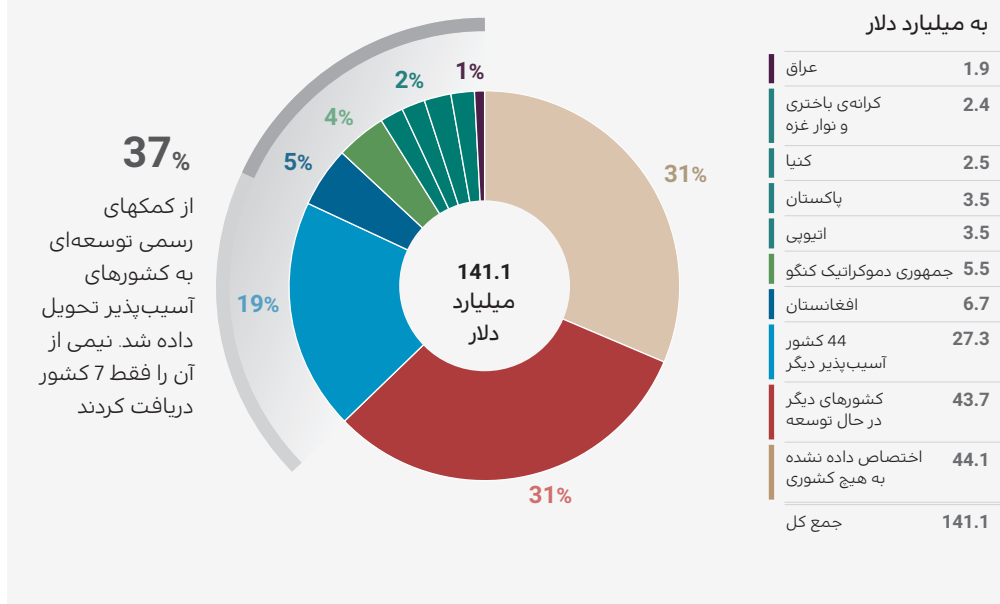
تعهدات و مصوبات بانک‌های توسعه‌ی چندجانبه برای کشورهای آسیب‌پذیر در سال 2013

بانکهای توسعه‌ی چندجانبه	درصد از کل تعهدات و مصوبات برای کشورهای آسیب‌پذیر	برای کشورهای آسیب‌پذیر (میلیون دلار)	مجموع تعهدات ³ و مصوبات ⁴ برای کشورهای دخیل (میلیون دلار)	بازوی وام‌دهنده
بانک جهانی	0%	0	12970/58	بانک بین‌المللی بازاری و توسعه
	12/59%	6722/55	53405/14	انجمن بین‌المللی توسعه
بانک توسعه‌ی آفریقا	39/18%	717/87	1832/17	بانک توسعه‌ی آفریقا
	79/35%	1794/45	2261/48	صندوق توسعه‌ی آفریقا
بانک توسعه‌ی آسیا ⁵	23/05%	2374/9	10302/9	بانک توسعه‌ی آسیا
	71/50%	2867/2	3850	صندوق بانک توسعه‌ی آسیا
بانک توسعه‌ی بین‌امریکایی	1/41%	192/0	13597/5	بانک توسعه‌ی بین‌امریکایی (نرخ تغییر رسمی و صندوقها)
بانک توسعه‌ی کارائیب	10/32%	13/71	132/78	بانک توسعه‌ی کارائیب (نرخ تغییر رسمی و صندوقها)

منابع: World Bank (2014d); AfDB (2014c); ADB (2014); Inter-American Development Bank (2014); Caribbean Development Bank (2014). منبع این ارقام فهرست کشورهای آسیب‌پذیر مندرج در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است (OECD 2014).

- تعهدات شامل مجموع تعهدات جدید در مورد وام‌های عمومی و تضمین‌شده‌ی عمومی از بانک بین‌المللی بازاری و توسعه در سال 2013 است. داده‌ها به دلار فعلی آمریکا است. تعهدات شامل مجموع تعهدات جدید در مورد وام‌های عمومی و تضمین‌شده‌ی عمومی از انجمن بین‌المللی توسعه در سال 2013 است. داده‌های هر دو گروه تعهدات به دلار فعلی آمریکا است.
- مصوبات بانک توسعه‌ی آفریقا مربوط به وام و کمک هزینه است. مصوبات بانک توسعه‌ی آسیا شامل مجموع وام‌ها، ضمانت و حقوق تأییدشده‌ی صاحبان سهام است؛ مصوبات صندوق بانک توسعه‌ی آسیا شامل مجموع وام‌ها و کمک‌های مالی تأییدشده است. مصوبات بانک توسعه‌ی بین‌امریکایی (نرخ تغییر رسمی و صندوقها) مصوبات کل است. مصوبات بانک توسعه‌ی کارائیب (نرخ تغییر رسمی و صندوقها) شامل مجموع وام‌ها، وام‌های مشروط، حقوق صاحبان سهام، و کمک‌های مالی (خالص) است.
- داده‌ها از واحدهای حساب بانک توسعه‌ی آسیا براساس نرخ‌های تبدیل بازار از تاریخ 30 دسامبر 2013 به دلار آمریکا تبدیل شد.

دریافتکنندگان کمک‌های رسمی توسعه‌ای در سال 2011



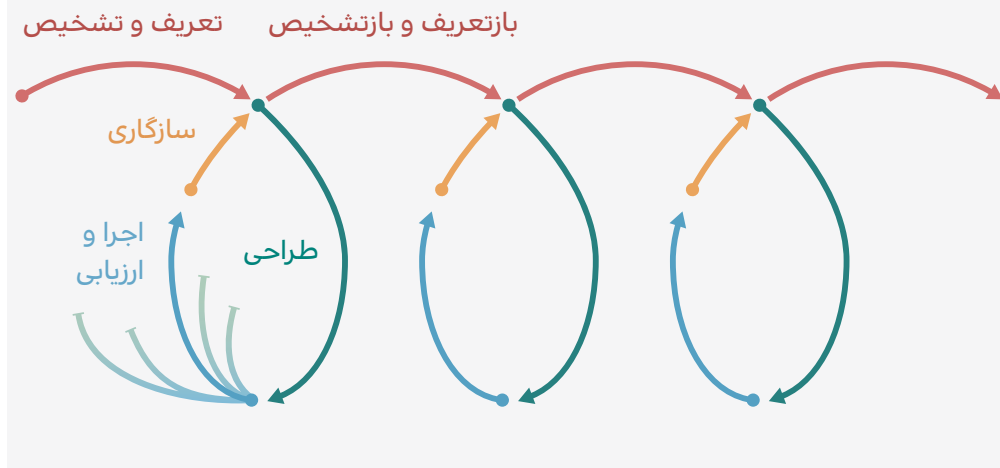
منبع: (OECD 2014a)

94

کمک‌رسانی به بخش‌های حساس به اقلیم: در طی دهه‌های گذشته، کمک‌رسانی به برخی بخش‌های حساس به اقلیم کاهش یافته است. در سال‌های اخیر، کمک‌های کشاورزی فقط ۵ درصد از کل تعهدات کمک‌های رسمی توسعه‌ای را تشکیل داده که بسیار کمتر از سهم 20/2 درصدی آن در دوره‌ی زمانی 1987-89 است (Elliot and Collins 2012). سهم کمک‌های رسمی توسعه‌ای اختصاص یافته به کشاورزی به ویژه در کشورهای آسیب‌پذیر اندک است. برای مثال، این کمک‌ها برای بخش کشاورزی بوروندی در سال ۲۰۱۰ حدود یک درصد بود، اگرچه این بخش ۹۰ درصد نیروی کار کشور را استخدام کرده بود (Boyce and Forman 2010). از 42/4 میلیارد دلار تعهدات دوجانبه‌ی کمک‌های رسمی توسعه‌ای در خصوص زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی در سال 2011، آب و فاضلاب فقط حدود 4/9 میلیارد دلار دریافت کرد (OECD 2013a). از سال ۱۹۹۰، کمک‌های مربوط به آب و فاضلاب به ترتیب 16 و 20 درصد افزایش یافته است. برای این بخش‌ها تمرکز منطقه‌ای قوی وجود دارد، و جنوب صحرای آفریقا ۲۵ درصد و آسیای جنوبی و مرکزی ۲۳ درصد کل کمک‌ها را در سال ۲۰۱۱ دریافت کردند. اگرچه دسترسی به آب آشامیدنی طی دو دهه‌ی گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است، همچنان بیش از ۱۰ درصد جمعیت جهان از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم‌اند (OECD 2013a).

توزیع نابرابر میان کشورهای آسیب‌پذیر: توزیع کمک‌های رسمی توسعه‌ای در بین کشورهای آسیب‌پذیر طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ناعادلانه و بسیار بی‌ثبات بوده است (Pietschmann 2014). تقریباً نیمی از کل مبلغ کمک‌های رسمی توسعه‌ای توزیع شده در بین کشورهای آسیب‌پذیر در سال 2011 تنها به هفت کشور پرداخت شد: افغانستان 6/7 میلیارد دلار؛ جمهوری دموکراتیک کنگو 5/5 میلیارد دلار؛ اتیوپی، پاکستان، کنیا، کرانه باختری/ غزه، و عراق جمعاً 13/8 میلیارد دلار دریافت کردند. نیم باقی‌مانده هم به 44 کشور آسیب‌پذیر دیگر پرداخت شد (OECD 2014a). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در روشی جدید، با ترکیب نیازها و معیارهای عملکرد، فهرستی از کشورهای دچار کمبود بالقوه‌ی بودجه تهیه می‌کند که به وضوح نشان می‌دهد کشورهای شناسایی شده به عنوان آسیب‌پذیر (به ویژه کشورهای جنوب صحرا) بودجه‌ی کافی دریافت نمیکنند (OECD 2013b).

شناسایی مداخلات مؤثر



◀ برگرفته از (World Bank (2015c

یکی از بزرگ‌ترین موانع اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های یکپارچه‌ی توسعه کمبود تخصص، ظرفیت و منابع است. برای اجرای طرح‌های پیچیده‌تر پروژه و اطمینان از سازگاری با بسترهای متغیر، مجریان باید آسیب‌پذیری را بشناسند و تعامل عمیق‌تری با بستر پروژه داشته باشند (Stephen 2014). در گذشته، بیشتر اهداکنندگان چندجانبه و دوجانبه بر تدوین دستورالعمل‌ها و تعیین حداقل استانداردها تمرکز داشتند. در عین حال که این رویه اغلب باعث ادغام بهتر آسیب‌پذیری و مخاطرات اقلیمی در استراتژی‌ها می‌شد، لزوماً به تولید برنامه‌های بهتر نمی‌انجامید. در مرحله‌ی اجرا، این سطح بالاتر آگاهی به ایجاد منابع یا وقت بیشتر یا کارمندیابی گسترده‌تر منتهی نشده است.

رویکردهای تکراری مشکل‌محور: یکی از راه‌های مقابله با محیط شکننده منظور کردن ارزیابی به عنوان یک عنصر دائمی در فرایند اجرا است. به جای اجرای بهترین روش‌ها، این رویکرد خواستار حل مشکلات عملکردی شناسایی‌شده‌ی محلی است. این رویکرد مشوق روش آزمون و خطا به جای برنامه‌ریزی ثابت و از پیش تعریف‌شده است. همچنین برخلاف ارزیابی پس از برنامه، حلقه‌های بازخورد جدی برای فراهم آوردن امکان یادگیری سریع ایجاد می‌کند، و فعالانه طیف وسیعی از کارمندان را برای تسهیل برنامه‌های عملی و قانونی پایین به بالا به خدمت می‌گیرد (Andrews et al. 2012). اما درحالی‌که این رویکردها و سایر رویکردهای نوآورانه نسبت به محیط‌های پیچیده به طور فزاینده‌ای از جانب دانشگاه‌ها ترویج می‌شوند، هنوز به روال عملیاتی آژانس‌های توسعه راه پیدا نکرده‌اند.

از طرف دیگر، تلاش‌های مداوم برای یافتن روش‌های جدید اجرا جریان دارد که می‌تواند به رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری نیز کمک کند.

طرح «یکی باشیم» سازمان ملل: این طرح که سازمان ملل متحد آن را در سال ۲۰۰۵ ارائه کرد به دنبال کاهش بار کشورهای شریک از طریق هماهنگ کردن عملیات و رویه‌های اداری آژانس‌های مختلف است. گروه‌های کاری موضوعی و تیم‌های کشوری هماهنگی و تصمیم‌گیری بین‌آژانسی را در سطح کشور تضمین می‌کنند. هر تیم کشوری یک استراتژی ملی مبتنی بر تحلیل مشترک، تفکر مشترک، اولویت‌بندی مشترک و بودجه‌بندی مشترک ارائه می‌دهد. اما به رغم کنار گذاشتن رویکردهای جزیره‌ای در سیستم سازمان ملل، طرح «یکی باشیم» زمینه‌های مهم سیاست اقلیمی را یکپارچه نساخته است. روش‌های خاص کاهش بار شرکا هنوز نامشخص است و محدودیت‌هایی در توانایی طرح برای مقابله با مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری وجود دارد. این رویکرد دانش اقلیمی و آگاهی عمومی را گرد می‌آورد، اما حساسیت به درگیری یا تلاش‌های گسترده‌تر توسعه‌ای را در طرح وارد نمی‌سازد. علاوه بر این، فقدان ظرفیت پایش و ارزیابی اجازه‌ی دستیابی به نتایج قابل اعتماد در مورد اثربخشی برنامه در موقعیت‌های آسیب‌پذیر را نمی‌دهد (UN System Chief Executives Board for Coordination 2008).

سازمان های چندجانبه تمرکز خود بر تغییر رژیم و شکنندگی را افزایش دادند: بانک جهانی اعلام کرد که بودجهی خود را برای تغییر اقلیمی و کشورهای که درگیر موقعیت های آسیب پذیری هستند افزایش می دهد (World Bank 2013). بانک توسعهی آفریقا «تسهیلات برای کشورهای آسیب پذیر» را در سال ۲۰۰۸ و استراتژی جدیدی با عنوان «رفع آسیب پذیری و ایجاد تاب آوری در آفریقا» را برای سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ معرفی کرد که موقعیت های مختلف آسیب پذیری، کانون های آسیب پذیری در درون یک کشور، و تنوع فشارهای عامل آسیب پذیری از جمله مسائل زیست محیطی و تغییر اقلیمی را در نظر می گیرد (AfDB 2014a). جدول بالا مروری بر تعهدات و مصوبات بانک های توسعهی چندجانبه در خصوص کشورهای آسیب پذیر در سال ۲۰۱۳ است.

اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه - کمک های رسمی توسعه ای برای تعامل مطلوب در موقعیت های آسیب پذیر: این اصول (2007) «تأکید دارد که کمک رسانی ها باید انعطاف پذیر، بلندمدت، هماهنگ و یکپارچه باشند به گونه ای که میان مراحل بشردوستانه، بازسازی، و توسعهی بلندمدت تر ارتباط برقرار کنند (McCloughlin 2012). در زمین های بشردوستانه، ۱۹ صندوق مشترک فعال و مستقر در کشور - صندوق های مشترک بشردوستانه و صندوق های واکنش اضطراری - به سازمان های غیردولتی بشردوستانه و آژانس های سازمان ملل متحد، بر مبنای مشاورهی جامع و فرایند اولویت بندی، کمک های مالی ارائه می کنند. در سطح جهانی نیز صندوق مرکزی واکنش اضطراری، به ویژه برای بحران هایی که مورد غفلت قرار گرفته یا با کمبود بودجه مواجه اند، بودجه فراهم می کند. در مجموع، مبلغی که از این وجوه در سال ۲۰۱۲ به کمک های بشردوستانه اختصاص یافت 920 میلیون دلار (معادل 7/2 درصد از بودجهی جهانی بشردوستانه) بود. بخش های کشاورزی، غذا، و آب و فاضلاب 44/7 درصد از منابع مالی جمع شده را دریافت کردند (OCHA 2013).

ما همچنین می توانیم از تمرکز جهانی فعلی بر تأمین مالی توسعه در جهت پشتیبانی بیشتر از یکپارچگی بهتر استفاده کنیم.

کنفرانس های تأمین مالی توسعه: اولین کنفرانس تأمین مالی توسعه که در سال ۲۰۰۲ در مونتري برگزار شد به دنبال رویکردهای جدید نسبت به تأمین بودجه برای توسعهی جهانی عادلانه تر بود که منجر به تصویب توافق مونتري شد. انتظار می رود که سومین کنفرانس تأمین مالی توسعه، که در ژوئیهی ۲۰۱۵ در آدیس آبابا برگزار می شود، سهم قابل توجهی در تکمیل دستور کار توسعهی پس از ۲۰۱۵ و اجرای آن داشته باشد. آنچه حائز اهمیت است این است که این کنفرانس ها به تشخیص نیازهای منحصر به فرد کشورهای در موقعیت های آسیب پذیری و لحاظ کردن این ملاحظات در گفت و گوی فراگیر ادامه دهند.

96

3.2.4 اجرا

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ادعا می کند که میزان موفقیت برنامه های کمک رسانی در کشورهای آسیب پذیر در طی دو دهه ی گذشته افزایش یافته است (Hilker 2012). با وجود این، مسلماً برنامه های کمک رسانی در بیشتر مواقع در موقعیت های آسیب پذیری شکست خواهند خورد. اما در صورت موفقیت، بازده آن ها احتمالاً بسیار بیشتر خواهد بود چرا که پاسخگوی نیازهای چنین بزرگی هستند (World Bank 2011).

اجرای پروژه ها در موقعیت های آسیب پذیر مستلزم زمان بیشتر برای مواجهه با مسائل امنیتی پیش بینی نشده، تغییر پی در پی دولت ها، یا پاسخگویی کند آژانس های مجری است. تقویت تعامل و گفت و گو با نهادهای محلی و ذی نفعان از جمله مؤسسات عرفی و سنتی مهم است. علاوه بر این، برنامه ها باید قادر به واکنش سریع در برابر چنین چالش های اجرایی باشند (ADB 2010; Bellina et al. 2009; International Peace Institute 2012).

ایجاد ظرفیت ها و نهادهای لازم برای پایداری تلاش های توسعه ای زمان بر است. طراحی پروژه باید انعطاف پذیر باشد، زیرا شرایط متغیر در کشورهای با موقعیت های آسیب پذیری اغلب منجر به تغییر دامنه می شود. برای کشورهای آسیب پذیر هیچ راه حلی که مناسب همه باشد وجود ندارد (Leader and Colenso 2005). شناخت ما نسبت به بهترین راه حل در بسترهای آسیب پذیر بسیار اندک است. روند پایش و ارزیابی قوی و تعهد بلندمدت کلید موفقیت است. ابزارهای کمک رسانی با بیشترین موفقیت در چندین چرخه ی اصلاح و سازگاری شکل گرفته اند (World Bank 2015c).

رویکردهای بخشی: آبهای فرامرزی

فشارهای توسعه و آسیب‌پذیری به وجود آیند نیستند. در بسیاری از توافق‌نامه‌های مربوط به آب‌های مشترک، حجم مشخصی از آب تخصیص داده می‌شود که ممکن است در آینده در دسترس نباشد یا سازوکارهای حل اختلاف در آن‌ها گنجانده نمی‌شود (Schmeier and Schulze 2012).

مسئولیت اصلی تقویت همکاری در مورد آب‌های مشترک با کشورهای حوضه است. کشورهای ساحلی خواستار تقویت همکاری می‌توانند از ترتیبات قانونی موجود مانند کنوانسیون 1997 سازمان ملل در مورد قانون بهره‌برداری غیرکشتیرانی از مسیرهای آبی بین‌المللی، کنوانسیون منابع آبی کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا، و دستورالعمل چارچوب منابع آبی اتحادیه اروپا استفاده کنند. اگرچه اکثر کشورها تمایلی به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۴ لازم الاجرا شد نداشته‌اند، اصول مندرج در این متون رهنمودهای مفیدی برای تدوین رویکردهای مشارکتی نسبت به آب‌های مشترک ارائه می‌دهند (United Nations 2015).

با توجه به مزایای متعدد همکاری، جامعه بین‌المللی در صدد حمایت از آن بوده است. بنابراین منابع مالی بسیاری از سازمان‌های حوضه رود را اهداکنندگان بین‌المللی تأمین می‌کنند، و غالباً مجامع تأثیرگذاری برای ایجاد هماهنگی میان اهداکنندگان کمک‌های مالی در سطح حوضه برگزار می‌شود. با وجود این، افزایش اثربخشی پشتیبانی بین‌المللی به استفاده از سیاست‌ها و فرایندهای بین‌المللی بستگی دارد تا از فرصت‌های چندبعدی که مدیریت آب‌های فرامرزی ایجاد می‌کند استفاده شود.

مدیریت آب‌های فرامرزی موضوعی است که از هر سه حوزه سیاستی تحلیل‌شده در این فصل فراتر می‌رود. تاکنون جامعه توسعه عمیق‌ترین تعامل را با آب‌های مشترک داشته است. با وجود این، یکپارچگی بیشتر با سازگاری اقلیمی و اهداف ایجاد صلح می‌تواند هم‌افزایی قابل توجهی ایجاد کند.

در مقیاس جهانی، آب‌های فرامرزی فاقد «خانه‌ی نهادی‌شده» هستند. هیچ سازمان یا مجمع بین‌المللی امکان ارزیابی یکپارچه و نظام‌مند در این عرصه را فراهم نمی‌سازد، چه رسد به پیش بردن یک اقدام هماهنگ. تقسیم مسئولیت‌ها بین چندین نهاد بین‌المللی منجر به پراکندگی و فقدان سازمان شده است، همچنان که هیچ «ساختار بین‌المللی کارآمدی که قادر و مایل به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های کنونی و آتی پیش روی آب‌های فرامرزی باشد» (Pohl et al. 2014, 20) وجود ندارد. این نبود سازمان به رویکردهایی کمک کرده است که فاقد جامعیت لازم هستند.

اوضاع در سطح حوضه تا حدودی متفاوت است. تعداد 117 سازمان حوضه‌ی رود ترتیبات نهادی برای هماهنگی تقریباً نیمی از ۲۷۶ حوضه‌ی فرامرزی جهان را فراهم می‌کنند. با این حال، این سازمان‌های حوضه‌ی رود همیشه شامل همه‌ی کشورهای واقع در یک حوضه نیستند، و بسیاری از حوضه‌ها فاقد سازوکارهای نهادی‌شده‌ی مناسب برای حل مسائل اقلیمی، توسعه‌ای و امنیتی هستند. به علاوه، بسیاری از سازوکارهای موجود کاملاً مناسب پرداختن به تغییرات هیدرولوژیکی ناشی از تغییر اقلیمی در بسیاری از مکان‌ها، و همچنین چالش‌های سیاسی که ممکن است در نتیجه‌ی

3.3 ایجاد صلح

ادغام سازگاری اقلیمی در سیاست‌های ایجاد صلح	
سیاست‌های ایجاد صلح	مرحله
در حالی که جامعه‌ی امنیتی خواستار درک بهتر روابط میان اقلیم و آسیب‌پذیری در بالاترین سطوح است، تغییرات اقلیمی در ارزیابی‌های آسیب‌پذیری با صلح و درگیری به اندازه‌ی کافی منعکس نشده است.	هدشار زودهنگام و ارزیابی
درک کل‌نگر از تاب‌آوری و ایجاد صلح رو به گسترش است. ابتکاراتی مانند «بیمان جدید» را که رویکردی با ذی‌نفعان چندگانه به ایجاد تاب‌آوری دارد می‌توان به انعکاس کامل پیامدهای تغییر اقلیمی تشویق کرد.	استراتژی و برنامه‌ریزی
سپرده‌های یا چند اهداکننده می‌تواند به هماهنگی اهداکنندگان و کمک‌ها، خلق مالکیت در کشور، و تجهیز منابع کمک کند. با این حال، موارد استفاده از این وجوه برای رفع نظام‌مند مخاطرات مرتبط با اقلیم نادر است.	تأمین مالی
صلح‌سازی حساس به اقلیم، با مطالعات موردی امیدوارکننده در سطوح محلی و فرامرزی، هنوز در مرحله‌ی آزمایشی است.	اجرا

گروه بانک جهانی: اذعان بر ارتباط میان آسیب‌پذیری، درگیری، خشونت و فقر در گروه بانک جهانی افزایش یافته است. این گروه شروع به ریسک بیشتر در کشورهایی کرده است که در موقعیت‌های آسیب‌پذیری قرار دارند. درحالی‌که تلاش‌ها برای استفاده از تحلیل‌های آسیب‌پذیری و درگیری در تدوین استراتژی‌های کمک به کشورها افزایش قابل توجهی یافته است، از این بینش‌ها و درس‌ها هنوز به طور پیوسته در سطح برنامه و پروژه استفاده نشده است. رویکردهای انعطاف‌پذیرتری مورد نیاز است؛ همچنان که در یک گزارش خاطرنشان شده است: «توجه به موقعیت‌های آسیب‌پذیر و متأثر از درگیری در بانک‌ها افزایش یافته، اما در عمل منجر به یک تغییر نظام‌مند در رویکردهای داخلی نسبت به رفتار تأمین مالی پروژه نشده است» (Stephen 2014, 9).

طرح اتحادیه‌ی اروپا در حمایت از تاب‌آوری شاخ آفریقا: این طرح یک رویکرد مشترک بشردوستانه - توسعه‌ای است که تحت مدیریت کمک‌های بشردوستانه و حفاظت مدنی کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا و ادارات همکاری و توسعه‌ی بین‌المللی قرار دارد. این طرح طرح با هدف بهبود امنیت غذایی، تغذیه و معیشت به روش مقاوم در برابر اقلیم از سال ۲۰۱۲ آغاز شد و شامل اجرای رویکردهای تاب‌آوری ملی موجود در طرح‌های توسعه‌ی ملی است. این پروژه ۲۷۰ میلیون یورویی با مشارکت دادن مقامات محلی و منطقه‌ای و همچنین ارگان‌های بین‌دولتی مانند مرجع بین‌دولتی توسعه، کمک‌رسانی را هماهنگ می‌کند (ECHO 2014).

دپارتمان توسعه‌ی بین‌المللی در جمهوری دموکراتیک کنگو: از آنجا که معلوم شده است رویکردهای خطی و ایستا در بسترهای آسیب‌پذیر مانند جمهوری دموکراتیک کنگو اثربخشی کمتری دارند، دپارتمان توسعه‌ی بین‌المللی شروع به استفاده از اصول تفکر سیستم‌های پیچیده در برنامه‌ی توسعه‌ی بخش خصوصی 100 میلیون پوندی خود کرده است که برای بسترهای بی‌ثبات و متغیر مناسب‌تر است. «تئوری پیچیدگی تغییر» دپارتمان توسعه‌ی بین‌المللی شامل رویکردهای مدیریت تطبیقی، اصول سیستم‌های پیچیده برای برنامه‌ریزی در موقعیت‌های آسیب‌پذیری، ماتریس نوع‌شناسی مسئله، افق‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، و اصول تاب‌آوری است. این دپارتمان، پس از تحلیل نظام‌مند محیط بخش خصوصی در جمهوری دموکراتیک کنگو، چهار زمینه را برای مداخله شناسایی کرد: دسترسی به منابع مالی، محیط بازار، توسعه‌ی کسب و کار، و فساد. برنامه‌ی مذکور یک رویکرد مدیریت تطبیقی انعطاف‌پذیر را در پیش گرفت. در مجموع، روشن شد که ابزارهای استفاده شده در طرح آزمایشی، در مقایسه با روش‌های قبلی، برای بافت پویا و ناپایدار کنگو مناسب‌تر است (Ramalingam et al. 2014).

3.3.2 استراتژی و برنامه‌ریزی

در حالی که محیط زیست، منابع طبیعی و تغییر اقلیمی به طور فزاینده‌ای به ایجاد صلح مربوط شده‌اند، ممکن است هنوز برای قلمداد کردن هر یک از طرح‌ها یا استراتژی‌های موجود به عنوان نمونه‌ی موفقیت‌آمیز یکپارچه‌سازی بسیار زود باشد. با این حال، برخی از این رویکردها شرکا را قادر می‌سازد تا دیدگاه قوی‌تری بر محور تاب‌آوری داشته باشند. دریافت‌های شاغلان در جمهوری دموکراتیک کنگو، رواندا و سیرالئون نشان می‌دهد که ادغام تغییر اقلیمی در مداخلات ایجاد صلح بسیار مهم است (Matthew and Hammill 2012). وارد نکردن سازگاری با تغییر اقلیمی در ایجاد صلح در این کشورها به این معنی است که در تصمیمات با پیامدهای طولانی‌مدت، آثار بالقوه‌ی تغییر اقلیمی در نظر گرفته نمی‌شود.

اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی: کشورهای عضو گروه مثبت هفت، به عنوان بخشی از ارزیابی‌های آسیب‌پذیری خود، در حال تدوین اولویت‌ها و شاخص‌های خاص براساس مجموعه‌ی مشترک اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی هستند. اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی و شاخص‌های مختص هر کشور به عنوان چارچوب پرداختن به چالش‌های آسیب‌پذیری، توسعه و تاب‌آوری، چه در داخل کشورها و چه در آژانس‌های توسعه‌ی دوجانبه و چندجانبه، به کار خواهد رفت. طرح گروه مثبت هفت نشان می‌دهد که ادغام اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی در برنامه‌های ملی چقدر دشوار است. اهداکنندگان و جامعه‌ی مدنی انتظار داشتند که اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی اساس یک گفت‌وگوی مستمر را، چه در داخل کشورهای گروه مثبت هفت و چه در بین کشورهای گروه مثبت هفت و اهداکنندگان تشکیل دهد. با این حال، این گفت‌وگو هنوز رخ نداده است، بخشی به این دلیل که جامعه‌ی مدنی یک شریک فعال در پیمان جدید برای مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر نیست و به طور معناداری درگیر اهداف صلح‌سازی و دولت‌سازی و علل آسیب‌پذیری نبوده است. (International Dialogue on Peacebuilding and Statebuilding 2011).

پنج هدف صلح‌سازی و دولت‌سازی:

- سیاست مشروع و فراگیر: حمایت از توافق‌های سیاسی فراگیر و حل منازعات؛
- امنیت: ایجاد و تقویت امنیت افراد؛
- عدالت: رفع بی‌عدالتی‌ها و افزایش دسترسی مردم به عدالت؛
- مبانی اقتصادی: اشتغالزایی و بهبود معیشت؛
- درآمدها و خدمات: مدیریت درآمد و ایجاد ظرفیت برای خدمات‌رسانی پاسخگو و عادلانه.

استراتژی یکپارچه‌ی سازمان ملل برای منطقه‌ی ساحل: این طرح شناخته‌شده به دنبال هماهنگی واکنش‌ها به مسائل مربوط به امنیت، حکمرانی، توسعه، حقوق بشر، و چالش‌های بشردوستانه در منطقه‌ی ساحل است (OCHA 2014). سه گروه کاری، به عنوان بخشی از استراتژی یکپارچه، پیاده‌سازی حاکمیت، امنیت و تاب‌آوری را هماهنگ می‌کنند. غذا و تغذیه سهم عمده‌ای از بودجه را دریافت می‌کنند. گزارش سال ۲۰۱۱ برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد با عنوان امنیت معیشتی، تغییر اقلیمی، مهاجرت، و درگیری در ساحل روندهای گذشته‌ی اقلیمی در منطقه‌ی ساحل را تحلیل می‌کند و توصیه‌هایی برای شناخت بهتر درگیری و روندهای مهاجرت در جریان تلاش‌ها برای سازگاری در سرتاسر منطقه ارائه می‌دهد (UNEP 2011b).

برنامه‌ی عمل اتحادیه‌ی اروپا برای تاب‌آوری در کشورهای مستعد درگیری، 2013-20: برنامه‌ی عمل اتحادیه‌ی اروپا، که با همکاری کمیسیون اروپا و سرویس اقدامات خارجی اروپا در سال ۲۰۱۳ تدوین شده است، به دنبال بهبود صلح و دولت‌سازی، حفاظت از اقلیم، کاهش خطر بلایا، امنیت غذایی و حمایت اجتماعی است. این برنامه مبتنی بر یک رویکرد کل‌نگر ایجاد تاب‌آوری در بسترهای مستعد درگیری از طریق تمرکز بر گروه‌های جمعیتی با بیشترین آسیب است. ابتکارهای شاخص انتخابی بر مخاطرات مختلف از جمله خشکسالی و سیل، توفان و زلزله، و همچنین درگیری و بی‌ثباتی متمرکزند (European Commission 2013a).

آثار تغییر اقلیمی به روش‌های مختلف ایجاد صلح را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Matthew and Hammill 2009; UNEP 2012). از یک طرف، ممکن است عملیات مستمر ایجاد صلح را تضعیف کند؛ برای مثال، با تخریب پایگاه منابع طبیعی، ممکن است رهایی جوامع از درگیری دشوارتر شود. از طرف دیگر، رفع آثار تغییر اقلیمی ممکن است نحوه‌ی سازمان‌دهی و اجرای عملیات ایجاد صلح را تغییر دهد و ظرفیت جوامع را برای مقابله‌ی بهتر با استرس اضافی بالا ببرد. این نوع رویکرد می‌تواند با افزایش ظرفیت‌های هشدار زودهنگام و ایجاد چشم‌انداز برنامه‌ریزی و اجرای بلندمدت باعث تقویت تاب‌آوری شود.

3.3.1 هشدار زودهنگام و ارزیابی

ارزیابی صلح یا آسیب‌پذیری در سراسر کشورها گاه به عنوان یک فعالیت کاملاً دانشگاهی یا رسمی کنار گذاشته می‌شود. با این حال، رویکردهای تحلیلی به ایجاد صلح پیش‌شرط تحقق اصل ضرر هنگام کار در یک وضعیت شکننده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد: در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، شورای امنیت سازمان ملل ابراز نگرانی کرد که آثار نامطلوب احتمالی تغییر اقلیمی در طولانی‌مدت تهدیدهای موجود علیه صلح و امنیت بین‌المللی را تشدید کند. در سال ۲۰۱۱، شورای امنیت خواستار ایجاد ظرفیت‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی یکپارچه‌ی مخاطرات ناشی از تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری شد، و درخواست کرد تا دبیرکل این اطلاعات موقعیتی را در گزارش‌های خود وارد کند (UNSC 2007; UNSC 2011). بحث‌های داخلی برای تهیه‌ی دستورالعمل گزارش کردن اطلاعات موقعیتی مرتبط با پیامدهای امنیتی تغییر اقلیمی نشان داده است که در طرح‌های سازمان ملل، مانند طرح ساحل دبیرکل در سال ۲۰۱۳، تأثیرات تغییر اقلیمی به طور فزاینده‌ای عامل اصلی بی‌ثباتی سیاسی قلمداد می‌شود.

ارزیابی‌های صلح و درگیری: در یک مطالعه‌ی تطبیقی، ۶۶ ابزار مختلف ارزیابی با تمرکز بر تغییر اقلیمی، منابع طبیعی و درگیری‌ها یافت شد (Peters and Vivekananda 2014). با این حال، از این میان فقط دو ابزار هر سه بعد را تلفیق می‌کرد: دوره‌ی آموزشی مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی سازمان ملل متحد، و ارزیابی‌های زیست‌محیطی پس از درگیری شاخه‌ی مدیریت پس از درگیری و بلایای برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد. معدودی از روش‌های متعدد و مختلف ارزیابی صلح و درگیری شامل محیط زیست و تغییرات اقلیمی است. در عمل، ارزیابی صلح و درگیری غالباً فقط جنبه‌ی صوری دارد که یک متخصص از خارج آن را اجرا می‌کند و نتایجش به‌ندرت بر استراتژی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرا تأثیر می‌گذارد.

گفت‌وگوی بین‌المللی درباره‌ی صلح‌سازی و دولت‌سازی و ارزیابی‌های آسیب‌پذیری گروه مثبت هفت: در سال ۲۰۱۱، پیمان جدید برای مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر، که از طریق گفت‌وگوی بین‌المللی درباره‌ی صلح‌سازی و دولت‌سازی شکل گرفت، زاینده‌ی این تشخیص بود که تلاش‌های توسعه‌ای چنان‌که باید به علل ریشه‌ای آسیب‌پذیری نمی‌پردازند (Hughes et al. 2014). به عنوان بخشی از روند گروه مثبت هفت، تعدادی از ۲۰ کشور عضو آن ارزیابی‌های آسیب‌پذیری را اجرا و آن را چنین تعریف کردند: «یک فعالیت جامع و مشارکتی که ذی‌نفعان ملی برای ارزیابی علت‌ها، ویژگی‌ها، و عوامل آسیب‌پذیری کشور و همچنین منابع تاب‌آوری درون کشور انجام می‌دهند» (International Dialogue on Peace and Statebuilding 2014). تعدادی از کشورها از جمله جمهوری دموکراتیک کنگو، کومور، لیبیا، تیمور شرقی، سودان جنوبی و سیرالئون ارزیابی‌های آسیب‌پذیری را اجرا کرده‌اند. سه کشور سومالی، افغانستان و سیرالئون پیمان‌هایی منعقد کرده‌اند که اولویت‌ها و اصولی را که باید از آن‌ها پیروی کنند براساس ارزیابی‌ها مشخص می‌کنند و به لحاظ میزان تلفیق با اصول «پیمان جدید» متفاوت‌اند (Hughes et al. 2014).

برای ارزیابی‌های آسیب‌پذیری گروه مثبت هفت، گنجاندن آسیب‌پذیری اقلیمی می‌تواند یک نقطه‌ی ورود اصلی باشد. با این حال، منظور کردن روندهای مربوط به تغییر اقلیمی در ارزیابی‌های آسیب‌پذیری در حال حاضر بسیار محدود است. این محدودیت ممکن است به دلیل فشار برای تکمیل خیلی سریع ارزیابی‌های اول و به‌کارگیری روشی نه‌چندان پیچیده برای استفاده‌ی ذی‌نفعان محلی باشد. اما اگر استراتژی کلی کشور در ایجاد صلح مبتنی بر این ارزیابی‌های آسیب‌پذیری باشد، سازگاری با آثار بالقوه‌ی تغییر اقلیمی باید یک گام مهم در جهت دستیابی به صلح پایدار شناخته شود.

لیبریا، جمهوری دموکراتیک کنگو و نیال پرداخته است (United Nations Peacebuilding Fund 2014). با آنکه این صندوق همواره اهداف عالی خود را برآورده نکرده است، عملکرد کلی آن خوب قلمداد می‌شود (Kluyskens and Clark 2014; Government of the United Kingdom 2011). مدیریت این صندوق بر عهده‌ی دفتر حمایت از ایجاد صلح و اداره‌ی آن با صندوق وام چند شریکی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل است. در سال ۲۰۱۳، 23 کشور از حمایت این صندوق برخوردار شدند. بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳، تخصیص اعتبار صندوق به طور متوسط سالیانه ۷۱ میلیون دلار بوده است. حدود ۹۰ درصد پول آن به ۱۷ کشور آفریقایی پرداخت شده است (United Nations Peacebuilding Fund 2014).

صندوق وام موضوعی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بحران و بازسازی: این صندوق که برای واکنش سریع به بلایای طبیعی یا درگیری‌های خشونت‌آمیز طراحی شده است، شکاف میان کمک‌های اضطراری، پی‌ریزی صلح، و توسعه‌ی بلندمدت را پر می‌کند. همچنین به دولت‌ها در تحلیل افزایش خطر بلایا بر اثر تغییر اقلیمی کمک می‌کند. کمک‌های مالی به صندوق در سال 2012 به حدود ۹۷ میلیون دلار و در سال ۲۰۱3 به ۶۷ میلیون دلار بالغ شده است. در حالی که ۹۵ کشور پول دریافت کردند، ۶۰ درصد آن به ۱۵ کشور تخصیص یافت (UNDP 2012a; UNDP 2013b).

صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ی ویژه‌ی کشور: صندوق وام پایدارسازی و بازسازی جمهوری دموکراتیک کنگو (برچیده شده در سال ۲۰۱۴)، صندوق صلح و ثبات جامعه‌ی دارفور، و صندوق صلح سازمان ملل متحد برای نیال صندوق‌های وام ویژه‌ی کشور هستند. در نیال، تا پایان سال ۲۰۱۳، تقریباً ۴۵ میلیون دلار - از طریق صندوق ایجاد صلح سازمان ملل و دولت‌های کانادا، دانمارک، نروژ، سوئیس و بریتانیا - به ۲۶ پروژه با اجرای ۱۴ آژانس سازمان ملل تخصیص داده شد (UNFPN 2013). بین سال‌های 2008 و 2012، 31 آژانس سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی شریک با بیش از ۵۱ میلیون دلار کمک از صندوق صلح و ثبات جامعه‌ی دارفور حمایت کردند (Darfur Community Peace and Stability Fund 2012). در نیال، صندوق وام بر خطرات مربوط به اقلیم تمرکز نکرد، اما صندوق دارفور سعی کرد همکاری بین جوامع در مورد دارایی‌های معیشتی مورد مناقشه و فعالیت‌های درآمدزا و همچنین بین جوامع رقیب در خصوص دسترسی به منابع طبیعی و خدمات اجتماعی پایه را تسهیل کند.

ابزار کمک به ثبات و صلح: این ابزار به عنوان جانشین ابزار ثبات اتحادیه‌ی اروپا یکی از ابزارهای اصلی این اتحادیه برای پیشگیری از بحران‌ها و واکنش در برابر آن‌ها است. مبنای آن این اصل است که «در فعالیت آینده در مورد امنیت و توسعه باید پیامدهای امنیتی و توسعه‌های تغییر اقلیمی، مسائل مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی، و مهاجرت منظور شود» (European Commission 2014). این ابزار می‌تواند در کشورهایی که با ظهور بحران مواجه هستند کمک‌های کوتاه‌مدت، یا از طریق پیشگیری از درگیری، ایجاد صلح، و آمادگی در برابر بحران، حمایت طولانی‌مدت فراهم کند. همچنین می‌تواند تهدیدهای جهانی و فرامنطقه‌ای علیه صلح، امنیت بین‌المللی و ثبات را برطرف کند. این ابزار صراحتاً بیان می‌کند که آثار جهانی و فرامنطقه‌ای تغییر اقلیمی تأثیر بالقوه بی‌ثبات‌کننده‌ای بر صلح و امنیت خواهد داشت، و بر لزوم پرداختن به تغییر اقلیمی در بسترهای آسیب‌پذیر به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از درگیری تأکید می‌کند. بودجه‌ی ابزار کمک به ثبات و صلح برای دوره‌ی 2014-2020، 2/3 میلیارد یورو است. درحالی‌که این ابزار بر خطرات بالقوه‌ی آسیب‌پذیری ناشی از تغییر اقلیمی اذعان دارد، پیش‌بینی کرده است که از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ فقط ۱۱ میلیون یورو برای تغییر اقلیم و امنیت اقلیمی هزینه کند (EPLO 2014).

به طور خلاصه، صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ی تناسب و هماهنگی میان اهداکنندگان را تسهیل کرده‌اند، مالکیت ایجاد کرده‌اند، و منابع را در موقعیت‌های پس از درگیری که بسیاری از اهداکنندگان تمایلی به پذیرش تعهد ندارند بسیج کرده‌اند (Barakat et al. 2012). برای مثال، یک بررسی مستقل نشان داد که صندوق نیال، با تجمیع تلاش‌های چندین آژانس اجرایی سازمان ملل متحد، کمک‌های این سازمان به ایجاد صلح را کارآمدتر و باثبات‌تر کرده است (UNODC 2011). این سازوکار تأمین مالی مشترک تصمیم‌گیری سریع و اجرای فعالیت‌های ایجاد صلح را تسهیل کرد. علاوه بر این، همکاری میان آژانس‌ها را تقویت کرده است. با این حال، بودجه‌ی مسائل جنسیتی بسیار کم باقی مانده است و باید برای رسیدن به هدف‌گذاری ۱۵ درصد دبیرکل سازمان ملل متحد برای رفع نابرابری جنسیتی افزایش یابد (UNODC 2011). در دارفور، فعالیت صندوق وام به دلیل تغییر سریع وضعیت امنیتی، عدم مشارکت زنان، کمبود نیرو، و نبود ظرفیت در بین شرکای اجرایی محدود شد (Coffey International Development 2012).

رویکرد «دولت منسجم» بریتانیا به پایدارسازی: واحد پایدارسازی بریتانیا متخصصانی را از وزارت امور خارجه و مشترک‌المنافع، وزارت دفاع، و دپارتمان توسعه بین‌المللی برای تسهیل رویکرد یکپارچه به درگیری و بی‌ثباتی گرد می‌آورد. واحد پایدارسازی کارشناسان غیرنظامی و کارکنان اصلی را برای پشتیبانی از استراتژی‌ها و فعالیت‌های مشترک در پست‌های دوجانبه و چندجانبه مستقر می‌کند. درحالی‌که این واحد از تلفیق اقدامات غیرنظامی و نظامی برای حفظ و ارتقای اقتدار مشروع سیاسی استفاده می‌کند، معمولاً تحت هدایت غیرنظامیان است. رویکرد پایدارسازی سه هدف اصلی دارد:

- حفاظت از بازیگران سیاسی، نظام سیاسی، و جمعیت؛
- بهبود، تثبیت و تقویت فرایندهای سیاسی؛
- آمادگی برای بازسازی طولانی‌مدت‌تر.

نتیجه‌ی بررسی داخلی واحد پایدارسازی حاکی از این بود که رهبری واحد باید تقویت شود و سه دپارتمان شرکت‌کننده باید جهت‌گیری استراتژیک را افزایش دهند (FCO et al. 2014).

3.3.3 تأمین مالی

همان‌طور که در بخش تأمین مالی توسعه بحث شد، تأمین بودجه در بسترهای آسیب‌پذیر چالش‌برانگیز است و به راه‌حل‌های متناسب نیاز دارد. تعدادی صندوق وام چند اهداکننده‌ای بودجه‌ی فعالیت‌های ایجاد صلح را تأمین می‌کنند و شایسته‌ی توجه بیشتری هستند.

جدیدترین درخواست برای ادغام بهتر تأمین مالی بشردوستانه، توسعه‌ای و اقلیمی، که دفتر صندوق وام چند شریکی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل منتشر کرده است (Bayat-Renoux and Glemarec 2014)، اعلام می‌دارد که وجود سازوکارهای مالی مشترک مانند صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای برای همسویی تلاش‌ها در طیف وسیعی از بازیگران و تقویت هم‌افزایی میان فعالیت‌های حمایتی بشردوستانه، توسعه‌ای و اقلیمی به ویژه برای بازسازی حائز اهمیت است. محدودیت‌های اصلی صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای این است که اکثریت کشورها را زیر پوشش قرار نمی‌دهند و برای حمایت از هماهنگی و همسویی کم‌ها بسیار کوچک و پراکنده هستند. از جمله‌ی گزینه‌های افزایش تأثیر حمایت از بازسازی، تثبیت تعداد زیادی صندوق مشترک کوچک بازسازی در صندوق‌های مشترک کم‌تعدادتر و بزرگ‌تر است که می‌تواند منابع کافی برای هماهنگی مداخلات بازسازی در هر سه منبع تأمین مالی ایجاد کند (Bayat-Renoux and Glemarec 2014).

صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای به دنبال هماهنگ کردن کم‌ها هستند و می‌توانند به جلوگیری از سرکوب ظرفیت جذب کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری کمک کنند. با این حال، مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی شناسایی شده در این گزارش انعکاس نظام‌مندی در هیچ‌یک از صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ای متمرکز بر ایجاد صلح ندارند. برخی به تغییر اقلیمی به عنوان بخشی از کار خود در زمینه‌ی بلایا می‌پردازند، درحالی‌که برخی دیگر نقش منابع طبیعی را در موقعیت‌های پس از درگیری بررسی می‌کنند. علاوه بر این، با وجود برخی نتایج دلگرم‌کننده، هنوز هم در مورد کارایی آن‌ها تردیدهایی وجود دارد.

صندوق وام مشارکتی سازمان ملل متحد - بانک جهانی برای آسیب‌پذیری و درگیری: این صندوق وام چند کشوری و چند اهداکننده‌ای در سال ۲۰۱۰ برای ارتقای همکاری سازمان ملل و بانک جهانی در خصوص موقعیت‌های متأثر از آسیب‌پذیری و درگیری تأسیس شد. از سال ۲۰۱۰ به این سو، صندوق ۱۱ میلیون دلار دریافت کرده است. در عین حال که این صندوق شناخت هر دو سازمان را بالا برده است، در مجموع به نظر می‌رسد که به دلیل ضعف انگیزه‌های نهادی فاقد همکاری نظام‌مند و جامع به ویژه در سطوح ارشد است (United Nations and World Bank 2014). علاوه بر این، تاکنون در فعالیت‌های صندوق به موضوع تغییر اقلیمی پرداخته نشده است؛ فقط در سال ۲۰۱۳ یک جلسه‌ی تخصصی با موضوع درگیری، خشونت و بلایای طبیعی به عنوان بخشی از دستور کار توسعه‌ی پس از ۲۰۱۵ تأمین اعتبار شده است.

صندوق ایجاد صلح سازمان ملل متحد: این صندوق در سال ۲۰۰۶ راه‌اندازی شده و به دنبال پی‌ریزی صلح در کشورهایی است که با تمرکز بر مرحله‌ی بسیار زود هنگام گذار، از درگیری خارج می‌شوند. این صندوق با تمرکز بر تحویل سریع در کشورهایی که با کمبود بودجه مواجه هستند، شکاف‌های تأمین مالی را پر می‌کند. همچنین از طریق فعالیت‌های خود، شامل رفع تهدیدهای فوری برای صلح و ترویج حل مسالمت‌آمیز منازعات، به رفع برخی از مخاطرات درآمیخته‌ی این گزارش مانند درگیری بر سر زمین

طرح اتحادهای آبی: برنامه‌ی مدیریت آب‌های فرامرزی در آسیای مرکزی، که در سال 2008 به ابتکار وزارت خارجه‌ی فدرال آلمان راه‌اندازی شد، به دنبال حل چالش‌های آبی از طریق همکاری‌های منطقه‌ای است. یکی از مؤلفه‌های برنامه بر استفاده از اصول پایه‌ای مدیریت حوضه‌ی رود در رودهای کوچک فرامرزی متمرکز است. این برنامه در حوضه‌های اسفهره و خودژاباکیگان، که میان تاجیکستان و قرقیزستان مشترک‌اند، از تلاش‌های هر دو کشور برای هماهنگی برنامه‌ریزی و مدیریت حوضه‌های رود، از جمله توافق‌نامه‌ی پایه‌ی تشکیل کمیسیون مشترک آب، حمایت کرده است (GIZ 2013).

مراکز صلح آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده برای تابآوری اقلیمی و اجتماعی در ایتوپیا: این طرح استفاده از گفت‌وگو درباره‌ی چالش‌های منابع مرتبط با اقلیم را به عنوان سازوکاری برای رفع تنش‌های بین‌گروهی در بین گروه‌های دامدار در جنوب ایتوپیا آغاز کرده است. این رویکرد نسبت به پیشگیری از درگیری، که متناسب با شرایط محلی است، می‌تواند به سایر مناطق متنوع قومی و جوامع آسیب‌پذیر از نظر اقلیمی گسترش یابد. برنامه‌های سازگاری اقلیمی، با وارد کردن جوامع حاشیه‌ای مستعد درگیری، به رفع کمبود محسوس مشارکت و نمایندگی کمک می‌کنند که منشأ اصلی بی‌ثباتی در موقعیت‌های آسیب‌پذیر است. یکی از اهداف اصلی «مشارکت جهانی در تاب‌آوری» که آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده حامی آن است افزایش همکاری بازیگران محلی مختلف است.

3.4 نتایج

به طور کلی، واکنش‌ها به مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری که شرح داده شد نقاط قوت‌هایی را نشان می‌دهد، اما بسیاری از شکاف‌ها مانع از جمع شدن آن‌ها و تبدیل به یک کلیت مؤثر می‌شود.

هشدار زودهنگام و ارزیابی

ما همه چیز را در مورد مخاطرات نمی‌دانیم. اما دانسته‌هایمان کم هم نیست و با ادغام تلاش‌هایمان می‌توانیم سیستم‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی‌های مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری خود را بهبود ببخشیم.

اطلاعات قابل توجهی در مورد ارتباط‌های میان تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری وجود دارد. تحلیل ما نشان می‌دهد که ارزیابی‌ها اغلب برخی ابعاد را نادیده می‌گیرند: ارزیابی‌های شکنندگی به مسائل فرامرزی و آسیب‌پذیری نگاه نمی‌کند. ارزیابی‌های آسیب‌پذیری، صلح و درگیری عموماً تأثیرات تغییر اقلیمی و نیز منافع مشترک سازگاری با تغییر اقلیمی را در نظر نمی‌گیرند. معدودی از روش‌های ارزیابی هم بر اقلیم و هم بر آسیب‌پذیری متمرکز است. حتی وقتی چنین ارزیابی‌هایی با تلفیق توجه به هر دو موضوع اجرا می‌شود، از یافته‌ها اغلب به طور مؤثر در برنامه‌ریزی یا اجرا استفاده نمی‌شود.

دقت، سرعت، و دسترسی به سیستم‌های هشدار اولیه و ارزیابی‌های ما از مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری باید ارتقا یابد. ظرفیت‌های یکپارچه‌ی هشدار زودهنگام و ارزیابی می‌تواند جمع‌آوری داده‌ها و اجرای ارزیابی مخاطرات را نظام‌مندتر سازد. سیستم‌های یکپارچه همچنین پیش‌بینی‌ها و انتشار این اطلاعات را بهبود می‌بخشند. اما در مورد ارزیابی یکپارچه‌ی روندهای تغییرات اقلیمی در بسترهای آسیب‌پذیر راهنمایی چندانی در دسترس نیست.

استراتژی و برنامه‌ریزی

برنامه زیاد ولی یکپارچگی اندک است. نهادها باید در موقعیت‌های آسیب‌پذیر تقویت شوند تا بتوانند منافع رقابتی را متوازن کنند و برنامه‌ریزی یکپارچه انجام دهند.

برنامه‌ریزی برای تابآوری مستلزم شناسایی و انتخاب بهترین فعالیت‌ها در میان مدت و بلندمدت است. ایجاد ساختارهای شفاف تصمیم‌گیری و ظرفیت نهادی در اولویت است. یک فرایند برنامه‌ریزی جامع می‌تواند مانع از تلاش تکراری و ناسازگاری شود و توسعه‌ی پایدار را تقویت کند. علاوه بر این، در چنین فرایندی، منافع مشترک سازگاری - مانند صلح، سلامت و اشتغال - قابل شناسایی و تحقق است. اتخاذ رویکردهای بین‌بخشی برای ایجاد تابآوری و پرهیز از درگیری محتمل‌تر از اقدامات تک‌بخشی است. اما در حال حاضر، در سطح منطقه‌ای، هیچ فرایند سیاسی وجود ندارد که بتواند پاسخ‌های یکپارچه برای چالش‌های سازگاری، توسعه و ایجاد صلح شکل دهد.

با این حال، هنوز هم در مورد کارایی صندوقهای وام چند اهداکننده‌ای تردیدهایی وجود دارد. ترکیبی از بسترهای پیچیده، انتظارات بالای غیرواقع‌بینانه، و عدم مشارکت کشورها در طراحی صندوق‌ها مانع اثربخشی و موفقیت آن‌ها شده است (Stepputat and Greenwood 2013). این صندوق‌ها زیر فشار پرداخت سریع بودجه (به ویژه در کشورهای دارای اهمیت استراتژیکی مانند افغانستان و عراق) گرفتار «استانداردهای ضعیف اجرایی، تضعیف اثربخشی کمک‌ها و نقض اهداف دولت‌سازی» شده‌اند (House of Commons 2013). در سودان، این صندوق‌ها وجوه را بسیار کند توزیع کرده‌اند که منجر به کاهش حمایت اهداکنندگان می‌شود. صندوقهای وام چند اهداکننده‌ای باید مبتنی بر تحلیل و شناخت بهتر دورنمای پیچیده‌ی مخاطرات و برخورداری از طراحی براساس یک نظریه‌ی برنامه‌ی قوی با اهداف مشخص باشند (Barakat et al. 2012). این صندوق‌ها و بوروکراسی دست‌وپاگیر آن‌ها به نفع سازمان‌های بزرگ‌تر مانند سازمان ملل و متمایل به نادیده گرفتن سازمان‌های غیردولتی محلی است (Bennett et al. 2010).

3.3.4 اجرا

در حالی که درس‌های برنامه‌های تغییر اقلیمی در بسترهای آسیب‌پذیر محدود است، ما می‌توانیم از برخی تجربیات مرتبط با برنامه‌های گسترده‌تر زیست‌محیطی و ایجاد صلح استفاده کنیم. اصولاً تلاش‌های ایجاد صلح باید حساس به اقلیم باشد. صلح‌سازی مقاوم در برابر اقلیم مستلزم آن است که فعالان ملاحظات تغییر اقلیمی را در برنامه‌های خود لحاظ کنند. رصد حساسیت اقلیمی می‌تواند مانع از تأثیر بیشتر مداخلات ایجاد صلح در انتشار گازهای گلخانه‌ای شود. مهم‌تر آنکه در چنین فرایندی می‌توان روش‌های حمایت برنامه‌های سازگاری با تغییر اقلیمی از روند ایجاد صلح را شناسایی کرد.

تقویت تعامل استراتژیک با اتحادیه‌های جدید: ارزیابی ورود بانک جهانی و سازمان ملل متحد به بسترهای آسیب‌پذیر نشان داده است که آن‌ها تمایل دارند عمدتاً با دولت‌های مرکزی کار کنند. در حالی که دولت مرکزی یک بازیگر اصلی است، مسائل ایجاد صلح باید در یک فرایند فراگیر، مشارکتی و شفاف حل شود تا از این طریق پاسخگویی و مشروعیت دولت ملی تقویت شود و اعتماد بین دولت و شهروندان آن شکل بگیرد. برای این منظور، آژانس‌های کمک‌رسانی دوجانبه و چندجانبه می‌توانند تأکید بیشتری بر درگیر کردن سایر بازیگران مانند پارلمان و دولت‌های محلی و جامعه‌ی مدنی داشته باشند (Batmanglich and Stephen 2011).

104

پطرح صلح‌سازی زیست‌محیطی برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد: برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد، با تشخیص نقش منابع طبیعی و مسائل زیست‌محیطی در خشونت و درگیری، برنامه‌های آموزشی در مورد منابع طبیعی و درگیری برای نیروهای حافظ صلح، تیم‌های کشوری سازمان ملل و کارکنان اتحادیه‌ی اروپا ترتیب داده است. منابع طبیعی اگر خوب مدیریت شوند می‌توانند با تقویت اقتصادهای پس از جنگ از بازسازی اقتصادی حمایت کنند. با این حال، آژانس‌های اهداکننده باید ظرفیت مدیریت استخراج منابع و ایجاد درآمد بدون افزایش خطر درگیری را در مقامات ملی ایجاد کنند. پاسخگویی، شفافیت و پایداری زیست‌محیطی عوامل بسیار مهمی در موفقیت هستند. برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد پشتیبانی میدانی از پیوندهای محیط زیست - صلح‌سازی در کشورهایی که کمیسیون ایجاد صلح سازمان ملل در آن‌ها فعال است به عمل می‌آورد. این برنامه، با تشکیل گروه مشاوره‌ی تخصصی در زمینه‌ی درگیری و صلح‌سازی، از پروژه‌های دارای بهترین نمونه‌های عملی حمایت می‌کند و به ایجاد ابزارها و ورودی‌های سیاستی مؤثر در صلح‌سازی و جلوگیری از بازگشت درگیری‌ها می‌پردازد. یک درس مهم آموخته شده این است که صلح‌سازی محیط زیستی (مانند سازگاری اقلیمی) فقط یک چالش فنی، قانونی یا اجرایی نیست و بلکه چالش سیاسی هم هست. تغییرات در مدیریت منابع طبیعی غالباً همگام با توزیع مجدد قدرت، منابع و فرصت‌ها است (UNEP 2014a; UNEP 2014b).

پروژه‌ی همسایگان آبی خوب: در سال ۲۰۰۱، «دوستان خاورمیانه‌ی زمین» برای بهبود همکاری‌های آبی میان اردن، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها دست به اجرای طرحی ابتکاری زدند. وابستگی متقابل جوامع فرامرزی به منابع مشترک آبی، مبنای بسط گفت‌وگو و همکاری در زمینه‌ی مدیریت پایدار آبی در بین گروه‌ها است. هدف بهبود پایداری محیط زیستی در عین ایجاد منافع مشترک اقتصادی و صلح است. به رغم چالش‌های رسیدگی به نارضایتی‌های عمیق همه‌ی طرف‌ها و عملیات در مناطق جنگی فعال، این پروژه به طور گسترده نمونه‌ی برجسته‌ی بهترین روش‌های صلح‌سازی محیط زیستی شناخته شده است. با این حال، آثار آبی تغییر اقلیمی هنوز به یک محور تمرکز در این پروژه تبدیل نشده است (Harari and Roseman 2008).

اجرا

برنامه‌ی آزمایشی فراوان است، اما راهنمایی‌چندانی براساس آموخته‌ها و بهترین روش‌ها برای تقویت طرح‌ریزی و اجرای برنامه وجود ندارد. اجرای برنامه‌های یکپارچه باید مبتنی بر شناخت کامل آسیب‌پذیری باشد.

برنامه‌های سازگاری، توسعه‌ای و ایجاد صلح باید براساس شناخت کامل مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری، و با توجه به ادغام بین‌بخشی حساسیت به درگیری و ملاحظات تغییر اقلیم تدوین شوند. سیاست‌گذاران در اقدامات سازگاری با تغییرات اقلیمی باید از یک رویکرد حساس به درگیری استفاده کنند و در طراحی استراتژی‌ها و پروژه‌های ایجاد صلح، ملاحظات مربوط به تغییر اقلیم را در نظر بگیرند. متأسفانه راهنمایی در مورد چگونگی رصد اعمال «حساسیت به درگیری» در سیاست‌ها یا پروژه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی محدود است. به همین ترتیب، راهنمایی عملی‌چندانی در مورد ادغام ملاحظات تغییر اقلیمی در سیاست‌ها و برنامه‌های ایجاد صلح وجود ندارد. وجود اصول و بهترین راهنمای عمل در سطح سیاست‌ضروری است و راهنمایی براساس تجربه‌ی میدانی مربوط به ویژه در سطح پروژه اهمیت دارد.

در محیط‌های آسیب‌پذیر و پس از درگیری، شبکه‌های اجتماعی و روابط نهادی عموماً ضعیف یا کاملاً فروپاشیده هستند. تأکید اهداکنندگان باید بر ظرفیت‌سازی و بهبود پاسخگویی نهادهای دولتی باشد.

مشارکت در اجرا بسیار مهم است. مشارکت‌ذی‌نفعان در هر گام، از برنامه‌ریزی تا اجرا و پایش، باید تضمین شود. ذی‌نفعان باید شامل گروه‌های از قدیم به حاشیه رانده‌شده، بخش خصوصی، و جامعه علمی باشد.

جوامع بشردوستانه، توسعه‌ای و تغییر اقلیمی باید با هم کار کنند. جامعه‌ی بشردوستانه در تلاش است تا سازگاری اقلیمی را در برنامه‌های واکنش‌های بشردوستانه و کاهش خطر بلایا ادغام کند. به همین ترتیب، استراتژی‌های سازگاری با تغییر اقلیم باید دربردارنده‌ی چارچوب‌های کاهش خطر بلایا باشند و این فعالیت‌ها را واجد شرایط تخصیص اعتبارات سازگاری محسوب کنند.

نهادهای محیطی فعال برای برنامه‌ریزی سازگاری اقلیمی فراهم می‌کنند - نقش مهمی که هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی اخیراً آن را برجسته ساخته است. فرایند فعلی تدوین و اجرای استراتژی‌های ملی سازگاری چنانچه شفاف، فراگیر و عادلانه اجرا شود می‌تواند روشی ارزشمند برای تقویت درک مشروعیت سیاسی باشد. بدون وجود نهادهای قوی، اهداف متعارض ممکن است توانایی سازگاری با تغییر اقلیمی را در بسترهای آسیب‌پذیر محدود کنند. برای مقابله با این خطر، فرایندهای برنامه‌ریزی باید دربرگیرنده‌ی گروه‌های متنوع‌تری از ذی‌نفعان از جمله آسیب‌پذیرترین گروه‌ها باشد. فرایندهای برنامه‌ریزی جامع‌تر نیاز به مشارکت بیشتر دارد.

کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری اغلب فاقد ابزارهای شناسایی ظرفیت نهادی مورد نیاز خود هستند. افزایش آگاهی در مورد شکنندگی و سازگاری در برابر تغییر اقلیمی نقطه‌ی شروع ایجاد این ظرفیت است. به ویژه در موقعیت‌های آسیب‌پذیر، رویکردهای برنامه‌ریزی یکپارچه می‌توانند با لحاظ کردن حساسیت به درگیری و پیروی از اصل ضرر، از دامن زدن به اختلافات محلی جلوگیری کنند.

تأمین مالی

حمایت مالی از کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری چالش‌برانگیز است. اگرچه انتظار می‌رود بودجه‌ی جهانی اقلیم به میزان قابل توجهی افزایش یابد، به دلیل ظرفیت‌های محدود این کشورها، چگونگی منتفع شدن آن‌ها از این بودجه هنوز مشخص نیست.

تأمین مالی - شامل سرمایه‌گذاری خصوصی، کمک‌های توسعه‌ای و صندوق‌های ایجاد صلح - نقش مهمی در ایجاد تاب‌آوری و تقویت صلح دارد. منابع مالی غیرقابل پیش‌بینی، عدم هماهنگی اهداکنندگان، ضعف نهادها، و دستور کارهای جزیره‌ای چالش‌های اساسی بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری است. اجرای سازوکارهای سنتی کمک‌رسانی نیز برای کشورهای دارای نهادهای ضعیف و فاقد ظرفیت دشوار است.

دستور کارهای جهانی در مورد اقلیم، توسعه‌ی پایدار، ایجاد صلح، و سایر موضوعات زیست‌محیطی عمدتاً از مجرای فرایندهای سیاستی جداگانه پیاده می‌شود که باعث گسترش مجامع مذاکره و جریان‌های مالی بخشی، هر یک با روال‌های عملیاتی، استانداردهای امانتداری و الزامات گزارش‌دهی مخصوص خود، می‌شود. این گسترش به ویژه برای کشورهای تحت فشار زیاد که ظرفیت نهادی ضعیفی دارند معضل ایجاد می‌کند. به‌علاوه، مدیریت سازوکارهای سنتی کمک‌رسانی برای کشورهای دارای نهادهای ضعیف هستند بسیار دشوار است.

هماهنگی بهتر بین اهداکنندگان می‌تواند تضمینی باشد برای هزینه شدن مؤثر و بدون موازی‌کاری پول. هماهنگی جریان‌های کمک‌رسانی همچنین الزامات بیش از پیش پیچیده‌ی اهداکنندگان مختلف را در دریافت گزارش رفع می‌کند.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که دسترسی کشورهای با موقعیت‌های آسیب‌پذیر به منابع مالی اقلیمی محدود است که می‌تواند با تقاضای بالا برای بودجه‌ی اقلیمی، در کنار ساختارهای ضعیف نهادی و اجرایی کشورهای پذیرنده، مرتبط باشد. اینکه صندوق اقلیم سبز تا چه حد می‌تواند این شکاف بودجه‌ای را رفع کند مشخص نیست و باید در دوره‌ی آزمایشی تأمین اعتبار که از سال 2015 آغاز می‌شود به دقت پایش شود. از آنجا که قرار است صندوق اقلیم سبز تضمین‌کننده‌ی توازن منطقه‌ای باشد و روال‌های اصلی توزیع منابع مالی قرار است تعریف شود، این امر فرصتی برای ترویج سازوکار مبتکرانه‌ای برای تأمین مالی کشورهای مواجه با موقعیت‌های آسیب‌پذیری فراهم می‌سازد.

4 توصیه‌ها یک تعهد جدید برای تابآوری

تغییر اقلیمی یک تهدید استراتژیک جهانی در قرن بیست و یکم است. با تأثیر متقابل پیامدهای تغییرات اقلیمی و بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر یکدیگر در درون کشورهای مختلف و فراتر از مرزهای آن‌ها، این تهدید اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. بنابراین، برای بررسی پیچیدگی تهدید و دامنه‌ی جغرافیایی آن، واکنش‌ها به تغییرات اقلیمی باید چندوجهی و مشارکتی باشد.

دستیابی به یک توافق قوی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کنفرانس اقلیمی پاریس در دسامبر 2015 از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. میزان انتشاری که همچنان می‌تواند بدون ایجاد عواقب جدی در جو آزاد شود بسیار محدود است، و هرگونه تأخیر در تلاش‌ها به بروز هفت مخاطره‌ی درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری مطرح‌شده در این گزارش کمک می‌کند. شتاب تغییرات در سیستم‌های طبیعی زمین به این معنی است که آثار فیزیکی تغییرات اقلیمی انسان‌زا، که هم‌اکنون نیز احساس می‌شود، در دهه‌های آینده ادامه خواهد یافت - هر چقدر هم که با موفقیت انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهیم. پیامدهای این آثار تشدیدکننده‌ی پویایی آسیب‌پذیری، از جمله تأثیر در بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی، نامنی و درگیری‌های خشونت‌آمیز، است. به همین ترتیب، ممکن است پیامدهای آسیب‌پذیری مانع از سازگاری شکننده‌ترین افراد با تغییر اقلیمی شود و آنان را در چرخه‌ی معیوب مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری گرفتار سازد.

این چرخه با واکنش‌های مقطعی به هر بحرانی که بروز می‌کند شکسته نخواهد شد. در عوض، جامعه‌ی انسانی - از سطح جهانی تا روستاها و خانوارها - باید خود را برای مدیریت این مخاطرات درآمیخته تجهیز کند. اگرچه ما اغلب می‌توانیم شکل و مقیاس این مخاطرات را شناسایی کنیم، به چیزی بیشتر از اقدامات خاص سازگاری نیاز داریم، که غالباً به معنای واقعی و استعاری به ساختن دیوارهای دریایی بلندتر تقلیل می‌یابد. ما به توانایی تابآوری در مواجهه با طیف وسیعی از فشارها نیاز داریم که برخی از آن‌ها ناشناخته است.

اکنون زمان برخورداری از یک رویکرد جدید و رهبری جدید از بالاترین سطح است. در حال حاضر، پاسخ‌های دولت‌ها معمولاً انفعالی و معطوف به تهدیدات یا بحران‌های خاص است، و با کمبود نهادها و مکانیسم‌های بین‌المللی مؤثر برای هماهنگی یا هدایت اقدامات مشترک در خصوص این مشکلات بین‌بخشی مواجه هستیم.

ایجاد تابآوری در همه جا یک چالش است. اما این چالش در هیچ جا به بزرگی موقعیت‌های آسیب‌پذیری نیست که در آن‌ها اثری از ایفای وظایف اساسی دولت و روابط سازنده با جامعه به چشم نمی‌خورد. حمایت از کشورهای متأثر از آسیب‌پذیری در جهت ایجاد تابآوری در برابر مخاطرات درآمیخته‌ی توصیف‌شده در این گزارش مستلزم تلفیق رویکردها نسبت به اقلیم، توسعه و ایجاد صلح است. تحلیل شکاف در بخش سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که گستره‌ی قابل توجهی برای پرداختن به این مخاطرات به روشی تلفیقی‌تر وجود دارد.

4.1 توصیه‌ی 1: تلفیق از خانه آغاز می‌شود

تبدیل مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی

تلفیق از خانه آغاز میشود	
توصیه	مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی قرار دهید.
اولویتها	<ul style="list-style-type: none">ارتقای ظرفیت‌های ارزیابی مخاطرات درآمیخته، پایش، و برنامه‌ریزی یکپارچه؛بهبود هماهنگی بین‌بخشی؛تشویق مدیران مربوط وزارت خارجه به مطرح کردن مسائل اقلیمی - آسیب‌پذیری با هم‌تایان خارجی.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">ایجاد کارگروه‌ها و فرایندهای سیاست‌گذاری بین‌بخشی؛انجام تحلیل‌های یکپارچه‌ی چندمخاطره‌ای در سطوح جهانی، منطقه‌ای و کشوری؛اجرای رویکردهای تلفیقی آزمایشی برای رفع مخاطرات درآمیخته.

چالش تلفیق از خانه آغاز می‌شود. دولت‌های گروه هفت برای ادامه‌ی راهی که به درستی در جهت رفع مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری در پیش گرفته‌اند، به روش‌های بهتری برای شناسایی، درک، پایش و، مهم‌تر از همه، رفع نظام‌مند مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری که در این گزارش شرح داده شده نیاز دارند. درحالی‌که حجم قابل توجهی از اطلاعات در مورد این مخاطرات وجود دارد، در عمل، به سه دلیل یک رویکرد یکپارچه به اجرا در نمی‌آید: اطلاعات در مکان‌های مناسب پخش و جذب نمی‌شود، تلفیق محور اصلی نیست، و اقدامات هماهنگ نیستند.

بر این اساس، دفاتر خارجی گروه هفت باید ظرفیت‌های داخلی خود را تقویت کنند تا دریاوند سیاست‌گذاران خارجی چه کاری می‌توانند در مورد این چالش انجام دهند و نحوه‌ی اجرای واکنش‌های یکپارچه چگونه است. گروه‌های بین‌آژانسی که از بهترین دانش موجود هم در تمام ادارات دولتی و هم در اتاق‌های فکر، سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و جامعه‌ی دانشگاهی بهره می‌گیرند، این امکان را برای دولت‌ها فراهم می‌سازند که به پایش مخاطره و تحلیل‌های خود عمق ببخشند و ظرفیت‌های پاسخگویی خود را ارتقا دهند. در درون دولت‌ها، این فعالیت نه تنها وزارت خارجه بلکه وزارتخانه‌های توسعه، محیط زیست و دفاع و آژانس‌های اجرایی آن‌ها را هم شامل می‌شود. اطمینان از هماهنگی رمز موفقیت خواهد بود، به طوری که بخش‌های مختلف تلاش‌های یکدیگر را تکرار یا مقاصد مختلفی را دنبال نکنند. در روابط خارجی، مدیران مربوط وزارت خارجه باید مسائل اقلیمی - آسیب‌پذیری را با هم‌تایان خارجی خود مطرح کنند.

اقدامات دیگر برای تقویت یکپارچگی در درون دولت‌های گروه هفت عبارت است از:

- تدارک راهنماهای اجرایی و آموزش برای سیاست‌گذاران خارجی، وزارتخانه‌ها و آژانس‌های اجرایی هم‌زمان با شکل‌گیری رویکردهای جدید سیاستی؛
- گنجاندن مسائل اقلیمی - آسیب‌پذیری در برنامه‌ریزی، اجرا، و فرایندها و شاخص‌های سنجش؛
- ایجاد کارگروه‌ها و فرایندهای سیاست‌گذاری بین‌بخشی و بین‌اداره‌ای، مانند یک واحد هماهنگی؛
- اجرای ارزیابی‌های مخاطرات درآمیخته در سطوح جهانی، منطقه‌ای و کشوری؛
- هدایت آژانس‌های کمک دوجانبه به سمت رویکردهای تلفیقی آزمایشی - مانند پروژه‌های سازگاری حساس به درگیری - برای رفع مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری.

این امر تا حدی به این دلیل است که آگاهی گسترده‌ای نسبت به مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و نیاز به رویکردهای تلفیقی وجود ندارد. علاوه بر این، رویکردهای تلفیقی هم جدید هستند و هم غالباً پیچیده، بنابراین تلاش‌ها برای عملیاتی کردن آن‌ها معمولاً چالش‌برانگیز است و اغلب اولویت بسیار پایینی به آن‌ها داده می‌شود. در عین حال، معدودی مراکز نهادی آشکار ملی و بین‌المللی برای بررسی این مخاطرات درآمیخته وجود دارد و، از همین رو، با فقدان پاسخگویی در سطح بالا نسبت به اجرای واکنش‌های یکپارچه مواجهیم.

بسیاری از فشارهای شناسایی شده در این گزارش رو به افزایش است. در عین حال، واکنش‌های یکپارچه‌ی لازم پیچیده هستند و اجرای آن‌ها بسیار زمان‌بر است. بنابراین، اکنون اقدام برای افزایش آگاهی و تشویق به اقدامات بیشتر ضرورت دارد. گروه هفت با اثبات رهبری خود در مواجهه با مخاطرات اقلیمی و امنیتی و با سفارش این گزارش، اولین گام‌ها را برداشته است. برای این گروه مناسب است که خود مسئولیت ادامه‌ی مسیر را بر عهده بگیرد.

ما توصیه می‌کنیم که دولت‌های گروه هفت به توسعه و اجرای رویکردهای یکپارچه - در هر دو حوزه‌ی پیشگیری و واکنش - در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری متعهد شوند. چارچوبی که در این بخش شرح داده شده اهداف مشخص و نقاط ورود قابل اجرا را در چهار سطح مختلف مشخص می‌کند:

1. در درون هر دولت گروه هفت
2. هماهنگی بین اعضای گروه هفت
3. اطلاع‌رسانی فرایندهای جهانی و چندجانبه
4. کار مشارکتی با طیف وسیعی از بازیگران و نهادهای دیگر، از جمله در کشورهای تحت تأثیر آسیب‌پذیری سپس پنج حوزه‌ی اقدام را برای موقعیت‌دهی به این روند جدید چندبعدی ملی و بین‌المللی برای هماهنگی و همکاری در جهت واکنش‌های یکپارچه پیشنهاد می‌دهیم:

- ارزیابی جهانی ریسک
- امنیت غذایی
- کاهش خطر بلایا
- حل و فصل اختلافات بر سر آب‌های فرامرزی
- ایجاد تابآوری محلی

همچنان که روند هماهنگی بین دولت‌های گروه هفت و سایرین گسترش می‌یابد، ممکن است امکانات جدید و اولویت‌های مختلفی به درستی پدیدار شود. بنابراین، توصیه‌های خاصی که در ادامه می‌آید نشان می‌دهد که چه کاری میتوان انجام داد و چگونه، و لزوماً جامع یا کاملاً تجویزی نیستند. آنچه بیش از همه اهمیت دارد، سرفصل اقدامات است: تعهد سیاسی جدید دولت‌های گروه هفت به همسو کردن تلاش‌هایشان در جهت دستیابی به هدف مشترک افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در مواجهه با تغییر اقلیم جهانی.

4.3 توصیه‌ی 3: تعیین دستور کار تابآوری جهانی

اطلاع‌رسانی کارگروه وابسته به گروه هفت در مورد فرایندها و ساختارهای جهانی و چندجانبه

تعیین دستور کار جهانی	
توصیه	کارگروه وابسته به گروه هفت در مورد فرایندها و ساختارهای جهانی و چندجانبه اطلاع‌رسانی کند.
اولویتها	<ul style="list-style-type: none"> بخش‌بندی حوزه‌ها در نهادهای چندجانبه و در دستور کار توسعه‌ی پسا 2015 با ادغام ملاحظات اقلیمی - آسیب‌پذیری؛ ادغام سازگاری با تغییرات اقلیمی در برنامه‌های مرتبط ایجاد صلح، پیشگیری از درگیری، و کمک‌های بشردوستانه (و بالعکس) برای تحقق منافع بالقوه‌ی مشترک؛ اطمینان از تأمین بودجه‌ی کافی برای رفع مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none"> ارجاع صریح متقابل به اهداف جدید توسعه‌ی پایدار، چارچوب تازه تصویب شده‌ی سندای در زمینه‌ی کاهش خطر بلایا، و سیاستهای سازگاری با تغییر اقلیمی از جمله با تمرکز بر هم‌افزایی میان نهادهای چارچوبهای مختلف؛ تقویت سیاست‌ها و برنامه‌های حساس به اقلیم و حساس به درگیری در نهادهای چندجانبه و سازمان‌های بخشی؛ همکاری برای کمک به کشورهای دچار شرایط آسیب‌پذیری در جهت تهیه‌ی برنامه‌های حساس به درگیری سازگاری با تغییر اقلیمی و اجرای ابتکارات یکپارچه‌ی ایجاد تابآوری؛ ترغیب نهادهای چندجانبه به تسهیل دسترسی کشورهای دچار شرایط آسیب‌پذیری به مکانیسمهای مالی اقلیمی، و اطمینان از توزیع کم‌نوسان‌تر و متوازن‌تر کمک‌های رسمی توسعه‌ای در این کشورها؛ اطمینان از اینکه ابزارهای تأمین مالی ایجاد صلح، پیشگیری از درگیری، و کمک‌های بشردوستانه بودجه‌ی خاص به برنامه‌های رفع مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری اختصاص می‌دهند.

تهدید استراتژیک جهانی و پیامدهای آسیب‌پذیری تغییرات اقلیمی برای بسیاری از فرایندهای بین‌المللی معنادار است. در غالب این فرایندها، مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری یک موضوع حاشیه‌ای محسوب می‌شود. دولت‌های گروه هفت می‌توانند، با وزن جمعی خود، به غلبه بر رویکردهای بخشی و جزیره‌ای که مشخصه‌ی بسیاری از این فرایندها هستند کمک کنند و از این طریق مانع از بی‌توجهی به واکنش‌های مؤثر در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری در ساختار موجود نهادهای بین‌المللی شوند. سیاست‌گذاران خارجی تنها بازیگران - و گاه بازیگران اصلی - این عرصه‌ها نیستند. با این حال، بر مبنای ضرورت تقویت پیوندهای میان حوزه‌های مختلف سیاستی برای پیشبرد دستور کارهای اقلیم، توسعه و ایجاد صلح، آن‌ها باید به دنبال انتقال یک حس جهت‌گیری کلی به همکاران خود در زمینه‌های اقلیم، توسعه، و جوامع نوع‌دوست باشند.

تغییرات اقلیمی آثار قابل ملاحظه‌ای بر توسعه و ایجاد صلح دارد. کمبودهای توسعه‌ای تهدیدی است هم برای سازگاری اقلیمی و هم برای تلاش‌های ایجاد صلح. درگیری، توسعه‌ی اقتصادی و سازگاری اقلیمی را تضعیف می‌کند. بر این اساس، تلاش‌ها برای سازگاری با تغییر اقلیمی، توسعه‌ی اقتصادها، و ارتقای صلح می‌تواند و باید منافع مشترک مثبتی برای سایر دستور کارها داشته باشد. دولت‌های گروه هفت می‌توانند با ترویج هماهنگی بیشتر بین فرایندهای اقلیمی، توسعه‌ای و ایجاد صلح، به تحقق این منافع مشترک کمک کنند. با این حال، در این روند باید توجه داشته باشند که با برنامه‌ریزی تکراری و الزامات گزارش‌دهی، به دولت‌ها به ویژه دولت‌هایی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر هستند فشار بیش از حد وارد نیاورند. هر پاسخ یکپارچه باید منجر به ساده‌سازی شود.

4.2 توصیه‌ی 2: گرد هم آمدن برای گفت‌وگوی جدید تقویت همکاری در گروه هفت

گرد هم آمدن برای گفت‌وگوی جدید	
توصیه	همکاری را در گروه هفت تقویت کنید.
اولویتها	<ul style="list-style-type: none"> اطمینان از هماهنگی نزدیک‌تر بین اعضای گروه هفت در مورد مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری؛ شناسایی شکاف‌ها و فرصت‌های جدید برای واکنش‌های مشترک؛ تعریف مسئولیت‌ها و سنجش پیشرفت.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none"> الزامی ساختن بازنگری سالانه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های یکپارچه؛ تشکیل جلسات فنی درباره‌ی بهترین روش‌ها و آموخته‌ها؛ سرمایه‌گذاری مشترک در منابع داده‌ی به اشتراک گذاشته شده و تحقیقات جدید؛ توسعه و به‌کارگیری مشترک ارزیابی‌های جهانی مخاطره؛ استمرار توسعه‌ی بستر اطلاعاتی موجود گروه هفت.

اقدام هماهنگ بین‌دولتی تنها راه رفع هر مسئله‌ای است که مرزهای ملی را درمی‌نوردد. اما سازمان‌های بین‌دولتی موجود، با وجود تمام نقاط قوتشان، هیچ‌یک ظرفیت مقابله با مخاطرات درهم‌پیچیده و درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری را ندارند. مقیاس و دامنه‌ی این مخاطرات تزیق انرژی جدید در کوتاه‌مدت را ایجاب می‌کند، و این باید در بلندمدت‌تر به تعهد پایدار تبدیل شود. گروه هفت به دلیل موقعیت جهانی، ماهیت و گستردگی وظایف سیاست‌گذاری، و تعهد مشترک نسبت به این مسائل، از شرایط منحصر به فردی برای رهبری این اقدامات برخوردار است.

وظیفه‌ی کنونی حصول اطمینان از این امر است که مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری در دستور کار سیاست خارجی و در رأس آن قرار می‌گیرند. می‌توان یک مجمع از نمایندگان گروه هفت برای گزارش منظم پیشرفت امور، به اشتراک گذاشتن بهترین روش‌ها و آموخته‌ها، و شناسایی مراحل بعدی تشکیل داد. این بازنگری منظم در درون گروه هفت به حفظ پویایی لازم کمک خواهد کرد.

ابتکار عمل می‌تواند با یک بیانیه‌ی سیاسی قوی در زمان ریاست آلمان بر گروه هفت آغاز شود و راه را برای یک کارگروه اقدام‌گرا باز کند. تشکیل این کارگروه آغازگر هماهنگی نزدیک‌تر بین اعضای گروه هفت است، نظیر الزام بازنگری سالانه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های یکپارچه در مورد مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری، و استفاده از تلاش‌های موجود برای ادغام تغییر اقلیمی در حوزه‌های مرتبط. تبدیل این عمل به بخشی از روند سالانه‌ی گروه هفت شفافیت و اولویت پاسخگویی به مخاطرات درآمیخته‌ی تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری را حفظ می‌کند و بنابراین فرصتی منظم برای نمایش رهبری و پیشبرد بیشتر این تلاش‌ها در اختیار دولت‌های گروه هفت قرار می‌دهد.

کارگروه مذکور، چنان‌که متصور است، جلسات منظمی با حضور مقامات ارشد تشکیل می‌دهد و دستور کار آن‌ها شامل تحلیل کانون‌های بحران و روندهای فعلی یا بالقوه‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری، بازنگری سیاست‌ها و اقدامات مرتبط پیشگیری و واکنش، مقایسه‌ی تجربه و به اشتراک گذاشتن درس‌ها، و شناسایی شکاف‌ها و فرصت‌های جدید برای واکنش‌های مشترک است. این کار می‌تواند برای مثال شامل موارد زیر باشد:

- توسعه‌ی مشترک یک روش جهانی ارزیابی مخاطره (نک. حوزه‌ی اقدام 1 در زیر)؛
- تعیین نیازها و کاستی‌های داده‌های اولویت‌دار؛
- شناسایی بهترین منابع اطلاعاتی و/ یا سرمایه‌گذاری جمعی در تحقیقات جدید؛
- برای جمع‌آوری و انتشار گزارش‌های سالانه، برجسته کردن بهترین روش‌ها، و به اشتراک گذاشتن منابع داده‌ی جدید، کارگروه مذکور می‌تواند بستر اطلاعاتی در مورد مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری به سفارش گروه هفت به نشانی www.newclimateforpeace.org ایجاد کند.

4.4 توصیه‌ی 4: شریک تابآوری

مشارکت دادن طیف گسترده‌ای از شرکا برای اطمینان از منتهی شدن اقدامات جهانی به نتایج محلی

شریک تابآوری	
توصیه	طیف گسترده‌ای از شرکا را مشارکت دهید تا اطمینان حاصل کنید که اقدامات جهانی تاب‌آوری محلی در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را بالا می‌برد.
اولویتها	<ul style="list-style-type: none">• مشارکت دادن دولت‌های ملی و بازیگران غیردولتی در کشورهای دارای شرایط آسیب‌پذیری؛• تقویت پیوندهای میان ابتکارات در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی.
نقاط ورود	<ul style="list-style-type: none">• همیاری با کشورهایی که اصول توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر را تأیید کرده‌اند، به منظور درک بهتر و پاسخ به مخاطرات درآمیخته‌ی اقلیمی - آسیب‌پذیری مربوط (مثلاً با ارائه‌ی کارگاههای آموزش فنی)؛• استفاده از شبکه‌ها، مجامع و کنفرانس‌های موجود برای تقویت بحث‌های بین‌المللی در مورد چگونگی ایجاد تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی و آسیب‌پذیری؛• تعامل با شبکه‌های موضوعی، مانند ابتکار نانس در مورد آوارگی‌های فرامرزی ناشی از بلایای طبیعی؛• حمایت از سازمان‌های منطقه‌ای، مانند جامعه‌ی اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و اتحادیه‌ی کشورهای جنوب شرقی آسیا، به منظور تبدیل تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری به یکی از عناوین اصلی در دستور کار آن‌ها.

115

گروه هفت همچنین می‌تواند در هماهنگی بیشتر و بهتر با کشورهای دیگر، دولت‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی پیشگام باشد. این تلاش گروه هفت باید با همکاری بازیگران مختلفی صورت پذیرد که رهبری و اقدام چشمگیر در تمام سطوح نشان داده‌اند. برای این منظور، کارگروه باید راه‌هایی برای تعامل گروه هفت با دولت‌های کشورهای دارای شرایط آسیب‌پذیری و به همان اندازه به رسمیت شناختن نقش‌های بازیگران غیردولتی بیابد. ابتکارات جهانی غالباً با فرض کاهش اقدامات جهانی برای ایجاد نتایج محلی، پتانسیل خود را هدر داده است. کارگروه ویژه باید پیوندهای میان ابتکارات مختلف را تقویت کند تا کشورها، شهرها، جوامع، شرکت‌ها و جامعه‌ی مدنی بتوانند با هم کار کنند و از یکدیگر بیاموزند. گروه هفت می‌تواند با همکاری با طیف گسترده‌ای از شرکا، افزایش اثربخشی را در عمل تضمین کند.

کارگروه باید فراتر از خود گروه هفت با دولت‌های کشورهای دارای شرایط آسیب‌پذیر و، تا حد امکان، با بازیگران محلی و غیردولتی ارتباط برقرار کند. بهترین راه برای انجام این کار پیوند با شبکه‌ها، مجامع و کنفرانس‌های موجود است - مانند مجمع جهانی اقتصاد؛ اجلاس بانک جهانی در موضوع آسیب‌پذیری، درگیری و خشونت؛ برنامه‌ی اسکان بشر ملل متحد (هویتات 3)؛ جلسات کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی؛ و فرایندهای بسیار دیگر مشاوره در درون نظام سازمان ملل متحد که در سازمان‌های جامعه‌ی مدنی به کار گرفته می‌شود. همه‌ی این‌ها می‌تواند در طرح ایجاد یک بحث بین‌المللی جدید درباره‌ی تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری گنجانده شود.

تعامل با شبکه‌های موضوعی، مانند ابتکار نانس در مورد آوارگی‌های فرامرزی ناشی از بلایای طبیعی، یکی از راه‌های رفع سیستماتیک مخاطرات درآمیخته با انواع ذی‌نفعان است. یک فرایند مشاوره با دامنه‌ی وسیع و چندین ذی‌نفع دخیل در چنین شبکه‌هایی می‌تواند به ایجاد یک جامعه‌ی عمل برای رفع دغدغه‌های تغییر اقلیم و آسیب‌پذیری کمک کند. علاوه بر این، چندین نقطه‌ی ورود در سطح منطقه‌ای وجود دارد که به طور معمول در فرایندهای بین‌المللی مانند کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی نادیده گرفته می‌شوند. سازمان‌های منطقه‌ای، مانند جامعه‌ی اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و اتحادیه‌ی کشورهای جنوب شرقی آسیا، می‌توانند به تبدیل تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری به یکی از عناوین اصلی در دستور کارهای سیاست منطقه‌ای کمک کنند.

حوزه‌هایی که این رویکرد میتواند بر آنها متمرکز شود عبارت‌اند از:

سازگاری با تغییر اقلیمی (مرتبط با فرایندهای کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و فراتر از آن):

- کمک به کشورهای در شرایط آسیب‌پذیری در جهت تدوین برنامه‌های یکپارچه‌ی سازگاری با تغییرات اقلیمی که منعکس‌کننده‌ی مخاطرات درآمیخته‌ی مرتبط باشد، و آغاز کار با گزارش فنی نهادهای زیر نظر کنوانسیون در مورد بهترین اقدامات.
- اطمینان از دسترسی کشورهای در شرایط آسیب‌پذیری به صندوق اقلیم سبز و سایر سازوکارهای تأمین مالی کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی.
- کمک به کشورهای در شرایط آسیب‌پذیری در اجرای ابتکارات ایجاد تاب‌آوری، به ویژه در سطح محلی، از طریق ارائه‌ی پشتیبانی فنی و راهنمایی در مورد پتانسیل سازگاری با تغییر اقلیمی در طرفداری از صلح.
- اعمال رویکرد پیروی از اصل ضرر برای اطمینان از حساس به درگیری بودن اقدامات سازگاری در بسترهای آسیب‌پذیر.

توسعه‌ی جهانی و فرایندهای بشردوستانه:

- اطمینان از غلبه‌ی دستور کار توسعه‌ی پسا 2015 و اجرای اهداف جدید توسعه‌ی پایدار بر رویکردهای بخشی و جزیره‌ای گذشته، از جمله با ارجاع صریح متقابل به اهداف توسعه‌ی پایدار، چارچوب سندای، و سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیمی. آغازگر این امر می‌تواند بهره‌گیری از هم‌افزایی‌های بالقوه هنگام تشکیل نهادهایی برای برنامه‌ریزی، پایش یا گزارش‌دهی برای چارچوب‌های مختلف باشد:
- هماهنگ ساختن الزامات گزارش‌دهی ملی برای ابتکارات مختلف جهانی در زمینه‌ی کاهش خطر بلایا، اهداف توسعه‌ی پایدار، و در گزارش‌ها به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی؛
- حمایت از تلاش‌ها برای ترویج رویکردهای برنامه‌ریزی تقویت‌کننده‌ی متقابل برای این ابتکارات و چارچوب‌های مختلف.
- اطمینان از توزیع کم‌نوسان‌تر و متوازن‌تر کمک‌های رسمی توسعه‌ای در کشورهای دارای شرایط آسیب‌پذیری.
- ترغیب نهادهای چندجانبه، از جمله مؤسسات مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی، و سازمان‌های بخشی در نظام سازمان ملل متحد به:
- افزایش تمرکز بر تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری؛
- اجرای ارزیابی‌های یکپارچه‌ی اقلیمی و آسیب‌پذیری؛
- تدوین راهنمای عملیاتی مربوط برای سیاست‌ها و برنامه‌های حساس به اقلیم و حساس به درگیری.

ایجاد صلح:

- ارتقای ارزیابی‌های صلح، درگیری، و آسیب‌پذیری – به ویژه ارزیابی‌های آسیب‌پذیری گروه مثبت هفت – به منظور انعکاس بهتر مخاطرات درآمیخته‌ی زیست‌محیطی و مرتبط با اقلیم.
- تقویت ظرفیت‌ها در داخل نظام سازمان ملل متحد با توجه به مخاطرات اقلیمی – آسیب‌پذیری؛ ظرفیت دبیرخانه‌ی این سازمان در ارائه‌ی اطلاعات زمینه‌ای مهم در خصوص مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری به شورای امنیت سازمان ملل متحد یک نقطه‌ی ورود است.
- هدف قرار دادن اطمینان از اینکه ابزارهای تأمین مالی ایجاد صلح بودجه‌ی خاص به برنامه‌های رفع مخاطرات اقلیمی و آسیب‌پذیری اختصاص دهند، مثلاً به عنوان بخشی از صندوق ایجاد صلح و صندوق‌های وام چند اهداکننده‌ی سازمان ملل متحد.
- یکپارچه ساختن سازگاری با تغییر اقلیمی و برنامه‌های ایجاد صلح به منظور تحقق منافع مشترک بالقوه، به ویژه در جهت پیشگیری از درگیری و کاهش خطر بلایا.

4.5 پنج حوزه‌ی اقدام: پیشرفت در پنج کار مهم برای ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری

پنج حوزه‌ی اقدام	
توصیه	برای ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری، در پنج کار مهم پیشرفت کنید.
اولویتها	<ul style="list-style-type: none"> ارتقا و استفاده‌ی بهتر از ارزیابی‌های جهانی مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری؛ تقویت امنیت غذایی؛ ادغام ملاحظات اقلیمی - آسیب‌پذیری در برنامه‌های کاهش خطر بلایا؛ تمهید سازوکارهایی برای حل و فصل اختلافات بالقوه بر سر آب؛ تبدیل تاب‌آورسازی محلی به یک هدف اولویت‌دار در کمک به توسعه‌ی خارجی.

4.5.1 حوزه‌ی اقدام 1: ارزیابی جهانی مخاطره

ارزیابی مخاطره در رأس مدیریت مخاطره قرار دارد. تولید نتایج عملی مستلزم به‌کارگیری یک روش ارزیابی مخاطره‌ی یکپارچه، مشترک و در دسترس است. ارزیابی فراگیر موجد درک مشترکی از مخاطرات است که می‌تواند به دست و برای ذی‌نفعان و نهادهای مختلف به نتایج عملی تبدیل شود. ما توصیه می‌کنیم که گروه هفت، از طریق کارگروه، این روند را هدایت کند.

این روش مخاطرات درآمیخته‌ی تحلیل‌شده در این گزارش را رفع خواهد کرد و دربردارنده‌ی هر دو نوع حساسیت نسبت به اقلیم و درگیری است. ارزیابی حساسیت اقلیمی، چنان‌که ما در اینجا از این اصطلاح استفاده می‌کنیم، نیازمند ردیابی روندهای انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات اقلیمی حاصل و احتمالی، و تأثیر آن بر مناطق و کشورهای مختلف است. از جمله‌ی این تأثیرات می‌توان به افزایش احتمال بروز وقایع شدید آب و هوایی، فشارهای با شروع تدریجی مانند خشکسالی، و تغییرات فصلی مانند تغییر زمان بارش‌های موسمی اشاره کرد. ارزیابی حساسیت به درگیری مستلزم بررسی تأثیر بر خطر درگیری و شکنندگی تغییرات اقلیمی، همراه با اقدامات انجام شده برای رفع آنها است.

دولت‌ها در انواع ارزیابی‌های مخاطره‌ی خود به جنبه‌هایی از این مخاطرات می‌پردازند. با آنکه بسیاری از آن‌ها از کیفیت بالایی برخوردارند، تلاش در مجموع از هم گسیخته و در درون دولت‌ها غالباً ناهماهنگ است، چه رسد به هماهنگی در میان آن‌ها. به علاوه، این ارزیابی‌ها اغلب از روابط بین تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری غفلت می‌کنند و عموماً متمایل به نتیجه‌گیری عملی نیستند.

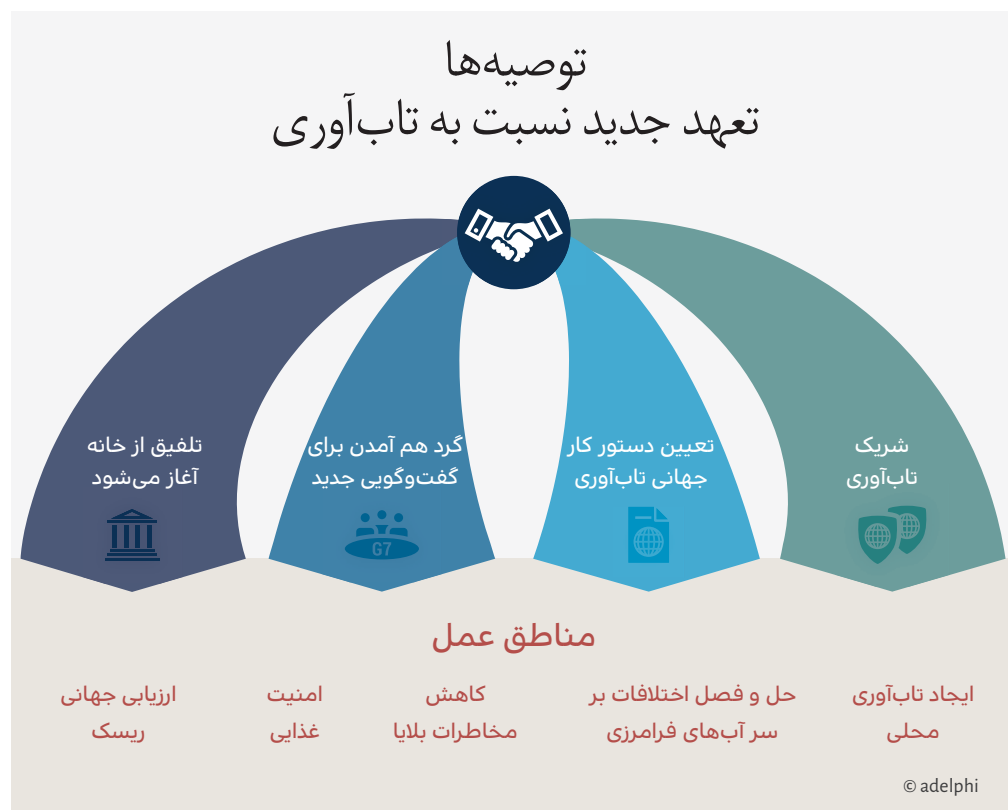
به طور کلی، چهار بخش پیش‌بینی وجود دارد:

1. انتشار گازهای گلخانه‌ای؛
2. واکنش سیستم اقلیمی؛
3. پیامدهای جانبی برای جامعه، اقتصاد و سیاست، و درگیری و مخاطرات آسیب‌پذیری ناشی از آن‌ها؛
4. عواقب ناخواسته‌ی اقدامات انجام‌شده برای کاهش هر یک یا تمامی این مخاطرات.

علاوه بر این، کارگروه می‌تواند در همکاری مستقیم با کشورهای که اصول توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر را تأیید کرده‌اند، درک و پاسخ به مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری مربوط را در سطح کشور با مثلاً ارائه‌ی کارگاه‌های آموزش فنی در موضوعات زیر بهبود ببخشد:

- گنجاندن مخاطرات اقلیمی در ارزیابی‌های آنان از آسیب‌پذیری
- استفاده از ارزیابی‌های آسیب‌پذیری در شکل دادن به برنامه‌های ملی سازگاری
- پاسخ به شاخصها و هشدارهای محیط زیستی
- بهبود داده‌ها و فرایندهای ارزیابی مخاطره

در کارگاه‌های فنی، کشورهای گروه هفت و کشورهای که اصول توافق‌نامه‌ی جدید مشارکت در کشورهای آسیب‌پذیر را تأیید کرده‌اند می‌توانند در مضامین فنی این گزارش که مبتنی بر یک بستر منطقه‌ای و ملی است عمیق‌تر شوند. نتایج این جلسات می‌تواند با مخاطبان عمومی به اشتراک گذاشته شود و با سرمایه‌گذاری عمیق‌تری در یک منطقه یا کشور خاص برای پیشبرد کار روی آن مضمون همراه گردد.



برای بهبود امنیت غذایی، ما پنج گام را توصیه می‌کنیم:

- دسترسی به داده‌ها و تحلیل‌های به‌موقع و دقیق به منظور ایجاد یک پایگاه شواهد مستحکم برای تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران را تقویت کنید. ما در تحلیل سیاستی خود شکاف‌هایی را در دسترسی و تحلیل داده‌های به‌موقع و دقیق در سطح بین‌المللی شناسایی کردیم. در این زمینه، دولت‌های گروه هفت می‌توانند ارزیابی‌های جامع‌تر مخاطرات را پشتیبانی و تسهیل کنند.
 - نوسانات بحرانی قیمت مواد غذایی را با بهبود دسترسی به بازارها، کاهش موانع تجاری، و افزایش اطلاعات بازار محدود کنید.
 - اگر قیمت مواد غذایی به درجات بالقوه بحرانی در نوسان است، اطمینان حاصل کنید که بازارها باز هستند و موانع تجاری برای اطمینان از دسترسی کافی، قابل پیش‌بینی و مقرون به صرفه به مواد غذایی محدود شده‌اند. ما توصیه می‌کنیم که طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها را بررسی کنید، مانند افزایش دسترسی‌پذیری اطلاعات مرتبط با عرضه و تقاضای مواد غذایی از طریق گفت‌وگوی بین‌المللی، بازداشتن کشورها از احتکار مواد غذایی، و ایجاد ذخایر غذایی منطقه‌ای.
 - در طی بحران‌های قیمت مواد غذایی، فعالیت بازار را در هر دو سطح بین‌المللی و داخلی حفظ کنید. احتکار، خرید ناشی از ترس، تعرفه‌های ویژه، ممنوعیت یا کنترل صادرات، و هزینه‌های اضافی، همگی بازارها را دچار اختلال و بحران‌ها را تشدید می‌کنند.
 - برای تابآوری درازمدت‌تر، بر مبنای استراتژی‌های تعیین‌شده‌ای پیش بروید که استفاده از منابع محلی را ترویج و بازارهای محلی را تقویت می‌کنند، از جمله تجارت بین‌مرزی. دولت‌های گروه هفت می‌توانند، با استفاده از نفوذ سیاسی‌شان، هم‌تایان خود را در سراسر جهان نسبت به منافع بازارهای آزاد و باز متقاعد کنند و به دنبال متعهد ساختن آن‌ها به استراتژی‌های همراهی باشند.
- در بلندمدت، یک شرط افزایش امنیت غذایی بهبود سیاست‌های غذایی است. این یک کار توسعه‌ای درازمدت و متعلق به دولت‌های ملی است. سیاست‌های یاری‌رسانی کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند، با تمرکز بر ایجاد تابآوری سیستم‌های غذایی در کشورهای دارای شرایط آسیب‌پذیری، همچنان که در حوزه اقدام پنجم در زیر توضیح می‌دهیم، کمک‌کننده باشد.

4.5.3 حوزه اقدام 3: کاهش خطر بلایا

حجم کار جهانی بشردوستانه افزایش یافته و احتمالاً به موازات تأثیرات تغییر اقلیمی و مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری به رشد خود ادامه خواهد داد. در بسیاری از کشورهای کم‌درآمد، بحران‌های بشردوستانه یک چالش اساسی در برابر توسعه است. زندگی‌ها، معیشت‌ها، دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که بر اثر بلایا و درگیری‌ها و هزینه‌های واکنش به بلایا، جبران خسارت و بازسازی از بین می‌رود بار سنگینی را تشکیل می‌دهد. عدم تأمین نیازهای بشردوستانه می‌تواند باعث تحریک خشم و تشدید نارضایتی شود، درحالی‌که سرازیر شدن منابع به یک کشور فاجعه‌دیده می‌تواند نادانسته به کانون درگیری و جرم تبدیل شود.

به جای بحران، ما باید خطر را مدیریت کنیم، و با فراهم آوردن منابع کافی و انعطاف‌پذیر انسانی، طبیعی، مالی و حقوقی برای کاهش خطر بلایا، این تلاش را حفظ کنیم. ما به یک استراتژی توسعه نیاز داریم که برای مواجهه با شوک‌ها آماده شویم، و به یک استراتژی انسانی که مکمل توسعه باشد نیازمندیم.

برای این منظور، ادغام کاهش خطر بلایا، ایجاد صلح، سازگاری با تغییر اقلیمی، و حمایت از کشورهای در حال توسعه باید یک هدف صریح سیاست خارجی دولت‌های گروه هفت باشد. اجرای اعلامیه و چارچوب تازه تصویب شده‌ی سن‌دای و توافق‌نامه‌ی اقلیمی جدید جهانی باید به منظور تحقق هم‌افزایی‌ها و اجتناب از تلاش‌های تکراری با یکدیگر همسو شوند. ادغام تنگاتنگ‌تر کار تقویت تلاش‌های ملی برای کاهش خطر بلایا در سیاست توسعه و فعالیت‌های آن می‌تواند موازی‌کاری را حذف کند و دستاوردها را به حداکثر برساند. دولت‌هایی که با این چالش‌ها روبه‌رو هستند ممکن است شکل دادن به استراتژی‌های توسعه‌ی خود در جهت ایجاد ظرفیت‌های لازم برای مدیریت موفقیت‌آمیز بلایا و مخاطرات ناامنی مرتبط با اقلیم را مفید بیابند.

در حال حاضر هیچ دولت، آژانس بین‌دولتی یا مؤسسه‌ی تحقیقاتی این نوع تحلیل یکپارچه‌ی تغییر اقلیمی و آسیب‌پذیری را انجام نمی‌دهد، اگرچه مؤلفه‌های آن به طور منطقی شناخته‌شده هستند. شواهد و تحلیل‌های قابل توجهی برای کمک به پیش‌بینی سطوح آینده‌ی انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد، درحالی‌که کار جامعه‌ی علمی اقلیمی، طبق بررسی کارگروه‌های اول و دوم هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی، واکنش سیستم اقلیمی را پوشش می‌دهد. در بخش سوم، تحقیقات دانشگاهی انجام شده است اما مشابه ارزیابی‌های ملی تغییر اقلیمی، حاوی جزئیات اندکی در مورد مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری است. شکاف اصلی دانش فعلی بین دو بخش اول و سوم است. در مورد بخش چهارم - خطر آثار ناخواسته‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی - نگرانی‌هایی در میان کارشناسان وجود دارد، اما طرح موضوع سابقه‌ی زیادی ندارد.

ابزار جهانی ارزیابی مخاطره، با اتخاذ یک رویکرد کل‌سیستمی در برآورد مخاطرات درآمیخته، هر چهار بخش را پوشش خواهد داد. این ابزار از دانش موجود بهره خواهد گرفت، در صورت لزوم بر ارائه‌ی دانش جدید تمرکز خواهد کرد، و مهم‌تر از همه بخش‌های مختلف را با یک کل مرتبط خواهد ساخت. هدف‌گذاری این ابزار پس از توسعه‌ی کامل عبارت خواهد بود از آزمون اقلیمی - آسیب‌پذیری ابتکارات مهم در زمینه‌ی کمک‌های توسعه‌ای و سیاست‌های تجاری، سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت و صنعت استخراج حمل و نقل، انرژی و ساخت و ساز بر مبنای اصل ضرر. این آزمون نشان خواهد داد که کدام پیامدهای احتمالی نیاز به توجه جدی و کاهش اثر دارد. با استفاده از این اطلاعات، دولت‌ها می‌توانند به طور سیستماتیک برای به حداقل رساندن فرصت‌های اثرگذاری واکنش‌های اقلیمی بر درگیری و آسیب‌پذیری کار کنند و در عین حال منافع مشترک برای سازگاری اقلیمی، کمک‌های بشردوستانه، ایجاد صلح و حل تعارضات، و دستور کار گسترده‌تر توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی را جلب کنند. بنابراین، فرایند ارزیابی به یک مکانیسم انتقال تبدیل می‌شود که از طریق آن دغدغه‌ها و اهداف سطح بالا به واقعیت‌های پایه تبدیل می‌شوند.

با این حال، تجربیات ارزیابی‌های موجود مخاطرات به وضوح نشان می‌دهد که مشکل فقط به در دسترس قرار دادن اطلاعات مفید و به‌موقع بازنمی‌گردد بلکه به تشخیص چگونگی استفاده از آن‌ها نیز مربوط است. با بهبود هماهنگی داخلی که ما به دولت‌های گروه هفت توصیه می‌کنیم، باید احتمال اینکه اطلاعات صحیح جای خود را پیدا کند افزایش یابد. تأکید ما بر ارزیابی هدایت شده به سمت تولید نتایج عملی باید احتمال در دسترس قرار گرفتن اطلاعات صحیح را بالا ببرد. و تعهد نسبت به واکنش‌های یکپارچه در برابر مخاطرات درآمیخته اقلیمی و آسیب‌پذیری که امیدواریم گروه هفت در پاسخ به این گزارش نشان دهد باید شتاب سیاسی لازم را برای کل برنامه‌ریزی کار فراهم کند.

اولین مراحل شامل موارد زیر است:

- ایجاد یک روش ارزیابی مخاطره‌ی یکپارچه، مشترک و در دسترس که دربردارنده‌ی همه‌ی بخش‌های مسئله و هدایت شده به سمت تولید نتایج عملی باشد.
- طرح‌ریزی یک آزمون ابتکارات مهم در سیاست‌های توسعه، تجارت، و حوزه‌های مربوط بر مبنای اصل ضرر برای اطمینان از ثبات سیاست و عمل.
- ارائه‌ی نتایج ارزیابی مخاطرات درآمیخته به بخش‌هایی از دولت که برای جذب و عمل به آن‌ها چنان‌که باید مجهز شده‌اند.

4.5.2 حوزه‌ی اقدام 2: امنیت غذایی

منابع ناامن غذایی و نوسان قیمت‌های مواد غذایی عوامل اصلی ناامنی، بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری هستند. آن‌ها غالباً با نواقص قابل توجه سیاست غذایی مرتبط‌اند و اکنون با تأثیرات تغییر اقلیمی تشدید می‌شوند. این حوزه‌ی اقدام اولویت‌دار است. دولت‌های گروه هفت می‌توانند بر بهبود امنیت غذایی متمرکز شوند، که هم‌زمان نیازهای فوری را برآورده خواهد کرد، آسیب‌پذیری را کاهش خواهد داد، و از درگیری آینده جلوگیری خواهد کرد.

تحلیل مخاطره در این گزارش لزوم درک وجوه مشترک میان ناامنی غذایی مرتبط با اقلیم و نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی، حاشیه‌نشینی و سیاست‌های عامل ناامنی را برجسته می‌سازد. در هر کشوری که مشخصه‌های آن فقر، حکمرانی ضعیف و آسیب‌پذیری است، ناامنی غذایی می‌تواند بحران‌زا باشد. متغیر بودن اقلیم در چنین کشوری و در کشورهای عمده‌ی تولیدکننده‌ی مواد غذایی فشار را افزایش می‌دهد.

استراتژی زیربنایی دارای سه رکن است:

- تقویت نهادها و سازوکارهای موجود محلی و ملی برای مدیریت آب – به ویژه منابع مشترک – در کشورها و مناطق آسیب‌دیده. مدیریت بهتر آب به دستیابی به دیگر اهداف مهم توسعه مانند بهبود سلامت کمک خواهد کرد که به نوبه‌ی خود در تابآوری نقش دارد. این تلاش برای ظرفیت‌سازی می‌تواند علاوه بر ارتقای مدیریت فنی آب، بهبود حکمرانی آبی را نیز دربر بگیرد که می‌تواند اختلافات بالقوه را قبل از ایجاد مشکلات اساسی برطرف کند. ظرفیت‌سازی برای ایجاد یا تقویت سازوکارهای منطقه‌ای شفافیت داده‌ها، شامل جمع‌آوری و ارزیابی داده‌های مشترک، و نهایتاً توسعه‌ی مشارکتی پاسخ‌های مشترک یک نقطه‌ی ورود معین است.
- بهبود مدیریت دانش. ترتیبات قانونی موجود ممکن است راهنمایی‌های مفیدی برای مواجهه با درگیری‌ها بر سر منابع آبی مشترک به دست دهد. علاوه بر این، پشتیبانی از ارزیابی‌های مشترک آسیب‌پذیری در حوضه‌های فرامرزی می‌تواند به درک مشترک چالش‌های آینده کمک کند. دولت‌های گروه هفت می‌توانند از انتشار نمونه‌های خوب، روش‌ها و آموخته‌ها حمایت بیشتری کنند.
- گسترش تلاش‌های موجود در جهت تقویت همکاری دولتها در حوضه‌های رودهای فرامرزی که آب در آن‌ها منبع تنش است یا می‌تواند باشد. هم‌اکنون اقدامات قابل توجهی در زمینه‌ی دیپلماسی آب در جریان است، اما این تلاش‌ها می‌تواند سیستماتیک‌تر و هماهنگ‌تر شود. برای این منظور:
 - دولت‌های گروه هفت می‌توانند یک کنفرانس جهانی در زمینه‌ی حوضه‌های فرامرزی ترتیب دهند، با نظر به ارزیابی چگونگی اصلاح چارچوب‌های موجود در جهت جلب مشارکت بیشتر فعالان مهم خارجی و همین‌طور کشورهای حوضه‌ای. این چارچوب‌ها باید متضمن پیوند سیستماتیک مدیریت آب‌های فرامرزی با سازگاری و تاب‌آوری اقلیمی باشند. همچنین لازم است به بسیج منابع مالی خارجی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های خصوصی کمک کنند و پشتیبان هماهنگی سرمایه‌گذاری‌ها در سراسر حوضه برای تقویت تاب‌آوری کلی و اعتماد متقابل باشند.
 - یک نقطه‌ی ورود ویژه می‌تواند حمایت از سازمان‌های حوضه‌ی رودها در دسترسی به منابع صندوق اقلیم سبز باشد. این امر می‌تواند هم‌زمان گزارش‌دهی در مورد و اقدام بر مبنای وجوه منطقه‌ای تغییر اقلیمی را تقویت کند، به ایجاد تماس‌ها و شیوه‌های همکاری و همچنین پاسخ‌های مشترک به چالش‌های یکسان یاری برساند، و موقعیت این سازمان‌ها را از طریق دسترسی آن‌ها به بودجه‌ی اضافی تحکیم ببخشد.

4.5.5 حوزه‌ی اقدام 5: ایجاد تاب‌آوری محلی

دولت‌های گروه هفت می‌توانند در طی برنامه‌های کمک‌رسانی خود حمایت از تاب‌آوری جامعه را نهادینه و از نفوذ خود در مجامع اهداکنندگان برای تشویق دیگران، از جمله اهداکنندگان جدید کمک‌های رسمی توسعه‌ای، به این کار استفاده کنند.

سازگاری با تغییرات اقلیمی و تاب‌آوری در برابر طیفی از تهدیدهای گوناگون – بلایا، فشارهای با شروع تدریجی و شوک‌های اقتصادی – از طریق مجموعه‌ای از اقدامات در مقیاس کوچک ایجاد می‌شوند. آن‌ها پیوسته به تعهد محلی و انرژی محلی، در یک شرکت، جامعه یا حتی خانواده، وابسته‌اند. اما مؤلفه‌ی محلی، در عین ضرورت، نه کافی است و نه لغزش‌ناپذیر. وجود رهبری ملی، پاسخگو به نیازهای محلی و منعکس‌کننده‌ی تصویر بزرگ‌تر، هم ضرورت دارد.

بر این اساس، به کار گرفتن جوامع محلی و مقامات دولتی هر دو در ایجاد تاب‌آوری ضروری است. اقدامات محلی نیازمند هماهنگی و پشتیبانی در قالب آموزش، تجهیزات، اطلاعات و زیرساخت، و همچنین پشتیبانی و هدایت دولت‌های ملی، و گاه هماهنگی با دولت‌های همسایه است. در موقعیت‌های آسیب‌پذیری و سایر کشورهای کم‌درآمد، حمایت مالی بین‌المللی مورد نیاز است.

برای تکمیل تلاش‌های داخلی در جهت پیشگیری و مقابله با بحران‌های انسانی، بسیاری از دولت‌ها همچنان به حمایت خارجی نیاز خواهند داشت. اما به جای ادامه‌ی الگوی فعلی جهش مخارج در هنگام بروز بحران و افت آن پس از عبور بحران، شرکای توسعه باید در جهت سرمایه‌گذاری در پیشگیری از بحران همکاری کنند. این تلاش شامل پایش مستمر مخاطرات و روندها (از جمله ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری) و ایجاد آستانه‌های اقدام است. این اقدامات اولیه به تأثیر تجمعی مخاطرات قبل از آنکه منجر به فاجعه شوند پاسخ می‌دهد، ظرفیت‌های مقابله را تقویت می‌کند و آسیب‌پذیری‌ها را کاهش می‌دهد. در درازمدت، سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها موجب نجات جان افراد و صرف هزینه‌ی کمتر خواهد شد. در صورت شکست این اقدامات، واکنش بشردوستانه – یک مکانیسم بسیار پرهزینه‌تر – وارد عمل خواهد شد.

این تلاش مستلزم آن است که اطلاعات جهانی برای استفاده‌ی محلی ترجمه شود و متقابلاً اطلاعات محلی در پایش و ارزیابی مخاطرات در سراسر جهان گنجانده شود. پایش و هشدار زود هنگام مبتنی بر فناوری را می‌توان با جمع‌سپاری و رسانه‌های اجتماعی افزایش داد. با شراکت با بخش خصوصی، و به ویژه ارائه‌دهندگان ارتباطات از راه دور منطقه‌ای و شبکه‌ی تلفن همراه، سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی می‌توانند اطمینان حاصل کنند که شبکه‌های پایش مؤثر به طور مستقیم با تصمیم‌گیری مرتبط‌اند.

ساختار بین‌المللی موجود کاهش خطر بلایا به خوبی شکل گرفته است. با پشتیبانی منابع کافی و انعطاف‌پذیر، همکاری با بخش خصوصی، و پیوند حتی نزدیک‌تر ساختارهای موجود با ارزیابی جامع مخاطرات و استراتژی‌های یکپارچه‌ی توسعه، تأثیرات مثبت آن تقویت می‌شود؛ برای مثال:

- گروه هفت می‌تواند در مشارکت با سازمان‌های موجود، مانند بانک جهانی یا بانک‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، به نهادها در تدوین راهنمای عملیاتی و آموخته‌ها در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای حساس به اقلیم و حساس به درگیری سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش خطر بلایا کمک کند.
- گروه هفت می‌تواند سازمان‌های بخشی موجود، مانند دفتر کاهش خطر بلایای سازمان ملل متحد، را به ادغام ملاحظات اقلیمی - آسیب‌پذیری در کار خود فراخواند.

4.5.4 حوزه‌ی اقدام 4: حل و فصل اختلافات بر سر آبهای فرامرزی

همچنان که فشارها افزایش می‌یابد و متغیر بودن اقلیم شرایط زیربنایی توافق‌نامه‌های تقسیم منابع آبی را مختل می‌سازد، ارتقای مدیریت منابع آبی ضرورت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. در عین حال که این شرایط در تمام سطوح حکمرانی مصداق دارد، به دلیل پیامدهای بالقوه‌ی درگیری‌های بین‌دولتی بر سر آب‌های مشترک برای سیاست خارجی، در مورد حوضه‌های رودهای فرامرزی بسیار برجسته است. در بسیاری از این حوضه‌ها، فشارهای توسعه‌ای باعث ایجاد نیروگاه‌های آبی و پروژه‌های آبیاری در مقیاس بزرگ می‌شود که تأثیرات بالقوه قابل توجهی بر همسایگان پایین‌دست دارند. سازوکارهای مدیریت مشارکتی باید هم قوی و هم انعطاف‌پذیر باشند، به طوری که نه تنها بتوانند در برابر چالش‌های سیاسی و تغییرات هیدرولوژیکی مقاومت کنند بلکه به منظور ارزیابی مجدد نیازها و بهینه‌سازی منافع، به صورت دوره‌ای بازبینی شوند. هماهنگی بهتر با فرایندهای اصلی سازگاری اقلیمی می‌تواند تضمینی باشد بر تأثیر پیش‌بینی‌های تغییرات اقلیمی در همکاری در آب‌های فرامرزی.

کشورهای واقع در حوضه‌های فرامرزی مسئولیت اصلی ارتقای همکاری را بر عهده دارند و بیشترین سود را از آن می‌برند. اما از آنجا که ممکن است مخاطرات محسوس سیاسی اعضای حوضه را از محقق ساختن منافع همکاری بازدارد، تعامل با خارج ممکن است مفید باشد. اعضای گروه هفت تجربه‌ی قابل توجهی در حمایت از تلاش‌های تحت هدایت کشورهای ساحلی برای همکاری در مدیریت آب‌های فرامرزی دارند. این تجربه می‌تواند نقطه‌ی شروعی برای مشارکت سیستماتیک‌تر سیاست خارجی باشد که مدیریت مخاطره و ترتیبات حل تعارض را پیش از آنکه کمبود و تغییرپذیری باعث گذار از مسائل آشکار به مشکلات حاد شود ایجاد و تقویت می‌کند.

4.6 تعهد جدید: زیربنای آینده‌ای صلح‌آمیزتر و تاب‌آورتر

این توصیه‌ها فقط در همراهی با تلاش‌های مشترک برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اثربخش خواهد بود. اما حتی با یک توافق بلندپروازانه در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای، مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری پابرجا خواهد بود، بنابراین واکنش پیشگیرانه باید ادامه یابد.

واکنش به تهدید استراتژیک جهانی ناشی از تغییرات اقلیمی وظیفه‌ی بسیار بزرگی برای هر دولتی است. این مجموعه‌ی متنوع از توصیه‌ها ترسیم‌کننده‌ی فرصت‌های مستقیم برای کشورهای عضو گروه هفت، همچنین برای گروه هفت به عنوان یک گروه، در هماهنگی با شرکای بین‌المللی آن‌ها، برای مقابله با مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری با واکنش‌های یکپارچه است. با گذشت زمان، دولت‌های گروه هفت و شرکای آن‌ها ممکن است دریابند که همکاری عینی‌تر و هماهنگی رسمی‌تر از طریق ترتیبات جدید و ساختارهای نهادی می‌تواند امکان جذب بهتر هم‌افزایی‌ها و دستیابی به تأثیر بیشتر را برای آنان فراهم سازد.

تأثیرات اقلیمی حد و مرزی ندارد و همه‌ی مرزها را اعم از ملت، بخش یا سازمان پشت سر می‌گذارد. گروه هفت به تنهایی مسئولیت اقدام در مورد تغییرات اقلیمی و مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری را بر عهده ندارد. اما امسال فرصت منحصر به فردی در اختیار کشورهای گروه هفت قرار گرفته است تا تعهد خود را نسبت به مقابله با تغییرات اقلیمی نشان دهند. وزرای خارجه‌ی گروه هفت می‌توانند با بیان و عمل براساس یک تعهد جدید در قبال واکنش به یکی از چالش‌های بزرگ زمان ما آغاز کنند: ایجاد تاب‌آوری در برابر مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری.

کارگروه وابسته به گروه هفت باید به حصول اطمینان از وجود یک جهت‌گیری سیاستی منسجم در همکاری‌های توسعه‌ای برون‌مرزی کمک کند، به طوری که در برنامه‌های کمک‌های رسمی توسعه‌ای در بسترهای آسیب‌پذیر یک رویکرد کلی یکپارچه در حمایت از تلاش‌های ملی و محلی برای ایجاد تابآوری، از طریق هماهنگ‌سازی اقدامات سازگاری، توسعه‌ای، بشردوستانه و ایجاد صلح، اتخاذ شود. برای این منظور، تأکید کمک‌های رسمی توسعه‌ای باید بر اولویت‌های زیر باشد:

- کمک به سازمان‌های منطقه‌ای، دولت‌های ملی، مقامات شهری و استانی، و جوامع محلی در توسعه‌ی پایگاه دانش خود به منظور درک مخاطرات اقلیمی - آسیب‌پذیری و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی رفع آن‌ها، از طریق:

- ارائه‌ی اطلاعات در مورد مخاطرات، منشأ آن‌ها و انواع فشارهایی که ممکن است جامعه با آن روبه‌رو شود؛
- کمک به کشف طیف روش‌های سنتی و مدرن که می‌توان برای کاهش اثر و/یا مدیریت مخاطره به خدمت گرفت؛
- مشاوره در مورد کمک‌های در دسترس.

- تمرکز بر حمایت از بهبود امنیت غذایی، از طریق:

- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، آبیاری پایدار و زیرساخت‌های روستایی برای ایجاد تابآوری سیستم غذایی در برابر وقایع شدید آب و هوایی و فشارهای با شروع تدریجی مانند خشکسالی؛
- تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی از فقرا.

- ارائه‌ی تخصص فنی و آموزش در زمینه‌ی روش‌های جدید، مانند:

- کشاورزی با هوشمندی اقلیمی (مثل چرخه‌های محصول جدید و محصولات جدید)؛
- زیرساخت‌های با هوشمندی اقلیمی (مثل مقررات جدید ساختمان برای مقاومت در برابر بلایا یا اجتناب از مصرف بسیار زیاد آب)؛
- مدیریت اصلاح‌شده‌ی آب، انرژی و اکوسیستم؛
- گردآوری داده در مورد اقلیم‌های متغیر و مخاطرات در حال وقوع.

- درک نیازهای گروه‌های مختلف و جست‌وجوی راه‌حل‌های مشارکتی، مانند:

- مسیرهای ایمن برای گله‌داران (ایمن برای خودشان، ایمن برای زمین کشاورزی)؛
- حفاظت از کاربری و مالکیت زمین در موارد فقدان اسناد؛
- جلساتی برای بحث در مورد شرایط اقلیمی متغیر محلی؛
- همایش‌هایی برای بحث در مورد شرایط متغیر اجتماعی، مانند ورود مهاجران از مناطق گرفتار خشکسالی؛
- بحث و تصمیم‌گیری کمیته‌های روستایی در مورد مصرف آب؛
- نشست‌های جمعی در موضوع ساخت و سازها و زیرساخت‌های جدید؛
- سیستم هشدار زودهنگام سیل در سطح روستا.

REDD	Reducing Emissions from Deforestation and Forest Degradation	INFORM	Index for Risk Management
SCCF	Special Climate Change Fund	IPCC	Intergovernmental Panel on Climate Change
SDGs	Sustainable Development Goals	LDC	least developed country
UN-DESA	United Nations Department for Economic and Social Affairs	LDCF	Least Developed Countries Fund
UN Habitat	United Nations Human Settlements Programme	MDTFs	multi-donor trust funds
UNCLOS	United Nations Convention on the Law of the Sea	MoD	Ministry of Defence (UK)
UNDP	United Nations Development Programme	NAP	national adaptation plan
UNEP	United Nations Environment Programme	NAPA	national adaptation programmes of action
UNFCCC	United Nations Framework Convention on Climate Change	NGO	non-governmental organization
UNICEF	United Nations Children's Fund	OCHA	Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (UN)
UNISDR	United Nations Office for Disaster Risk Reduction	OCR	official change rate
UNODC	United Nations Office on Drugs and Crime	ODA	official development assistance
USAID	US Agency for International Development	ODI	Overseas Development Institute
WFP	World Food Programme	OECD	Organisation for Economic Co-operation and Development
XCF	Extreme Climate Facility	OECD-DAC	OECD Development Assistance Committee
		PSGs	Peacebuilding and Statebuilding Goals

List of Abbreviations

FAO	Food and Agriculture Organisation of the United Nations	ADB	Asian Development Bank
FCO	Foreign and Commonwealth Office	ADF	African Development Fund
GCCA	Global Climate Change Alliance	AfDB	African Development Bank
GCF	Green Climate Fund	AsDF	Asian Development Fund
GDP	gross domestic product	ASEAN	Association of Southeast Asian Nations
GEF	Global Environmental Facility	BECCS	bioenergy with carbon capture and storage
GHG	greenhouse gas	CDB	Caribbean Development Bank
GIZ	Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (formerly Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit, GTZ)	CNA	Center for Naval Analysis
IBRD	International Bank for Reconstruction and Development (World Bank)	CSA	climate-smart agriculture
IcSP	Instrument contributing to Stability and Peace	DFID	Department for International Development (UK)
IDA	International Development Association (World Bank)	DRC	Democratic Republic of the Congo
IDB	Inter-American Development Bank	DRR	Disaster Risk Reduction
IEA	International Energy Agency	ECHO	European Commission's Humanitarian Aid and Civil Protection Department
IFAD	International Fund for Agricultural Development	ECOWAS	Economic Community of West African States
IFPRI	International Food Policy Research Institute	EEA	European Environment Agency
		ENVSEC	Environment and Security Initiative
		EPLO	European Peacebuilding Liaison Office

FAILED STATE

'A failed state is marked by the collapse of central government authority to impose order, resulting in loss of physical control of territory, and/or the monopoly over the legitimate use of force. Crucially, it can no longer reproduce the conditions for its own existence' (Mcloughlin 2012).

FAILING STATES

Often used to describe 'states that are substantially failing their citizens and/or are failing to achieve economic growth', this terminology is contentious, since it can be both applied to states that are failing and those that are at risk of failing, and thus it does not account for the fact that some states can be failing in some respects but not others (Mcloughlin 2012).

FRAGILITY

The inability (whether whole or partial) of a state to fulfil its responsibilities as a sovereign entity, including a lack of legitimacy, authority, and capacity to provide basic services and protect its citizens (Carment et al. 2007; Teskey et al. 2012; Stepputat and Engberg-Pedersen 2008).

GREY WATER

Domestic wastewater that is produced in 'homes and commercial buildings through the use of water for laundry, dishes, or for bathing' (ecolife 2011). Grey water is different from black water, which has a higher degree of organic loading and is used in toilets and discharged into the sewage system.

HAZARD

'A dangerous phenomenon, substance, human activity or condition that may cause loss of life, injury or other health impacts, property damage, loss of livelihoods and services, social and economic disruption, or environmental damage' (UNISDR 2015).

HUMAN SECURITY

The broad and people-centered concept of human security is defined as 'safety from such chronic threats as hunger, disease, and repression, ... and protection from sudden and hurtful disruptions in the patterns of daily life' (UNDP 1994). Human security has seven dimensions: economic, food, health, environmental, personal, community, and political.

change. However, if conflict escalates, it can develop into a negative force, destroying human life, the environment, and social relations.

CONFLICT SENSITIVITY

Policies and programmes that are conflict sensitive seek to avoid a relapse into violent conflict or to aggravate an existing conflict. In the context of development cooperation, this principle is called 'do no harm'. Conflict sensitivity is normally a minimum standard for any intervention in a conflict environment (Rüttinger et al. 2014).

CRISIS

A situation of acute instability with increased levels of violent conflict, the potential for a relapse into more generalized violent conflict, or one or more disasters (g7+ 2013).

DISASTER

A severe disruption of the 'functioning of a community or a society due to hazardous physical events interacting with vulnerable social conditions, leading to widespread adverse human, material, economic, or environmental effects that require immediate emergency response to satisfy critical human needs and that may require external support for recovery' (Lavell et al. 2012, 31).

DISASTER RISK REDUCTION

The 'concept and practice of reducing disaster risks through systematic efforts to analyse and manage the causal factors of disasters', including reducing exposure to hazards, lessening the vulnerability of people and property, managing land and the environment wisely, and improving preparedness for adverse events (UNISDR 2015).

DO NO HARM

The minimum obligation that any action or intervention in climate adaptation, development, humanitarian aid, and peacebuilding 'consciously looks for and seeks to avoid or mitigate negative impacts' (interpeace 2010).

EXTREME WEATHER EVENT

Extreme events are a facet of climate variability under stable or changing climate conditions. They are defined as the occurrence of a value of a weather or climate variable above (or below) a threshold value near the upper (or lower) ends of the range of observed values of the variable. Extreme events are often but not always associated with disaster (Lavell et al. 2012).

Glossary

a population and territory, and (b) the state's ability to develop mutually constructive and reinforcing relations with society' (OECD 2010, 15).

CLIMATE CHANGE

The United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC) defines climate change as 'a change of climate which is attributed directly or indirectly to human activity that alters the composition of the global atmosphere and which is in addition to natural climate variability observed over comparable time periods' (United Nations 1992, 3).

COLLAPSED STATE

'Collapsed' and 'failed' are often used interchangeably to describe a state that has entirely ceased to function (Mcloughlin 2012). See also 'failed state'.

COMPOUND CLIMATE-FRAGILITY RISKS

These are risks that emerge as climate change interacts with other pressures on states and societies. They include local resource competition, livelihood insecurity and migration, extreme weather events and disasters, volatile food prices and provision, transboundary water management, sea-level rise and coastal degradation, and unintended effects of climate policies.

CONFLICT

A 'relationship among two or more parties, whether marked by violence or not, based on actual or perceived differences in needs, interests and goals' (Means et al. 2002, 9). Conflict is a normal part of societies and an important force for social

ABSORPTIVE CAPACITY

The 'ability of a country or organization to receive aid and use it effectively' (European Union 2015). If this capacity is overwhelmed by large flows of external resources, aid may not be effective in achieving its intended results (Renzio 2007).

ADAPTATION

The 'adjustment of natural or human systems in response to actual or expected climatic stimuli or their effects, which moderates harm or exploits beneficial opportunities. Adaptation is a process and not an outcome' (GIZ and WRI 2011).

ADAPTIVE CAPACITY

The 'ability of a system to adjust to climate change (including climate variability and extremes) to moderate potential damages, to take advantage of opportunities, or to cope with the consequences' (Parry et al. 2007). It is used to describe the various socio-economic, structural, institutional, and technological abilities of a human system to produce adaptation measures (Fritzsche et al. 2014).

AUTHORITY (STATE)

The 'power or dominion that is seen as legitimate by those subject to it' (OECD 2010), thus constituting the basis for non-coercive rule. It also includes the ability of a state to provide basic security to its citizens within its borders.

CAPACITY (STATE)

State capacity 'encompasses (a) organisational, institutional and financial capacity to carry out basic functions of governing

Bibliography

- AfDB 2011:** The cost of adaptation to climate change in Africa. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Project-and-Operations/Cost%20of%20Adaptation%20in%20Africa.pdf>.
- AfDB 2014a:** Addressing fragility and building resilience in Africa: the African Development Bank Group strategy 2014–2019. Retrieved 26 Mar 2015, from http://www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Policy-Documents/Addressing_Fragility_and_Building_Resilience_in_Africa-The_AfDB_Group_Strategy_2014%E2%80%932019.pdf.
- AfDB 2014b:** From fragility to resilience: managing natural resources in fragile states in Africa. Tunis: African Development Bank Group.
- AfDB 2014c:** AfDB statistics – pocketbook. Retrieved 6 Dec 2014, from http://www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Publications/AfDB_Statistics_Pocket_Book_2014.pdf.
- African Risk Capacity 2015:** Extreme Climate Facility (XCF). Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.africanriskcapacity.org/documents/350251/757534/African+Risk+Capacity+Fact+Sheet.pdf>.
- Al-Ansari, Nadhir; N. Alibrahim; M. Alsaman and Sven Knutsson 2014:** Water supply network losses in Jordan. In: *Journal of Water Resources and Protection* 6:1, pp 83–96.
- Alden Wily, Liz 2009:** Tackling land tenure in the emergency to development transition in post-conflict states: from restitution to reform. In: Pantuliano, Sara (ed.): *Uncharted territory: land, conflict and humanitarian action*. Rugby: Practical Action Publishing.
- Aldrich, Daniel P. 2013:** The role of governmental capacity and citizens' input in disaster management. Seoul: East Asian Institute (EAI).
- Alexander, Rajan 2006:** *Tsunami: build back better. Mantra aside, an aid gone wrong story?* Bangalore: Development Consultancy Group.
- Abulof, Uriel 2015:** 'Can't buy me legitimacy': the elusive stability of Mideast rentier regimes. In: *Journal of International Relations and Development* advance online publication: February 20, pp 1–25.
- ACF 2011:** *Disaster risk management for insecure contexts*. Paris: Action Contre la Faim (ACF).
- Adaptation Committee 2013:** *The state of adaptation under the United Nations Framework Convention on Climate Change*. Bonn: United Nations Framework Convention on Climate Change.
- Adaptation Committee 2014:** *Institutional arrangements for national adaptation planning and implementation*. Bonn: United Nations Framework Convention on Climate Change.
- Adaptation Fund 2014:** *Funded projects*. Retrieved 16 Mar 2015, from https://www.adaptation-fund.org/funded_projects.
- ADB 2010:** *Asian Development Bank's support to fragile and conflict-affected situations*. Manila: Asian Development Bank (ADB).
- ADB 2012:** *Working differently in fragile and conflict-affected situations. The ADB experience*. Manila: ADB.
- ADB 2014:** *Statement of the Asian Development Bank's operations in 2013*. Retrieved 21 Dec 2014, from <http://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/34106/files/statement-adb-operations-2013.pdf>.
- Adger, W. Neil; Juan M. Pulhin; Jon Barnett; Geoffrey D. Dabelko; Grete K. Hovelsrud; Marc Levy; Úrsula Oswald Spring and Coleen Vogel 2014:** *Human security*. In: IPCC (ed.): *Climate change 2014: impacts, adaptation, and vulnerability – part A: global and sectoral aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.

SITUATIONS OF FRAGILITY

In a situation of fragility, the state lacks basic governance functions and the ability to develop mutually constructive relations with society. It can neither fulfil its functions, nor is it perceived as legitimate. Situations of fragility range from crisis, such as large-scale conflict, to transitional stages, such as post-conflict situations and regime change.

THREAT

A direct or indirect threat to the security of a country, society or individual. Threats do not unambiguously speak for themselves. Understanding the meaning of threats is mediated by the perception of the target' (*Gross Stein 2013*).

THREAT MULTIPLIER

Climate change is often viewed as a threat multiplier that exacerbates existing fragility and conflict risks (*European Commission 2008; CNA 2014*).

VULNERABILITY

The 'degree to which a system is susceptible to, and unable to cope with, adverse effects of climate change, including climate variability and extremes. Vulnerability is a function of the character, magnitude, and rate of climate change and variation to which a system is exposed, its sensitivity, and its adaptive capacity' (*IPCC 2007b; Parry et al. 2007*). Vulnerability is dynamic and context-specific. It can be influenced by human behavior and societal organization; for example, the marginalization of certain groups often decreases their adaptive capacities (*IPCC 2014*).

WEAK STATE

Weak states suffer from significant shortcomings in the areas of security, performance, and legitimacy. This often means that they lack control over certain areas of their territory. Experts criticize this term as inherently contradictory and misleading. The occurrence of pockets of fragility in high-capacity and functioning states is an example of the limits of this term (*Mcloughlin 2012*).

LEGITIMACY

A government, actor, or institution that is perceived as satisfactory and the best available alternative to fulfill the population's needs and expectations is legitimate. Legitimacy can be derived both from the performance of the state in terms of the quality and equity of service delivery (output legitimacy) and by a set of agreed rules and accountability mechanisms, such as participation and good governance (input legitimacy). Legitimacy is also the basis for rule by non-coercive means (*Bellina et al. 2009*).

MAINSTREAMING (CLIMATE ADAPTATION)

Integrating climate change adaptation into policymaking, budgeting, and implementation processes of another policy field, such as development and humanitarian assistance, at the national, sectoral, and sub-national levels (*UNDP-UNEP 2011*).

MITIGATION

A human intervention that decreases the sources or increases the sinks of GHGs and other substances which may contribute directly or indirectly to climate change (*IPCC 2014*).

POCKETS OF FRAGILITY

Localized situations of fragility in otherwise stable states. Pockets emerge, for example, when a state abdicates its responsibility for a particular group (often poor or marginalized) or loses its control over a region of the country, leaving a power vacuum to be filled by criminal gangs or insurgent militias.

RESILIENCE

The positive counterpart of fragility. A resilient state or society is characterized by the ability to cope with increasingly complex, uncertain situations and to 'manage and adapt to changing social needs and expectations', including the complex challenges arising from the interaction of climate change with other pressures. Resilience also includes the 'ability to absorb and recover from shocks, whilst positively adapting and transforming their structures and means for living in the face of long-term changes and uncertainty' (*OECD 2011*).

RISK

The 'potential for an unwanted outcome ... as determined by its likelihood and the associated consequences' (*US Department of Homeland Security 2008, 24*). Climate risks, in particular, are 'not solely externally generated circumstances or changes in the climate system to which societies respond, but rather the result of complex interactions among societies or communities, ecosystems, and hazards arising from climate change' (*IPCC 2014, 1050*).

(CECORE); Rwenzori Development and Research Center (RED-ROC); Saferworld; Youth Development Organization (YoDEO).

Chant, Sylvia 2008: The 'feminisation of poverty' and the 'feminisation' of anti-poverty programmes: room for revision? In: *Journal of Development Studies* 44:2, pp 165–197.

Châtel, Francesca de 2014: The role of drought and climate change in the Syrian uprising: untangling the triggers of the revolution. In: *Middle Eastern Studies* 50:4, pp 521–535.

Christian Aid 2006: Life on the edge of climate change: the plight of pastoralists in Northern Kenya. Retrieved 27 Jun 2011, from <http://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/87732D4D8913559C85257225006E7909-christianaid-ken-13nov.pdf>.

Cincotta, Richard 2011: Minority youth bulges and the future of intrastate conflict. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.newsecuritybeat.org/2011/10/minority-youth-bulges-and-the-future-of-intrastate-conflict/>.

Cincotta, Richard 2012: Population aging: a demographic and geographic overview. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.newsecuritybeat.org/2012/08/population-aging-a-demographic-and-geographic-overview/>.

Climate Smart Agriculture Concerns 2014: Corporate-smart greenwash: why we reject the Global Alliance on Climate-Smart Agriculture. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.climatesmartagconcerns.info/rejection-letter.html>.

CNA 2007: National security and the threat of climate change. Alexandria, VA: Center for Naval Analysis.

CNA 2014: National security and the accelerating risks of climate change. Alexandria, VA: CNA Corporation.

Coffey International Development 2012: Darfur community peace and stability fund impact assessment. Final report. London: Department for International Development (DFID).

Collier, Paul; Anke Hoefler and Dominic Rohner 2009: Beyond greed and grievance: feasibility and civil war. In: *Oxford Economic Papers* 61:1, pp 1–27.

Commission on Sustainable Agriculture and Climate Change 2012: Achieving food security in the face of climate change. Final report from the Commission on Sustainable Agriculture and Climate Change. Retrieved 09 Apr 2015, from www.ccafs.cgiar.org/commission.

Cotula, Lorenzo and James Mayers 2009: Tenure in REDD: start-point or afterthought? London: International Institute for Environment and Development (IIED).

Dabelko, Geoffrey D.; Lauren Herzer; Schuyler Null; Meaghan Parker and Russell Sticklor (eds.) 2013: Backdraft: the conflict potential of climate change adaptation and mitigation. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars.

Bromwich, Brendan 2008: Environmental degradation and conflict in Darfur: implications for peace and recovery. In: *Humanitarian Exchange Magazine* 39:1, pp 22–29.

Bromwich, Brendan; Abuelgasim Abdalla Adam; Abduljabbar Abdulla Fadul; Florence Chege; Jim Sweet; Victor Tanner and Geoff Wright 2007: Darfur: relief in a vulnerable environment. Teddington: Tearfund.

Brookings Institution 2014: Middle East youth. Retrieved 11 Feb 2015, from <http://www.brookings.edu/research/topics/middle-east-youth>.

Brown, Oli and Alec Crawford 2009: Rising temperatures, rising tensions - climate change and the risk of violent conflict in the Middle East. Winnipeg: International Institute for Sustainable Development.

Brown, Oli and Alec Crawford 2012: Conservation and peace-building in Sierra Leone. Winnipeg: International Institute for Sustainable Development.

Bündnis Entwicklung Hilft 2011: World risk report 2011. Bonn: Bündnis Entwicklung Hilft and UNU-EHS.

Bunting, Madeleine 2011: How land grabs in Africa could herald a new dystopian age of hunger. Retrieved 17 Nov 2014, from <http://www.theguardian.com/global-development/poverty-matters/2011/jan/28/africa-land-grabs-food-security?INTCMP=SRCH>.

Butzengeiger, Sonja and Britta Horstmann 2004: Sea-level rise in Bangladesh and the Netherlands: one phenomenon, many consequences. Bonn: Germanwatch.

Caribbean Development Bank 2014: Annual report 2013–volume I. Retrieved 21 Dec 2014, from <http://www.caribank.org/uploads/2014/05/2013-CDB-Annual-Report-Vol1.pdf>.

Carius, Alexander; Dennis Tänzler and Achim Maas 2008: Climate change and security - challenges for German development cooperation. Eschborn: Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ).

Carment, David; Yiagadeesen Samy and Stewart Prest 2007: Assessing fragility: theory, evidence and policy. In: *Politorbis* 42:1, pp 13–19.

Casey, Kevin 2014: Greenland's new frontier: oil and gas licenses issued, though development likely years off. Retrieved 09 Jan 2015, from <http://www.thearcticinstitute.org/2014/01/greenlands-new-frontier-oil-and-gas.html>.

Castles, S. 2000: Migration as a factor in social transformation in East Asia. Paper presented at a Conference on Migration and Development. Princeton: Princeton University.

CECORE; REDROC; Saferworld and YODEO 2008: Water and conflict: making water delivery conflict-sensitive in Uganda. Kampala and London: Center for Conflict Resolution

- Bennett, Jon; Sara Pantuliano; Wendy Fenton; Anthony Vaux; Chris Barnett and Emery Brusset 2010:** Aiding the peace: a multi-donor evaluation of support to conflict prevention and peacebuilding activities in southern Sudan 2005–2010. London: ITAD Ltd.
- Berazneva, Julia and David R. Lee 2013:** Explaining the African food riots of 2007–2008: an empirical analysis. In: *Food Policy* 39:1, pp 28–39.
- Bettencourt, Luis; José Lobo; Dirk Helbing; Christian Kühnert and Geoffrey West 2007:** Growth, innovation, scaling, and the pace of life in cities. In: *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America* 104:17, pp 7301–7306.
- Bhattacharya, Sanjukta and Arup Poddar 2012:** Final order of the Cauvery River - a review report. Retrieved 18 Feb 2015, from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2008550.
- Black, Richard; W. Neil Adger; Nigel W. Arnell; Stefan Dercon; Andrew Geddes and David Thomas 2011:** The effect of environmental change on human migration. In: *Global Environmental Change* 21, Supplement 1:0, pp S3–S11.
- Bob, Urmilla und Salomé Bronkhorst (eds.) 2014:** Conflict-sensitive adaptation to climate change in Africa. Berlin: Berliner Wissenschaftsverlag.
- Boelens, Rutgerd; Armando Guevara-Gil and Aldo Panfichi 2010:** Indigenous water rights in the Andes: struggles over resources and legitimacy. In: *The Journal Of Water Law* 20:5, pp 268–277.
- Boersma, Tim and Kevin Foley 2014:** The Greenland gold rush: promise and pitfalls of Greenland's energy and mineral resources. Washington, DC: Brookings Institution.
- Bonds, Eric and Liam Downey 2012:** 'Green' technology and ecologically unequal exchange: the environmental and social consequences of ecological modernization in the world. In: *Journal of World-Systems Research* 18:2, pp 167–186.
- Boyce, J. K. and S. Forman 2010:** Financing peace: international and national resources for postconflict countries and fragile states. Background paper for the World Development Report 2011. Washington, DC: World Bank.
- Brecht, Henrike; Susmita Dasgupta; Benoit Laplante; Siobhan Murray and David Wheeler 2012:** Sea-level rise and storm surges: high stakes for a small number of developing countries. In: *The Journal of Environment & Development* 21:1, pp 120–138.
- Breisinger, Clemens; Olivier Ecker; Perrihan Al-Riffai and Bingxin Yu 2012:** Beyond the Arab awakening: policies and investments for poverty reduction and food security. Washington, DC: IFPRI.
- Brinkman, Henk-Jan and Cullen S. Hendrix 2011:** Food insecurity and violent conflict: causes, consequences and addressing the challenges. Rome: WFP.
- Alkire, Sabina; José Manuel Roche; Maria Emma Santos and Suman Seth 2011:** Multidimensional poverty index 2011. Oxford: Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI).
- Andrews, Matt; Lant Pritchett and Michael Woolcock 2012:** Escaping capability traps through problem-driven iterative adaptation (PDIA). Retrieved 26 Mar 2015, from http://www.cgdev.org/files/1426292_file_Andrews_Pritchett_Woolcock_traps_FINAL.pdf.
- Arowosegbe, Jeremiah O. 2009:** Violence and national development in Nigeria: the political economy of youth restiveness in the Niger Delta. In: *Review of African Political Economy* 36:122, pp 575–594.
- Ayeb, Habib and Ray Bush 2014:** Small farmer uprisings and rural neglect in Egypt and Tunisia. In: *Middle East Report, Middle East Research and Information Project* 272:44, pp n.a.
- Bakrania, Shivit 2013:** Conflict drivers, international responses, and the outlook for peace in Mali: a literature review. Birmingham: Governance and Social Development Resource Centre; University of Birmingham.
- Barakat, Sultan; Kathryn Rzeszut and Nick Martin 2012:** What is the track record of multi donor trust funds in improving aid effectiveness? An assessment of the available evidence. Retrieved 08 Apr 2015, from [http://r4d.dfid.gov.uk/pdf/outputs/systematicreviews/Q48_Multidonor_trust_fund_2012Barakat\(2\)FINAL.pdf](http://r4d.dfid.gov.uk/pdf/outputs/systematicreviews/Q48_Multidonor_trust_fund_2012Barakat(2)FINAL.pdf).
- Barnett, Jon and Saffron O'Neill 2010:** Maladaptation editorial. In: *Global Environmental Change* 20:2, pp 211–213.
- Batmanglich, Sara and Monica Stephen 2011:** Peacebuilding, the World Bank and the United Nations: debates and practice in Burundi, Liberia and Nepal. London: International Alert.
- Bauer, Steffen; Ines Dombrowsky and Imme Scholz 2014:** Post 2015: enter the UN General Assembly: harnessing Sustainable Development Goals for an ambitious global development agenda. Bonn: German Development Institute.
- Bayat-Renoux, Fiona and Yannick Glemarec 2014:** Financing recovery for resilience: Enhancing the coverage, capitalization and coherence of pooled financing mechanisms for recovery to strengthen synergies between humanitarian, development and climate finance. New York: UNDP MPTF Office.
- Beehner, Lionel 2007:** The effects of 'youth bulge' on civil conflicts. Retrieved 09 Dec 2014, from <http://www.cfr.org/world/effects-youth-bulge-civil-conflicts/p13093>.
- Bellina, Séverine; Dominique Darbon; Stein Sundstol Eriksen and Jacob Ole Sending 2009:** The legitimacy of the state in fragile situations. Oslo: Norad/ French Ministry of Foreign and European Affairs.
- Benjaminsen, Tor A. 2008:** Does supply-induced scarcity drive violent conflicts in the African Sahel? The case of the Tuareg rebellion in Northern Mali. In: *Journal of Peace Research* 45:6, pp 819–836.

- Faria, Fernanda 2011:** Fragile states: a fluid concept for peace-building and statebuilding. Oslo: NOREF.
- FCO; MoD and DFID 2014:** The UK Government's approach to stabilisation. London: FCO; MoD; DFID.
- Feakin, Tobias and Ducan Depledge 2010:** Climate-related impacts on national security in Mexico and Central America. Final Report. London: Royal United Services Institute (RUSI).
- Feldt, Heidi 2007:** Natural resources and conflict. Berlin: Heinrich-Böll-Stiftung.
- Femia, Francesco and Caitlin E. Werrell 2011:** Thailand forecast: floods, droughts and political instability. Retrieved 02 Sep 2014, from <http://climateandsecurity.org/2011/11/14/thailand-forecast-floods-droughts-and-political-instability/>.
- Femia, Francesco and Caitlin Werrell 2012:** Syria: Climate change, drought and social unrest. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://climateandsecurity.org/2012/02/29/syria-climate-change-drought-and-social-unrest/>.
- Ferris, Elizabeth 2010:** Natural disasters, conflicts and human rights: tracing the connections. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Fetterer, Florence; Ken Knowles; Walt Meier and Matt Savoie 2012:** Sea ice index. Retrieved 10 Dec 2014, from http://nsidc.org/data/seaic_index/index.html.
- Fettweis, Xavier; Bruno Franco; M. Tedesco; J.H. van Angelen; J.T.M. Lenaerts; M.R. van den Broeke and H. Gall 2013:** Estimating the Greenland ice sheet surface mass balance contribution to future sea level rise using the regional atmospheric climate model MAR (Multilateral Aid Review). In: *The Cryosphere* 7:1, pp 469–489.
- FEWS NET 2014:** Coffee producer and laborer income to decline for a second consecutive year. Special Report Central America. Retrieved 24 Feb 2015, from http://www.fews.net/sites/default/files/documents/reports/FEWS%20NET%20coffee%20crust%20shock%20report%20update_2014_02_en_0.pdf.
- Ficke, Ashley D.; Christopher A. Myrick and Lara J. Hansen 2007:** Potential impacts of global climate change on freshwater fisheries. In: *Reviews in Fish Biology and Fisheries* 17:4, pp 581–613.
- Findley, Sally E. 1994:** Does drought increase migration? A study of migration from rural Mali during 1983-1985 drought. In: *International Migration Review* 28:3, pp 539–553.
- Fischer, Günther; Eva Hıznyik; Sylvia Prielder; Mahendra Shah and Harrij van Velthuizen 2009:** Biofuels and food security. Vienna: International Institute for Applied Systems Analysis.
- Fleischli, Susanne 2007:** 'Women protesters carrying empty pots' – the role of gender in environmental conflict. Retrieved 11 Feb 2015, from http://www.ecc-platform.org/index.php?option=com_content&view=article&id=987:qwomen-protesters-carrying-empty-potsq--the-role-of-gender-in-environmental-conflict&catid=115.
- European Commission 2014:** Commission implementing decision on the Annual Action Programme 2014 for the Instrument contributing to Stability and Peace to be financed from the general budget of the European Union. Retrieved 08 Apr 2015, from http://ec.europa.eu/europeaid/sites/devco/files/annual-action-programme-icsp-part1-v5_en.pdf.
- European Commission 2015:** Joint Programming Initiative. Retrieved 08 Apr 2015, from http://ec.europa.eu/research/bioeconomy/policy/coordination/jpi/index_en.htm.
- European Environment Agency (EEA) 2010:** The European environment: state and outlook 2010 — global megatrends. Copenhagen: EEA.
- European Union 2015:** Glossary. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://avrupa.info.tr/resource-centre/glossary.html>.
- Evans, Alex 2009:** The feeding of the nine billion - global food security for the 21st century. London: Royal Institute of International Affairs.
- Evans, Alex 2010:** Resource scarcity, climate change and the risk of violent conflict. New York: New York University / Center on International Cooperation.
- FAO 2000:** Conflict and natural resources management. Rome: FAO.
- FAO 2009:** Climate change implications for fisheries and aquaculture. Overview of current scientific knowledge. Rome: FAO.
- FAO 2010:** The state of world fisheries and aquaculture, 2010. Rome: FAO.
- FAO 2013:** Adaptation in Action. FAO's work in climate change on adaptation. Retrieved 09 Apr 2015, from <http://www.fao.org/climatechange/fao-adapt/en/>.
- FAO 2014a:** FAO success stories on climate smart agriculture. Retrieved 11 Dec 2015, from <http://www.fao.org/3/a-i3817e.pdf>.
- FAO 2014b:** The state of world fisheries and aquaculture, 2014. Rome: FAO.
- FAO and ADB 2013:** Gender equality and food security: Women's empowerment as a tool against hunger. Manila: Asian Development Bank.
- FAO and OECD 2011:** Price volatility in food and agricultural markets: policy responses. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.oecd.org/tad/agricultural-trade/48152638.pdf>.
- FAO and WFP 2009:** Crop and food security assessment mission to Ethiopia. Integrating the crop and food supply and the emergency food security assessments. Rome: FAO; WFP.
- Fargione, Joseph; Jason Hill; David Tilman; Stephen Polasky and Peter Hawthorne 2008:** Land clearing and the biofuel carbon debt. In: *Science* 319:5867, pp 1235–1238.

- Eaton, David 2008:** The business of peace: raiding and peace work along the Kenya-Uganda border. In: *African Affairs* 107:426, pp 89–110.
- EBRD 2012:** Country assessment Jordan. Retrieved 18 Feb 2015, from http://www.ebrd.com/downloads/country/technical_assessments/jordan-assess.pdf.
- ECHO 2014:** Factsheet Horn of Africa. Retrieved 08 Apr 2015, from http://ec.europa.eu/echo/files/aid/countries/factsheets/hoa_en.pdf.
- ecolife 2011:** What is grey water? Retrieved 15 Apr 2015, from <http://www.ecolife.com/define/grey-water.html>.
- Elliot, Kimberly and Edward Collins 2012:** Assessing the quality of aid for agriculture. Washington, DC: Center for Global Development.
- Ember, Carol R.; Teferi Abate Adem; Ian Skoggard and Eric C. Jones 2012:** Livestock raiding and rainfall variability in northwestern Kenya. In: *Civil Wars* 14:2, pp 159–181.
- Enia, Jason 2008:** Peace in its wake? The 2004 tsunami and internal conflict in Indonesia and Sri Lanka. In: *Journal of Public & International Affairs* 19:1, pp 7–27.
- EPLO 2014:** Support for peacebuilding and conflict prevention in the EU's external financing instruments 2014-2020. EPLO Briefing Paper 1/2014. Brussels: European Peacebuilding Liaison Office.
- Erian, Wadid; Bassem Katlan and Ouldbdey Babah 2010:** Global assessment report on Disaster Risk Reduction: drought vulnerability in the Arab region. Special case study: Syria. Geneva: UNISDR.
- EurActiv 2014:** Greenland, Denmark hope to reach uranium mining deal by end 2014. Retrieved 09 Jan 2015, from <http://www.euractiv.com/sustainability/greenland-denmark-expect-uranium-news-532667>.
- European Commission 2008:** Climate change and international security. Paper from the High Representative and the European Commission to the European Council. Retrieved 05 Jan 2015, from http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/librairie/PDF/EN_clim_change_low.pdf.
- European Commission 2011:** Causes of the 2007-2008 food price crisis identified. Retrieved 25 Nov 2014, from <http://ec.europa.eu/environment/integration/research/newsalert/pdf/225nat.pdf>.
- European Commission 2013a:** Action plan for resilience in crisis prone countries 2013-2020. Commission staff working document. Brussels: European Commission.
- European Commission 2013b:** Climate change, environmental degradation, and migration. Commission staff working document. Retrieved 26 Mar 2015, from http://ec.europa.eu/clima/policies/adaptation/what/docs/swd_2013_138_en.pdf.
- Dapice, David 2011:** The looming food crisis: extreme weather, economic forces of rising demand and speculation threaten global food security. Retrieved 15 Dec 2014, from <http://yaleglobal.yale.edu/content/looming-food-crisis>.
- Darfur Community Peace and Stability Fund (DCPSF) 2012:** DCPSF annual report 2012. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://mptf.undp.org/document/download/11768>.
- Dasgupta, P.; J. F. Morton; D. Dodman; B. Karapinar; F. Meza; M. G. Rivera-Ferre; A. Toure Sarr and K. E. Vincent 2014:** 2014: Rural areas. In: Field, C.B., V.R. Barros, D.J. Dokken, K.J. Mach, M.D. Mastrandrea, T.E. Bilir (IPCC) (eds.): *Climate change 2014: impacts, adaptation, and vulnerability. Part A: Global and sectoral aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Davis, Laura 2014:** Supporting peaceful social, political and cultural economic change in Mali. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.international-alert.org/sites/default/files/Mali_SupportingPeacefulChange_EN_2014.pdf.
- Deheza, Elizabeth and Jorge Mora 2013:** Climate change, migration and security: best-practice policy and operations for Mexico. London: Royal United Services Institute (RUSI).
- Deininger, Klaus W. and Derek Byerlee 2011:** Rising global interest in farmland: can it yield sustainable and equitable benefits? Washington, DC: World Bank.
- den Boer, Andrea and Valerie Hudson 2014:** The security risks of China's abnormal demographics. Retrieved 07 Jan 2015, from <http://www.washingtonpost.com/blogs/monkey-cage/wp/2014/04/30/the-security-risks-of-chinas-abnormal-demographics/>.
- DFID 2011a:** Defining disaster resilience: a DFID approach paper. London: DFID.
- DFID 2011b:** Humanitarian emergency response review. UK government response. London: DFID.
- DFID; FCO and MoD 2011:** Building stability overseas strategy. London: DFID; FCO; MoD.
- Di Leva, Charles and Sachiko Morita 2008:** Maritime rights of coastal states and climate change: should states adapt to submerged boundaries? Washington, DC: World Bank.
- Di Nunzio, Jack 2013:** Conflict on the Nile: the future of trans-boundary water disputes over the world's longest river. Dalkeith: Future Directions International.
- Dobbs, Richard; Jaana Remes; James Manyika; Charles Roxburgh; Sven Smit and Fabian Schaefer 2012:** *Urban world: cities and the rise of the consuming class*. Seoul, San Francisco, London and Washington, DC: McKinsey Global Institute.

- Hendrix, Cullen S. and Henk-Jan Brinkman 2013:** Food insecurity and conflict dynamics: causal linkages and complex feedbacks. In: *Stability: International Journal of Security and Development* 2:26, pp 1–18.
- Hendrix, Cullen S. and Stephan Haggard 2015:** Global food prices, regime type, and urban unrest in the developing world. In: *Journal of Peace Research* 52:2, pp 143–157.
- Hendrix, Cullen S. and Idean Salehyan 2012:** Climate change, rainfall, and social conflict in Africa. In: *Journal of Peace Research* 49:1, pp 35–50.
- Hennings, Anne 2014:** Das Konfliktpotenzial exklusiver Land Grabbing Praktiken. Retrieved 09 Jan 2015, from http://www.afk-web.de/fileadmin/afk-web.de/data/zentral/dokumente/AFK-Kolloquium_2014/Paperroom_2014/Hennings_Paper.pdf.
- High-Level Task Force on the Global Food Security Crisis 2008:** Comprehensive framework for action. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.un.org/en/issues/food/taskforce/Documentation/CFA%20Web.pdf>.
- Hijioka, Y.; E. Lin; J. J. Pereira; R. T. Corlett; X. Cui; G. E. Insarov; R. D. Lasco; E. Lindgren and A. Surjan 2014:** Asia. In: Barros, V. R.; Field, C. B.; Dokken, D. J.; M. D. Mastrandrea; K. J. Mach; T. E. Bilir; M. Chatterjee; K. L. Ebi; Y. O. Estrada; R. C. Genova; B. Girma; E. S. Kissel; A. N. Levy; S. MacCracken; P. R. Mastrandrea; L. L. White (eds.): *Climate change 2014: impacts, adaptation, and vulnerability. Part B: Regional aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.* Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Hilker, Lyndsay 2012:** Empowerment in fragile states and situations of fragility. In: OECD (ed.): *Poverty reduction and pro-poor growth: the role of empowerment.* Paris: OECD.
- Hoffmann, Susanna M. and Anthony Oliver-Smith (eds.) 2002:** *Culture and catastrophe: the anthropology of disaster.* Santa Fe, NM: The School of American Research Press.
- Holter, Mikael 2015:** Oil exploration in Norway's Arctic cut by half after crude crash. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.bloomberg.com/news/articles/2015-02-17/oil-exploration-in-norway-s-arctic-cut-by-half-after-crude-crash>.
- Houdret, Annabelle 2008:** Scarce water, plenty of conflicts? Local water conflicts and the role of development cooperation. Duisburg: INEF.
- Houdret, Annabelle; Annika Kramer and Alexander Carius 2010:** The water security nexus. Challenges and opportunities for development cooperation. Eschborn: GIZ.
- Houghton, Katherine 2012:** Climate change in fragile states: adaptation as reinforcement of the fabric of the state. In: Hamza, Mohamed; Corendea, Cosmin (eds.): *Climate change and fragile states: rethinking adaptation.* Bonn: UNU-EHS.
- Government of Rwanda 2013:** Western Province Ngororero district. Retrieved 25 Nov 2014, from http://www.ngororero.gov.rw/uploads/media/NGORORERO_DISTRICT_DDP_2____2013-2018.pdf.
- Government of the United Kingdom 2011:** Multilateral aid review: assessment of UN Peacebuilding Fund (PBF). Retrieved 08 Apr 2015, from https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/224934/pbf.pdf.
- Gregory, P. J.; Ingram, J. S. I. and M. Brklacich 2005:** Climate change and food security. In: *Philosophical Transactions of the Royal Society B-Biological Sciences* 360:1463, pp 2139–2148.
- Gross Stein, Janice 2013:** Threat perception in international relations. In: Huddy, Leonie; Sears, David O.; Levy, Jack S. (ed.): *The Oxford handbook of political psychology.* Oxford: Oxford University Press.
- Grover, Velma; Abdel Raouf Darwish and Eliza Deutsch 2010:** Integrated water resources management in Jordan. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.erf.org.eg/CMS/uploads/pdf/h290796086_Envl_Nov_01.pdf.
- Gutner, Tammi 1999:** *The political economy of food subsidy reform in Egypt.* Washington, DC: IFPRI.
- Haan, Arjan de 2000:** *Migrants, livelihoods, and rights: the relevance of migration in development policies.* London: DFID.
- Hallegatte, Stephane; Colin Green; Robert J. Nicholls and Jan Corfee-Morlot 2013:** Future flood losses in major coastal cities. In: *Nature Climate Change* 3:9, pp 802–806.
- Harari, Nicole and Jesse Roseman 2008:** Environmental peacebuilding: theory and practice: a case study of the Good Water Neighbours Project and in depth analysis of the Wadi Fukin / Tzur Hadassah communities. Ammam, Bethlehem and Tel Aviv: EcoPeace; Friends of the Earth Middle East.
- Hardy, James and Sean O'Connor 2014:** China building airstrip-capable island on Fiery Cross Reef. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.janes.com/article/46083/china-building-airstrip-capable-island-on-fiery-cross-reef>.
- Harris, Katie; David Keen and Tom Mitchell 2013:** *When disasters and conflict collide: improving links between disaster resilience and conflict prevention.* London: Overseas Development Institute (ODI).
- Headley, Derek and Shenggen Fan 2010:** *Reflections on the global food crisis: how did it happen? How has it hurt? And how can we prevent the next one?* Washington, DC: IFPRI.
- Heijman, Annelies; Ifeanyi Okechukwu; Annemarie Schuller and Regine Skarubowiz 2009:** A grassroots perspective on risks stemming from disasters and conflict. In: *Humanitarian Exchange Magazine* 44:1, pp 34–35.

- Gemenne, François; Jon Barnett; W. Neil Adger and Geoffrey D. Dabelko 2014:** Climate and security, evidence, emerging risks, and a new agenda. In: *Climatic Change* 123:1, pp 1–9.
- German, Laura; George C. Schoneveld and Pablo Pacheco 2011:** The social and environmental impacts of biofuel feedstock cultivation: evidence from multi-site research in the forest frontier. In: *Ecology and Society* 16:3, p 24.
- Germanwatch 2014:** Global climate risk index 2015. Who suffers most from extreme weather events? Weather-related loss events in 2013 and 1994 to 2013. Bonn: Germanwatch.
- Gerschewski, Johannes 2013:** The three pillars of stability: legitimation, repression, and co-optation in autocratic regimes. In: *Democratization* 20:1, pp 13–38.
- Ginzky, Harald; Friederike Herrmann; Karin Kartschall; Wera Leujak; Kai Lipsius; Claudia Mäder; Sylvia Schwermer and Georg Straube 2011:** Geoengineering: effective climate protection or megalomania? Methods – statutory framework – environment policy demands. Dessau-Rosslau: Umweltbundesamt.
- GIZ 2010:** Climate proofing for development. Adapting to climate change, reducing risk. Eschborn: GIZ.
- GIZ 2013:** A source of peace - transboundary water management in Central Asia. Bishkek: GIZ.
- GIZ and WRI 2011:** Making adaptation count: concepts and options for monitoring and evaluation of climate change adaptation. Eschborn: GIZ.
- Global Sustainability Institute 2014:** Climate change, resource scarcity and the risk of human conflict: case studies of shared water resources in the Indian subcontinent (GRO report). Cambridge: Anglia Ruskin University.
- Global Witness 2014:** Peru's deadly environment – the rise in killings of environmental and land defenders. Retrieved 10 Dec 2014, from http://www.globalwitness.org/perudeadlyenvironment/docs/peru_deadly_environment_en.pdf.
- Goulden, Marisa; Roger Few; Lulseged Abebe; Nick Brooks; Mona Daoud; Mamadou Kani Konaté; Elizabeth Sarney; Dan Smith; Boniface Umoh; Phil Vernon; Julia Weiner and Boubacar Yamba 2011:** Climate change, water and conflict in the Niger River Basin. Norwich: International Alert and University of East Anglia.
- Government of Kenya 2013:** National Climate Change Action Plan. Retrieved 11 Feb 2015, from <http://cdkn.org/wp-content/uploads/2013/03/Kenya-National-Climate-Change-Action-Plan.pdf>.
- Government of Myanmar 2012:** Myanmar's National Adaptation Programme of Action (NAPA) to climate change. Retrieved 16 Feb 2015, from <http://unfccc.int/resource/docs/napa/mmr01.pdf>.
- Foresight 2011:** Migration and global environmental change: future challenges and opportunities. London: Government Office for Science.
- Francis, Jennifer A. and Stephen J. Vavrus 2012:** Evidence linking Arctic amplification to extreme weather in mid-latitudes. In: *Geophysical Research Letters* 39:6, pp n/a.
- Fritzsche, Kerstin; Schneiderbauer Stefan; Philip Bubeck; Stefan Kienberger; Mareike Buth; Marc Zebisch and Walter Kahlenborn 2014:** The vulnerability sourcebook: concept and guidelines for standardised vulnerability assessments. Eschborn: Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ).
- Fund for Peace 2012:** Failed states index 2012. Retrieved 10 Dec 2014, from library.fundforpeace.org/library/cfsin1210-failed-statesindex2012-06p.pdf.
- Furness, Mark and Frank Vollmer 2013:** EU joint programming: lessons from South Sudan for EU aid coordination. Bonn: Deutsches Institut für Entwicklungspolitik (DIE).
- g7+ 2013:** Note on the fragility spectrum. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://static.squarespace.com/static/5212dafbe4b0348bf-d22a511t/538e3f65e4b01aec8314ebee5/1401831269040/g7%2B+English+FS+Note+Design.pdf>.
- Gaillard, Jean-Christophe; Elsa Clavé and Ilan Kelman 2008:** Wave of peace? Tsunami disaster diplomacy in Aceh, Indonesia. In: *Geoforum* 39:1, pp 511–526.
- Gao, Yan; Margaret Skutsch; Omar Masera and Pablo Pacheco 2011:** A global analysis of deforestation due to biofuel development. Bogor Barat: Center for International Forestry Research.
- Gasparatos, A.; P. Stromberg and K. Takeuchi 2013:** Sustainability impacts of first-generation biofuels. In: *Animal Frontiers* 3:2, pp 12–26.
- GCCA 2015a:** Piloting budget support for climate change. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.gcca.eu/about-the-gcca/innovative-and-effective-approaches/piloting-budget-support-for-climate-change>.
- GCCA 2015b:** Ressources financières. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.gcca.eu/fr/a-propos-de-lamcc/ressources-financieres>.
- Gebreluel, Goitom 2014:** Ethiopia's Grand Renaissance Dam: ending Africa's oldest geopolitical rivalry? In: *Washington Quarterly* 37:2, pp 25–37.
- Gehrig, Jason and Mark M. Rogers 2009:** Water and conflict: incorporating peacebuilding into water development. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.indiaenvironmentportal.org.in/files/waterconflict.pdf>.

Kissinger, Gabrielle and Thinley Namgyel 2013: NAPAs and NAPs in least developed countries. Retrieved 26 Mar 2015, from https://ldclimate.files.wordpress.com/2013/12/ldcp13_napas-and-naps.pdf.

Kluyskens, Jups and Lance Clark 2014: Review of the United Nations Peacebuilding Fund. Retrieved 26 Mar 2015, from <http://www.unpbp.org/wp-content/uploads/Final-Report-May-UN-PBF.pdf>.

Koprucu, Feza 2011: Ethiopian land grab. Retrieved 17 Nov 2014, from <http://www1.american.edu/ted/ice/ethiopia-land-swap.htm>.

Kostner, Markus and Rina Meutia 2011: Considerations for responding to natural disasters in situations of fragility and conflict. Geneva: Proceedings of the World Reconstruction Conference.

Kreft, S.; D. Eckstein; L. Junghans; C. Kerestan and U. Hagen 2014: Global Climate Risk Index 2015. Bonn: Germanwatch.

Kugelman, Michael and Robert Hathaway 2009: Running on empty: Pakistan's water crisis. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars.

Kyrgyzstan Inquiry Commission 2011: Report of the Independent Commission of Inquiry into the events in Southern Kyrgyzstan in June 2010. Retrieved 18 Feb 2015, from http://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/Full_Report_490.pdf.

Lagarde, Christine 2014: A new multilateralism for the 21st century: the Richard Dumbleby lecture. Retrieved 10 Dec 2014, from <https://www.imf.org/external/np/speeches/2014/020314.htm>.

Laghari, Javaid R. 2013: Climate change: melting glaciers bring energy uncertainty. In: *Nature* 502:7473, pp 617–618.

LaGraffe, Daniel 2012: The youth bulge in Egypt: an intersection of demographics, security, and the Arab Spring. In: *Journal of Strategic Security* 5:2, pp 65–80.

Lally, Mike 2010: Spratly Islands strategic importance and rising sea levels: inventory of conflict and environment case studies 226. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www1.american.edu/ted/ice/spratly-submerge.html>.

Lavell, A.; M. Oppenheimer; M. Diop; J. Hess; R. Lempter; J. Li; R. Muir-Wood and S. Myeong 2012: Climate change: new dimensions in disaster risk, exposure, vulnerability, and resilience. In: Field, C. B.; Barros, V.; Stocker, T. F.; D. Qin; D. J. Dokken; K. L. Ebi; M. D. Mastrandrea; K. J. Mach; G.-K. Plattner; S. K. Allen; M. Tignor; P. M. Midgley (eds.): *Managing the risks of extreme events and disasters to advance climate change adaptation. Special report of the Working Groups I and II of the Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)*. New York: Cambridge University Press.

LDC Expert Group 2012: National adaptation plans: technical guidelines for the national adaptation plan process. Retrieved 08 Apr 2015, from http://unfccc.int/files/adaptation/cancun_adaptation_framework/application/pdf/naptechguidelines_eng_high_res.pdf.

IPCC 2014: Climate change 2014: impacts, adaptation, and vulnerability. Part A: global and sectoral aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge and New York: Cambridge University Press.

IRIN News 2009: Kenya: what drives conflict in northern Kenya? Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.irinnews.org/report/87450/kenya-what-drives-conflict-in-northern-kenya>.

Jamasmie, Cecilia 2014: Thousands of Peruvians protest against tougher illegal mining rules. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.mining.com/thousands-of-peruvians-protest-against-tougher-illegal-mining-rules/>.

Johnson Williams, Vereda 2011: A case study of desertification in Haiti. In: *Journal of Sustainable Development* 4:3, pp 20–31.

Joyner, Christopher 1999: The Spratly Islands dispute in the South China Sea: problems, policies and prospects for diplomatic accommodation. In: Singh, Ranjeet (ed.): *Investigating confidence-building measures in the Asia-Pacific Region*. Washington, DC: Stimson Center.

Kantor, Brooke 2014: 'Dam-ed if you don't': Egypt and the Grand Ethiopian Renaissance Dam project. Retrieved 26 Mar 2015, from <http://harvardpolitics.com/hprgument-posts/dam-ed-dont-egypt-grand-ethiopian-renaissance-dam-project/>.

Kaplan, Seth 2009: Identity in fragile states. Social cohesion and state building. In: *Development* 52:4, pp 466–472.

Käpylä, Juha and Harri Mikkola 2013: Arctic conflict potential: towards an extra-Arctic perspective. Helsinki: Finnish Institute of International Affairs.

Kellet, J. and D. Sparks 2012: Disaster risk reduction: spending where it should count. Bristol: Development Initiatives.

Kelley, Colin P.; Shahrzad Mohtadi; Mark A. Cane; Richard Seager and Yochanan Kushnir 2014: Climate change in the Fertile Crescent and implications of the recent Syrian drought. In: *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America* 112:11, pp 3241–3246.

Khan, Moazzam Ali; Pandey Nisha and Janani Vivekananda 2013: Strengthening responses to climate variability in South Asia - discussion paper Pakistan. London: International Alert.

Kharas, Homi and Geoffrey Gertz 2010: The new global middle class: a crossover from west to east. In: Li, Cheng (ed.): *China's emerging middle class: beyond economic transformation*. Washington, DC: Brookings Institution Press.

Kiehl, Jeffrey T. 2008: Geoengineering climate change: treating the symptom over the cause? In: *Climatic Change* 77:3-4, pp 227–228.

Kirkbride, Mary and Richard Grahn 2008: Survival of the fittest: pastoralism and climate change in East Africa. Oxford: Oxfam International.

Inter-American Development Bank 2014: IDB annual report 2013. Retrieved 21 Dec 2014, from <http://publications.iadb.org/handle/11319/6422>.

International Alert forthcoming: Case study Ngororero, Rwanda, 2013. London: International Alert.

International Alert 2014: Results from field research and consultations in Aman. London: International Alert.

International Coffee Organization 2013: Report on the outbreak of coffee leaf rust in Central America and action plan to combat the pest. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://dev.ico.org/documents/cy2012-13/ed-2157e-report-clr.pdf>.

International Crisis Group 2014a: The security challenges of pastoralism in Central Africa. Brussels: International Crisis Group.

International Crisis Group 2014b: Water pressures in Central Asia. Brussels: International Crisis Group.

International Dialogue on Peacebuilding and Statebuilding 2011: A New Deal for Engagement in Fragile States. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.g7plus.org/new-deal-document/>.

International Dialogue on Peacebuilding and Statebuilding 2014: New Deal monitoring report 2014. Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.pbsdialogue.org/documentupload/FINAL%202014%20New%20Deal%20Monitoring%20Report.pdf>.

International Institute for Strategic Studies 2011: The IISS transatlantic dialogue on climate change and security. Report to the European Commission. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.iiss.org/-/media/Documents/Climate%20change%20%20security%20FinalReport.pdf>.

International Peace Institute 2012: Busan and beyond: implementing the "New Deal" for fragile states. New York and Vienna: IPI.

interpeace 2010: What is peacebuilding? Do no harm, conflict-sensitivity and peacebuilding. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.interpeace.org/publications/peacebuilding-and-policy-resources/146-what-is-peacebuilding-do-no-harm-conflict-sensitivity-and-peacebuilding/file>.

IPCC 2007a: Climate change 2007: climate change impacts, adaptation and vulnerability. Geneva: Cambridge University Press.

IPCC 2007b: Climate change: impacts, adaptation and vulnerability. Contribution of Working Group II to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge and New York: Cambridge University Press.

IPCC 2013: Climate change 2013: the physical science basis. Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge and New York: Cambridge University Press.

House of Commons 2013: International Development Committee. Written evidence submitted by Adam Smith International. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm201314/cmselect/cmintdev/334/334we10.htm>.

Huebert, Rob; Heather Exner-Pirot; Adam Lajeunesse and Jay Gulledge 2012: Climate change and international security: the Arctic as a bellwether. Arlington, VA: Center for Climate and Energy Solutions.

Hughes, Jacob; Ted Hooley; Safia Hage and George Ingram 2014: Implementing the New Deal for Fragile States. Washington, DC: Brookings Institution.

Human Rights Watch 2005: Sexual violence and its consequences among displaced persons in Darfur and Chad. A Human Rights Watch Briefing Paper. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.cmi.no/sudan/doc/?id=1069>.

Human Rights Watch 2013: 'That land is my family's wealth': addressing land dispossessions after Côte d'Ivoire's post-election conflict. New York: Human Rights Watch.

Hunter, L. M. and E. David 2011: Displacement, climate change and gender. In: Pigué, Etienne; Pecoud, Antoine; Guchteneire, Paul de (eds.): Migration and climate change. Cambridge: Cambridge University Press.

IASC 2006: Operational guidelines on human rights and natural disasters. Washington, DC: Inter-Agency Standing Committee.

IEA 2006: World energy outlook 2006. Paris: International Energy Agency (IEA).

IEA 2014: World energy investment outlook. Paris: IEA.

IFAD 2014: The gender advantage: women on the front line of climate change. Rome: IFAD.

IFPRI 2013: Definitions of resilience: 1996-present. Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.2020resilience.ifpri.info/files/2013/08/resiliencedefinitions.pdf>.

IFRC 2012: The road to resilience: bridging relief and development for a more sustainable future. Geneva: International Federation of the Red Cross.

IMF 2014: Arab countries in transition: an update on economic outlook and key challenges. Washington, DC: International Monetary Fund.

Index Mundi 2014: Guatemala economy profile 2014. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.indexmundi.com/guatemala/economy_profile.html.

Institute for Agriculture and Trade Policy 2012: Grain reserves and the food price crisis. Selected writings from 2008–2012. Retrieved 08 Apr 2015, from www.iatp.org.

- Njiru, Beth Njeri 2012:** Climate change, resource competition, and conflict amongst pastoral communities in Kenya. In: Scheffran, Jürgen; Brzoska, Michael; Brauch, Hans Günter; Peter Michael Link; Janpeter Schilling (eds.): *Climate change, human security and violent conflict - challenges for societal stability*. Berlin: Springer.
- NRC and IDMC 2014:** Global estimates 2014. People displaced by disasters. Geneva: Norwegian Refugee Council; Internal Displacement Monitoring Centre.
- Nussbaumer, Patrick and Anthony Patt 2009:** Climate vulnerability in Mozambique: current state and outlook into the future. In: IOP Conference Series: Earth and Environmental Science 41:6, pp n.a.
- Ober, Kayly 2014:** Migration as adaptation. Exploring mobility as a coping strategy for climate change. Oxford: UK Climate Change and Migration Coalition.
- OCHA 2013:** Global overview of 2012 pooled funding CERF, CHFs and ERFs. Retrieved 27 Mar 2015, from <https://docs.unocha.org/sites/dms/Documents/Global%20Overview%20of%202012%20Pooled%20Funding%20-%20CERF,%20CHFs%20and%20ERFs.pdf>.
- OCHA 2014:** 2014-2016 strategic response plan. Sahel region. Retrieved 24 Feb 2015, from http://www.fao.org/fileadmin/user_upload/newsroom/docs/Regional%20Sahel%20SRP%20Final.pdf.
- OECD 2007:** Principles for good international engagement in fragile states & situations. Paris: OECD.
- OECD 2008a:** Concepts and dilemmas of state building in fragile situations. Paris: OECD/DAC.
- OECD 2008b:** Resource flows to fragile and conflict-affected states. Paris: OECD.
- OECD 2009:** Integrating climate change adaptation into development co-operation: policy guidance. Paris: OECD.
- OECD 2010:** The state's legitimacy in fragile situations: unpacking complexity. Paris: OECD.
- OECD 2011:** What does 'resilience' mean for donors? Paris: OECD.
- OECD 2013a:** Financing water and sanitation in developing countries. The contribution of external aid. Paris: OECD.
- OECD 2013b:** Fragile states 2013: resource flows and trends in a shifting world. Paris: OECD.
- OECD 2013c:** International development statistics online database. Retrieved 26 Mar 2015, from www.oecd.org/dac/stats/idsonline.
- OECD 2014a:** Fragile states 2014 domestic revenue mobilisation in fragile states. Paris: OECD.
- OECD 2014b:** Guidelines for resilience systems analysis: how to analyse risk and build a roadmap to resilience. Paris: OECD.
- Mundt, Alexander 2011:** Addressing the legacy of conflict in Darfur: shifting land tenure patterns and humanitarian action. Retrieved 16 Mar 2015, from http://www.refugeecooperation.org/publications/Sudan/04_mundt.php.
- Murphy, Sophia 2013:** Land grabs and fragile food systems. The role of globalization. Minneapolis: Institute for Agriculture and Trade Policy.
- Mustafa, Daanish; Majed Akhter and Natalie Nasrallah 2013:** Understanding Pakistan's water-security nexus. Washington, DC: US Institute of Peace.
- MWI Jordan 2008:** Water for life: Jordan's water strategy - 2008-2022. Ministry of Water and Irrigation. Retrieved 16 Mar 2015, from http://www.irinnews.org/pdf/jordan_national_water_strategy.pdf.
- NASA 2013:** Arctic sea ice minimum in 2013 is sixth lowest on record. Retrieved 09 Jan 2015, from <http://www.nasa.gov/content/goddard/arctic-sea-ice-minimum-in-2013-is-sixth-lowest-on-record/#.VN8xXvftVo>.
- Nawaz Khan, A. 2010:** Climate change adaptation and disaster risk reduction in Pakistan. In: Shaw, Rajib; Pulhin, Juan; Pereira, Joy (eds.): *Climate change adaptation and disaster risk reduction: An Asian perspective*. Bingley: Emerald Group.
- Nellemann, C.; M. MacDevette; T. Manders; B. Eickhout; B. Svihus; A. G. Prins und B. P. Kaltenborn (eds.) 2009:** The environmental food crisis: The environment's role in averting future food crises. A UNEP rapid response assessment. Arendal and Nairobi: UNEP; GRID-Arendal.
- Neumayer, Eric and Thomas Plümper 2007:** The gendered nature of natural disasters: the impact of catastrophic events on the gender gap in life expectancy, 1981–2002. London: London School of Economics and Political Science; University of Essex; Max Plank Institute for Economics.
- Ngabitsinze, Jean C.; Adrie Mukashema; Mireille Ikirezi and Fidèle Niyitanga 2011:** Planning and costing adaptation of perennial crop systems to climate change: Coffee and banana in Rwanda case study report. London: International Institute for Environment and Development (IIED).
- Niazi, Shamim 2013:** To build peace, confront Afghanistan's natural resource paradox. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.newsecuritybeat.org/2013/09/build-peace-confront-afghanistans-natural-resource-paradox/>.
- Nicholls, Robert J. and Anny Cazenave 2010:** Sea-level rise and its impact on coastal zones. In: *Science* 328:5985, pp 1517–1520.
- Nile Basin Initiative 2012:** State of the River Nile Basin 2012. Entebbe, Uganda: Nile Basin Initiative.
- Nindang, S. and T. Allen 2012:** Ahead of flood season, Thailand's communities demand greater preparedness. Retrieved 02 Sep 2014, from <http://asiafoundation.org/in-asia/2012/08/08/ahead-of-flood-season-thailands-communities-demand-greater-preparedness/>.

- Steve (eds.): Assessing and restoring natural resources in post-conflict peacebuilding. New York: Earthscan.
- Mcloughlin, Claire 2012:** GSDRC topic guide on fragile states. Governance and Social Development Resource Centre. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://www.gsdrc.org/docs/open/CON86.pdf>.
- Means, Katherine; Cynthia Josayma and Nielsen, Erik, Viriyasakultorn, Vitoon 2002:** Community-based forest resource conflict management: a training package. Rome: FAO.
- Melillo, Jerry; Terese Richmond and Gary Yohe 2014:** Climate change impacts in the United States: the third National Climate Assessment. Washington, DC: US Global Change Research Program.
- Mercy Corps 2013:** What really matters for resilience? Exploratory evidence on the determinants of resilience to food security shocks in Southern Somalia. Portland: Mercy Corps.
- Messer, Ellen; Marc J. Cohen and Thomas Marchione 2002:** Conflict: a cause and effect of hunger. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars.
- Meyerhoff, Sarah 2014:** 'Extreme realities' sheds light on links between global climate dynamics and national security. Retrieved 09 Feb 2015, from <http://www.newsecuritybeat.org/2014/12/extreme-realities-sheds-light-links-global-climate-dynamics-national-security/>.
- Meynen, Nick and Leah Temper 2014:** Behind the veil of the Islamic State is a war for water. Retrieved 10 Feb 2015, from <http://www.ejolt.org/2014/09/behind-the-veil-of-the-islamic-state-is-a-war-for-water/>.
- Millennium Ecosystem Assessment 2005:** Ecosystems and human well-being: synthesis. Washington, DC: Island Press.
- Ministry of Environment and the Protection of Nature, Republic of Senegal 2010:** Second national communication: United Nations Framework Convention on Climate Change. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://unfccc.int/resource/docs/natc/sennccexsum.pdf>.
- Mitra, Shreya; Nisha Pandey and Janani Vivekananda 2013:** Strengthening responses to climate variability in South Asia - Discussion Paper India. London: International Alert.
- Mitra, Shreya and Janani Vivekananda 2013:** Strengthening responses to climate variability in South Asia. London: International Alert.
- Mittal, Anuradha 2013:** Indian land grabs in Ethiopia show dark side of south-south cooperation. Retrieved 10 Feb 2015, from <http://www.theguardian.com/global-development/poverty-matters/2013/feb/25/indian-land-grabs-ethiopia>.
- Modola, Siegfried 2013:** Fishing and firearms on Lake Turkana. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://africacenter.colostate.edu/content/fishing-and-firearms-lake-turkana>.
- Leader, Nicholas and Peter Colenso 2005:** Aid instruments in fragile states (PRDE Working Paper 5). London: DFID.
- Lecoutere, Els; Ben D'Exelle and Bjorn van Campenhout 2010:** Who engages in water scarcity conflicts? A field experiment with irrigators in semi-arid Africa. Research Working Paper 31. Brighton: MICROCON.
- Lee, Bernice; Felix Preston; Jaakko Kooroshy; Rob Bailey and Glada Lahn 2012:** Resources futures. London: Royal Institute of International Affairs.
- Lehmann, Paul; Miriam Brenck; Oliver Gebhardt; Sven Schaller and Elisabeth Süßbauer 2012:** Understanding barriers and opportunities for adaptation planning in cities. Leipzig: Helmholtz-Zentrum für Umweltforschung GmbH - UFZ.
- Levine, Simon; Katie Peters and Lilianne Fan 2014:** Conflict, climate change and politics: why a techno-centric approach fails the resilience challenge. London: ODI.
- Lindholt, Lars 2007:** Arctic natural resources in a global perspective. In: Glomsrød, Solveig; Aslaksen, Lulie (ed.): The economy of the North. Oslo: Statistics Norway.
- Link, Michael; Franziska Piontek; Jürgen Scheffran and Janpeter Schilling 2012:** On foes and flows: vulnerabilities, adaptive capacities and transboundary relations in the Nile River Basin in times of climate change. In: L'Europe en Formation 365:1, pp 99–138.
- Lisztwan, Julia 2012:** Stability of maritime boundary agreements. In: Yale Journal of International Law 37:1, pp 154–200.
- Lobell, David B. and Sharon M. Gourdji 2012:** The influence of climate change on global crop productivity. In: Plant Physiology 60:4, pp 1686–1697.
- Luboyera, Festus 2003:** UNFCCC national communications process/ linkages with AIACC. Presentation at the AIACC Africa and Indian Ocean Islands Regional Workshop Dakar: UNFCCC Secretariat.
- Maas, Achim and Alexander Carius 2012:** Territorial integrity and sovereignty: climate change and security in the Pacific and beyond. In: Scheffran, Jürgen; Brzoska, Michael; Brauch, Hans Günter; Michael Link; Janpeter Schilling (eds.): Climate change, human security and violent conflict - challenges for societal stability. Berlin: Springer.
- Margulis, Sergio and Gordon Hughes 2005:** An economic analysis of natural resources sustainability in Mozambique. World Bank. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://www.cbd.int/financial/values/Mozambique-EconomicAnalysis.doc>.
- Marine Resource Assessment Group 2005:** Review of impacts of illegal, unreported and unregulated fishing on developing countries. Final report. London: Marine Resource Assessment Group.
- Matthew, Richard and Anne Hammill 2012:** Peacebuilding and adaptation to climate change. In: Jensen, David; Lonergan,

- Rüttinger, Lukas and Stephan Wolters 2014:** Ein Rohstoffrausch in der Arktis? Geopolitik, Klimawandel und ein neuer unabhängiger Staat. In: Rundbrief Forum Umwelt & Entwicklung II:2, pp 15–16.
- Sachs, Ram 2012:** On bread and circuses: food subsidy reform and popular opposition in Egypt. Stanford, CA: Center for International Security and Cooperation, Stanford University.
- Saferworld 2011:** Conflict sensitive approaches to local climate change adaptation in Nepal. Retrieved 27 Mar 2015, from <http://www.saferworld.org.uk/resources/view-resource/700-conflict-sensitive-approaches-to-local-climate-change-adaptation-in-nepal>.
- Sagawa, Toru 2010:** Local potential for peace: trans-ethnic cross-cutting ties among the Daasanech and their neighbors. In: Echi-Gabbert, Christina; Thubauville, Sophia (eds.): To live with others: Essays on cultural neighborhood in Southern Ethiopia. Cologne: Rüdiger Köppe Verlag.
- Saha, Sujjan 2011:** Security implications of climate refugees in urban slums: a case study from Dhaka, Bangladesh. In: Scheffran, Jürgen; Brzoska, Michael; Brauch, Hans Günter; Peter Michael Link; Janpeter Schilling (eds.): Climate change, human security and violent conflict: challenges for societal stability. Berlin: Springer.
- Sandbhor, Jinda 2014:** Piped water or water in river: conflict over urban drinking water vs rural livelihoods in Maval, Maharashtra. In: Joy, K. J.; Paranjape, Suhas; Bhagat, Sarita (eds.): Conflicts around domestic water and sanitation in India. Cases, issues and prospects. Pune: Forum for Policy Dialogue on Water Conflicts in India.
- Schaefer, Stefan; Harald Stelzer; Wanda Born and Mark Lawrence, forthcoming:** Removing greenhouse gases from the atmosphere and reflecting sunlight away from Earth. An assessment from a European perspective. Graz: European Transdisciplinary Assessment of Climate Engineering (EuTRACE).
- Schalatek, Liane; Smita Nakhooda and Charlene Watson 2014:** The Green Climate Fund. Climate finance fundamentals. Washington, DC and London: Heinrich Böll Stiftung North America and ODI.
- Schellhase, John 2013:** A subtle engagement: Ethiopia and India. Retrieved 05 Aug 2014, from http://www.consultancyafrica.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1325:a-subtle-engagement-ethiopia-and-india&catid=58:asia-dimension-discussion-papers&Itemid=264.
- Schilling, Janpeter 2012:** On rains, raids and relations: a multithreshold approach to climate change, vulnerability, adaptation and violent conflict in Northern Africa and Kenya. Hamburg: University of Hamburg.
- Schilling, Janpeter; Moses Akuno; Jürgen Scheffran and Thomas Weinzierl 2014:** On raids and relations: climate change, pastoral conflict and adaptation in North-Western Kenya. In: Bob, Urmilla; Bronkhorst, Salomé (eds.): Conflict-sensitive adaptation to climate change in Africa. Berlin: Berliner Wissenschaftsverlag.
- Ratner, Blake D.; Clementine Burnley; Samuel Mugisha; Elias Madzudzo; Il Oeur; Mam Kosal; Lukas Rüttinger; Loziwe Chilufya and Paola Adriázola 2014:** Investing in collaboration to manage environmental resource conflict. Policy brief. Collaborating for Resilience.
- Renner, Michael and Zoe Chafe 2007:** Beyond disasters: creating opportunities for peace. Washington, DC: Worldwatch Institute.
- Renzio, Paolo de 2007:** Aid effectiveness and absorptive capacity: Which way aid reform and accountability? Opinion. London: DFID.
- Richards, Alan 2002:** Coping with water scarcity: The governance challenge. San Diego: Institute on Global Conflict and Cooperation, University of California.
- Rocha Menocal, Alice and Timothy Othieno 2008:** The World Bank in fragile situations: an issues paper. Retrieved 07 Jan 2015, from <http://www.odi.org/resources/docs/4341.pdf>.
- Rockström, Johan; Will Steffen; Kevin Noone; Åsa Persson; F. Stuart Chapin; Eric F. Lambin; Timothy M. Lenton; Marten Scheffer; Carl Folke; Hans Joachim Schellnhuber; Björn Nykvist; de Wit, Cynthia A.; Terry Hughes; van der Leeuw, Sander; Henning Rodhe; Sverker Sörlin; Peter K. Snyder; Robert Costanza; Uno Svedin; Malin Falkenmark; Louise Karlberg; Robert W. Corell; Victoria J. Fabry; James Hansen; Brian Walker; Diana Liverman; Katherine Richardson; Paul Crutzen and Jonathan A. Foley 2009:** A safe operating space for humanity. In: Nature 461:4, pp 472–475.
- Royo Aspa, Josep-Maria 2011:** The economic relationship of armed groups with displaced populations. In: Forced Migration Review 37:1, pp 17–18.
- Rüttinger, Lukas and Alexander Carius 2013:** Umwelt, natürliche Ressourcen, Konflikt, Fragilität und Gewalt in der deutschen bilateralen Entwicklungszusammenarbeit. Berlin: Adelphi.
- Rüttinger, Lukas; Arne Janßen; Christopher Knupp and Laura Griestop 2014:** From conflict to collaboration in natural resource management: A handbook and toolkit for practitioners working in aquatic resource systems. Manual. Collaborating for Resilience. Retrieved 08 Apr 2015, from http://pubs.iclarm.net/resource_centre/Ruttingeret.al2014.From.conflict.to.collaboration.manual.pdf.
- Rüttinger, Lukas and Achim Maas 2010:** Water vulnerability map. Analytical framework. Berlin: Initiative for Peacebuilding–Early Warning Analysis to Action (IfP-EW).
- Rüttinger, Lukas; Antoine Morin; Annabelle Houdret; Dennis Tänzler and Clementine Burnley 2011a:** Water, crisis and climate change assessment framework. Berlin: Adelphi.
- Rüttinger, Lukas; Dennis Tänzler; Paddy Musana; Narcisio and Bangirana 2011b:** Water crisis and climate change in Uganda: a policy brief. Retrieved 10 Dec 2014, from http://www.adelphi.de/files/uploads/andere/pdf/application/pdf/stargo_overview_policy_brief_adelphi.pdf.

Peel, Michael 2014: Villagers count cost of Myanmar dam project. Retrieved 24 Jul 2014, from <http://www.ft.com/cms/s/0/edc7a794-aff1-11e3-b0d0-00144feab7de.html>.

Pereria, Alisa 1998: Cauvery water dispute. Inventory of Conflict and Environment (ICE) no. 53. Washington, DC: American University.

Permanent Court of Arbitration 2014: Bay of Bengal maritime boundary arbitration between Bangladesh and India. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.pca-cpa.org/showpage.asp?pag_id=1376.

Permanent Mission of Solomon Islands to the United Nations 2009: Solomon Islands national submission on climate change and possible security implications. Submission to the 64th Session of the UN General Assembly 2009. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.un.org/depts/los/clcs_new/submissions_files/slb_preliminaryinfo.pdf.

Peters, Katie and Janani Vivekananda 2014: Topic guide: conflict, climate and environment. London: ODI and International Alert.

Pietschmann, Elena 2014: Forgotten or unpromising? The elusive phenomenon of under-aided countries, sectors and sub-national regions. Bonn: Deutsches Institut für Entwicklungspolitik (DIE).

Pohl, Benjamin; Alexander Carius; Ken Conca; Geoffrey D. Dabelko; Annika Kramer; David Michel; Susanne Schmeier; Ashok Swain and Aaron Wolf 2014: The rise of hydro-diplomacy. Strengthening foreign policy for transboundary waters. Berlin: Adelphi.

Poulton, Robin-Edward and Ibrahim Youssouf 1998: A peace of Timbuktu: democratic governance, development and African peacemaking. New York and Geneva: United Nations.

Prakash, Anjal and R. K. Sama 2006: Contending water uses - social undercurrents in a water-scarce village. In: *Economic and Political Weekly* 41:7, pp 577–579.

Prosterman, Roy 2011: Egypt's landless have no love for Mubarak. Retrieved 30 Mar 2015, from <http://www.theguardian.com/global-development/poverty-matters/2011/feb/08/egypt-landless-mubarak>.

Ramalingam, Ben; Miguel Laric and John Primros 2014: From best practice to best fit: understanding and navigating wicked problems in international development. London: ODI.

Rasch, P. J.; S. Tilmes; R. P. Turco; A. Robock; L. Oman; C. C. Chen and Stenchikov 2008: An overview of geoengineering of climate using stratospheric sulphate aerosols. In: *Philosophical Transactions of the Royal Society A: Mathematical Physical and Engineering Sciences* 366:1882, pp 4007–4037.

Okereke, Chukwumerije; Prajwal Baral and Yamide Dagnet 2014: Options for adaptation and loss & damage in a 2015 climate agreement. Working paper. Washington, DC: Agreement on Climate Transformation 2015.

OOSKANews 2014: Twenty-two killed in water, and conflicts in Kenya's northern rangelands. Retrieved 08 Apr 2015, from https://www.ooskanews.com/story/2014/11/twenty-two-killed-water-and-conflicts-kenya-s-northern-rangelands_162853.

Oswald Spring, Ursula 2008: Gender and disasters: human, gender and environmental security - a huge challenge. Bonn: United Nations University, Institute for Environment and Human Security.

Overland, James E.; Muyin Wang; John E. Walsh and Julienne C. Stroeve 2013: Future Arctic climate changes: adaptation and mitigation time scales. In: *Earth's Future* 2:1, pp 1–7.

Oxfam 2012: Extreme weather, extreme prices: the costs of feeding a warming world. Retrieved 16 Feb 2015, from <http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/20120905-1b-extreme-weather-extreme-prices-en.pdf>.

Pacific Institute 2010: World water quality facts and statistics. Retrieved 10 Feb 2015, from http://www.pacinst.org/wp-content/uploads/sites/21/2013/02/water_quality_facts_and_stats3.pdf.

Parry, M. L.; O. F. Canziani; J. P. Palutikof; van der Linden, P. J. und C. E. Hanson (eds.) 2007: Climate change 2007: impacts, adaptation and vulnerability - contribution of Working Group II to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge and New York: Cambridge University Press.

Paskal, Cleo 2007: How climate change is pushing the boundaries of security and foreign policy. Briefing paper. London: Chatham House.

Patel, Raj and Philip McMichael 2009: A political economy of the food riot. In: *Review, A Journal of the Fernand Braudel Center* 32:1, pp 9–36.

Patel, Toral; Ahmad Dhialhaq; David Gritten; Yurdi Yasmi and Toon de Bruyn 2013: Predicting future conflict under REDD+ implementation. In: *Forests* 4:2, pp 343–363.

Pearce, Fred 2015: On the River Nile, a move to avert a conflict over water. In: *Yale Environment* 360. Retrieved 07 Apr 2015, from http://e360.yale.edu/feature/on_the_river_nile_a_move_to_avert_a_conflict_over_water/2855/.

Peebles, Graham 2013: Ethiopia: lives for land in Gambella. Retrieved 24 Nov 2014, from <http://imwcnnews.net/focus/analysis/29243-land-in-gambella.html>.

Peek, Katie 2014: Where will the world's water conflicts erupt? A heatmap of war over water. In: *Popular Science: The Water Issue*, June 2014. Retrieved 10 Dec 2014, from <http://www.popsci.com/article/science/where-will-worlds-water-conflicts-erupt-infographic?src=SOCS&dom=tw>.

- Tully, Andy 2015:** Low prices help Arctic avoid a 'gold rush' scenario. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://oilprice.com/Energy/Oil-Prices/Low-Prices-Help-Arctic-Avoid-A-Gold-Rush-Scenario.html>.
- Tunstall, Sylvia; Sue Tapsell; Colin Green; Peter Floyd and Carolyn George 2006:** The health effects of flooding: social research results from England and Wales. In: *Journal of Water and Health* 4:3, pp 365–380.
- Turner, Andrew and H. Annamalai 2012:** Climate change and the South Asian summer monsoon. In: *Nature Climate Change* 2:1, pp 587–595.
- Tuttle, Aliza 2014:** Principle capital holdings biofuel project in Dombe, Mozambique. Retrieved 10 Feb 2015, from <http://ejat-las.org/conflict/principle-capital-holdings-biofuel-project-in-dombe-mozambique>.
- Twerefou, D. K. 2009:** Mineral exploitation, environmental sustainability and sustainable development in EAC, SADC and ECOWAS regions. Addis Ababa: African Trade Policy Centre.
- UK MoD 2014:** Strategic trends programme: global strategic trends - out to 2045. Shrivenham: UK Ministry of Defence.
- UN Development Group and World Bank 2007:** Joint guidance note on integrated recovery planning using post conflict needs assessments and transitional results frameworks. Retrieved 28 Nov 2014, from <https://docs.unocha.org/sites/dms/Documents/Join%20Guidance%20Note%20on%20Integrated%20Recovery%20Planning.pdf>.
- UN Habitat 2013:** Streets as public spaces and drivers of urban prosperity. Nairobi: United Nations Human Settlements Programme.
- UN Secretary-General 2009:** Climate change and its possible security implications: report of the Secretary-General. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.un.org/esa/dsd/resources/res_pdfs/ga-64/SGReport_on_climate_change_and_security.pdf.
- UN System Chief Executives Board for Coordination 2008:** Acting on climate change: the UN system delivering as one. New York: United Nations.
- UN WCDRR 2015:** Sendai Framework for Disaster Risk Reduction 2015–2030. A/CONF.224/CRP.1. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.wcdrr.org/uploads/Sendai_Framework_for_Disaster_Risk_Reduction_2015-2030.pdf.
- UN WomenWatch 2009:** Women, gender equality and climate change. Retrieved 16 Feb 2015, from http://www.un.org/womenwatch/feature/climate_change/downloads/Women_and_Climate_Change_Factsheet.pdf.
- UNCCD 2014a:** Land degradation neutrality. Resilience at local, national and regional levels. Bonn: United Nations Convention to Combat Desertification (UNCCD).
- UNCCD 2014b:** The land in numbers. Livelihoods at a tipping point. Bonn: UNCCD.
- Tänzler, Dennis; Achim Maas and Alexander Carius 2010:** Climate change adaptation and peace. In: *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change* 1:5, pp 741–750.
- Tänzler, Dennis; Till Mohns and Katherina Ziegenhagen 2013b:** Adaptation to climate change for peace and stability. Strengthening of approaches and instruments as well as promotion of processes to reduce the security risks posed by climate change in the context of climate change adaptation. Dessau: Federal Environment Agency (Umweltbundesamt).
- Tänzler, Dennis and Felix Ries 2012:** International climate change policies: the potential relevance of REDD+ for peace and stability. In: Scheffran, Jürgen; Brzoska, Michael; Brauch, Hans Günter; Peter Michael Link; Janpeter Schilling (eds.): *Climate change, human security and violent conflict - challenges for societal stability*. Berlin: Springer.
- Tänzler, Dennis and Meike Westerkamp 2010:** Rohstoffkonflikte nachhaltig vermeiden: Konfliktrisiken bei Zugang und Nutzung von Rohstoffen (Teilbericht 1). Berlin: Adelphi; Wuppertal Institut für Klima, Umwelt, Energie.
- Teskey, Graham; Sabina Schnell and Alice Poole 2012:** Beyond capacity – addressing authority and legitimacy in fragile states. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://siteresources.worldbank.org/PUBLICSECTORANDGOVERNANCE/Resource/285741-1343934891414/8787489-1347032641376/GettingBeyond-Capacity.pdf>.
- Thai Health 2012:** Flood of the century: warning of things to come. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.hiso.or.th/hiso/picture/reportHealth/ThaiHealth2012/eng2012_14.pdf.
- Thaler, Kai M. 2013:** Brazil, biofuels, and food security in Mozambique. In: Modi, Renu; Cheru, Fantu (eds.): *Agricultural development and food security in Africa: the impact of Chinese, Indian and Brazilian investments*. London: Zed Books.
- Thatte, Chandrakant D. 2008:** Indus waters and the 1960 treaty between India and Pakistan. In: Varis, Olli; Biswas, AsitK; Tortajada, Cecilia (eds.): *Management of transboundary rivers and lakes*. Berlin: Springer.
- Thomas, Mark Roland; Gregory Smith; Ferreira, Francisco H. G.; David Evans; Maryla Maliszewska; Marcio Cruz; Kristen Himelein and Mead Over 2015:** The economic impact of Ebola on sub-Saharan Africa : updated estimates for 2015. Washington, DC: World Bank Group.
- Tse-ring, Karma; Eklabya Sharma; Nakul Chettri und Arun B. Shrestha (eds.) 2010:** Climate change vulnerability of mountain ecosystems in the Eastern Himalayas. Kathmandu: International Centre for Integrated Mountain Development; MacArthur Foundation.
- Tsounta, Evridiki and Anayochukwu Osueke 2014:** What is behind Latin America's declining income inequality? Washington: IMF.

- Steffen, Will; Katherine Richardson; Johan Rockström; Sarah E. Cornell; Ingo Fetzer; Elena M. Bennett; Reimund Stepputat; Stephen R. Carpenter; Wim de Vries; Cynthia A. de Wit; Carl Folke; Dieter Gerten; Jens Heinke; Georgina M. Mace; Linn M. Persson; Veerabhadran Ramanathan; Belinda Reyers; Sverker Sörlin 2015:** Planetary boundaries: guiding human development on a changing planet. In: *Science* 347:6223.
- Stephen, Monica 2014:** Fragile reforms: World Bank and Asian Development Bank financing in fragile and conflict-affected situations. London: International Alert.
- Stepputat, Finn and Lars Engberg-Pedersen 2008:** Fragile states: definitions, measurements and processes. In: Engberg-Pedersen, Lars; Andersen, Louise; Stepputat, Finn; Dietrich Jung (eds.): *Fragile situations*. Background paper. Copenhagen: DIIS.
- Stepputat, Finn and Lauren Greenwood 2013:** Whole-of-government approaches to fragile states and situations. DIIS report 25. Copenhagen: DIIS.
- Stevens, Paul; Jaakko Kooroshy; Glada Lahn and Bernice Lee 2013:** Conflict and coexistence in the extractive industries. London: Chatham House.
- Strategic Foresight Group 2013:** Blue peace for the Nile. Mumbai: Strategic Foresight Group.
- Street, A. 2012:** Applying conflict-sensitive methodologies in rapid-onset emergencies. In: *Humanitarian Exchange Magazine* 1:54, pp n.a.
- Swain, Ashok 1996:** The environmental trap: the Ganges River diversion. Bangladeshi migration and conflicts in India. Uppsala: Reprö-C.
- Swain, Ashok 2011:** Challenges for water sharing in the Nile basin: changing geo-politics and changing climate. In: *Hydrological Sciences Journal* 56:4, pp 687–702.
- Swain, Ashok 2013:** Sharing Indus River for development and peace. Brussels: International Human Rights Association of American Minorities.
- Tacoli, C. 2009:** Crisis or adaptation? Migration and climate change in a context of high mobility. London, 24–25 June: prepared for Expert Group Meeting: Population Dynamics and Climate Change, United Nations Population Fund and International Institute for Environment and Development.
- Takana, Yousif 2008:** The politics of local boundaries and conflict in Sudan: the South Darfur case. Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Tänzler, Dennis; Alexander Carius and Achim Maas 2013a:** The need for conflict-sensitive adaptation to climate change. In: Dabelko, Geoffrey D.; Herzer, Lauren; Null, Schuyler; Meaghan Parker; Russell Sticklor (eds.): *Backdraft: the conflict potential of climate change adaptation and mitigation*. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars.
- Schilling, Janpeter; Janani Vivekananda; Pandey Nisha and Moazzam Ali Khan 2013:** Vulnerability to environmental risks and effects on community resilience in mid-west Nepal and south-east Pakistan. In: *Environment and Natural Resources Research* 3:4, pp 11–19.
- Schmeier, Susanne and Sabine Schulze 2012:** Governing environmental change in international river basins. The role of river basin organizations. In: *International Journal of River Basin Management* 10:3, pp 229–244.
- Schröder, Tim 2013:** The future of fish - the fisheries of the future. *World Ocean Review*. Berlin: maribus.
- Seneviratne, Sonia and Neville Nicholls 2012:** Changes in climate extremes and their impacts on the natural physical environment. In: IPCC (ed.): *Managing the risks of extreme events and disasters to advance climate change adaptation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Seto, Karen 2011:** Sierra Leone's seas: A project to assess the current status and potential role of marine resources in the development and peacebuilding of Sierra Leone. San Diego: AWIS/CMBC/IICAS/UNEP.
- Sevastopulo, Demetri and Roel Landingin 2014:** China rejects Philippines case on 'nine-dash' line. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/dc3896ce-b7ac-11e3-80ef-00144feabdc0.html#axzz3Wi8ikw87>.
- Shams, Shamil 2011:** Flooded Thai residents protest against 'discrimination'. Retrieved 26 Mar 2015, from <http://www.dw.de/flooded-thai-residents-protest-against-discrimination/a-6659110>.
- Sharma, Vigya and Graeme Hugo:** Exploring the population-environment nexus: understanding climate change, environmental degradation and migration in Bangladesh. Marrakech, 2009.
- Sidibé, Kalilou 2012:** Security management in Northern Mali: criminal networks and conflict resolution. Brighton: Institute of Development Studies.
- Simmons, Emmy 2013:** Harvesting peace: food security, conflict and cooperation. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars.
- Skeldon, Ronald 2002:** Migration and poverty. In: *Asia-Pacific Population Journal* 17:4, pp 67–82.
- Smith, Dan and Janani Vivekananda 2009:** Climate change, conflict and fragility: understanding the linkages, shaping effective responses. London: International Alert.
- Standing, Andre 2012:** Corruption and REDD+: identifying risks amid complexity. Bergen: Anti-corruption Resource Centre.
- Stanfield, J. D.; Jennifer Brick Murtazashvili; Safar, M.Y. and Akram Salam 2013:** Community documentation of land tenure and its contribution to state-building in Afghanistan. In: Unruh, John; Williams, Rhodri (eds.): *Land and post-conflict peacebuilding*. Oxon: Routledge/Earthscan.

UNSC 2007: Security Council 5663rd meeting (S/PV.5663). Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/CC%20SPV%205663.pdf>.

UNSC 2011: Statement by the President of the Security Council (S/PRST/2011/15). Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/CC%20SPRST%202011%205.pdf>.

UN-Water 2007: Coping with water scarcity: challenge of the twenty-first century. Geneva: United Nations.

UN-Water 2008: Transboundary waters: Sharing benefits, sharing responsibilities. Retrieved 10 Dec 2014, from http://www.unwater.org/downloads/UNW_TRANSBOUNDARY.pdf.

UN-Water 2014: Statistics. Retrieved 24 Jul 2014, from <http://www.unwater.org/statistics/statistics-detail/en/cj/211760/>.

Uppsala Conflict Data Program 2014: Mauritania. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.ucdp.uu.se/gpdata/gpcountry.php?id=105®ionSelect=1-Northern_Africa.

Uprety, Dharam R.; Harisharan Luintel and Kamal Bhandari 2011: REDD+ and conflict. A case study of the REDD + projects in Nepal. Retrieved 10 Dec 2014, from http://www.forestaction.org/app/webroot/js/tinymce/editor/plugins/filemanager/files/REDD-conflict_Report%20Dharam.pdf.

Uprety, Kishor 2014: A South Asian perspective on the UN Watercourses Convention. Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.internationalwaterlaw.org/blog/2014/07/14/dr-kishor-uprety-a-south-asian-perspective-on-the-un-watercourses-convention/>.

Urdal, Henrik 2008: Population, resources, and political violence. In: *Journal of Conflict Resolution* 52:4, pp 590–617.

Urdal, Henrik 2012: A clash of generations? Youth bulges and political violence. New York: UN-DESA.

Urdal, Henrik and Kristian Hoelscher 2009: Urban youth bulges and social disorder. An empirical study of Asian and Sub-Saharan African cities. Washington D.C.: World Bank.

US Department of Homeland Security 2008: DHS risk lexicon. Washington, DC: US Department of Homeland Security.

US Geological Survey 2008: Circum-Arctic resource appraisal: estimates of undiscovered oil and gas north of the Arctic circle. Retrieved 09 Jan 2015, from <http://pubs.usgs.gov/fs/2008/3049/>.

US NIC 2012: Global trends 2030: alternative worlds. Retrieved 09 Jan 2015, from <https://globaltrends2030.files.wordpress.com/2012/11/global-trends-2030-november2012.pdf>.

USAID 2006: Central America and Dominican Republic Quality Coffee Program (CADR QCP). Washington: United States Agency for International Development (USAID).

UNFCCC 2014d: Status of NAPA implementation under the LDCF (as of 19 March 2014). Retrieved 08 Apr 2015, from http://unfccc.int/adaptation/knowledge_resources/ldc_portal/items/5632.php.

UNHCR 2015: 2015 UNHCR country operations profile - Jordan. Retrieved 18 Feb 2015, from <http://www.unhcr.org/pages/49e486566.html>.

UNICEF 2012: Gender and water, sanitation and hygiene (WASH). Retrieved 10 Feb 2015, from http://www.unicef.org/esaro/7310_Gender_and_WASH.html.

UNISDR 2014: Progress and challenges in Disaster Risk Reduction: a contribution towards the development of policy indicators for the Post-2015 Framework on Disaster Risk Reduction. Retrieved 27 Mar 2015, from http://www.wcdrr.org/documents/wcdrr/prepcom1/Indicator%20system%20for%20Post%202015%20Framework%20June%202015_v2.pdf.

UNISDR 2015: Terminology. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unisdr.org/we/inform/terminology>.

United Nations 1992: United Nations Framework Convention on Climate Change. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://unfccc.int/resource/docs/convkp/conveng.pdf>.

United Nations 2010: UN Special Rapporteur on the right to food: Mission to Syria from 29 August to 7 September 2010. Retrieved 10 Jan 2015, from http://www2.ohchr.org/english/issues/food/docs/SyriaMissionPreliminaryConclusions_07092010.pdf.

United Nations 2015: Status of the Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses. Retrieved 20 Apr 2015, from https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsq_no=XXVII-12&chapter=27&lang=en.

United Nations and World Bank 2014: Fragility and conflict partnership trust fund. Annual report 2014. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://pubdocs.worldbank.org/pubdocs/publicdoc/2014/10/164151412688980019/UN-WB-TF-Annual-Report-web2014.pdf>.

United Nations Peacebuilding Fund 2014: Investing in peace 2013. Annual report of the administrative agent of the Peacebuilding Fund. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unpbf.org/wp-content/uploads/UN-PBF-Annual-Report-2013.pdf>.

UNODC 2011: Independent external review of the UNPFN. Final report. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unpbf.org/wp-content/uploads/UNPFN-Review-Final-Report-110902-Final.pdf>.

UNODC 2013: Global study on homicide. Trends, contexts, data. Retrieved 11 Feb 2015, from http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_GLOBAL_HOMICIDE_BOOK_web.pdf.

UNPFN 2013: Fact sheet. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://mdtf.unpf.org/document/download/7644>.

UNRIC 2009: With hunger rising, food emerges as key to security, poverty and climate. Retrieved 16 Mar 2015, from <http://www.unric.org/html/english/library/UNinFocus/no2.pdf>.

UNEP 2013: Natural resource management and peacebuilding in Afghanistan. Nairobi: UNEP.

UNEP 2014a: Environmental cooperation for peacebuilding. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unep.org/disastersandconflicts/Introduction/EnvironmentalCooperationforPeacebuilding/tabid/54355/Default.aspx>.

UNEP 2014b: Environmental cooperation for peacebuilding. A closer look. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unep.org/disastersandconflicts/Introduction/EnvironmentalCooperationforPeacebuildingDetail/tabid/54643/Default.aspx>.

UNEP 2014c: The adaptation gap report. A preliminary assessment. Nairobi: UNEP.

UNEP and Convention on Biological Diversity 2012: Impacts of climate-related geoengineering on biological diversity. Retrieved 05 Dec 2014, from <http://www.cbd.int/doc/meetings/sbstta/sbstta-16/information/sbstta-16-inf-28-en.pdf>.

UNEP; Environmental Law Institute; McGill University and The University of Tokyo 2014: Post-conflict peacebuilding and natural resource management. Retrieved 18 Feb 2015, from http://postconflict.unep.ch/publications/UNEP_ECP_brochure_PCNRM.pdf.

UNEP and OCHA 2014: Environment and humanitarian action, increasing effectiveness, sustainability and accountability. Geneva: Joint UNEP/OCHA Environment Unit.

UNEP; UNDP; NATO and OSCE 2005: Environment and security transforming risks into cooperation – Central Asia Ferghana / Osh / Khujand area. Retrieved 11 Feb 2015, from https://www.iisd.org/pdf/2004/envsec_transforming_risk_en.pdf.

UNFCCC 2005: Climate change, small island developing states. Bonn: Climate Change Secretariat (UNFCCC).

UNFCCC 2011: Report of the Conference of the Parties on its sixteenth session, held in Cancun from 29 November to 10 December 2010. Retrieved 16 Mar 2015, from <http://unfccc.int/resource/docs/2010/cop16/eng/07a01.pdf>.

UNFCCC 2014a: Building resilience in a changing climate: adaptation under the UNFCCC. Retrieved 15 Mar 2015, from <http://unfccc.int/timeline/>.

UNFCCC 2014b: Good practices in and lessons learned from national adaptation planning. Submissions from Parties and Nairobi work programme partner organizations. Subsidiary body for scientific and technological advice, forty-first session, Lima, 1–6 December 2014, item 3 of the provisional agenda “Nairobi work programme on impacts, vulnerability and adaptation to climate change”. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://unfccc.int/resource/docs/2014/sbstta/eng/misc08.pdf>.

UNFCCC 2014c: NAPAs received by the secretariat. Retrieved 16 Mar 2015, from http://unfccc.int/adaptation/workstreams/national_adaptation_programmes_of_action/items/4585.php.

UN-DESA 2011: The global social crisis. Report on the world social situation 2011. New York: UN-DESA.

UN-DESA 2014: World urbanization prospects: The 2014 revision. New York: United Nations.

UNDP 1994: Human development report 1994. New York: Oxford University Press.

UNDP 2011: Disaster–conflict interface–comparative experiences. New York: UNDP Bureau for Crisis Prevention and Recovery.

UNDP 2012a: Preventing crisis, enabling recovery: BCPR annual report 2011. Bureau for Crisis Prevention and Recovery. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.undp.org/content/dam/undp/library/crisis%20prevention/BCPRAR2011_final.pdf.

UNDP 2012b: Reducing vulnerability to climate change by establishing early warning and disaster preparedness systems and support for integrated watershed. Rwanda case study. New York: UNDP.

UNDP 2013a: Human development report 2013: the rise of the South. Human progress in a diverse world. New York: UNDP.

UNDP 2013b: Preventing crisis enabling recovery. A review of UNDP’s work in conflict and disaster-affected countries: 2012. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.undp.org/content/dam/undp/library/crisis%20prevention/BCPR_isuu-sm.pdf.

UNDP 2014: Preventing crisis enabling recovery. 2013 in review: UNDP’s work in countries affected by conflict and disaster. Retrieved 08 Apr 2015, from http://www.undp.org/content/dam/undp/library/crisis%20prevention/UNDP_CPR_Annualreport2013.pdf.

UNDP-ALM 2014: Supporting LDCs to advance National Adaptation Plans (NAPs). Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.undp-alm.org/projects/naps-lDCs/country-initiatives>.

UNDP-UNEP 2011: Mainstreaming poverty–environment linkages into development planning: a handbook for Practitioners. New York: UNDP-UNEP.

UNEP 2007: Sudan: post-conflict environmental assessment. Nairobi: United Nations Environment Program (UNEP).

UNEP 2009: From conflict to peacebuilding. The role of natural resources and the environment. Nairobi: UNEP.

UNEP 2011a: Drought and potential conflict scenarios in Northern Kenya and other arid lands. A Situational Report. In: Situation Report 1:1, pp 1–6.

UNEP 2011b: Livelihood security, climate change, migration and conflict in the Sahel. Geneva: UNEP.

UNEP 2012a: Global environment outlook GEO 5. Environment for the future we want. Nairobi: UNEP.

UNEP 2012b: Policy implications of warming permafrost. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.unep.org/pdf/permafrost.pdf>.

Xie, Yu and Xiang Zhou 2014: Income inequality in today's China. In: Proceedings of the National Academy of Sciences 111:19, pp 6928–6933.

Yifu Lin, Justin 2012: Youth bulge. A demographic dividend or a demographic bomb in developing countries? Retrieved 10 Dec 2014, from <http://blogs.worldbank.org/developmenttalk/youth-bulge-a-demographic-dividend-or-a-demographic-bomb-in-developing-countries>.

Yongo, E. O.; R. O. Abila and C. Lwenya 2011: Emerging resource use conflicts between Kenyan fishermen, pastoralists and tribesmen of Lake Turkana. In: Aquatic Ecosystem Health & Management 13:1, pp 28–34.

Zarfl, Christiane; Alexander E. Lumsdon; Jürgen Berlekamp; Laura Tydecks and Klement Tockner 2015: A global boom in hydropower dam construction. In: Aquatic Sciences 77:1, pp 161–170.

Zawahri, Neda A. 2014: Refugee rehabilitation and transboundary cooperation: India, Pakistan, and the Indus River system. In: Nakayama, Mikiyasu; Troell, Jessica; Weinthal, Erika (eds.): Water and post-conflict peacebuilding. Shoring up peace. London: Earthscan.

Wolf, Aaron T.; Shira B. Yoffe and Mark Giordano 2003: International waters: indicators for identifying basins at risk. In: Water Policy 5:1, pp 29–60.

World Bank 2010: Egypt's food subsidies: benefit incidence and leakages. Washington, DC: World Bank

World Bank 2011: World Development Report 2011. Conflict, security and development. Washington, DC: World Bank.

World Bank 2013: Special themes for IDA17: IDA resource mobilization department - concessional finance and global partnerships. Washington, DC: International Development Association (IDA).

World Bank 2014a: Commodity markets outlook October 2014. Retrieved 24 Nov 2014, from http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/GEP/GEPcommodities/commodity_markets_outlook_2014_october.pdf.

World Bank 2014b: Myanmar: Rice price volatility and poverty reduction. Retrieved 16 Feb 2015, from http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDS/IB/2014/11/24/000470435_20141124091447/Rendered/PDF/896870WOP1449OrtyoReductionReport.pdf.

World Bank 2014c: Urban development overview. Retrieved 09 Jan 2015, from <http://www.worldbank.org/en/topic/urbandevelopment/overview>.

World Bank 2014d: Commitments, IBRD/IDA. Retrieved 21 Dec 2014, from <http://data.worldbank.org/indicator>.

World Bank 2015a: Climate change knowledge portal. Egypt. Retrieved 30 Mar 2015, from <http://sdwebx.worldbank.org/climateportal/>.

World Bank 2015b: Commodity markets outlook. Retrieved 18 Feb 2015, from http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/GEP/GEPcommodities/GEP2015a_commodity_an2015.pdf.

World Bank 2015c: World development report 2015: mind, society, and behavior. Washington, DC: World Bank.

World Economic Forum 2012: New models for addressing supply chain and transport risk. An initiative of the risk response network in collaboration with Accenture. Retrieved 10 Feb 2015, from http://www3.weforum.org/docs/WEF_SCT_RRN_NewModelsAddressingSupplyChainTransportRisk_IndustryAgenda_2012.pdf.

World Economic Forum 2014: Global risks 2014. Geneva: World Economic Forum.

World Economic Forum 2015: Global risks 2015. 10th edition. Geneva: World Economic Forum.

WWF 2012: How many species are we losing? Retrieved 09 Jan 2015, from http://www.panda.org/about_our_earth/biodiversity/biodiversity/.

- Watts, Robbie 2012:** Managing climate change and conflict in Mali. Retrieved 15 Feb 2015, from <https://www.ids.ac.uk/files/dmfile/LHcasestudy13-Mali.pdf>.
- WBGU 2007:** World in transition. Climate change as a security risk. Berlin: German Advisory Council on Global Change WBGU.
- Weir, Tony and Zahira Virani 2010:** Three linked risks for development in the Pacific Islands: climate change, natural disasters and conflict. Suva: The University of the South Pacific, Pacific Centre for Environment and Sustainable Development.
- Welton, George 2011:** The impact of Russia's 2010 wheat export ban. Oxford: Oxfam.
- Werrell, Caitlin E. und Francesco Femia (eds.) 2013:** The Arab Spring and climate change: a climate and security correlations series. Washington, DC: Center for American Progress.
- Wertz, Michael and Laura Conley 2012:** Climate change, migration, and conflict: addressing complex crisis scenarios in the 21st century. Washington, DC: Center for American Progress.
- WFP 2013:** The status of poverty and food security in Egypt: Analysis and policy recommendations. Preliminary Summary Report. Cairo: WFP.
- WFP 2015:** How climate change affects hunger. Retrieved 08 Apr 2015, from <http://www.wfp.org/climate-change>.
- WFP and Met Office 2012:** Climate impacts on food security and nutrition. A review of existing knowledge. Exeter: WFP; Met Office, Hadley Centre for Climate Prediction and Research.
- Wheeler, David 2011:** Quantifying vulnerability to climate change: implications for adaptation assistance. CGD working paper 240. Washington, DC: Center for Global Development (CDG).
- White House 2014:** Executive order - climate-resilient international development. Retrieved 08 Apr 2015, from <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2014/09/23/executive-order-climate-resilient-international-development>.
- Whiteman, Gail; Chris Hope and Peter Wadhams 2013:** Vast cost of Arctic change. In: *Nature* 499:1, pp 401–403.
- Whittington, Dale; John Waterbury and Marc Jeuland 2014:** The Grand Renaissance Dam and prospects for cooperation on the Eastern Nile. In: *Water Policy* 16:4, pp 595–608.
- Wilson, Emma und Emma Blackmore (eds.) 2013:** Dispute or dialogue? Community perspectives on company-led grievance mechanisms. London: International Institute for Environment and Development (IIED).
- WMO 2005:** Climate and land degradation. Geneva: World Meteorological Organization (WMO).
- Wolf, Aaron 1999:** Water and human security (AVISO 3). Victoria, BC: The Global Environmental Change and Human Security Project.
- USAID 2010:** Haiti country profile - property rights & resource governance. Retrieved 18 Feb 2015, from http://usaidlandtenure.net/sites/default/files/country-profiles/full-reports/USAID_Land_Tenure_Haiti_Profile.pdf.
- USAID 2012a:** Building resilience to recurrent crisis: USAID policy and program guide. Washington, DC: USAID.
- USAID 2012b:** Conflict assessment framework 2.0. Washington, DC: USAID.
- USAID 2012c:** Follow the water: emerging issues of climate change and conflict in Peru. Washington, DC: USAID.
- USAID 2014a:** Climate-resilient development. A framework for understanding and addressing climate change. Washington, DC: USAID.
- USAID 2014b:** Global alliance for action for drought resilience & growth. Retrieved 15 Jan 2015, from <http://globalallianceforaction.com/>: U.S. Agency for International Development.
- USAID 2014c:** Mali climate vulnerability mapping. African and Latin American resilience to climate change (ARCC). Retrieved 11 Feb 2015, from <http://www.ciesin.org/documents/Mali-CV-Mapping.pdf>.
- USAID 2015:** Climate change and conflict: an annex to the USAID climate-resilient development framework. Washington, DC: USAID.
- Valdes, Constanza 2011:** Brazil's ethanol industry: looking forward. Retrieved 09 Dec 2015, from <http://www.ers.usda.gov/media/126865/bio02.pdf>.
- Verité 2013:** Risk analysis of indicators of forced labor and human trafficking in illegal gold mining in Peru. Retrieved 26 Mar 2015, from http://www.verite.org/sites/default/files/images/Indicators%20of%20Forced%20Labor%20in%20Gold%20Mining%20in%20Peru_0.pdf.
- Vivekananda, Janani 2011:** Practice note - conflict-sensitive responses to climate change in South Asia. London: International Alert.
- Vivekananda, Janani; Dan Smith and Janpeter Schilling 2014:** Understanding resilience in climate change and conflict affected regions of Nepal. In: *Geopolitics* 19:4, pp 911–936.
- Waizenegger, A. and J. Hyndman 2010:** Two solitudes: post-tsunami and post-conflict Aceh. In: *Disasters* 34:3, pp 787–808.
- Waldman, Matt 2008:** Community peacebuilding in Afghanistan: the case for a national strategy. London: Oxfam.
- Wamugi, Isaac and Julius Muchemi 2011:** Strengthening community managed drought risk reduction in Northern Kenya and Southern Ethiopia. Nairobi: European Commission; Cooperazione Internazionale.

قردانی

از شرکت‌کنندگان در مصاحبه، کارشناسان، و شرکت‌کنندگان در نظرسنجی برای اختصاص وقت و طرح نظرات خود سپاسگزاریم، همچنین از سازمان‌هایی که به ما در ترتیب دادن مشاوره‌هایمان کمک کردند (Fundacion Futuro Latinoamericano (FFLA – دواستان زمین در خاورمیانه، مؤسسه بین‌المللی توسعه پایدار، و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد. همین طور از ابتکار نانسن به دلیل فراهم آوردن امکان شرکت ما در مشاوره‌ی منطقه‌ای آن تشکر می‌کنیم.

ادلفی (adelphi) یک اتاق فکر و مشاوره‌ی سیاست عمومی در زمینه‌ی محیط زیست، توسعه و سیاست خارجی، مستقر در برلین است. این نهاد، با 130 کارمند، ارائه‌دهنده‌ی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تحلیل‌های سیاست استراتژیک با کیفیت بالا، و مشاوره و آموزش در زمینه‌ی سیاست عمومی است. همچنین تسهیل‌کننده‌ی گفت‌وگو برای دولت‌ها، شرکای توسعه و سازمان‌های بین‌المللی است.

International Alert سازمان اروپایی پیشرو در ایجاد صلح، با نزدیک به 30 سال تجربه در پی‌ریزی صلح در آسیا، آفریقا، اوراسیا، خاورمیانه و امریکای لاتین است. این نهاد یکی از اولین سازمان‌های غیردولتی بود که به تحقیق، تحلیل و هدایت تفکر نوآورانه در مورد پیامدهای امنیتی تغییرات اقلیمی، به ویژه در کشورهای آسیب‌پذیر پرداخت.

Wilson Center فضایی کاملاً غیرحزبی برای تعامل جهان سیاست‌گذاری و جهان پژوهش علمی فراهم می‌کند. این نهاد، با انجام تحقیقات مرتبط و به‌موقع و ترویج گفت‌وگو از همه‌ی زوایا، به چالش‌های مهم کنونی و نوظهور پیش روی ایالات متحده و جهان می‌پردازد.

مؤسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا (EUISS) یک آژانس مستقل در این اتحادیه است که با تحلیل مسائل سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی سروکار دارد. مأموریت اصلی این مؤسسه فراهم آوردن مجال تحلیل و بحث و تبادل نظر در جهت سیاست‌گذاری هرچه قوی‌تر در اتحادیه اروپا است، و به عنوان رابط میان متخصصان اروپایی و تصمیم‌گیرندگان در تمام سطوح عمل می‌کند.

تأمین مالی این گزارش بر عهده‌ی وزارت امور خارجه‌ی جمهوری فدرال آلمان، وزارت امور خارجه‌ی بریتانیا، دولت ایالات متحده از طریق آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده، وزارت امور خارجه‌ی فرانسه، و اتحادیه‌ی اروپا بوده است.





www.newclimateforpeace.org